

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان: نظام نامه جامع مسجد

نویسندگان: محمد حسین شاه آبادی، محمد جواد نوروزی اقبالی
حمید درویشی شاه کلایی، حمیدرضا قنبریان گوارشکی، بشیر خالقی پور
محسن احمدی، مهدیه احمدی، مجید یوسفی، شعیب یاری
ناشر: پژوهشکده شهید صدر، مرکز مطالعات راهبردی ژرفا
طراحی جلد و صفحه آرایی: استودیو هنری رایت
نوبت چاپ: زمستان ۱۴۰۰

نشانی: بزرگراه رسالت شرق، خ رشید، خ نوکار، ک صادقی ۱۱۳، پ ۱۱۲

«کلیه حقوق، اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این اثر
برای پژوهشکده شهید صدر، مرکز مطالعات راهبردی ژرفا محفوظ است.»





(مسجد از گذشته تا آینده)

پژوهشکده شهید صدر، مرکز مطالعات راهبردی ژرفا
زمستان ۱۴۰۰



پیشگفتار.....	۷
فصل اول (تاریخ مسجد در ایران معاصر).....	۱۱
۱. مروری بر نقش مسجد در تاریخ ایران.....	۱۵
۲. وضعیت مساجد ایران پیش از انقلاب اسلامی.....	۲۱
۳. وضعیت مساجد ایران پس از انقلاب اسلامی.....	۶۰
فصل دوم (وضع موجود مساجد ایران).....	۱۲۳
مقدمه.....	۱۲۵
الف) آمار و اطلاعات مساجد.....	۱۲۷
ب) توصیف کارکردی عموم مساجد جامعه ایران.....	۱۳۶
ج) نظام مسائل مرتبط با وجوه مسجد.....	۱۴۳
د) آسیب شناسی وضع موجود.....	۱۴۸
ه) قوانین و مقررات مربوط به مساجد.....	۱۶۶
و) سازمان های مرتبط با مسجد.....	۱۸۸
ز) جمع بندی تحلیل وضعیت مساجد ایران.....	۱۹۵
فصل سوم (مساجد ایران در قاب آینده).....	۱۹۷
آینده پژوهی مساجد ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛.....	۱۹۹
تحلیل لایه ای علت ها با تأکید بر لایه ی گفتمانی.....	۱۹۹
مقدمه.....	۱۹۹
آینده پژوهی.....	۲۰۰
تحلیل لایه ای علت ها.....	۲۰۲
آینده پژوهی در افق گام دوم انقلاب اسلامی.....	۲۰۸
منابع.....	۲۳۰

پیشگفتار

در نگاه تمدنی به اسلام، دو نهاد انسان ساز و جامعه ساز وجود دارد که کمال جامعه را به ارمغان می آورد. این دو عبارتند از خانواده و مسجد. اگرچه انقلاب اسلامی با استفاده از این دو سرمایه توانست به پیروزی برسد و کلمه حق را در حد توان حاکم سازد، ولی به خاطر عواملی چون سیطره تمدن پوشالی غرب و وجود غرب پرستان داخلی نتوانست به آن تمدن آرمانی برسد و وظیفه خود را نسبت به این دو نهاد مقدس یعنی خانواده و مسجد به نحو احسن انجام دهد.

نتیجه این کوتاهی آن شده است که اگرچه در آغاز انقلاب، جوانان و نوجوان روز و شب خود را در مسجد می گذراندند و در مسجد تربیت می شدند و از مسجد به

جبهه‌های نبرد علیه استکبار جهانی عزیمت می‌کردند، اما در دهه‌های بعد رفته رفته این قدرت کم شد، به طوری که در دهه ۷۰ تفکر لیبرال گسترش یافت و رقبای کاذبی برای مسجد ساخته شد. در دهه ۸۰ مسجد با نوعی رهاشدگی مواجه شد و در نتیجه، فعالیت‌های فرهنگی عموماً به شکست انجامید تا این که در دهه ۹۰ و مخصوصاً در سال‌های آخر منتهی به کرونا، عزم جدیدی برای بازگشت به مسجد پدید آمد و دوباره تحرکات مناسبی برای رسیدن به جامعه مسجدمحور ایجاد شد.

با این وجود هنوز هم مساجد خالی از جوانان و نوجوانان نسل جدید هستند و شاید همان‌ها که سی سال پیش مسجدی بوده‌اند، الان در کهولت سن اعضای اصلی مسجد شده‌اند. این نکته، صرفاً یک آمار جمعیتی نیست بلکه زنگ خطری برای تربیت نسل آینده و فرهنگ برساخته از آن در دهه‌های آینده است. جوانانی که در فرهنگسراها و سینماها و پارک‌ها تربیت می‌شوند مسلمان نسبت کمتری با آرمان‌های انقلاب اسلامی برقرار می‌کنند و فایده‌مندی کمتری دارند.

بنابراین به نظر می‌رسد که همه آحاد جامعه و در رأس آن‌ها نهادها و مسئولین کشور باید بازنگری جدی در وظایف و ماموریت‌های خود بکنند و یکی از مهم‌ترین ماموریت‌هایشان را ساماندهی به وضعیت مسجد قرار دهند تا ان‌شاءالله بازگشتی دوباره به مسجد توسط نسل نو اتفاق بیفتد.

این پژوهش بر اساس نظریه «امام و امت» که به تفصیل توضیح داده شده، سعی کرده نقش مسجد را در مرحله چهارم تمدن نوین اسلامی یعنی «جامعه‌سازی» و «جامعه‌پردازی» تعریف کند و سپس با بررسی وضعیت موجود مسجد و تحلیل راهبردها و سیاست‌ها، به سرمایه انسانی، ساختار و سازه مسجد بپردازد و در نهایت کارکردهای آن را بر مبنای دو کارکرد اصلی «هدایت» و «تقویت اخوت» تشریح نماید. در این راستا به تاریخ نگاری مسجد در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی پرداخته و با تجربه‌نگاری مساجد موفق سراسر کشور توانسته آینده مسجد را بررسی کند.

از جمله دستاوردهای ارزشمند این نظام‌نامه آن است که نظام شاخص ارزشمندی را تدوین کرده تا به وسیله آن بتوان به مسجد مطلوب رسید و یا حداقل بتوان فاصله

مساجد امروز تا مسجد مطلوب را اندازه گرفت. دستاورد بالاتر، ایده‌های تحولی است که با مشورت نخبگانی هیأت اندیشه‌ورز و تحلیل نظام مسائل حاصل شده و گام‌های بعدی را مشخص کرده است. بنابراین پژوهش حاضر مقدمه‌ای است برای عملیاتی کردن ایده‌های تحولی که به موجب آن‌ها جهشی در وضعیت مساجد و جایگاه آن‌ها پدید می‌آید و به یاری خدا مسجد محور جامعه‌سازی در محله خواهد شد. البته در کنار این نتیجه ارزشمند؛ مقالات، کتاب‌ها، کرسی‌های نظریه‌پردازی، دوره‌های آموزشی و خدمات مستشاری نیز ارائه خواهد شد تا اهداف علمی و عملی این مطالعه محقق شود، ان شاءالله.

بر خود لازم می‌دانم که از گروه مرکزی مسجد در پژوهشکده شهید صدر و مرکز مطالعات راهبردی ژرفا یعنی برادران حمید درویشی، محمد جواد نوروزی اقبالی، بشیر خالقی پور و حمیدرضا قنبریان گوارشکی تشکر ویژه به جای آورم. هم چنین برادران و خواهرانی بالغ بر ۲۰ نفر در انجام پژوهش‌های جزئی‌تر ما را یاری کردند که به رسم ادب نام چند تن از آنان را به رشته تحریر در می‌آورم: برادران محسن احمدی، مصطفی کوچکزایی، صادق سبحانی، طه رمضانی، محسن حقیقی، محمدحسین بخشی‌زاده، حمید توانا، یوسف یوسفی، علیرضا شریف، محمد عباسی، محمد جواد ابری و سرکار خانم مهدیه احمدی.

از خدای متعال می‌خواهم به لطف خودش و آبروی پیامبر اعظم و خاندان پاکش، همه ما را خادم خانه‌اش قرار دهد و این تلاش‌ها را در میدان عمل منشأ اثر قرار دهد که اگر غیر از این باشد، جز خسران فایده‌ای نخواهد داشت.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

محمد حسین شاه آبادی

اندیشکده مسجد

پژوهشکده شهید صدر- مرکز مطالعات راهبردی ژرفا



در عصر تحول شگرف ارتباطات قرار گرفته‌ایم، عصری که از آن به «عصر دهکده‌ی جهانی» یاد می‌شود، نه می‌بایست یکسره مرعوب این تحولات شد و نه از کار فرهنگی تبلیغی و ارتباطی عظیمی که در این مقطع حساس تاریخی بر دوش مبلغان و علما و خطبا و عناصر فرهنگی نهاده شده است، غفلت ورزید. ماندگاری فرهنگ اسلامی به حفظ این تلاش و افزوده‌تر شدن بستگی تام پیدا کرده است. در دنیای ارتباطات، تحولات تکنیکی یک پایه‌ی این تحول محسوب می‌شوند، ولی دنیا با فروپاشی مکتب‌ها و بحران فرهنگی و انحطاط اجتماعی، پیام و فرهنگی درست برای رفع نیازهای انسان معاصر در دست ندارد. اهمیت اسلام و فرهنگ آن و توجه یکجا به نقش رسانه‌های امروزی و مساجد به عنوان مدل ارتباطی و رسانه‌ای سنتی در جوامع اسلامی، نباید نادیده انگاشته شود.

کارکرد رسانه‌ی ارتباط جمعی، با همه‌ی تحولات تکنیکی، زمانی قرین توفیق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب خود برقرار سازد. مساجد در پیشرفت و پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷، نشان دادند که می‌توانند چنین ارتباطی را برقرار ساخته و نقش هدایتی و رسانه‌ای خود را ایفا کنند. ویژگی‌های منحصر به فرد مسجد، در قالب پایگاه‌های ارتباطی مهم به هیچ وجه نباید در دنیای امروز فراموش شود، بلکه این پایگاه همواره می‌تواند در تقویت فرهنگ شنیداری و دیداری مردم و مخاطبان‌شان بسیار مؤثر باشد؛ ماندگاری فرهنگ اسلامی تاکنون به لحاظ پویایی و تحرک این کانون‌های سازماندهی حرکت‌های اجتماعی و توده‌ای مردم بوده است. در آینده هم یکی از عوامل و متغیرهای مهم این ماندگاری ما تحرک همین پایگاه‌هاست. برای این فهم اتفاق لازم است تاریخ معاصر مسجد به دقت بررسی شود تا بتوان مسجد را برای آینده سنگر اصلی جامعه اسلامی و پایگاه وحدت و اخوت به شکل عملی قرار داد.

دوره مبارزات انقلابی علیه رژیم ستمشاهی پهلوی در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مقاطع فراموش نشدنی و بی نظیر تاریخ ایران و خود یک مقطع تاریخی بسیار مهم است. پس از سال‌ها تلاش مداوم و سرسختانه از سوی امام خمینی رحمة الله علیه و یاران امام و فعالان انقلابی همچون مرحوم طالقانی، شهید بهشتی، شهید مطهری، دکتر علی شریعتی، شهید مفتاح، مرحوم بازرگان و... در تنویر افکار عمومی مردم ایران، به مبارزه با دستگاه حاکم پرداخته و تا سرنگونی کامل، دست از حمایت و پیروی رهبر نهضت اسلامی برنداشتند و بنابر فرموده ایشان «...روحانیت را از انزوا خارج کردند».

اما با نگاهی به تاریخ و نحوه کنش و واکنش بین حکومت و مردم چنین دریافت می‌شود که محدودیت‌هایی که رژیم پهلوی به پشتوانه حمایت و کمک کشورهای استکباری جهان، علیه مردم و روحانیون اعمال می‌کردند، فشار طاقت فرسایی بر پیکره مبارزات وارد می‌ساخت و علی‌القاعده می‌بایست امکان هر گونه فعالیت موثر را از بین می‌برد. در این میان یک پایگاه قوی می‌بایست نقش آفرینی می‌کرد تا مانند حلقه وصلی برای زنجیره اندیشمندان و روحانیت مبارز با توده‌های مردم باشد و بستر

مقاومت و مبارزه علیه حاکمیت تحقق می یافت. این پایگاه موثر، مسجد بود و بدون وجود آن، نظام یکپارچه مبارزات انقلابی شکل نمی گرفت. مسجد با ظرفیت بالای خود توانست در حوزه های گوناگون مورد نیاز برای جهاد علیه ظلم و استکبار، نیازها و خلائای متنوع مبارزان انقلابی را از حیث نظامی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و... ساماندهی کند. پس از شکل گیری جمهوری اسلامی، دیگر بار، این مساجد بودند که برای مدیریت جامعه نوپای اسلامی به مدد انقلاب پرداختند.

پس از آن نیز در ادوار مختلف، مساجد در حوزه های گوناگون و در رفع نیازها و ترمیم آسیب ها نقش آفرینی نموده است.

در این بخش از نوشتار، تلاش می شود که به مناسبت گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، به بررسی کارکردها، توانمندی ها و ظرفیت های کانون بزرگ دین اسلام یعنی "مسجد"، در پیروزی نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی رحمة الله علیه و نیز حفظ و حراست از ثمره آن تاکنون پرداخته شود.

۱. مروری بر نقش مسجد در تاریخ ایران

مساجد در طول تاریخ، افزون بر نیایش گاه، کانون فعالیت های مسلمانان محسوب شده و در طول تاریخ کارکردهای متنوعی را ارائه کرده اند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از روزگاران نخست دعوت به دین اسلام به این پایگاه معنوی توجه ویژه ای داشتند و مسجد نقش مهمی در زمینه سیاسی- نظامی و ترویج فرهنگ از خودگذشتگی داشته است.

اگر نگاهی به عملکرد مسجد در صدر اسلام بیندازیم، در می یابیم که پیامبر اسلام مسجد را محور بسیاری از کارهای تبلیغی، فرهنگی، آموزشی، قضایی و... قرار داده بود. آن حضرت، به مسجد، تنها به عنوان پدیده جغرافیایی و مکانی نمی نگریست، بلکه اندیشه ای بسیار فراتر و بالاتر از دیدگاهی صرفاً مکانی به آن داشت.

در گذشته مراکز فرهنگی و آموزشی که امروزه رایج هستند مانند کتابخانه، مدرسه، مکتب خانه، دانشگاه و... در مسجد شکل گرفته و سامان دهی می شد. به تدریج در طول سالیان، بنا به دلایلی همچون افزایش جمعیت و بیشتر شدن متقاضیان،

مساجد در برخی موارد گنجایش این امور را نداشت و در کنار مسجد به طور مستقل برخی مراکز فرهنگی و آموزشی ایجاد شد. در واقع، مساجد عامل اصلی و پیشتاز در تأسیس و راه‌اندازی مراکز فرهنگی و آموزشی بوده است و تمامی این مراکز مکمل و از اجزاء و عناصر وابسته به مسجد محسوب می‌شدند.

نمونه این مساجد که مبادرت جدی بر امر آموزش در آن می‌شده است در ایران اسلامی فراوان به چشم می‌خورد و ایرانیان در استفاده آموزشی از این مساجد، اگرچه فضل تقدم را از آن خود نداشتند، اما بسیار سریع دست به کار شدند. در قرن اول هجری، مسجد آدینه سیستان ساخته شد و حسن بصری در آن به آموزش پرداخت. در اواخر همان قرن، مسجد جامع بخارا پای گرفت و حلقه‌های درس در آن تشکیل شد. در قرن‌های بعد، نمونه این مساجد در نیشابور، همدان، کرمان، یزد، قزوین، شیراز، اصفهان و حتی بخش‌ها و شهرهای درجه دوم چون بردسیر کرمان تأسیس شد و مورد استفاده عالمان و متعلمان قرار گرفت.

صاحب عباد می‌نویسد: یکی از مراکز معتبر علمی - اسلامی در مرکز ایران، شهر تاریخی اصفهان است که چهره‌های درخشان تاریخی و ادبی و شخصیت‌های بارز علمی همچون حمزه اصفهانی، ابن واضح یعقوبی، ابوالفرج اصفهانی، حافظ ابونعیم اصفهانی، راغب اصفهانی و وجود مساجد کهن و مراکز متعدد علمی نام این شهر را از همان سده‌های نخستین اسلام در تاریخ فرهنگ تمدن اسلامی به عنوان «دارالعلم شرق» شهرت داده است.

نیشابور، که یکی از مراکز مهم سیاسی و علمی خراسان بود، از این‌گونه مساجد بزرگ که در آموزش و پرورش از آن‌ها استفاده می‌شد، فراوان داشت؛ مانند مسجد «جامع منیعی» و مسجد «مطرزی» و مسجد «قدیم».

در بردسیر کرمان، مسجد بزرگی به نام «جامع تورانشاهی» وجود داشت و در آن کتابخانه‌ای دارای پنج هزار جلد کتاب بنا شده بود. در یزد، علاءالدوله کالنجار، از امرای دوره سلجوقی، مسجدی داشت که به «جامع قدیم» یا مسجد «قدیم جمعه» مشهور شده و تا دیرگاه - یعنی: حدود قرن نهم - مورد استفاده اهل علم بود.

استفاده از مساجد برای تشکیل کلاس‌های درسی در زمینه‌های فقه، اصول، تفسیر و کلام اکنون در حوزه‌های علمیه بزرگ و کوچک رایج است و علاوه بر جنبه‌های علمی، جنبه‌های تربیتی و اخلاقی در آن‌ها مد نظر استادان و طلاب می‌باشد (ضرابی، بی تا: ۲۲).

بنابراین در ایران، همزمان با ورود اسلام، مسجدها شکل گرفتند و پس از آن، یکی از نهادهای تأثیرگذار در زندگی مردم بودند. در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی-اجتماعی ایرانیان در دوره‌های مختلف نیز، مسجدها نقش بسیار مهمی ایفا کردند؛ مانند: قیام سربداران، نهضت مشروطه، قیام گوه‌رشاد و انقلاب اسلامی. مسجدها، در جایگاه یک نهاد سنتی بودند و قدمت ۱۴۰۰ سال داشتند.

تاریخ تکایا و حسینی‌ه در ایران

در طول سالیان دراز به تدریج در کنار مساجد، اجتماعات مذهبی دیگری نیز شکل گرفته و تاکنون نیز ادامه دارد که از سویی برخی کارکردهای مذهب را بدست آورده و به جامعه می‌بخشد. از جمله آنها وجود شکل‌گیری و تاسیس تکایاست.

«تکیه دولت» از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تکایای اولیه ایران بود که در عصر ناصرالدین شاه بنا شده و دارای معماری ارزشمند و رواج تعزیه‌خوانی در دو نوبت عصر و شب بوده است. این تکیه سه طبقه و با سقف چادری از جنس کرباس بر روی اسکلت چوبی بوده که در آن اتفاقات مهم سیاسی و تاریخی مانند تصمیماتی در مورد ضرب سکه، تشییع ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و مجلس مؤسّسین و... در آن اتفاق افتاد. پس از ناصرالدین شاه این تکیه روبه‌ویرانی نهاد و سرانجام در محل آن بانک ملی کشور بنا شد.

در ایران همزمان با گسترش حسینیّه‌سازی، تکیه‌سازی هم گسترش یافت. در آن زمان تکیه فقط جای شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی بود. بیشترین تکیه‌سازی در دوران ناصرالدین شاه انجام شد و در دوران وی ۵۴ تکیه در تهران دایر بود و در انتهای سلسله قاجاریه تعداد تکایای تهران به ۹۵ تکیه رسید.

با بررسی اسناد تاریخی می‌توان خاستگاه تکایا را در این سه مورد خلاصه نمود:

برخی تکایا در ابتدا بقعه و آرامگاه و مقبره بزرگان و مشایخ و صالحان بود و سپس به تکیه تغییر یافت؛ مثل تکیه هفت‌تن، تکیه پهلوان شریف.

برخی تکایا در گذشته کاروانسرا بودند و کم کم به مکانی برای تعزیه خوانی و عزاداری تبدیل شدند؛ مثل تگّیه حمام خانه.

گروهی دیگر از تکایا در دوران زندیان فقط با هدف تعزیه خوانی ساخته شدند؛ مثل تگّیه حاج میرزا آقاسی.

تگّیه‌ها بر چهار پایه اساسی ساختار می‌یافتند. مرکز شهر، مرکز محلّه، عنصر ارتباط‌دهنده، گذر اصلی و میدان. برخی از آنها در طول سال غیر فعال بودند و از آنها برای خشک کردن و نگهداری کردن و انبار نمودن برخی محصولات کشاورزی و خواربار استفاده می‌کردند. در ایام عزاداری محرم و صفر با همبستگی اهالی شهر یا محلّه، تکایا تمیز می‌شد و چادر عزا برافراشته می‌گردید. اجزای بیشتر تکایا شامل سگّو در وسط، ساختمانی بدون سقف و ساختمانی مسقف، حیاط آن دارای شبی می‌لایم برای ورود و خروج اسب‌ها، جای نشستن بچه‌ها و زنان، چند مدخل، طاق‌نماها، جایی برای نشستن مردان تماشاگر، غرفه‌های رختکن برای تعزیه‌خوانان بود. از اسباب درویشی مانند کشکول، تسبیح، منتشا، پوست‌تخت، وصله‌ها و برخی اشعار محتشم کاشانی، برای تزئین تگّیه‌ها استفاده می‌کردند. تگّیه‌سازی در دوران قاجار رواج داشت و برخی تگّیه‌ها کارکردی سیاسی داشتند. برخی تکایا جنبه شاهی و دولتی و برخی جنبه اعیانی و اشرافی و برخی عادی در شهر و روستا بودند.

بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۷۰۷ تگّیه در ایران وجود دارد که مازندران بیشترین تعداد با ۱۱۳۵ تگّیه و استان تهران ۵۸ تگّیه را دارا هستند. تگّیه‌های مازندران دارای یک ویژگی خاصی هستند که آنها را با دیگر تکایا متمایز می‌کند. در تکایای مازندرانی، سقّانفار سقّانپار یا ساقی‌نفار احداث می‌شود که بنای بیشتر آنها ساده و چهارگوش و از جنس چوب بوده و بر اساس زندگی ساده و بی‌پیرایه دامداری و کشاورزی ساخته می‌شود و دارای پلکان چوبی و برخی منبت‌کاری‌های ساده در اطراف آن است. این بناها نذر حضرت ابوالفضل، سقّای کربلا، بوده و زیاتگاه محسوب می‌شوند و در پای این بناها قربانی می‌کنند. همچنین بیشتر سفره‌ها و مراسم‌های منتسب به آن حضرت به قصد قربت در همین مکان برگزار می‌شود. در این مکان برخی امور مربوط به سیراب نمودن عزاداران تشنه در مراسم‌های محرم و دستجات با طبخ چای، تهیه

و توزیع شربت و سایر نوشیدنی‌ها بر حسب وضعیت آب و هوا، برای عزاداران انجام می‌شود.

دسته‌های عزاداری امام حسین در شکل جدید، نخستین بار در سال ۳۵۲ ق به وجود آمدند. به دستور معزالدوله، در عاشورای سال ۳۵۳ ق عزای عمومی اعلام شد و از مردم خواسته شد که با پوشیدن جامه سیاه، اندوه خود را نشان دهند. در عاشورای سال ۳۵۲ ق نیز گریه و ندبه برای امام حسین و نوحه‌خوانی و برپایی ماتم برای آن امام برگزار گردید. با روی کار آمدن دولت صفویّه و تغییر مملکت به صورت کشوری شیعه و مقتدر، سرودن شعر در مدح و رثای ائمه (ع) و شهدای کربلا برای شاعران افتخاری بس بزرگ محسوب می‌شد و این تأثیری فراوان بر آینده آیین سوگواری محرم گذارد.

در طول دوره صفویه شکل مهم و معروف دیگری از نمایش مذهبی پدید آمد که در ارتباط با واقعه کربلا و شهادت امام حسین و یارانش بود. غالب این داستان‌ها از کتاب «روضه الشّهداء» گرفته می‌شد و از اوایل سده شانزدهم در میان شیعیان به گونه‌ای گسترده انتشار یافت. از این زمان به بعد تگّیه‌ها و حسینیه‌ها و موقوفات مربوط به عزاداری امام حسین در ایران شکل گرفت و در سراسر کشور گسترش یافتند. با این حال حسینیه، از دوره قاجار تثبیت شده است، چنان‌که تاریخ بنای حسینیه‌های مهم و معروف نیز تاریخی قدیم‌تر از آن را نشان نمی‌دهد.

در گذشته حسینیه‌ها سرپوشیده نبودند و در واقع شبیه تکایا بودند. همچنین در برخی موارد واژه حسینیه و تگّیه به یک محلّ واحد و مشابه اطلاق می‌گردید. متأسفانه در دهه‌های اخیر حسینیه‌های سرپوشیده با عملکرد مشابه مسجد در برخی شهرها و روستاها ساخته شده‌اند. برخی از حسینیه‌ها (مثل حسینیه‌های شهر کربلا) فقط در حکم زائرسرا بودند. اکنون برخی از حسینیه‌ها به مجموعه‌ای وسیع اطلاق می‌شود که شامل مسجد، محلّ برپائی اجتماعات و سخنرانی، محلّ فعالیت‌های مختلف فرهنگی است. معروف‌ترین این حسینیه‌ها، حسینیه ارشاد تهران و پس از آن، حسینیه‌های یزد، نائین، شیراز و حسینیه‌های شمال کشور است. همه این حسینیه‌ها در دوران قاجاریه ساخته شدند. برخی از حسینیه‌ها دارای رواق، فضای سرپوشیده و فضای روباز، غرفه‌ها و ایوان‌های شاه‌نشین بودند.

متأسفانه با وجود برخی مساجد بزرگ و فعال، امروز حسینیه‌ها کارکردهای زیادی دارند. کارکرد اختصاصی حسینیه‌ها، برگزاری مراسم سنتی عزاداری و روضه‌خوانی، به‌ویژه برای امام حسین و یارانش و کارکرد عمومی‌شان، شامل برگزاری آیین‌های مذهبی و فرهنگی، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه، سکونت‌گاه موقت زائران در شهرهای زیارتی، تقویت روحیه همدلی و... است. تهران (در اواخر دهه ۱۳۴۰ش) حدود ۶۳۰ حسینیه داشته است. براساس آمار (۱۳۷۵ش)، ۷۵۲۸ حسینیه در ایران وجود داشته که بیش از ۱۱٪ کل اماکن دینی و مذهبی کشور را تشکیل می‌داد.

در گذشته نیز تفاوت تکیه و حسینیه این بود که خاستگاه اصلی تکیه‌ها پیوندی با اهل تصوّف و دراویش داشته و در تکایا سگویی قرار داشت که برفراز آن و گرادگرد آن تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی می‌کردند، ولی در حسینیه بیشتر به عزاداری و روضه‌خوانی سرور و سالار شهیدان در ماه‌های محرم و صفر می‌پرداختند. بنابراین، می‌توان گفت که تکیه معنای اعمّ دارد و همه مکان‌هایی مانند خانقاه، آرامگاه، درویشان و صوفیان و مکان‌های شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی را دربر می‌گیرد. حسینیه، برخلاف تکیه از ابتدا بر پایه عزاداری بنا شده و تنوع کمتری نسبت به تکیه دارد. تکایا به دوران قاجاریه برمی‌گردند، ولی حسینیه‌ها گاهی به دوره ایلخانی و بیشتر به دوران صفویه مربوط می‌شوند.

اولین بار شهری به نام شهر مهدیه در سال ۳۰۸ قمری توسط فاطمیان در کشور تونس در کنار خلیج قابس ساخته شد و سپس مسجدی به همین نام در آن شهر (مسجد مهدیه) بنا گردید. در ایران، استقبال گسترده مردم از جلسات سخنرانی مرحوم حاج شیخ احمد کافی و مراسم دعای کمیل و ندبه، باعث شد که وی ساخت مهدیه در تهران را پیشنهاد کند. او با کمک بازاریان خوشنام تهران و مردم، در سال ۱۳۴۸ در خیابان ولی عصر تهران، مهدیه‌ای بنا کرد که ساختمان اولیه آن پانزده هزار نفر را در خود جای می‌داد. مردم تهران و برخی شهرستان‌ها، در محافل این مهدیه، مشتاقانه شرکت می‌کردند. مهدیه تهران علاوه بر این، منشأ خدمات و خیرات ارزنده‌ای بود که بسیاری از آنها هم‌اکنون نیز ادامه دارد (اسلامپور، ۱۳۹۳: ۱۴-۲۱).

۲. وضعیت مساجد ایران پیش از انقلاب اسلامی

در مطالعه‌ی تاریخی برای فهم دقیق‌تر وضعیت سوژه، لازم است آن را در بستر رخدادهای اجتماعی و پدیده‌های موجود که ریشه در ادوار تاریخی دارد، موردبررسی قرار داد. مساجد ایران در سال‌های نزدیک به انقلاب اسلامی به دلایل مختلفی که به آن می‌پردازیم، هویت مؤثر اجتماعی خود را به تدریج از دست داده بودند و صرفاً با کارکردی نیایشی شناخته می‌شدند. آنچه در اسناد تاریخی قابل بررسی است، توجه به این نکته مهم است که مساجد ایران در این سال‌ها، با مشکلاتی درزمینه‌ی تأمین منابع مالی مواجه‌اند، سرمایه‌های اجتماعی و بسیاری از کارکردهای پیشین خود را از دست داده‌اند و از صحنه‌های نقش‌آفرینی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دور هستند، بنابراین اساساً در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و این مسائل و کاستی‌ها در سال‌های اولیه‌ی انقلاب اسلامی تداوم دارد.

مسجد در دوران پهلوی اول

تحولات در جامعه‌ی ایران قرن بیستم همواره به نحوه‌ی بارزی انعکاس یافته و تحولات سیاسی مانند انقلاب مشروطیت، روی کار آمدن خاندان پهلوی و انقلاب اسلامی و تحولاتی که بعد از انقلاب اسلامی رخ داده است، هر کدام زمینه‌ی ظهور گفتمان‌های مشخصی درباره‌ی دین و مراکز و سازمان‌های دینی ایجاد کرده است. تمامی تحولات اجتماعی و سیاسی ایران ارتباط تنگاتنگی با مقوله‌ی مذهب داشته زیرا مذهب همواره از دوره‌های باستان تا امروز یکی از مهم‌ترین بسترهای سازنده‌ی هویت ایرانی بوده است.

مواجه ایران با دنیای مدرن و تعارض‌ها و تقابل‌های میان سنت و مدرنیته بیش از هر جای دیگر در تقابل دین و مدرنیته تبلور یافته است و نمایش آن در حوزه‌های مختلف از جمله مذهب و عمده مصداق آن مسجد نیز مشاهده گشته است. این تقابل زاینده آگاهی در هر دو گروه طرفداران سنت و طرفداران مدرنیته بوده است. این تقابل باعث شکل‌گیری گفتمان‌های متعدد لاییک، سکولار و مذهبی بین روشنفکران

و نخبگان فکری، سیاسی و فرهنگی از طیف‌های مختلف با شدت وضع‌های گوناگون شده است (فاضلی، ۱۳۸۷: ۷).

از دوره احمدشاه تا پایان حکومت رضا شاه را می‌توان دوره فترت و مهجوریت و مظلومیت مساجد نام نهاد، زیرا علاوه بر تهی شدن از آبادانی ظاهری از آبادانی باطنی که عبارت است از حضور فعال مردم متدین در آن و فعالیت در جهت تذهیب، آموزش و نشر و گسترش اسلام و مقابله با دشمنان دین و تشریک مساعی در حل معضلات اجتماعی و سیاسی جامعه خالی گردیده و یا آثار کمی در آن به چشم می‌خورد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸: ۱۴).

در کشورهایی از نوع ایران بسط ارزش‌های لیبرالی براساس سیاست‌های مدرنیزاسیون که در دوره ی پهلوی صورت گرفت لزوماً به شکل الگوی مسجد لیبرالی در آمریکا منجر نشد. در این جا باید یاد آور شد که مهمترین تبلور گفتمان سکولار در ایران را در تلقی رسمی‌رژیم پهلوی از اسلام و دین می‌توان مشاهده کرد. رضا شاه را می‌توان آغازکننده سیاست‌ها و اقدامات عملی دولتی برای دور کردن دین از عرصه سیاست و همچنین محدود ساختن نهادهای دینی مانند مسجد در جامعه دانست. تأسیس قوه ی قضاییه و استقلال کامل آن از نهاد روحانیت، گسترش آموزش و پرورش و نظام مدرسه ای جدید و برچیدن نظام مکتب خانه و روش‌های آموزش سنتی مبتنی بر تعالیم دینی، واگذاری مناصب و پست‌های اداری و سیاسی به غیرروحانیون و محدودسازی روحانیون برای ورود به سیاست، جلوگیری از هنجارها و نمادهای دینی مانند کشف حجاب، ایجاد آزادی برای هنجارهاشکنی‌های دینی خلاف شرع مانند آزادی شراب‌فروشی‌ها، اشاعه‌ی فرهنگ تعامل دو جنس مخالف بدون ملاحظه‌ی محدودیت‌های شرعی و امثال این‌ها. رضا شاه و بعد محمد رضا شاه سیاست‌های سکولاریزاسیون و مدرنیزاسیون را پذیرفته بودند و در این رویکرد نهاد مسجد نیز اگر چه می‌توانست آزادانه به فعالیت خود ادامه دهد، فعالیت‌های آن بیشتر محدود به برگزاری آیین‌های عبادی نماز جماعت، مجالس ترحیم و سخنرانی‌ها و وعظ دینی به دور از انگیزه‌ی سیاسی بود. در این رویکرد مسجد از عرصه‌ای عمومی دور شده است و کمترین مشارکت در سیاست را دارد. البته نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که روشنفکران و طبقه‌ی متوسط جدید شهرنشین ایرانی که در نتیجه‌ی تحولات جدید با

ارزش‌های سنتی و دینی فاصله گرفته‌اند یا فهم لیبرالی و فردگرایانه از دین دارند، این گروه نیز مسجد را به شیوه‌ای لیبرالی و سکولار درک و فهم می‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۷: ۳-۵).

امام خمینی رحمة الله علیه در وصف مساجد در آن دوران اشاره نمودند: «اسلام در مساجد منزوی بود. با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند. در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک، این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده، این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله همان مسایل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسایل سیاسی اش بیشتر بوده. هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را. مع الأسف در دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی بعد از یک مدتی تا زمان ما، مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آن جا محکوم می‌شد. محکوم کردن اسلام به این نیست که کسی بگوید من اسلام را محکوم می‌کنم. محکوم کردن اسلام به این است که آن چیزی که اسلام می‌خواهد، در مسجد زیر پا گذاشته شد» (امام خمینی، ۱۸: ۶۶).

دکتر شریعتی نیز در این باره تاکید می‌کند: «اسلام را دو تکه کرده اند: یک تکه اش را به صورت احکام عبادی و مراسم و شعائر ناآگاهانه ی تکراری موروثی، برای عوام عقب مانده، در تکیه‌ها و روضه‌ها و دوره‌ها. یک تکه اش به صورت رشته‌های تخصصی علمی و مدرسه‌ها و به قول بعضی، برای «اهل فن»، «اسلام فنی»!!» (به نقل از زکریا، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

این نوع عملکرد مساجد در دوران پیش از انقلاب اسلامی دقیقاً مطابق برنامه ریزی نظام اجتماعی در آن برهه بوده است. به عبارت دقیقتر، مسجد به عنوان یک موسسه یا نهاد فرهنگی در نظام اجتماعی دوره پهلوی، بخشی از نظام فرهنگی برای ایفای کارکرد چهارم یعنی حفظ الگوی انگیزشی و ارزشی بودند. شاه که شعار رژیم پهلوی را «خدا، شاه، میهن» برگزیده بود و خود نیز به مکه، مشهد و قم و.. سفر می کرد و خود را فردی معتقد به مبانی اسلامی و شیعی می دانست، از مساجد انتظار داشت دعاگوی شاه به عنوان تنها حاکم سیاسی شیعه در جهان باشد، به عبادت به معنای اخص آن یعنی نماز و مانند آن بپردازند و کاری به حکومت و مسایل اجتماعی و سیاسی نداشته باشند (جمالزاده و امینیان، ۱۳۹۲: ۷).

حاکم در کشورهای اسلامی که اکثراً یا بر اثر کودتای نظامی (مانند سلسله پهلوی) یا بصورت ارثی و استبدادی روی کار آمده اند، قرار می گیرد. اکثر این دولتها بعلت نداشتن پشتوانه مردمی، وابسته اند و مذهب را برای حفظ مشروعیت خود به سان ابزار استفاده می کنند. نحوه کار این دولتها به صورت ساختن مسجد، اقامه نماز و برگزاری مجالس وعظ و سخنرانی برای دربار متجلی می شود که به سوگواری ائمه پرداختن و اطعام مردم در مسجد سپهسالار توسط شاه را می توان از آن جمله تصور نمود (بی نام، ۱۳۵۹: ۲۰).

مهمترین وقایعی که در این دوران اتفاق افتاد به شرح زیر می باشد:

۱. فاجعه‌ی خونین فیضیه

در سال ۴۲، به مناسبت سالروز شهادت امام صادق (علیه السلام)، در مدرسه‌ی فیضیه مراسم سوگواری بر پا شد. هنگام سخنرانی، صلوات‌های ناب‌جای مزدوران رژیم شاه باعث قطع سخنرانی و آغاز درگیری شد. مأموران امنیتی که بیرون مدرسه بودند، وارد میدان نبرد شدند و با سلاح گرم و سرد به مردم و طلبه‌ی بی‌دفاع حمله کردند. آن‌ها عده‌ی زیادی را کشتند و کتاب‌ها و وسایل شخصی‌شان را آتش زدند. فاجعه‌ی مدرسه‌ی فیضیه، که در آن انبوه مردم حضور داشتند، بی‌درنگ در سراسر ایران منتشر شد. پس از این اتفاق، امام خمینی «تقیّه» را حرام اعلام کردند، توطئه‌ی سکوت مقابل اعمال رژیم شاه را از دست آن‌ها گرفتند، مبارزه را وارد مرحله‌ی جدیدی کردند و اظهار حقایق را هر چند با زندان و شهادت همراه بود واجب دانستند (بی نا، ۱۳۸۳: ۱۳۷). در ادامه، مراسم چهل‌م شهادت فاجعه‌ی مدرسه‌ی فیضیه برای رژیم تحمل‌ناپذیر بود و به مراسم دیگری حمله کرد که آیت‌الله حکیم، به همین مناسبت، در مسجد ارگ تهران برگزار کرد (همان: ۱۳۹).

۲. راهپیمایی عاشورای ۱۳۴۲ (۱۳ خرداد ۱۳۴۲)

راهپیمایی عاشورا برای نشان‌دادن حضور مردم و اعلام موضع بر ضد سیاست‌های دولت بود. مقدمات کار را جمعیت مؤتلفه، با همکاری تعدادی از هیئت‌های عزادار، فراهم کردند. طبق برنامه قرار شد جمعیت مؤتلفه مردم را با

اعلامیه و اطلاع‌رسانی به دیگر هیئت‌ها به تجمع در مسجد حاج ابوالفتح دعوت کند. باتوجه به تجربه‌های گذشته، معمولاً رژیم یا به‌طور مستقیم جلوی برگزاری برنامه‌رامی‌گرفت یا عده‌ای از اراذل و اوباش‌رامی‌فرستاد تا آن‌ها برنامه‌را به هم بزنند (منصوری، ۱۳۷۶: ۵۵). در ساعت ۹ صبح روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، راهپیمایی با شرکت قشرها و افرادی از گروه‌های سیاسی مختلف، از مسجد حاج ابوالفتح- واقع در میدان قیام (میدان شاه سابق)- به طرف میدان بهارستان و مجلس شورای ملی، شروع شد. در ادامه نیز بر انبوه جمعیت افزوده شد؛ به‌گونه‌ای که شرکت چنین جمعیتی تا آن زمان بی‌سابقه بود (همان: ۱۵۶). در شهر مقدس قم نیز عصرگاه همان روز، امام خمینی با همراهی تعدادی از مردم وارد مدرسه‌ی فیضیه شدند و بیانات مهمی ایراد کردند که در تاریخ انقلاب اسلامی شهرت دارد (همان: ۱۵۹).

ارتباط بین مردم، عاشورا، مسجد و انقلاب اسلامی را هم می‌توان در گزارش‌های ساواک مشاهده کرد؛ برای مثال کمیته‌ی مشترک ضد خرابکاری در گزارشی به ریاست پلیس تهران می‌نویسد:

از فعالیت مساجد هدایت، الجواد و حسینی‌ی ارشاد، که اقدامات آن‌ها مخالف مصالح کشور بود، جلوگیری به عمل آمد تا با مذاکره با مسئولین مساجد و حسینی‌ی مزبور اقدامات آنان در آینده با مصالح کشور هماهنگی داشته باشد. علی‌هذا نظر به اینکه توافقی‌هایی که با واقفین و هیئت مؤسس مساجد و حسینی‌ی موصوف به عمل آمده از این به بعد کلیه‌ی مسائل مربوط به این سه مؤسسه‌ی مذهبی زیر نظر مستقیم سازمان اوقاف خواهد بود (زهیری، ۱۳۷۹: ۳۳۳).

۳. دستگیری امام و قیام سراسری ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

پس از سخنرانی کوبنده امام در عصر ۱۳ خرداد، رژیم تصمیم به دستگیری امام رحمة الله علیه در نیمه شب ۱۵ خرداد گرفت. با انتشار خبر دستگیری امام، بسیاری از مردم ناراحت و عصبانی به منزل ایشان رفتند و حدود ساعت ۶ صبح به اتفاق فرزندان، حاج آقا مصطفی، به سمت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام

حرکت کردند. پس از مدتی صحن مطهر و خیابان‌های اطراف پر از جمعیتی شد که شعار «یا مرگ یا خمینی» را با هیجان و التهابی شدید تکرار می‌کردند. علما و مراجع طی اعلامیه‌ای، که از بلندگوی صحن مطهر خوانده شد، ضمن محکوم کردن این اقدام، خواستار آزادی فوری امام شدند (همان: ۱۷۲). در واقع، ۱۵ خرداد نقطه‌ی عطفی بود در مخالفت امام رحمة الله علیه با خودکامگی شاه و قدرت بی حد آمریکا در ایران. ایشان درباره‌ی تصمیم مجلس برای اعطای مصونیت دیپلماتیک به پرسنل نظامی آمریکا چنین گفتند: جرم علمای اسلام و سایر مسلمانان فقط آن است که از قرآن، ناموس اسلام و استقلال مملکت دفاع می‌کنند و با استعمار مخالف‌اند (فوران، ۱۳۷۷: ۵۴۲). بنابراین انقلاب ایران از ۱۵ خرداد آغاز شد، براساس همان خواسته‌های مردم در ۱۵ خرداد ادامه یافت و سرانجام به پیروزی رسید (احمد پور، ۱۳۸۲: ۸۲).

۴. تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون

در ۴ آبان ۱۳۴۳، امام خمینی به محض اطلاع از تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون سخنان کوبنده‌ای در مسجد اعظم ایراد کردند. ایشان با لحنی تند خطر نفوذ گسترده‌ی آمریکا در ایران را به همه اعلام کردند و گفتند امروز همه‌ی گرفتاری‌های ایران از آمریکا و اسرائیل است. به همین دلیل، نیروهای امنیتی شاه در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به منزل امام یورش بردند و پس از دستگیری شبانه ایشان را به تهران منتقل کردند. بازداشت امام موجب اعتراض شدید مردم شد و رژیم به منظور کنترل شرایط، امام خمینی را همان روز به ترکیه تبعید کردند (بی نا، ۱۳۸۳: ۱۵۰). رژیم شاه تصور می‌کرد با تبعید امام به عراق، سرکوب گروه‌های مسلحانه و تبعید و زندانی کردن مردم و جوانان و روحانیان می‌تواند با خیال راحت به دیکتاتوری خود ادامه دهد؛ ولی عده‌ی زیادی از شاگردان و مریدان امام - هر کدام به شیوه‌ای خاص - ارتباطشان را با ایشان ادامه دادند و مبارزه‌ی جدیدی برای سرنگونی رژیم آغاز کردند. آیت‌الله طالقانی، مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی، آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله بهشتی، حجة الاسلام باهنر، آیت‌الله مطهری و آیت‌الله دکتر مفتاح در حوزه، مسجد، مدرسه و دانشگاه به روشنگری و آگاه‌سازی مردم پرداختند (همان: ۱۵۴).

مسجد در دوران پهلوی دوم

در دوران انقلاب هم به‌طور طبیعی و بر اساس سابقه تاریخی، مساجد ایران نقش خود را باز یافته و مرکز مبارزات ضد رژیم شاه بود. حمله به مسجد گوهرشاد در زمان رضا شاه و کشتار مردم و همچنین حمله و به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان و کشتار مردم نشانگر اهمیت مسجد در مبارزات مزبور و استفاده از آن به عنوان سنگر مبارزه، نشان عنادی است که قدرت سیاسی نسبت به این مکان مقدس داشته است. قبل از انقلاب اسلامی ایران نیز هیچ‌گاه نماز جمعه همه جا و به‌صورت عمومی و مرتب برگزار نشده بود. اولین کسی که در دوران رژیم پهلوی خواهان احیای نماز جمعه شد، شهید نواب صفوی بود. اما پس از انقلاب اسلامی این فریضه‌ی الهی با همان عظمت، شکوه و خصوصیاتش در صدر اسلام دوباره احیا شد. پروفیسور حامد الگار در مقاله‌ای با عنوان «امام خمینی و احیای نماز جمعه» می‌نویسد: «احیای واقعی نماز جمعه در ایران یکی از دست‌آوردهای عظیم انقلاب اسلامی ایران است و ما آن را مانند بسیاری از برکات مدیون حضرت امام هستیم» (رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۷).

در واقع، پررنگ‌ترین نقش مساجد در دوران انقلاب اسلامی سیاسی بوده است. با فراگیرشدن انقلاب اسلامی، مسجدها جایگاهی مؤثرتر در این زمینه یافتند. سخنرانی‌های روحانیان و دانشگاہیان در مساجد، مردم را بیش از پیش با ابعاد فساد، ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور آشنا کرد. مساجد در طرد رژیم طاغوت از سوی مردم بسیار مؤثر بودند (ساسان، ۱۳۹۱: ۷).

اصولاً در محور سیاسی، مساجد و نهادهای دینی، به واسطه‌ی عملکردشان و عملکرد مبارزاتی‌شان بر علیه حکومت‌ها، مورد توجه خاص کارگزاران دولت‌های پیش از انقلاب بود. چه اینکه مسئولین بلندمرتبه رژیم شاه، عکس‌العمل‌های تندى در مقابل مسجد و مسجدی‌ها ابراز می‌داشتند و اعمال می‌کردند. به طوری که سپهبد رزم‌آرا گفت: مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصدق خراب می‌کنیم، در اینجا اهمیت و حساسیت سیاسی بودن مساجد بهتر درک می‌شود (رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۴).

پس از تبعید امام خمینی رحمة الله علیه، در سال ۱۳۴۳، مبارزه فعال سیاسی تقریباً فروکش کرد و مساجد رویکردی دیگر یافتند. امام خمینی رحمة الله علیه، معمار انقلاب اسلامی ایران، در ارتباط با این نقش می‌فرمایند: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوب کفار و وارد کردن آن‌ها در زیر بیرق اسلام بوده است».

در واقع، سخنان امام خمینی رحمة الله علیه تلاشی است برای برگرداندن توجه به‌سوی فرهنگ اصیل اسلامی و ساماندهی حرکت‌های اسلامی از مساجد. مساجد که پایگاه‌های انقلاب بودند به صورت سنگرهای مستحکم برای مبارزه‌ی انقلابی‌ها درآمدند. بر این اساس امام خمینی رحمة الله علیه با ژرف‌نگری خاص خود می‌فرماید: «مساجد و محافل دینی را که سنگرهای اسلامی در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید». همچنین: «مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است، محل حرب است، این را می‌خواهند از دست شما بگیرند». در پی تأکیدهای رهبر کبیر انقلاب بر استفاده‌ی هرچه بیشتر از مساجد و بازگشت آن‌ها به نقشی که در صدر اسلام داشتند، یاران و شاگردان امام، با افشاگری در مساجد، آتش مبارزات را روزبه‌روز شدیدتر و رژیم پهلوی را ناکارآمدتر کردند. پایه‌های اصلی و اولیه‌ی انقلاب را شاگردان، نزدیکان و معتمدان امام بنا کردند. امام ۴۰ شاگرد مخصوص تربیت کرده بودند که اثر آن‌ها در همه‌جا دیده می‌شد. در شرق تهران آیت‌الله امامی‌کاشانی، در جنوب تهران آقای ایروانی، در جنوب شرقی آیت‌الله غیوری، در شمیرانات آیت‌الله ملکی در مسجد همت، در مرکز تهران کانون توحید و مسجد پرچم و آیت‌الله شهید مطهری و در شمال امام جمارانی و مسجد شهید بزرگوار دکتر مفتاح به کار تبلیغی و سیاسی مشغول بودند؛ ایشان در شهرستان‌ها نیز شاگردانی داشتند (ساسان، ۱۳۹۱: ۷).

متفکران و نویسندگان خارجی نیز به اهمیت مساجد در ساختار انقلاب تأکید کرده و آن را محور اصلی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران دانسته‌اند.

حامد الگار نویسنده و منتقد بزرگ می‌گوید: «مسجد هسته اساسی تشکیلات انقلاب اسلامی بود. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر نه عزلت و

گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند، بلکه برعکس، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید. به طور خلاصه، مسجد تماماً آن چیزی شد که در عصر پیامبر بود.»

در همین حوزه، جان. دی. استمپل یکی از دیپلمات‌های آمریکا و نویسنده کتاب "درون انقلاب ایران" و از شاهدان نزدیک وقایع انقلاب در این زمینه می‌گوید:

یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش بوده است. در کشور ۳۵ میلیونی ایران تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی وجود دارد. سریعترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران دیگر از طریق شبکه مسجد انجام می‌گرفت که توسط روحانیون رده بالا صورت می‌گرفت (جمالزاده و امینیان، ۱۳۹۲: ۲۱).

همچنین برخی از دانشمندان برجسته جامعه‌شناسی، مشاهدات خود را از تهران این گونه می‌نویسند:

«تمام روز ملاها در مسجدها با خشم، از شاه، از آمریکا و از غرب و ماده پرستی آن حرف زده‌اند و مردم را با نام اسلام و قرآن به پیکار با همه رژیم فراخوانده‌اند. هر وقت که مسجد کوچک بوده و برای مردم جانداشته است، بلندگوها را در خیابان نصب کرده‌اند و این صدا، صدایی به مهابت صدای ساوونارولا در فلورانس، صدای آناباپیتیست‌ها در مونستر یا صدای پرسبیترها در روزگار کرامول، در همه ده یا در سراسر محله طنین انداز شده است... می‌دانید که این روزها چه عبارتی بیش از هر چیز برای ایرانی‌ها خنده‌آور است؟ به نظرشان از هر حرفی ابلهانه‌تر، خشک‌تر، و غربی‌تر است؟ دین تریاک توده‌هاست. تا همین دوران رژیم فعلی، ملاها در روزهای جمعه تفنگ در دست خطبه می‌خواندند...» (همان: ۳).

در این قسمت تلاش می‌شود که به بررسی دقیق‌تر و موشکافانه‌تری به نقش موثر و فرایند تاثیرگذاری مسجد در شکل‌گیری انقلاب اسلامی توجه نشان دهیم.

مسجد در اوایل ظهور انقلاب، پایگاه ترغیب و تحریک مردم برای همکاری و همیاری در زمینه‌های مختلف بود. در مسجد بسیاری از مشکلات اجتماعی جامعه، با همکاری

مردم، حل می‌شد. در خاطرات حجه الاسلام روحی امام جماعت مسجد جامع قم آمده است: شرکت مردم محل در همیاری‌هایی چون عیادت از بیماران، شرکت جمعی در زمان فوت افراد محل، تشکیل جلسات متعدد یادواره و سوگواری (بطوریکه شاهد شرکت هم‌میهنان اقلیت‌های دینی بودیم) که همگی تحت هدایت مساجد و جلسات مذهبی اداره می‌شد، باعث ترویج بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای ملی، مذهبی و سنتی در میان اقشار جامعه می‌گردید.

مساجد در محله‌ها وظیفه راهبردی و راهبری مردم را در امور اجتماعی بر عهده داشتند به ویژه در مشکلات اجتماعی و بحرانها. برخی ائمه جماعات کارهای عمرانی انجام می‌دادند. حجه الاسلام محمد ابطحی امام جماعت مسجدی در اقلید فارس فعالیت‌های راه سازی به وسیله بولدوزری که در اختیار مسجد بود به عهده داشت. از کارهایی که صرفاً جنبه‌ی اجتماعی داشتند می‌توان به کمک‌های مردم در جریان زلزله بوئین زهرا، جنوب خراسان در سال ۱۳۴۷ و زلزله‌ی طبس در سال ۱۳۵۷ و کمک به خانواده‌هایی که بی‌سرپرست بوده و یا سرپرست آن‌ها آسیب دیده و یا در زندان و بازداشت بودند اشاره کرد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸: ۱۴).

از جمله کمک‌رسانی‌های مردمی فعالیت‌های حسینیّه ارشاد قابل توجه است. همچنین مساجد و ائمه جماعات تبریز نیز بسیار فعال بوده و کمک‌های مردمی مستقیماً به منطقه زلزله زده حمل می‌شد. نکته قابل ملاحظه مخالفت رژیم با این حرکت مردمی بود چون این حمایت‌ها صحنه‌گذاری بر کم‌کاری و کوتاهی سازمان‌های مسئول و دولت می‌گذاشت و از طرفی خود باعث تعاون و همبستگی مردم می‌شد که قطعاً خوشایند رژیم نبود. حتی کشته شدن فرزند آیت‌الله گلپایگانی که امر کمک‌رسانی مردم را به عهده داشتند در یک سانحه اتومبیل امری مشکوک بود.

در آن زمان آیت الله خامنه‌ای از سوی آیت‌الله گلپایگانی نزد آیه الله سید احمد خوانساری امام جماعت مسجد سید عزیزالله رفته و فرمودند که از وجوهات شرعی می‌توانید کمک نمائید.

همچنین حضور مستمر افراد در مسجد در برنامه‌های مختلف مذهبی به تدریج در سایه فعالیت‌های جمعی به تحریک عواطف و همبستگی و تعاون بین افراد منتهی می‌شد. همچنین قداست و حرمت مساجد قدرت ایجاد بازدارندگی اجتماعی را داشت. بطور مثال گزارش‌های متعدد ساواک مبنی بر جلوگیری از ورود زنان گردشگر غیرایرانی و بی‌حجاب به اماکن مذهبی و مساجد تاریخی وجود دارد که رخداد این موارد موجب عکس‌العمل علما و بطور خاص مرجع تقلید آن زمان آیت الله میلانی شد. از جمله مصادیق بازدارندگی مساجد در اعتراضات و انتقادات به وضعیت اجتماعی و سیاسی از طریق تحصن‌ها و بست نشینی طبقات مختلف مردم و علما در مساجد است که نمونه‌های آن از زمان مشروطه گرفته تا دوران انقلاب و تحصن ۷۰ نفر از مردم در مسجدی در کرمان، در اعتراض به کشته شدن‌ها و بازداشت معترضان در زندان کرمان قابل ذکر است.

کارکرد حقوقی و قضایی مساجد نیز در دوران انقلاب حائز اهمیت است. مساجد و ائمه‌ی جماعات نه‌تنها اختلافات مالی مردم را حل و فصل می‌کردند، بلکه اختلافات خانوادگی و حتی قومی و محلی افراد را فیصله می‌دادند؛ چراکه متدینین و مؤمنین از حیث شرعی مجاز به مراجعه به دادگستری و محاکم قضایی ناعادل رژیم طاغوت نبودند... در مورد طلاق هم وضع به همین صورت بود. چون مراجع شرط صحت طلاق را وجود دو شاهد عادل برای جاری کردن صیغه‌ی طلاق می‌دانستند و دادگاه‌های زمان قبل از انقلاب مصداق این شرط نبودند؛ لذا بسیاری از طلاق‌ها و صیغه‌ی آن در سر نماز جماعت و با شاهدگرفتن از متدینین انجام می‌شد.

در حوزه مسایل امنیتی، در سال‌های آخر رژیم، مساجد در بسیاری از اموری که مستقیماً مربوط به دولت و نهادهای رسمی و انتظامی بود نیز فعالیت و دخالت می‌کرد. کنترل مسایل امنیتی شهر، کوچه و محله توسط افراد انتخاب شده از طرف مساجد در حفظ اموال مردم و نیز کنترل ترافیک شهری و عبور و مرور مردم به عهده اهالی مساجد بود (شریف پور، ۱۳۸۰: ۸۱).

در تهران و شهرستان‌ها مساجد زیادی بودند که در کنار فعالیت‌های مذهبی، نقش خدماتی. درمانی نیز علیرغم کنترل و نفوذ ساواک ایفا می‌کردند.

از جمله این موارد می‌توان به ویزیت و نسخه‌نویسی و تزریقات رایگان تا اعزام به مراکز درمانی و تقبل حق‌العلاج بیماران، اداره بیمارستانهای خیریه، تاسیس آسایشگاه‌های جذامیان از طریق جمع‌آوری اعانات مردم اشاره کرد. از جمله فعالیت‌های مسجد قبا در تهران پشتیبانی از مجروحان زمان انقلاب و تشکیل تیم‌های پزشکی در منازل مخفی به منظور درمان بود (سعیدی، ۱۳۹۳: ۶۰).

البته معمولاً افرادی که دارای جراحات‌های مختصر بودند طبق گفته برخی از اصحاب انقلاب در مساجد مداوا می‌شدند. برخی از این نقش مساجد به عنوان عاملی برای جذب افراد به این مکان مقدس نام می‌برند؛ زیرا طبیعی بود که مساجد با چنین کارکردی به طور عملی بهترین نهاد جذب افراد به دین و باعث ترویج ارزش‌ها و هنجارهای دینی شده و کارکردهای پنهان را عیان و آنها را توسعه می‌دادند (شریف‌پور، ۱۳۸۰: ۷۵).

یکی از موثرترین و کارآمدترین اقدامات مساجد در دوران انقلاب پشتیبانی‌های مالی و اقتصادی از انقلاب، مبارزان و حمایت از افراد مستمند و گرفتار و وام‌های مختلف به مردم بود. تأسیس صندوق‌های قرض الحسنه در واقع بصورت بانکداری اسلامی و در مقابل بانک‌های آن زمان بطور محدود و کوچک توسط بسیاری از مساجد و تحت پوشش عمدتاً بازاریان و تجار نیکوکار از فعالیت‌های مهم آن زمان بود که غیر رفع حاجت‌های یاد شده منتهی به استقلال مالی مساجد نیز شد. در تهران صندوق قرض الحسنه در مسجد لرزاده توسط هیات‌های مولفه اسلامی و بعدها صندوق‌های جاوید و کوثر در بازار تهران تأسیس شدند. تأسیس موسسه کاریابی رفاه و تعاون اسلامی در سال ۴۶ با هدف پوشش قرار دادن حل مشکلات افراد آسیب دیده در جریان مبارزات و تشویق مردم برای حضور بیشتر در مساجد و بهره‌گیری از آنها برای مبارزه بوده است. اهالی مساجد در موارد مختلف به تامین هزینه فرار افراد انقلابی و مبارز به خارج از کشور، پشتیبانی مبلغان دینی در روستاها مبادرت ورزیده اند.

پس از واقعه ۱۵ خرداد که نیروهای امنیتی و انتظامی فشار خود را بر مساجد افزایش دادند، از جمله عملکردهای سیاسی مساجد، تداوم اجتماعات سیاسی جهت تحریک

مردم به مبارزه با رژیم و آگاهی از اوضاع اجتماعی بود. عمده‌ترین آنها سخنرانی‌های سیاسی در مساجد توسط گروه‌های مختلف فکری، سیاسی بود. بطور مثال در تهران مساجد جامع نارمک، قبا، الجواد، لرزاده و هدایت عمده‌ترین سخنرانی‌ها و اجتماعات سیاسی را داشتند که در آن روحانیت مبارز امثال شهید مطهری، شهید مفتاح، مرحوم مروی، مرحوم مهدوی کنی و اعضای هیات موتلفه اسلامی همچون شهید عراقی، اخوان رفیق دوست و... و نیروهای ملی، مذهبی مانند صباغیان، سحابی، بازرگان به تبلیغ و ایراد سخن می‌پرداختند (سعیدی، ۱۳۹۳: ۶۷).

یکی از عمده‌ترین فعالیت‌های نهادهای مساجد در دوران پیروزی انقلاب، تعیین و تأیید، شناخت و معرفی افراد متعهد و مبارز جهت تصدی امور مختلف در ادارات، کارخانه‌ها، و... بواسطه ارتباطات اجتماعی چهره به چهره و نزدیک با مردم، به طور غیررسمی، به نهادهای ذیربط بود. متأسفانه با تاسیس مراکز همنام و سازمان‌های مستقل در این خصوص به تدریج این نقش و کارکردها کمرنگ و از مساجد گرفته شد و امروز تقریباً یا حذف و یا به صورت بسیار کمرنگ آن در لوای بسیج دیده می‌شود.

از زمره برنامه‌های سیاسی در آن دوران، می‌توان به نوعی مبارزه منفی با رژیم از سوی مساجد اشاره کرد که بارزترین آن تعطیل کردن نماز جماعت و گاهی تحریم مراسم نیایش و دعا برای رژیم بود که همزمان با بروز مسایل اجتماعی و سیاسی به وقوع می‌پیوست. اولین مساجد پیشگام در این نوع مبارزه، مساجد شاه، شیخ لطف‌اله و بازار کفاش‌ها در اصفهان بود. تاکتیک دیگر در مبارزات منفی، ساماندهی و پشتیبانی از برگزاری اعتصاب‌ها و تحصن‌ها بود که به ویژه در ماه‌های آخر مبارزات با اعتصاب فرهنگیان (بطور خاص معلمان استان خراسان در مسجد گوهرشاد) و کارکنان صنایع نفت ضربات سنگین اقتصادی و فرهنگی به رژیم وارد ساخت. دیگر شیوه مبارزه منفی می‌توان به موضعگیری‌های مساجد و ائمه جماعات نسبت به مسایل برون مرزی اسلامی (بطور خاص رژیم اسرائیل) اشاره داشت. در این خصوص خطباً مکرراً مباحث قیام مردم فلسطین را مطرح می‌ساختند و با صدور فتاوی مقتضی مقداری از سه زکات را به مردم فلسطین اختصاص می‌دادند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸: ۲۱).

برگزاری مجالس بزرگداشت شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و یا وقایع و حوادث نهضت در مساجد سراسر کشور که در خلال آن فعالیت‌های سیاسی انجام می‌شد، از فعالیت‌های تاثیرگذار نیروهای انقلاب برشمرده می‌شود که ریشه در مسایل فرهنگی و کشیده شدن به مساجد بوده است. در بزرگداشت‌های گوناگون افراد و شخصیت‌های سیاسی- مذهبی و ملی زیادی حضور می‌یافتند.

نسبت رابطه بین بازار و نهاد مسجد درخور توجه و مذاقه است. آنچه که از تاریخ رابطه مساجد و بازار برمی‌آید، پیوستگی و همکاری نزدیک این دو نهاد اقتصادی و مذهبی است. بازار چون از نظر اقتصادی استقلال دارد در برخی از اوقات دولت را نیز تحت فشار قرار می‌دادند. همچنانکه در جریان تنباکو بازار اعتصاب نمود. در دوران انقلاب بازار به هیچ وجه نفع‌آنی نداشت. حتی بعضاً متضرر هم می‌شد. اما در دوران انقلاب بازار ارتباط نزدیک انکارناپذیر با انقلابیون و رهبری نهضت داشت و برخی تشکل‌های مذهبی و سیاسی و حتی نظامی مبارز ریشه در بازار داشت و در تحریک نیروهای انقلاب نقش موثر داشت. (شریف پور، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۹). بازاریان ارتباط بسیار نزدیکی با انقلابیون و رهبری نهضت داشتند و کمک‌های آنها انکارناپذیر است؛ با کسب اجازه از امام راحل، به طور شرعی و با ضمانت‌های دینی به مردم کمک می‌کردند و خلاصه مساجد در کنار موسسات و مراکز فرهنگی و مذهبی بازار از جمله نهادهای موثر در انقلاب بودند.

آیه الله سید باقر خسروشاهی در حوزه رابطه مساجد بازار با نهضت می‌افزاید: «بازار تهران از اول نهضت امام قدم پیش گذاشت. اغلب مساجد بازارچه، مدرسه، مسجد شیخ عبدالحسین و مسجد سید عزیز الله که مرحوم فلسفی هر شب ماه مبارک رمضان منبر می‌رفتند مرکز انقلاب بود. مسجد جامع بازار، مسجد بزازها که آیه الله خزعلی آنجا منبر می‌رفتند و مسجد ملک و مسجد شاه سابق همه اینها مساجدی بودند که در اختیار انقلاب بودند و انقلابیون و امام جماعت‌شان از آنها به نفع انقلاب استفاده می‌کردند».

مساجد بازار به دلیل موقعیت خاص خود همواره از سوی رژیم کنترل می‌شدند. سخنرانی‌ها، رفت و آمدها و.. تحت مراقبت بود و لذا متولیان رویه محافظه کارانه و احتیاط پیش می‌گرفتند. البته گروه‌هایی چون هیات موتلفه به راهنمایی امام و برخی علما سازمان یافته عمل می‌کردند و در ایام مختلف مذهبی و غیر مذهبی از فرصت

ها که محل اجتماع صبح و مخصوصاً ظهر و شب مردم بود و برای رد و بدل اطلاعات، سازماندهی و یارگیری ها و... استفاده می کردند. این مساجد ضمن اجرای برنامه های مشابه سایر مساجد، به دلیل همسویی و پیوند بازار با مذهب و کانون های اعتقادی و عدم سازش پذیری این دو نهاد در مقابل حکومت پهلوی، با کارکردهای اطلاع رسانی، اقتصادی و... به مبارزات عمق و وسعت بیشتری می دادند.

یکی از تکنیک های موثر که در نوع خود نه خیلی حساسیت برانگیز و التهاب آور امنیتی برای رژیم و نه نوعی بی عملی و سکون در مبارزات محسوب می شد، سیاست برگزاری مراسم دعا در مسجد سید عزیز الله بازار به منظور اعلام حمایت از مراجع قم و اعتراض نسبت به برنامه اسدالله علم در موضوع انجمن های ایالتی و ولایتی بود که توسط چهار نفر از علمای تهران آیات عظام بهبهانی، خوانساری، تنکابنی و آملی اتخاذ شد. بنا شد تا این علما در مسجد سید عزیز الله جمع شوند و دست به دعا بردارند و ضمن این مراسم اعلامیه هایی نیز منتشر شود. با انتشار این خبر هیجان عمومی در اجتماع اقشار مختلف ایجاد شد و به دنبال این جریان هیات دولت تشکیل جلسه داد و لغو لایحه مذکور را با مخابره به اطلاع علمای قم و تهران رساند و از خواسته خود عقب نشینی کرد (مهری، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

عملکرد موثر دیگر مساجد و تجمعات مذهبی ایجاد تشکل های مخفی زیرزمینی و در واقع خانه های تیمی مبارزاتی است که برای رژیم تکان دهنده و برای مبارزان دلگرم کننده بود. زیرا پس از تصویب کاپیتولاسیون امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ تصمیم به مبارزه داشتند و هیات های مختلفی در این زمینه به ویژه در زمانی که رژیم فشار و کنترل بیشتری بر مساجد وارد می نمود، برای پیگیری نهضت و مطالبات انقلابی سازماندهی می شد. اولین تشکیلات سیاسی- نظامی با عنوان "جمعیت سری اصلاح حوزه" و بعدها "سازمان چریک های فدائیان خلق" و "سازمان مجاهدین خلق" و "فدائیان اسلام" و "المراقبون" (در مسجد جامع کرج) وارد صحنه شدند. مساجد و حسینیه ها (مانند حسینیه اصفهانی ها در خیابان ری تهران و هیات انصار الحسین تهران) با وجود برخی عناصر آگاه از مسایل نظامی و جنگ های چریکی به طور غیر محسوس آموزش نظامی را پیگیری می کردند (شریف پور، ۱۳۸۰: ۳۸).

در خلاصه سازی بخش فعالیت های سیاسی، نظر برخی از صاحب نظران غربی آشنا با شرایط آن موقع ایران، در باب نقش سیاسی بی بدیل ائمه جماعات و روحانیون را در مساجد در خور توجه است: «روحانیون سرچشمه یک تسلای دائمی اند؛ ایشان باید بیداد را نفی کنند، از دولت انتقاد کنند، بر ضد اقدام های ناشایست برخیزند، نکوهش کنند و رهنمود بدهند.... مذهب شیعه.... شکلی است که مبارزه سیاسی، همین که لایه های مردمی را بسیج کند، به خود می گیرد و از هزاران ناخرسندی، نفرت و بینوایی و سرخوردگی، یک نیرو پدید می آورد و به این دلیل این همه را به صورت یک نیرو می آورد که خودش یک صورت بیان است، یک شیوه با هم بودن است، نوعی گفتمان است، چیزی است که از راه آن می توان صدای خود را به گوش دیگران رساند و با ایشان همزمان با ایشان هم خواست شد» (جمالزاده و امینیان، ۱۳۹۲: ۱۵).

پس از تبعید امام رحمة الله علیه در سال ۱۳۴۳، مبارزه سیاسی تقریباً فروکش کرد و مساجد به رویکردی دیگر روی آوردند و آن کارهای فرهنگی، آموزشی همچون آموزش قرآن، تفسیر و... بود. اگرچه در دوران انقلاب اغلب مساجد در حیطه های عبادی و اعتقادی بسیار فعال بودند لکن جو عمومی جامعه آنطور نبود که بتوان فعالیت های آموزشی و فرهنگی مورد نیاز جامعه را در مساجد انجام داد. بنابراین برخی از مساجدی که در آن دوران از مدیریت قوی و ائمه جماعت و مردم فعال برخوردار بودند به رغم مشکلات فراوان خفقان و... این نیازها را برآورده می کردند (در تهران مساجدی چون قبا، هدایت، جامع نارمک، لرزاده، الجواد، حسینییه ارشاد، پامنار، ارک، فرشته، موسی بن جعفر و... بودند) و تقریباً همه شهرها بخصوص مراکز استان ها از این مساجد فعال برخوردار بودند (شریف پور، ۱۳۸۰: ۴۴).

در طول سال های مبارزه مردم علیه رژیم، ماه مبارک رمضان فرصت خوبی برای در کنار هم بودن و بررسی راه مبارزه و بازگویی و یادآوری هدف ها و آرمانهای نهضت و اصرار بر آنها بود. هر چند که در طول سال به بهانه مناسبت ها و مراسم های گوناگون، این کار به خوبی در مساجد سراسر کشور انجام می گرفت، ولی ماه رمضان فرصت و دوره سی روزه ای بود که از طرفی برپایی مراسم و جلسات وعظ و سخنرانی در این ماه بطور سنتی مشروعیت داشت و رژیم پهلوی برای جلوگیری از برگزاری این مراسم خود

را در مقابل واکنش منفی افکار عمومی می دید و از طرف دیگر سی روز فرصت کافی برای بیان مقدمه ای مختصر و در عین حال کامل، از تاریخ اسلام، سیره معصومین، تفسیر قرآن، تاریخ نهضت و بیداری اسلامی، اهداف و آرمانهای نهضت و امام خمینی و مفاسد اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و ظلم و ستم رژیم بود. گزارش ساواک در سال ۵۶ حاکی است برای انجام مراسم نماز عید فطر در تهران، آمادگی های لازم (از حیث تدارک امکانات و محدوده فیزیکی و حرکت های نمادی مانند پلاکاردها و...) انجام شده بود. در این نماز افراد برجسته ای از گروه های مختلف سیاسی و عده کثیری از اقشار مختلف مردم حاضر شده بودند. این نماز و سخنرانی ملازم آن رنگ و بوی سیاسی داشت و مشابه با میتینگ برای تجمع مبارزان و دیدار همزمان بود. این وحدت و همبستگی در برابر رژیم و فرصت خودنمایی را مسجد به آنها می داد.

فرصت دیگر برای مبارزه جدی در مساجد، ماه محرم بود. بطوریکه در محرم سال ۴۲، مردم معترض از این فرصت به نحو احسن استفاده کردند. مراجع و علما از مردم خواسته بودند در مساجد اجتماع کنند و با سر دادن شعارهای ضد رژیم، سرکوب گری را محکوم نمایند. در سال های منتهی به انقلاب نیز امام رحمه الله و آیه الله خویی با صدور اعلامیه های جداگانه مردم را در این ایام به مبارزه با رژیم دعوت کردند و این اعلامیه ها در مساجد بین مردم دست به دست می گشت. در جریان عزاداری های دهه نخست محرم، مبارزات مردم علیه رژیم به قدری تشدید و گسترده شده بود که وعاظ مساجد بی مهابا مردم را به مبارزه علیه رژیم دعوت می کردند و از مردم می خواستند در صورت حمله ماموران با آنها مقابله به مثل نمایند! خطابه ها، نوحه ها، اشعار و... همه رنگ و بوی سیاسی یافته بودند و مردم از مساجد به طرف خیابانها به قصد تظاهرات به راه می افتادند (خیری اصل، ۱۳۹۲: ۶۶).

یکی از جنبه های فعالیت روحانیون و واعظان در دوران تبعید امام خمینی، انجام سفرهای تبلیغی و اعزام مبلغین به مساجد شهرستان ها و روستاها و اطلاع رسانی و حفظ ارتباط بین مراکز مذهبی نظیر حوزه های علمیه و شهرستان ها و روستاها بود. در مناسبت های مختلف مذهبی از طرف حوزه علمیه قم بطور مرتب وعاظ به روستاها اعزام می شدند و آنان نیز با بیان مذهبی خود در مساجد، صحنه مبارزات حق طلبانه را

در حد وسیعی در میان نقاط مختلف کشور گسترش می دادند. به طوری که با شیوع این سیاست در میان روحانیت ساواک در تابستان سال ۱۳۵۷ به این نتیجه رسید که «... بدیهی است که اکثر مبلغین مذهبی اعزامی به روستاها مبادرت به تبلیغ به نفع [آیه الله] خمینی می نمایند و به هیچ طریقی فعلاً نمی توان از اعزام آنها به روستاها جلوگیری نمود». امام امت در سال ۱۳۵۷ و در پیامی اعلام می کنند که گویندگان در مساجد وظیفه دارند مصایب رژیم را در طول پنجاه سال سلطنت پهلوی به اطلاع مردم برسانند و آنها را آگاه کنند. در این شرایط امام خمینی در سال ۱۳۵۷ در پیامی به ملت مسلمان ایران اعلام کردند که ایران عید ندارد و از مردم خواستند: «در مراکز عمومی مثل مساجد بزرگ اجتماعات عظیم برپا کنند».

برگزاری مراسم های سوم، هفتم و چهلم شهدای ۱۹ دی قم در سراسر کشور در گسترش روح قیام در سطح کشور نقش زیادی داشت. نوار سخنرانی روحانیون و اعلامیه هایی که از طرف علما در ارتباط با قیام ۱۹ دی قم صادر شده بود، در یک حرکت سازمان یافته دست به دست به شهرهای مختلف توزیع می شد. پس از برپایی خونبار مراسم چهلم شهدای ۱۹ دی قم در شهر تبریز، سلسله مراسم های چهلم در مساجد شهرهای دیگر (یزد، مشهد، اهواز و...) به تناوب برگزار شد که مردم شهرها و روستاها را به قیام عمومی علیه حکومت پهلوی دعوت و ترغیب می نمودند. هر چند سبک مبارزات در آن دوران که ترویج فرهنگ غربی و نوگرا شدن ابزارها و فناوری ها در جامعه صورت می گرفت، هم از نظر شیوه و روش و هم از بعد سازماندهی، مبارزه ای سنتی به شمار می رفت؛ اما از آنجا که روحانیت عمدتاً از میان اقشار متوسط و پائین جامعه برخاسته بودند و با توده های مردم پایگاه اجتماعی مشترکی داشتند، کلام شان در مردم، نفوذ خاصی داشت. با شبکه ساده ای که تشکیل داده بودند توانستند از یک سو پیام های رهبری نهضت را با بیان رسای خود در مساجد به مردم انتقال دهند و از سویی مسایل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه و انتقال آن به مراجع و رهبران دینی برسانند و سطح مبارزه را از حوزه های علمیه به لایه های مختلف اجتماع گسترش دهند (سلیمی، ۱۳۸۶).

در زمان نهضت اسلامی، رسانه های گروهی و ارتباط جمعی در اختیار رژیم شاهنشاهی بود و نیروهای انقلاب که در این زمینه محروم بودند، مساجد مناسب ترین رسانه ارتباط

جمعی برای آگاهی مردم بود. در این زمینه تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها و توزیع نوارهای انقلابی در میان افراد مسجدي و سپس توده‌های مردم از سویی و از سوی دیگر تأسیس کتابخانه‌ها و برگزاری مناظرات علمی از موثرترین شیوه‌های اتخاذ شده بود. امام رحمة الله علیه اجازه مصرف یک سوم از سهم امام برای خرید کتاب و نشر و انتشار کتابهای اسلامی را دادند. در اکثر مساجدی که به نوعی به عنوان پایگاه انقلاب و انقلابیون شناخته شده بودند، در کنار فعالیت‌های خود تأسیس کتابخانه بسیار اهمیت داشت و جوانان را به مسایل اجتماعی، سیاسی و دینی آگاه می‌کردند. همچنین در نبود رسانه‌های گروهی، سخنرانی‌ها و خطابه‌ها حرکت فرهنگی چشمگیری بود. بطور مثال حسینیه ارشاد تلاش نمود تا نسل جوان را که در آن زمان به دین‌گریزی خود و بعضاً دین ستیزی رژیم خو گرفته بوده و به مکاتب الحادی پناه می‌بردند را به شکل نو و منطبق با وضعیت روز و حتی به صورت مدرن (میز و صندلی، تلویزیون مدار بسته و...) با دعوت از دانشمندان با صبغه‌های فکری متنوع و اقشار مختلف روحانی، دانشگاهی و روشنفکر مذهبی ارشاد می‌نمود. حتی در سال‌های ۴۹ و ۵۰، کار فرهنگی مهم دیگری انجام گرفت و آن اعزام یک کاروان از نیروهای فعال انقلابی به حج بود. حتی پس از تعطیل شدن حسینیه ارشاد توسط رژیم، تأسیس مسجد قبا در همان نزدیکی صورت گرفت. اصولاً مسجد و ائمه جماعات در محور فعالیت‌های فرهنگی و اطلاع رسانی همدیگر را تکمیل می‌کردند و معنا می‌دادند (شریف پور، ۱۳۸۰: ۴۴).

دانشجویان از گذشته با تشکیل انجمن‌های اسلامی دانشجویی برای کم‌اثر کردن برنامه‌های رژیم در به انحراف کشیدن بنیان‌های فکری و اعتقادی دانشگاه‌ها، اقدام به برگزاری مراسم دعا و نیایش و حتی نماز عید فطر در قالب حرکت دسته جمعی و بدور از عوامل رژیم انجام می‌دادند. با گسترش مبارزات و تحت هدایت نخبگان فکری و سیاسی چون مرحوم آیه الله مطهری و دکتر شریعتی هسته‌های فکری منسجمی شکل یافت. به عنوان مثال، در سال ۱۳۴۸، نسخه‌هایی از یک آگهی چاپی در مسجد دانشگاه تهران توزیع شد که دانشجویان را به شرکت در جلسات مذهبی دعوت می‌کرد: «پدیده‌های نوی زمان را با معیارهای اسلامی بسنجید، برای اعتلای کلمه حق و با حضور خود ما را یاری کنید. شب‌های جمعه از ساعت ۲۰ الی ۲۲...». همچنین ایجاد

کتابخانه‌های اسلامی تلاشی در ترویج اندیشه‌های مذهبی در دانشگاه داشتند. علاوه بر آن دانشجویان در مسجد دانشکده، نماز جماعت برپا می‌کردند. در سال ۱۳۵۵، از طرف اطلاعات وزارت کشور به کلانتری‌ها دستور داده شد که متولیان مساجد را متعهد کنند که ختم مربوط به دانشجویان را به کلانتری‌ها گزارش دهند. در گزارش شهریور ۵۶ این وزارت خانه آمده است که جلسات بحث و تفسیر قرآن و موضوعات دینی در نقاط مختلف شهر و مساجد و منازل اشخاص رو به افزایش است. همزمان با مراسم چهلم شهدا در تبریز، اعلامیه‌هایی در میان دانشجویان برای دعوت به همدردی با خانواده‌های شهدا و شرکت در مراسمی به این مناسبت در مسجد علی اکبر واقع در میدان هاشمی توزیع می‌شد. ارتباط دانشگاه‌ها با مساجد تا بدان جا رسید که تحصن روحانیت و علما در مخالفت با ممانعت رژیم در پذیرش ورود امام رحمة الله علیه به ایران، در مسجد دانشگاه تهران در سال ۵۷ صورت پذیرفت (میزبانی، صدی و سلیمی، ۱۳۸۳: ۲۵۹-۲۶۱).

بنابراین می‌توان چنین استنتاج نمود که آنچه پس از دوران فترت مسجد در روزگار خودسری رضا شاه، باعث رونق مساجد در این سال‌ها شد و در نبود نهادهای مدنی، کارکرد سیاسی و اجتماعی آنها را پر رنگ کرد، فعالیت تشکل‌های مذهبی و پیوند نوگرایان دینی با مسجد بود. جریان نوگرایی دینی را می‌توان به آن دسته از نخبگان دانشگاهی اطلاق نمود که در حوزه‌های تخصصی علمی خود به واکاوی در مبانی دین اسلام پرداخته و ضمن تشریح مضامین عالی آن متناسب حوزه تخصصی خود به تبیین رهاوردهای غنی اسلام برای فرد و جامعه و دفاع از آموزه‌های دینی مبادرت می‌ورزیدند. نوگرایان دینی که پیش از آن ارتباط چندانی با لایه‌های مومن مسجدی نداشتند و محافل خود را اغلب در موسسه‌های فرهنگی و جدا از مسجد برپا می‌کردند، به تدریج توانستند با فعالیت در چند مسجد، توجه جوانان مشتاق و بخش عظیمی از مردم را به سمت مساجد جلب کنند. به نحوی که بواسطه برقرار شدن آزادی‌های نسبی، بیشتر نیروهای اجتماعی و گروه‌های مرجع به پا خاستند و با شور و نشاط کم‌مانندی به فعالیت در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پرداختند. پیوند نوگرایان دینی با مساجد و دیگر نهادهای رسمی مذهبی در پی سخنرانی‌های دکتر علی شریعتی

در حسینه ارشاد به اوج خود رسید و از آن پس در بیشتر مساجد در کنار منبر وعظ و خطابه، یک میز و صندلی نیز برای سخنرانی سخنرانان غیر معمم تعبیه شد.

بطور مثال در گزارش شماره ۱۹۲۱ ساواک تاکید شده است که «قبل از تشکیل نهضت آزادی، طرفداران دکتر مصدق در شمیران تحت عنوان نهضت مقاومت ملی فعالیت داشتند، حاج مصطفی ملکی {امام جماعت مسجد همت تجریش} هم آن موقع رهبری کمیته نهضت را در شمیران به عهده داشت. در سال‌هایی که نهضت مقاومت ملی از فعالیت بازایستاد، حاج مصطفی ملکی و همفکرانش تصمیم گرفتند با نامی جدید در شمیران مشغول فعالیت شوند. لذا مجمع اسلامی دین و دانش را تشکیل دادند و برنامه سخنرانی شب‌های سه شنبه مسجد همت دوباره آغاز شد و {آیه الله} سید محمود طالقانی هم گوینده آن بود. با اعلام تشکیل نهضت آزادی ایران به وسیله مهندس بازرگان، افرادی مانند محمد باقر پویانفر، مصطفی ملکی، ابوالقاسم عرفانی و سایر گردانندگان مجمع اسلامی دین و دانش که تا آن موقع در مجتمع مزبور فعالیت داشتند، فعالیت خود را شروع کردند». بطوریکه مسجد وجهه فرهنگی و سیاسی پر رنگی یافت و آوازه اش در محافل و مجالس مذهبی شمیران پیچید و به زودی قانون معنویت و مبارزه عده ای از جوانان مذهبی شد. اما در پاسخ به این سوال که چرا در میان آن همه مسجد در تجریش جایگاه برجسته مخصوص مسجد همت گردید، دو ویژگی اقامه نماز صبح و دیگری گرایش به نوآوری و نواندیشی و جذب نسل جوان مطرح شده است. بطوریکه اولاً ایشان با تحمل سختی‌ها و بیماری و برف و بعضاً عدم حضور معتنابه مامومین چراغ مسجد را در تمام وعده‌های نمازهای یومیه روشن می گذاشتند. بطوریکه یک بار به همان سه ماموم خود پس از نماز رو کردند و گفتند «این مسجد را خالی نکنید، چرا که مخالفان دوست دارند اینجا تعطیل و به شیر کش خانه تبدیل شود». ثانیاً عدم برخورد با جوانانی که ظاهری برخلاف میل مذهبیون سنتی و ریش سفیدان مسجد داشتند و با دلجویی از آنان اجازه نمی داد که چنین اختلافاتی برجسته شود و به درگیری بیانجامد. همچنین فعالیت‌های نوگرایانه ای چون میدان دادن به روشنفکران و افراد غیر روحانی برای سخنرانی در مسجد بود. در واقع مسجد همت جایی بود که هرکس استعداد سخنرانی و حرفی برای گفتن داشت،

می توانست با خیالی آسوده در آنجا سخن بگوید. این رویه در عملکرد آیه الله عمید زنجانی امام جماعت مسجد لرزاده و نیز مسجد قبا و الجواد نیز جاری بود. اما از آنجا که ائمه جماعت در این مساجد علیرغم روحیه روشن اندیشی به تهجد و پای بندی به احکام شرعی و... ملتزم بودند، طرد یا برخورد با آنان از سوی گروه ها و اقشار مذهبی سنتی کار ساده ای نبود. از جانب دیگر همواره گروه هایی در مساجد تمایل به تساهل و تسامح بیشتر در مسجد داشتند و آنان نیز بواسطه التزام به عبادات و ضرورت رعایت شعائر دینی، نمی توانستند به خواسته های خود برسند. بنابراین برخی از مساجد مبارز (مانند مسجد همت، لرزاده، جاوید، الجواد و...) در آن زمان میان دو گروه متضاد قرار داشتند یکی مذهبیون سنتی که هیچ گونه نوآوری در حیطه دین را نمی پذیرفتند و دیگری گروه های روشنفکر و نوگرای دینی. در اینجا مساجد می بایست راه سومی را با هدایت امام جماعت خود پیش می گرفتند. این کار همیشه ساده نبود و گاهی مساجد شاهد صحنه های منازعه گروه های متضاد می شدند. این گونه مناقشات متأسفانه کمابیش از اواخر دهه ۱۳۴۰، در بیشتر مساجد به چشم می خورد. دولت پهلوی تلاش می کرد فعالیت مساجدی را که جوانان انقلابی در آن حضور پیدا می کردند خنثی کند و بطور غیر مستقیم آنها را حذف کنند. لذا معارضه هایی میان جوانان و افراد سنتی و نسبتاً مسن تر ایجاد می کردند. با بهانه های بی قیدی نسبت به انجام عبادت و توجه به سایر مسایل در مسجد و یا وجود تفکرات ضد ولایتی در جوانان و عدم توجه به شعائر تشیع و... (سعیدی، ۱۳۹۲ و طاهر احمدی، ۱۳۸۶ و مازندرانیان، ۱۳۸۹).

گزارش های به جا مانده از دوران انقلاب اسلامی نشان می دهد ارتباط رسانه ای دولت با بخش عظیمی از مردم که مدیریت مساجد و نیروهای انقلابی هستند، سست شده است و عملاً تصاویر ذهنی این افراد از شخصیت ها، وقایع و پدیده ها توسط فعالان در مساجد شکل می گیرد. به عنوان نمونه، استمپل (۱۹۷۷) در در کتاب خود، به شکست انحصار رسانه ای دولت و محدودیت آموزش های سیاسی به دست آن اشاره می کند و می نویسد: «در بقیه سال ۱۳۵۶، ... برای اولین بار شبکه مسجد تاثیر خود را به مخالفان اثبات نمود و به نهضت آزادی اجازه داد تا دستورها و پیامهایش را به طرفداران خود منتقل کند. در نتیجه، شهروندان عادی از یک منبع اطلاعاتی دیگر که به دولت وابستگی

نداشت از جریان امور آگاه شدند.... این گروه های اصلی، حوادث را برای پیروان خود و سایر کسانی که علاقه مند بودند، تفسیر می کردند و این امر برای تبلیغ مسایل سیاسی، جانشین رسانه های گروهی دولت شده بود که خبرها را کنترل می کرد).

میشل فوکو نیز در مشاهده های خود از آبادان در سال ۱۳۵۷ شمسی، دو دولت را در ایران توصیف می کند: «یک شبکه اطلاعاتی تمام عیار، شبکه ای که بر اثر ۱۵ سال تاریک اندیشی برقرار شده و مرکب است از تلفن، نوار ضبط صوت، مسجد و منبر، دفتر کار وکلا و محفل های روشنفکران. من طرز فکر یکی از این سلولهای بنیادی اطلاعاتی را نزدیک مسجدی در آبادان به چشم دیدم. از چند فرش که می گذاشتی، آرایش همان آرایش همیشگی فقر مفرط بود. ملا، که به قفسه ای از کتاب های دینی تکیه کرده بود و دورش را ۱۰-۱۲ مرید گرفته بودند، تلفنی کهنه کار داشت که دائم زنگ می زد: در اهواز از کار دست کشیده اند، در لاهیجان چند نفر کشته شده اند و غیره. درست در همان وقتی که مدیر روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران داشت جلوی خبرنگاران واقعیت جهانی اعتصاب را سر هم می کرد: به درخواستهای اقتصادی پاسخ مثبت داده شده، هیچ شرط سیاسی وجود ندارد، کار به نحو وسیع و مداومی از سر گرفته شده... می شنیدم که ملا هم به نوبه خودش داشت واقعیت ایرانی همان رویداد را بیان می کرد: هیچ نوع درخواست اقتصادی در کار نیست، خواسته ها همه سیاسی است...» (جمالزاده و امینیان، ۱۳۹۲: ۲۲).

سخن هنر رساترین و در عین حال موجزترین راه نیل به مقصود بوده است چه اینکه شعرا، نویسندگان و نقاشان بزرگ اعصار مختلف پیامهای خود را در پوششی زیبا و پر معنا مطرح می ساختند. مساجد در محور هنر در ابعاد مختلف فعال بودند و برابر اسناد تاریخی، اجرای نمایشنامه، سرودخوانی، شعرخوانی، دکلمه، پرده نویسی، تراکت، پوستر و تابلو، نمایشگاه های عکس و خط و نقاشی و حتی تئاتر و نمایش فیلم از جمله فعالیت های هنری در مساجد اما جبهه ای از مبارزه فرهنگی و یا سیاسی با رژیم بوده است. پس از تعطیلی حسینیه ارشاد در سال ۵۱ مسجد قبا عمده ترین پایگاه فرهنگی انقلاب با برگزاری کلاس های متنوع هنری بود (شریف پور، ۱۳۸۰: ۴۴).

امام به موازات فعالیت های مبارزاتی که در مساجد شکل می گرفت، نظام شاهنشاهی نیز فشار خود را بر مساجد و مردم وارد می ساخت تا بتواند به کنترل اوضاع و از بین بردن برنامه های مساجد مبادرت ورزد. برخی از این اقدامات که از پیشینه پهلوی اول برخوردار بود حرمت شکنی مساجد بود. سرآمد آن کشتار مردم در مسجد گوهرشاد بود که اجتماعی در مخالفت با رواج بی بند و باری دیکته شده رضاخانی شکل گرفته بود تا برگزاری کلاس های ورزشی و فروش فرش ها و اختصاص یافتن عوارض آن و موقوفات به کلاسهای موسیقی و امثال آن است. تا این حد که در مساجد و حرم ها نیز زنان غیر محجبه اجازه ورود یافته بودند. اهانت دیگر برای سست ساختن جایگاه مسجد در نظر مردم و جوانان برای تقدس زدایی و کم کردن گرایشها به آن، تغییر ماهیت مسجد بود. آنان مساجد را به عنوان بناهای تاریخی (موزه) معرفی می کردند که می توانست به عنوان پایگاهی برای تبلیغ رژیم مورد استفاده قرار گیرد. و سعی داشتند تا مراسم دعا و نیایش برای سلطنت پهلوی، جشن های شاهنشاهی و جلسات کانون های حزب رستاخیز را نیز در این محل برگزار کنند. این شیوه به کرات از سوی رژیم تکرار می گردید ولی با عدم استقبال مردم مواجه می شد. بطور مثال در سال ۱۳۴۸ اجازه ورود جهانگردان به مساجد و اماکن متبرکه خراسان صادر شد که با اعتراض علما مواجه گردید. حزب رستاخیز برای جمع کردن مردم و مشروعیت بخشیدن به جلسات خود، تصمیم گرفت تا کانون های حزبی خود را در مساجد برگزار کند. یا گردهمای سازمان امنیت در مسجد شاه بازار که با فشار ماموران جهت برگزاری میتینگ از آن دست قلمداد می شود. حتی در گرماگرم برگزاری جشن های شاهنشاهی مراسمی در برخی مساجد از جمله مسجد گوهرشاد اجرا شد که اغلب علمادر آن شرکت نجستند. در برخی موارد دولت تصمیم به تخریب برخی مساجد به دلایل و بهانه های مختلف می گرفت که با واکنش شدید مردم مواجه می شد. در طول این سال ها مکرراً ماموران رژیم برای دستگیری مردم و روحانیون و ائمه جماعات و اهل منبر، با کفش وارد مسجد می شدند. یکی از دلایل اوج گیری نهضت اقدام ماموران پلیس در بستن مسجد قزللی تبریز که در چهلیم شهدای قم برگزار شده بود و کشته شدن یکی از معترضان توسط پلیس، آتش خشم مردم را برانگیخت (میزبانی، صدری و سلیمی، ۱۳۸۳: ۲۶-۴۲).

در نهایت می توان برآیند کلی مبارزات انقلابی و عملکرد نظام پهلوی را می توان چنین گفت که در سال های منتهی به انقلاب اسلامی، مساجد با ترویج الگوهای ارزشی و انگیزشی متضاد با الگوهای رسمی نظام پهلوی، یکپارچگی نظام اجتماعی و ارتباط و پیوند اجزا آن را دو پاره کردند و و آنرا دچار عدم تعادل و آشفتگی ساختند. ایفای چنین نقشی از سازمان دهی به ارتباطات مبارزان انقلابی، شکل دهی یک شبکه اطلاع رسانی و از کار انداختن رسانه های رژیم شاهنشاهی در میان توده ها سرمنشاء گرفت. رژیم شاه تلاش فراوانی برای حل این تضاد و دوپارگی به کار برد تا دوباره تعادل را به حوزه اجتماعی برگرداند، اما با ناکام ماندن این تلاشها به ویژه به دلیل فعالیت سازمان یافته مساجد و رویکرد نادرست رژیم در سرکوب کردن این ارزش های جدید، بجای تطبیق یافتن با آن، آشفتگی یاد شده به سراسر نظام اجتماعی سرایت کرد و نظام نتوانست تعادل خود را حفظ یا بازیابی کند. تعادل مورد نظر، بعداً عمده تاً توسط مساجد به عنوان الگوهای ارزشی جدید، در نظام های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی جامعه جایگزین شد. مساجد به عنوان کانون مبارزات، به اجتماع نیروها و عناصر تنظیم کننده و ترویج دهنده برای نظام ارزشی جایگزین (اعم از عالمان حوزوی، برخی روشنفکران دانشگاهی، گروه هایی از دانشجویان و فرهنگ دوستان مردمی در طبقات مختلف، هنرمندان و...) پرداخته و بدین شکل نقش خود را ایفا نمود (جمالزاده و امینیان، ۱۳۹۲).

الگوهای ارزشی جدید، در حوزه سیاسی، رنگ و بوی فکری و اجرائی نو و پویایی به خود داشت. زیرا تفکر سیاسی شیعه پس از قرن ها در سیر تکاملی خود موفق به ترسیم نوعی نظام سیاسی شد که ترکیبی از فرامین الهی (برآمده از قرآن) و سیره عملی نبی اکرم و اهل بیت علیهم السلام بود. این فکر و اندیشه متکامل شیعی در جامعه ای پیدا شده بود و تمایل به درانداختن طرحی نو در ساختارهای جامعه داشت که راس هرم سیاسی آن فاسد و ستمکار بود. همزمان نفوذ به لایه های زیرین نیز به لحاظ کنترل و سلطه شدید هرم در آن، به حد ناممکن رسیده بود. بنابراین تفکر سیاسی مذکور توسط علمای شیعی پرورش یافته و در حوزه های علمیه به دست امام به اندیشه منسجم و متکامل ولایت فقیه منتهی شد اما تنها در حوزه ها نماند؛ بلکه در محافل خصوصی و

روشنفکری نیز نفوذ کرده بود. سیستم تبلیغ و ترویج اسلام در طول این سالیان دراز به قدری رشد یافته بود که نظام مند و هدفمند بودن آنرا نمی توان انکار کرد. این سیستم تبلیغی پایگاه محکم و محترمی به نام مسجد داشت که حرمت آن برابر با حرمت خانه خدا بود، کما اینکه به این اسم هم نامیده میشد. از این رو مسجد ابزار فوق العاده ای برای تبلیغ اندیشه ولایت فقیه و مقایسه آن با معایب و مفساد نظام شاهنشاهی محسوب میشد (خیری اصل، ۱۳۹۲، ۲۰).

بی سبب نیست که یکی از نظریه پردازان برجسته آمریکائی در نطقش، خطاب به سردمداران آمریکا با تلخی، زبان به اعتراف می گشاید: «آمریکا علیرغم تجارب جاسوسی و اطلاعاتی سازمان دویست ساله CIA، در شناخت انقلاب اسلامی ایران اشتباه کرده و از دو اهرام نیرومند محراب و منبر غفلت نموده است!» (مجموعه مقالات و سخنرانی ها، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

برخی از اتفاقاتی که توسط مسجد در این دوران رخ داده است را می‌وان به طور خلاصه چنین برشمرد:

• مبارزه علنی با مظاهر و مناسک دینی

محمدرضا پهلوی در مسیری که رضا خان برای فرهنگ ایران بر مبنای تقلید از سایر کشورهای به اصطلاح متجدد در نظر گرفته بود، گام نهاد و به مبارزه با فرهنگ و علوم بومی و اسلامی به اسم تجدد گرایی روی آورد. در این سال‌ها تلاش می‌شد که دین را عامل عقب ماندگی مردم و فرهنگ عمومی معرفی کنند. مبارزه با روحانیت نیز که از دوران رضاخان آغاز شده بود، با شدت بیشتر و البته به شکل مدرن خود ادامه یافت. در سال ۱۳۱۴ پوشیدن لباس روحانیت و گذاشتن عمامه و حضور روحانیت در جامعه ممنوع شد و رژیم طاغوت درصدد برآمد که نظام حوزه‌ی علمیّه را مضمحل سازد. همچنین به دنبال تخریب وجهه روحانیت در افکار عمومی بود. «در زمان رضاخان برای این‌که روحانیت را از چشم‌ها بیندازد، می‌گفت: روحانیت مفتخور است؛ یعنی مثلاً عملگی و یا کار اداری نمی‌کند، درعین حال به زندگی خود ادامه می‌دهد... او چون به رسالت دین معتقد نبود، این حرفها را می‌زد و کار عالم دین را باور نداشت» (بیانات

رهبر انقلاب، ۱۳۷۴/۰۶/۱۴). پس از قانون کشف حجاب در دوران رضاخان، مبارزه با حجاب اسلامی و ترویج برهنگی و ولنگاری عمومی در دوران پهلوی دوم نیز همچنان ادامه داشت.

• ایجاد نهاد وقف خارج از نظام مساجد

در دوران پهلوی با چند رخداد حائز اهمیت دیگر نیز مواجهیم، جدا شدن بحث وقف از مساجد و تشکیل یک سازمان جدید بر مبنای اندیشه‌های محمدعلی فروغی گامی دیگر در محدود کردن مساجد ایران بود. راه‌اندازی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای تولیت این امر انجام شد. وظایف اداری اوقاف ذیل قانون اداری این وزارت خانه عبارت است از؛ «نظارت بر اعمال متولیان و تفتیش در وصول و ایصال عایدات اوقاف و ممانعت از حیف و میل اولیاء و مباشرین وقف و تدارک موجبات آبادی آن‌ها، مراقبت در صرف عایدات اوقاف به مصارف مخصوصه خودش حسب ما اوقفها اهلها، اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق بریات صرف شود در مصارف تعلیمات و فوائد عمومیه» (قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۲۹۸) و عملاً بخشی از عایدات موقوفات بر حسب دستور وزیر و بر اساس ترویج فرهنگ، آموزش و بهره‌برداری عمومی، صرف سایر هزینه‌های امور حکومت می‌شد. این سیاست سبب شد مساجد که متولی اداره موقوفات و ساماندهی به آن‌ها بودند، از این حوزه مدیریتی منفک شوند و بخشی دیگر از ظرفیت‌های مساجد در اداره‌ی امور اجتماعی کاسته شود و نهادهای رسمی متولی اموری شوند که روزگاری بر مبنای سرمایه‌های اجتماعی ایجاد شده بود و به صورت محلی و با مشارکت معتمدین و علما، اداره می‌شد، این موضوع تا جایی بالا گرفت که امام خمینی رحمت الله علیه سازمان اوقاف به عنوان «سازمان ضد اسلامی اوقاف» یاد کردند (صحیفه امام، جلد ۲، صفحه ۴۸۳).

• جدا شدن ثبت اسناد از مساجد

از اوایل حکومت پهلوی محدودیت مساجد در حوزه‌های کارکردی‌شان به تدریج آغاز شد. مسجد پیش از دوران پهلوی اول به دلیل تجمع اعتبار و سرمایه‌های اجتماعی در آن، مرجع ثبت اسناد و حوادث مهم آحاد جامعه بود و تأیید روحانی مسجد و معتمدین

محلّه، گواه بر صحت اسناد ثبتی احوال و املاک و اموال مردم و نقل و انتقال آن‌ها بود. خطبه‌ی ازدواج جوان‌ها نه‌تنها در مسجد جاری می‌شد، بلکه در مسجد به ثبت نیز می‌رسید، همچنین ثبت طلاق، ثبت تاریخ تولد نوزادان و وصیت‌نامه‌ی افراد نیز به همین منوال رسمی و ثبت می‌گشت. «این موارد بر عهده‌ی هیئتی از علما و ائمه‌ی دارالعدل بود. در صفات شخص کاتب بالعدل چنین آمده؛ فاضل، عالم امین، متدین راست‌قول و درست‌قلم، مهارت در کتابت در اسناد دیون، مبیاعات و صکوک املاک و قباله‌ها و محل اعتماد مردم» (اختری، ۱۳۸۲: ۱۵۲-۱۵۳). قابل ذکر است که این شیوه‌ی ثبت مورد تأیید حکومت‌ها نیز بوده است. در دوره‌ی صفویه بنای دادوستد امور شرعیه است که هرگاه مثلاً شخصی خانه‌ای خریداری نماید، مادامی‌که قباله‌ی آن خانه را به مهر حاکم شرع و فحول علمای اعلام آن زمان نرساند، قبالچه او معتبر نمی‌شد و کسی اعتنا به قبالچه او نمی‌کرد (نصیری، ۱۳۷۱: ۵-۶). حتی در دوره‌ی قاجار و در سال ۱۳۰۲ اعتماد به نظر علما در اسناد ثبتی بخشی از قانون ثبت اسناد مصوب فروردین ۱۳۰۲ هجری شمسی ایران قرار گرفت. در این قانون به مرجع تأیید اسناد معاملاتی توسط روحانی اشاره شده که غالباً این تأییدات در مسجد انجام می‌شد؛ «چون اسنادی در معاملات متداوله بین مردم ردوبدل (می‌شود) و در هیچ اداره و دفتری ثبت و ضبط صحیح ندارد و این مطلب اسباب مشاجرات لایتناهی مابین افراد ناس می‌شود، علی‌هذا در وزارت عدلیه اعظم دفتری موسوم «به اداره دفترخانه عمومی» تشکیل یافته که کلیه اسناد از قبیل مصالحه نامچه و بیع شرط و انتقال نامچه و تمسک و غیره که در معاملات مردم رد و بدل و صیغه آن در حضور یکی از «علما» جاری می‌شود، در دفتر مزبور ثبت شود و الصاق تمبر گردیده، رسمیت خواهد داشت و در دعاوی و مرافعاتی که ابراز می‌شود مورد وثوق و محل اطمینان خواهند بود» (راوندی، ۱۳۶۸: ۲۸۰). اما با تأسیس سازمان ثبت اسناد و املاک در سال ۱۲۹۰ و با دستور رضاشاه، امور ثبت اسناد از مساجد جدا شد و علمای بلاد و مسجد محلات از این کارکرد اجتماعی منتزع شدند.

• انقلاب سفید و تشدید انزوای مساجد

حکومت پهلوی دوم نیز بر روند مساجد ایران تأثیرگذار بود. با انتشار خبر انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱، بحث اصلاحات و اعلام همه‌پرسی به اطلاع همه مردم رسید.

هرچند در همان ایام حکم تحریم رفراندوم توسط امام خمینی رحمه الله صادر شد اما طرح رفراندوم موضوعی بود که موجب مخالفت روحانیون شد و طوری وانمود شد که عملاً آن‌ها در مقابل نظرخواهی از مردم قرار می‌داد. دلیل این مخالفت این‌گونه بیان شد: «باید در جراید و وسایل تبلیغاتی، آرا موافق و مخالف منعکس شود و (دلیل این مخالفت) به مردم برسد، نه آنکه به‌طور مبهم با چند روز فاصله بدون اطلاع ملت اجرا شود، همچنین رأی‌دهندگان باید معلوماتشان به‌اندازه‌ای باشد که بفهمند به چه رأی می‌دهند.... علاوه بر این باید رأی دادن در محیط آزاد باشد و بدون هیچ‌گونه فشار و زور و تهدید و تطمیع انجام شود و در ایران این امر عملی نیست و اکثریت مردم را سازمان‌های دولتی در تمام نقاط و اطراف کشور ارباب کرده و در فشار و مضیقه قرار داده و می‌دهند.... دستگاه حاکمه ایران به احکام مقدسه اسلام تجاوز کرد و به احکام مسلمة قرآن قصد تجاوز دارد. نوامیس مسلمین در شرف هتک است و دستگاه جابر با تصویبنامه‌های خلاف شرع و قانون اساسی می‌خواهد زن‌های عفیف را ننگین و ملت ایران را سرافکنده کند (صحیفه نور، ج ۱، ۱۳۶۹: ۲۳-۲۷). اما انقلاب سفید که زمینه را برای نفوذ اندیشه‌های غربی فراهم می‌کرد، اجرایی شد و دستگاه شاهنشاهی تحت عنوان الغای رژیم ارباب‌ورعیتی و مبارزه با خان و خان سالاری، به کلیت نظام اداری روستاها بدون در نظر گرفتن مؤثرترین نهاد مردمی و محلی مستقر در روستاها یعنی مساجد، حمله برد و در این برخوردها که در ظاهر با عده‌ای از ثروتمندان و کدخداهای روستاها بود، یکی از منابع تأمین مالی را از مساجد گرفت.

با قیام امام خمینی رحمه الله در سال ۱۳۴۲، آمادگی عمومی برای مبارزه با رژیم شاهنشاهی با محوریت مساجدی که در موقعیتی تضعیف شده قرار داشتند، کشور را به‌سویی دیگر سوق داد. مردم که تابش بارقه‌های امید را از نهضت امام با دل و جان می‌دیدند، به‌سوی ایجاد و رشد پایگاه‌هایی برای مبارزه بودند و در این سال‌ها به ساخت مساجد روی آوردند و موضوع ساخت و بازسازی مساجد روند رو به رشدی یافت. ارزش هنجاری و ضرورت احترام مساجد در این سال‌ها بسیار مبرز بود و کوچک‌ترین بی‌احترامی به خانه‌ی خدا از سوی رژیم پهلوی، موجب طغیان مردم مسلمان ایران می‌شد، کما اینکه در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ قیام مردم تبریز در اثر توهین یک مأمور رژیم به مسجد، به وقوع پیوست.

در این سال‌ها تلاش‌هایی برای محور قرار دادن مسجد در امور فرهنگی و اجتماعی از سوی برخی از اندیشمندان اسلامی و رهروان خط امام، وجود داشت که به دلایل مختلفی این رویکرد محقق نشد. از سویی مساجد که پیش از این رویکردی تک‌بعدی و صرفاً نیایشی پیدا کرده بودند، آمادگی تغییر وضعیت را نداشتند و جایگاهی برای ارائه‌ی مباحث فکری و علمی در آن وجود نداشت. بنابراین شهید مطهری که در مسجد اجازه‌ی حضور و ارائه‌ی بحث نمی‌یابند، برای بیان مباحث خود و نشر معارف دینی، حسینیه‌ی ارشاد را تأسیس می‌کنند. البته بعد از آن اعتراض‌های مختلفی به شهید مطهری می‌شود مانند اینکه چرا به جای مسجد، یک حسینیه را برای بیان مطالب دینی انتخاب کرده است، در کتاب خاطرات من از استاد مطهری می‌خوانیم؛ «مدتی بعد از افتتاح حسینیه، سروصدا راجع به حسینیه شروع شد که بانی این بنای عظیم کیست؟ مگر مساجد چه اشکالی داشته که مطهری و رفسنجانی و باهنر این بساط را در حسینیه ارشاد به راه انداخته‌اند؟ لابد می‌خواهند کلاهی‌ها مانند فخرالدین حجازی را هم دعوت کنند که به جای اهل علم، مردم را «ارشاد» کنند؟» (دوانی، ۱۳۹۰: ۶۳). به هر حال استاد مطهری که در تعارض شدید میان دو جبهه‌ی مخالفان متحجر و جریان کمونیستی قرار گرفته بود، از حضور و فعالیت در حسینیه ارشاد انصراف می‌دهد.

هرچند در این ایام از سوی برخی روحانیون متنفذ پیروی خط امام همچون آیت‌الله مهدوی کنی تلاش‌هایی برای محور قرار دادن مسجد در زمینه‌ی جریان سازی علمی و ایجاد فضای گفتگوی سالم در جامعه شکل گرفت، اما از دو جبهه‌ی متحجرین و غرب‌گراها مخالفت‌هایی جدی صورت پذیرفت. به عنوان مثال آیت‌الله مهدوی کنی پیشنهاد دادند که مسجد جلیلی را برای برگزاری جلسات اندیشه‌ورزی و مباحث سیاسی معرفی کنند و از آقای بازرگان هم برای حضور دعوت کردند. بحث‌هایی در مخالفت با این ایده طرح شد از جمله اینکه چون مسجد صندلی ندارد، امکان برگزاری نشست در آن نیست. بنابراین ایشان برای اولین بار مسجد جلیلی را مجهز به صندلی کردند که از طرف مذهبی‌های سنتی این اقدام مورد اعتراض قرار گرفت و معتقد بودند که مسجد را به شکل کلیسا درآورده‌اند.

در این سال‌ها، برخی از مساجد بستر مناسبی برای تربیت نیروهای انقلاب و ترویج اندیشه‌های امام شد، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با مسائل جدیدی مواجه شد که در طی زمان، تغییر ماهیت داد. در ادامه به بررسی وضعیت مساجد کشور در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

در پایان این بخش روز شمار جرقه‌های انقلاب (در ارتباط با مساجد) که در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ اتفاق افتاده است به شرح زیر می‌باشد:

الف- روزشمار سال ۱۳۵۶

فوت دکتر علی شریعتی

غالباً مراسم فوت شخصیت‌های مبارز سیاسی، فرهنگی، علمی و بستگانشان در مساجد به میتینگ سیاسی علیه رژیم تبدیل می‌شد. در خرداد ۱۳۵۶ در مسجد ارک مجلس ختمی به مناسبت درگذشت پدر حجه الاسلام عبدالمجید معادیخواه (از مبارزان برجسته) برپا بود و از طبقات مختلف مردم اجتماع انبوهی حضور داشتند که در این مراسم خبر درگذشت دکتر علی شریعتی به عنوان شخصیت بزرگ اسلامی به مردم اعلام شد و عده‌ای که عمدتاً دانشجو بودند به تجمع و شعار دادن در حیاط مسجد و ازدحام مبادرت نمودند. در این واقعه تصمیم بر آن شد که مراسم‌های متعددی در مساجد برگزار کنند. البته رژیم هم کنترل شدیدی بر مساجد اعمال نمود. بی‌طوریکه پس از برگزاری مراسمی در مسجد سید عزیزالله بازار، از برگزاری مراسم دیگر در مسجد ارک ممانعت به عمل آوردند. در برخی از این مراسم‌ها مردم با پلیس که مسئول متفرق ساختن و کنترل مردم بود درگیر شدند و برخی از نیروهای رژیم در بیرون مسجد مجروح شدند و افراد مظنون نیز دستگیر شدند (خیری اصل، ۱۳۹۲).

برگزاری سلسله جشن هنر شیراز

در مساجد و هیات‌های مذهبی رسوائی و فسادهای اخلاقی رژیم و یکی از آنها جشن هنر شیراز بود که برای مردم تشریح و مورد انتقاد قرار گرفت. از جمله در تاریخ سوم شهریور ۱۳۵۶ آیه الله مکارم شیرازی در هیات بنی فاطمه

گفتند: «این نمایشی که در جشن هنر شیراز نمایش دادند به قدری زننده بود که روزنامه‌ها خجالت کشیدند آنرا بنویسند». بنابر اسناد ساواک، آیه الله مکارم شیرازی از مظاهر بی دینی-نمایش‌هایی که هنرمندان با بدن‌های عریان و نیمه عریان در جشن هنر اجرا کرده بودند- انتقاد کرده بود.

اقامه نماز عید فطر در مسجد قبا

ماه رمضان فرصت مناسبی برای تبیین مبانی انقلابی و عقیدتی برای مردم بود و رژیم که مراسم‌های مساجد از جمله مسجد قبا را رصد می‌کرد، با اطلاع از تصمیم آیه الله مفتاح و سایر انقلابیون مبنی بر اقامه نماز عید فطر سال ۱۳۵۶ در مسجد قبا، تذکرات موکدی بر ایشان داده شده بود. لذا تصمیم بر آن شد که اقامه نماز در مسجد قبا صورت نگیرد و در عوض مراسم در خیابان قیطریه، همراه با حضور پرشور گروه‌های مختلف سیاسی و اقشار گوناگون مردم و سخنرانی سیاسی، مشابه با تجمع مبارزان و میتینگ سیاسی شد.

فوت آقامصطفی خمینی

از حوادث مهم دیگر این سال درگذشت حاج مصطفی خمینی در آبان ماه ۱۳۵۶ بود. خبر درگذشت فرزند ارشد امام رحمة الله علیه به سرعت در سراسر ایران پخش شد و رژیم مراقبت و ممانعت‌هایی برای برگزاری مراسم ختم به این مناسبت می‌نمود. با این توصیف در مساجد بسیاری از شهرها با حضور اقشار مختلف مردم و گروه‌های مختلف سیاسی و فکری این مراسم برگزار شد که برخی از این مراسمات بواسطه عوامل ساواک ملغی شد (مسجد فلاح). این مراسم با کمیت و کیفیت بالای خود در مساجد نقطه عطفی در جریان مبارزات علیه رژیم و زمینه‌ی مساعدی برای پیوند دوباره‌ی ملت و امام بود. در دنباله مراسم‌های سوگواری اعلام تعطیلی عمومی در شهر قم و بازار تهران و برگزاری تظاهرات‌های پراکنده مردمی و اجتماعات مختلف دانشجویان در برخی مساجد (مسجد شاه سابق) انجام شد (نوربخش، ۱۳۹۰). این مراسم‌ها تا چهل‌م وی در شهرهای مختلف از سوی مردم در مساجد پیگیری و برگزار شد (خیری اصل، ۱۳۹۲: ۵۱-).

۶۵). مسجد اعظم قم نقش برجسته ای در برگزاری مراسم ختم و چهلم داشت و با اجتماع کثیر علما و روحانیون و اقشار مختلف مردم، مراسم کاملاً به جلسه ای سیاسی تبدیل گردید. در پایان مراسم محمد جواد حجتی کرمانی قطعنامه ای در ۱۳ ماده به شرح زیر قرائت کرد و حاضران تائید می کردند:

۱- بازگشت امام خمینی ۲- آزادی زندانیان سیاسی ۳- آزادی اجتماعات، بیان، قلم و رفع منبر و اعطای خصوصاً فلسفی ۴- منع فیلم های سینمایی و تئاترها و جشن های هنری و جلوگیری از بدآموزی ۵- بازگشایی مسجد و کتابخانه دانشجویان دانشگاه تهران ۶- قطع ارتباط کامل با اسرائیل و... (سلیمی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

مقاله‌ی احمد رشیدی مطلق

مدنی در کتاب «تاریخ سیاسی ایران» می‌گوید: شهادت مشکوک و ناگهانی حاج سید مصطفی خمینی، فرزند بزرگ امام، در اواخر آبان ۱۳۵۶ بهانه‌ای شد تا در مراسم آن مرحوم یاد امام دوباره بر سر زبان‌ها جاری شود. رژیم شاه که سال‌ها تلاش کرده بود نام ایشان به فراموشی سپرده شود، تحمل چنین وضعی را نداشت؛ به همین دلیل تصمیم گرفت به امام توهین کند. درهمین راستا، به مزدوران خود دستور داد در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقاله‌ای در روزنامه‌ی اطلاعات، با نام مستعار احمد رشیدی مطلق، منتشر کنند (بی‌نا، ۱۳۸۳). محورهای مقاله عبارت بود از: ۱- تعریف و تمجید از انقلاب سفید؛ ۲- تلاش برای نشان دادن پیوندهای تنگاتنگ استعمار سرخ و سیاه؛ ۳- تلاش برای ایجاد اختلاف بین روحانیان؛ ۴- اهانت به امام خمینی. به دنبال تحصن روحانیان، طلبه‌ها کلاس‌های درس را تعطیل کردند و معترضان خود را به صف‌های به هم فشرده‌ی نماز در مسجد اعظم قم رساندند (حسن زاده، ۱۳۸۱).

قیام ۱۹ دی قم

مقاله‌ی روزنامه‌ی اطلاعات واکنش شدیدی در سراسر ایران به دنبال داشت؛ اما در قم نتیجه‌ای فوری داشت (بی‌نا، ۱۳۸۳: ۱۶۰). صبح روز ۱۹ دی ۱۳۵۶، بازاریان و عده‌ای از طلبه دسته‌جمعی به سوی مسجد اعظم حرکت کردند. در

حیات مسجد اعظم، جمعیت اجتماع‌کننده شعارهای اعتراضی علیه رژیم سر دادند. آیت‌الله گلپایگانی، مرعشی و شریعتمداری که در شبستان مسجد اعظم مشغول تدریس بودند، درس خود را نیمه‌تمام گذاشتند و به مردم پیوستند (ملایی پور، ۱۳۸۳: ۳۲). بدیهی است وقتی این قیام در قم به وقوع پیوندد و روحانیان شیعه آن را رهبری کنند، شهدا و مجروحان از طلاب علوم دینی باشند. مراسم بزرگداشت آنان در مساجد شهرهای مختلف، با حضور توده‌های عظیم مذهبی، برگزار شد (حسینیان، ۱۳۸۵: ۱۵۲). حتی عده‌ای دانشجوی، در مسجد شهر بابک، علیه رژیم و در مورد واقعه‌ی ۱۹ دی سخنرانی کردند. در این اعتراض‌ها واژه‌های امام خمینی رحمة الله علیه، مسجد، روحانیان و شهدای ۱۹ دی قم برجسته بود.

پیامدهای واقعه‌ی ۱۹ دی قم

۱. یکی از پیامدهای این قیام آشکارتر شدن نقش نیروهای مذهبی در حرکت مردم ایران بود (همان: ۱۵۰). پارسونز، سفیر انگلیس، می‌گوید: «جناح مذهبی عملاً رهبری جریانات مخالف را به دست گرفت و در موعظه‌های خود در مساجد و مراسم مذهبی به طور علنی به دولت حمله بردند، آتش احساسات و هیجانات عمومی را دامن می‌زدند» (پارسونز، ۱۳۶۳: ۱۰۷).
۲. این قیام جنگی خاموش بین شاه و روحانیت آغاز کرد و بین دولت و مقامات روحانی کشور بحرانی شدید به وجود آورد (همان: ۱۰۰).
۳. مهم‌ترین پیامد واقعه‌ی ۱۹ دی به وجود آمدن سلسله‌حوادثی بود که چون موج به دنبال یکدیگر آمدند. طبق گزارش‌های ساواک، یک روز بعد از فاجعه‌ی ۱۹ دی قم تا چهل‌م واقعه، در شهرهای مختلف اعتراض‌های بسیاری شکل گرفت (حسینیان، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

۴- جنبش ۲۹ بهمن تبریز

مردم آذربایجان نیز در چهل‌م شهدای قم شجاعت خود را به اثبات رساندند. در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، که عزای عمومی اعلام شده بود، مردم تبریز روانه‌ی مسجد شدند تا در مجلس ختمی شرکت کنند که به همین مناسبت آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله قاضی برگزار کرده بودند؛ اما پلیس از ورود مردم به

مسجد جلوگیری کرد و برای پراکنده کردن آن‌ها تیراندازی کرد و عده‌ی زیادی را به شهادت رساند (بی نا، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

ب- روز شمار سال ۱۳۵۷

۱. چهلم شهدای ۲۹ بهمن تبریز

در آستانه‌ی فرارسیدن چهلمین روز شهادت عده‌ای از مردم تبریز امام خمینی رحمة الله علیه، با صدور پیامی تحلیلی به ملت ایران، خط مشی مبارزه را مشخص کردند. ایشان از مردم خواستند صفوفشان را زیر پرچم عدالت پرور اسلام فشرده کنند و با شعار واحد اسلام و قرآن به پیش بروند. همچنین، امام رحمة الله علیه از مردم خواستند در روز چهلم با عزای عمومی خود به ملت‌های آزاد جهان بفهمانند مردم ایران در چه موقعیتی زندگی می‌کنند (حسینیان، ۱۳۸۵: ۱۸۳). ساواک پیش‌بینی کرده بود مراسم چهلم شهدای تبریز مورد استقبال سرتاسری قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل تصمیم گرفت، برای جلوگیری از اغتشاش، اجتماعات چهلم کشته‌شدگان تبریز در مساجد و اماکن مذهبی را بلامانع اعلام کند. این‌گونه جلوی تظاهرات و اخلاص‌گری در خیابان و خارج از اماکن مذهبی و بستن مغازه‌ها را می‌گرفت.

همان‌طور که ساواک پیش‌بینی کرده بود، مراسم چهلم با استقبال بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شد. در اصفهان، تربت حیدریه، سمنان، همدان، خرم‌آباد، بهبهان، ساری، سیرجان، گرگان و قم مراسم‌های بزرگی در مساجد مختلف برگزار شد و درگیری‌هایی بین مردم و رژیم نیز پیش آمد. نکته‌ی مهم این است که بیشتر این حرکات از دل مساجد سرچشمه گرفت. در مشهد «کلاس‌های درس طلاب علوم دینی و ۶۵ درصد مغازه‌های شهر به‌عنوان همدردی با مقتولین حوادث تبریز تعطیل گردید. در قم، مجلس فاتحه‌ای برای مقتولین حوادث شهر تبریز، با حضور آیت‌الله محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین نجفی مرعشی و با شرکت قریب ۱۵ هزار نفر، در مسجد اعظم برگزار شد» (همان: ۱۸۶).

۲. حماسه‌ی مردم یزد در ۱۰ فروردین ۱۳۵۷

روز ۸ فروردین، آیت‌الله صدوقی با صدور اعلامیه‌ای، ضمن تجلیل از مقام شهید، اعلام کرد در روز ۱۰ فروردین، در مسجد روضه‌ی محمدیه (حظیره)، بزرگداشتی برای تجلیل از شهدای قم، تبریز و لبنان برگزار می‌شود. اما در روز ۹ فروردین، بعد از نماز عشا، خود آیت‌الله صدوقی به منبر رفت و به رژیم شاه انتقاد کرد. پس از خاتمه‌ی مجلس حدود ۵۰۰ نفر از افراد شرکت‌کننده به تظاهرات خیابانی پرداختند. پلیس با تظاهرکنندگان درگیر شد؛ در نتیجه تظاهرکنندگان به اماکن دولتی حمله و خساراتی وارد کردند. این درگیری مقدمه‌ای شد تا مردم یزد مصمم‌تر در مراسم شهدای تبریز شرکت کنند. صبح روز ۱۰ فروردین، مردم از گوشه و کنار شهر به سوی مسجد حظیر رفتند. آیت‌الله صدوقی نیز قبل از ساعت ۹ در مسجد حاضر شد. مردم به محض تمام‌شدن مراسم در خیابان‌ها دست به تظاهرات زدند. شهربانی که توان مقابله نداشت از نیروهای ژاندارمری کمک خواست؛ آنان نیز به کمک نیروهای پلیس با مردم درگیر شدند و در نتیجه تعدادی از مردم مؤمن یزد زخمی و شهید شدند (همان: ۱۸۹).

۳. برگزاری هفتم شهدای یزد

آیت‌الله صدوقی در ۱۳ فروردین، خطاب به مراجع تقلید، نامه‌ای سرگشاده نوشت و حادثه‌ی خونین ۱۰ فروردین را شرح داد. وی در همان نامه اعلام کرد برای شادی روح شهدا مجلس ختم و یادبودی برگزار می‌کنند. به گزارش ساواک، مجلس در وقت مقرر برگزار شد و بدون هیچ حادثه‌ای پایان یافت. روز ۱۶ نیز مجلس ختمی به همین مناسبت در مسجد اعظم قم، با حضور مراجع، برگزار شد (همان: ۱۹۲).

۴. زنجیره چهل‌ها

بی‌شک مؤثرترین حرکت در تداوم انقلاب پیگیری مجالس بزرگداشت شهدا با محوریت مساجد بود. پس از به خاک و خون کشیده‌شدن قیام مردم قم، اعتراض‌ها و تجمع‌ها در شهرهای مختلف سازمان یافت. در نتیجه، نیروهای

امنیتی و نظامی رژیم تقریباً در همه‌ی شهرها درگیر بودند و مساجد به یکی از فعال‌ترین مراکز سازماندهی و هدایت خیزش‌ها تبدیل شده بود.

تبریز اولین شهری بود که به دلیل برگزاری مراسم چهل‌م شهدای قم هدف خشونت رژیم قرار گرفت. به دنبال آن شهرهایی چون قم، شیراز، اصفهان، زنجان و تهران به آتشی سوزان برای سران حکومتی تبدیل شدند (شریف پور، ۱۳۸۰: ۶۰).

۵. تحریم جشن‌های شعبان سال ۱۳۵۷

امام خمینی برای تداوم مبارزه علیه رژیم شاه از هر فرصتی استفاده می‌کردند. ایشان در ۲۸ رجب (۱۳ تیر) پیامی به ملت ایران صادر کردند و مردم را از جشن و چراغانی در ۳ و ۱۵ شعبان بر حذر داشتند (حسینیان، ۱۳۸۵: ۲۵۱). تظاهرات نیمه‌ی شعبان نیز چند شهید داد و بار دیگر خون در رگ‌های انقلابی مردم جاری کرد (همان: ۲۵۶).

۶. رمضان ۱۳۵۷ و صدور منشور انقلاب

ماه رمضان ۵۷ با شور انقلابی آغاز شد. چون مردم روزه‌دار بودند، نمازهای جماعات بعد از افطار برگزار می‌شد و بعد از نماز یکی از وعاظ سخنرانی می‌کرد. محور این سخنرانی‌ها انتقاد از شخص شاه، تجلیل از امام خمینی و حکومت اسلامی و جذب نیروهای نظامی بود. بعد از پایان مراسم مردم به شعاردادن یا تظاهرات خیابانی می‌پرداختند (همان: ۲۷۱). تاریخ و ماجرای دقیق این مراسم در اسناد انقلاب اسلامی موجود است (همان: ۲۷۴).

۸- فاجعه سینما رکس آبادان

در مرداد ماه سال ۵۷ سینما رکس آبادان در حالی که عده‌ای از مردم در آن در حال تماشای فیلم بودند، آتش گرفت و نشانه‌هایی حاکی از عمدی بودن آتش سوزی وجود داشت. پس از این حادثه، مجالس و اجتماعات و سخنرانی‌های آتشین در مساجد مختلف کشور برگزار شد. غیر از سخنرانی‌های در مناظر، اعلامیه‌های تند و مبارزه جویانه‌ای بی ملاحظه و هیچ احتیاطی در مساجد توزیع

می شد که در گزارش های متعدد ساواک به آن اشاره شده است. برخی از این اعلامیه ها این فاجعه به دولت نسبت داده شده و آنرا با کوره های آدم سوزی مقایسه می نمودند و همچنین نوشابه های پپسی و کوکاکولا به امضای آیه الله یحیی نوری تحریم شده بود (خیری اصل، ۱۳۹۲: ۶۷).

۹. جمعه ی سیاه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

اسناد نشان می دهد که سخنرانی ها در این ماه اوج گرفت، دستگیری ها بسیار زیاد شد و تعدادی از تبعیدی ها را جابه جا کردند. مجموعه سخنرانی های روحانیت در ماه رمضان رژیم را بسیار نگران کرد. در مساجد سخنرانی های سیاسی ایراد می شد و حتی میعادگاه تظاهرات تعیین می شد؛ برای مثال دکتر مفتاح در مسجد قبا اعلام کرد، غیر از نماز عید فطر، ۱۶ شهریور نیز تعطیل عمومی است. در برخی از شهرها تعدادی از مردم در درگیری با حکومت شهید شدند. برای احترام به این شهدا اعلام کردند ۱۶ شهریور در تهران تعطیل عمومی است. عده ای از مردم در راهپیمایی بزرگ ۱۶ شهریور فریاد می زدند: «فردا صبح در میدان ژاله» (حسینیان، ۱۳۸۵: ۳۵۰).

یکی از بزرگ ترین فجایع تاریخ در میدان شهدای تهران (ژاله ی سابق) روی داد و هزاران نفر به خون غلطیدند. تظاهرات چند میلیونی و گسترده ی مردم تهران در روزهای پس از عید فطر آن ها را امیدوار کرد که قوای انتظامی قصد تهاجم به راهپیمایی های آرام را ندارند. در روز جمعه ۱۷ شهریور، معترضان از صبح زود به حرکت درآمدند. ساعت ۶ صبح برقراری حکومت نظامی در تهران و دوازده شهر بزرگ دیگر اعلام شد؛ اما ده ها هزار نفر از مردم مجاهد شرق تهران از صبح زود به سوی میعادگاه سرازیر شدند. در کمتر از دو ساعت همه ی خیابان ژاله، تا پشت بهارستان، از جمعیت پرشد. اعلام حکومت نظامی فرمان جنگی علیه توده های مردم بود. جمعه ی سیاه و کشتار دسته جمعی آن مدار مبارزه، مقاومت و فداکاری را عوض کرد. مردم به جای اینکه بترسند و به خانه هایشان بروند، به انتقام و خون خواهی برخاستند (مدنی، ۱۳۶۱: ۲۶۲).

۱۰. واقعه‌ی خونین کرمانشاه

ساعت ۴ بعدازظهر ۹ مهر ۱۳۵۷، با دعوت علمای کرمانشاه، جمعیت زیادی در اعتراض به محاصره‌ی بیت امام خمینی در مسجد آیت‌الله بروجردی و خیابان‌های اطراف جمع شدند. روحانی‌ای به نام سید موسی موسوی در این مجلس سخنرانی کرد و ضمن حمایت از امام خمینی حکومت اسلامی را خواست همه‌ی ملت اعلام کرد. پس از تمام شدن مراسم، جمعیت به طرف مسجد جامع راهپیمایی کردند. ناگهان، پلیس در چند دقیقه به مردم حمله و گاز اشک‌آور شلیک کرد. راهپیمایی آرام مردم به درگیری تبدیل شد و طبق ادعای رژیم در این درگیری سه نفر کشته و سی‌وسه نفر مجروح شدند (حسینیان، ۱۳۸۵: ۴۳۹).

۱۱. فاجعه‌ی مسجد جامع کرمان

از ساعت ۱۰ صبح ۲۴ مهر ۱۳۵۷، مردم کرمان به دعوت روحانیان شهر در مسجد جامع تجمع کردند تا یاد شهدای میدان ژاله‌ی تهران را پاس دارند. ساعت ۱۱/۳۰، درحالی‌که آقای صمدانی هنوز سخنرانی می‌کردند، عده‌ای به مسجد حمله کردند. در این حمله صدها نفر به شهادت رسیدند. فاجعه به حدی جنایت‌آمیز بود که موجی از قیام و تظاهرات در سرتاسر کشور به دنبال آورد. رژیم چنان به وحشت افتاد که اعلام کرد درباره‌ی موضوع تحقیق خواهد کرد. علما در سرتاسر کشور بر علیه این فاجعه موضع گرفتند (همان: ۴۴۱).

۱۲. فاجعه‌ی خونین ۳۰ مهر ۱۳۵۷ در همدان

در همدان، یکی از دانش‌آموزان دختر اول نظری دبیرستان پروین اعتصامی در یکی از تظاهرات دانش‌آموزی دستگیر می‌شود و بعد از آزادی با نوشتن وصیت‌نامه‌ای خودکشی می‌کند. وی در مصیت‌نامه علت خودکشی را تجاوز نیروهای رژیم در بازداشتگاه اعلام می‌کند. انتشار این خبر در همدان موجی از عصبانیت برانگیخت. همان روز، در مساجد اعلام شد که فردا صبح مردم تظاهرات کنند. در ۳۰ مهر، جمعیت به قدری زیاد شد که نیروهای رژیم وحشت‌زده در خیابان شاهپور مردم را به گلوله بستند.

۳. وضعیت مساجد ایران پس از انقلاب اسلامی

نقش مسجد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ (از اول انقلاب تا زمان دفاع مقدس)

تاریخ نشان داده است که در پس هر انقلاب، ضد انقلاب نیز شکل می گیرد که هستی آنرا تهدید می کند و به اشکال گوناگون به مبارزه با آن پرداخته است. در شیلی به صورت کودتا علیه رژیم قانونی آینده، در مشروطه از طریق خسته کردن مردم و روی کار آمدن رژیم رضا خان و... اصولاً هر انقلابی تا مرحله تثبیت قدرت خود باید از یک مرحله گذار بسیار دشوار عبور کند. امام رحمة الله علیه با درک ضرورت این مساله، دوباره از نیروی تاثیرگذار مساجد مدد می گیرد و پس از کامیابی در برابر ابرقدرتها و نوکران آنها، نقش اساسی مساجد را نادیده نمی انگارد. ایشان در سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی در جمع روحانیون تهران فرمودند:

«این مسجدها را سنگر قرار بدهید برای اسلام. در صدر اسلام از این مسجدها همه چیز بیرون می رفت. مسجد محل قضاوت بود. مسجد محل بسیج بود، بسیج سپاه بود. این مسجدها را شما باید محکم نگاه دارید. محراب محل حرب است، اینها سنگرند برای اسلام حفظ کنید اینها را».

و در جمع طبقات دیگر مردم در سال ۱۳۵۹ فرمودند:

«اینها از مسجد بد دیدند خصوصاً در این دو سه سال اخیر که مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می کرد. اینها می خواهند این سنگر را بگیرند».

امام راحل در همان سال به دانشجویان فرمودند:

«اینها از مسجد می ترسند... شما دانشگاهی ها، شما دانشجویان، همه تان مساجد را بروید پر کنید، سنگر است اینجا. سنگرها را باید پر کرد... انقلاب از مساجد پیدا می شود. از مساجد این طور امور تحقق پیدا می کند. هم دانشگاه ها را حفظ کنید، هم مساجد را حفظ کنید، منافات با هم ندارند. دانشگاهی باشید، مسجد هم بروید، مساجد را هم تعمیر کنید، مساجد را هم آباد کنید از رفتن خودتان» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

شرایط موجود در کشور در این مرحله فوق العاده سخت و شکننده است. با توجه به عدم وجود نهادها و ارگان‌های سازمان یافته، نیازهای مردم از آب و برق و مسکن و بهداشت تا امنیت، دادگستری و ارتباطات و منابع سوختی و تا آموزش و پرورش و غیره به سختی می‌توانست برطرف شود. همچنین با توجه به عدم وجود احزاب و نیروهای سامان یافته سیاسی و جبهه‌های آزادی بخش به عنوان نیروهای پیشگام جامعه، مساجد در این مرحله نخست از انقلاب کمک شایانی به انقلاب اسلامی نمود. زیرا از طرفی مردم را گرد هم جمع می‌کرد، ارتباطات بین آنها برقرار می‌شد و وظایف و اهداف مرحله به مرحله انقلاب مشخص می‌شد و مردم با اتحاد و انسجام برای انجام وظایف بسیج می‌شدند و تمامی نقشه‌های آشکار و پنهان ضد انقلاب را خنثی می‌ساختند. یکی از عملکردها بطور مثال پس از انقلاب برای تشکیلات سیاسی کشور، برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی، قانون اساسی، ریاست جمهور و مجلس شورا در حوزه‌های رای گیری در مساجد انجام شد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حوزه فعالیت مساجد محدود به سخنرانی‌های معمولی و کتابخانه و بانک‌های قرض الحسنه و فعالیت‌های آموزشی و هنری بود که البته برگزاری از این کلاسها در مساجد محدودی برقرار بود؛ اما مساجد بعد از انقلاب اسلامی هر روز وظایف جدیدی به عهده می‌گرفت که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

۱. تا مدت معتناهی جمع آوری زباله در رابطه مستقیم با مساجد و افراد در حوزه پیرامونی مساجد انجام می‌شد.

۲. تعاونی‌های اسلامی زیر پوشش مساجد و یا وابسته به مساجد تشکیل و آغاز به کار کردند و اجناس خوراکی را با قیمت‌های نازل و نیز احیاناً در برابر فقرا و خانواده‌های کم‌بضاعت وعده‌های غذایی رایگان ارائه می‌کردند. همچنین گران‌فروشی‌های احتمالی در برخی نواحی از طریق مساجد کنترل می‌شد. تشکیل تعاونی‌ها نوعی ابزار بود که قیمت‌ها را در حد ثابت نگه می‌داشت.

۳. توزیع نفت در زمستان به منظور رفع کمبود نفت نیز با مشارکت مستقیم و غیر مستقیم مساجد انجام می‌گرفت.

۴. پس از تحصن دانشگاه و حتی قبل از آن و نیز پس از واقعه ۱۷ شهریور، مساجد نقش فعالی در جمع آوری دارو و وسایلی از قبیل ملحفه، پنبه، قرص و آمپول و سایر

امکانات دارویی و بهداشتی از طریق مساجد جمع آوری شد و به بیمارستانها انتقال می یافت.

۵. جمع آوری کمک های مالی برای سربازان فراری شهرستانی و همچنین خانواده های شهدا و مستضعف در تجمعات مردمی در مساجد صورت می پذیرفت.

۶. برنامه صندوق های قرض الحسنه از شکل سنتی تغییر یافته و کمک های مالی را در خدمت احتیاجات انقلاب گذاشت.

۷. اجرای برنامه های هنری مثل اسلاید و تئاتر و پخش فیلم در صحن مسجد شیوع زیادی یافت. همچنین نمایشگاه های کتاب، طرح، عکس و... گسترش زیادی پیدا کرد.

۸. مساجد محل رفع اختلافات خانوادگی، مردمی و حتی راهنمایی و رانندگی شده بود.
۹. مساجد محل پاسداری مجاهدین و نیز جمع آوری وسایل نظامی پادگانها شده بود، بطوریکه پاسداران در مساجد تغذیه می شدند و در مساجد آسایشگاه داشتند که به تدریج کمیته ها در مساجد جایگزین شدند.

۱۰- مساجد مرکز آموزش فنون نظامی و آشنائی با سلاحها و تاکتیک های رزمی شدند؛ بطوریکه عده زیادی از مردم در این رابطه آموزش دیده اند (بی نام، ۱۳۵۹: ۷-۱۸).

با پیروزی انقلاب اسلامی و به دست گرفتن اداره و کنترل شهرها توسط جوانان انقلابی، تشکل های خودجوشی تحت نظارت مساجد و روحانیت با عنوان کمیته های انقلاب شکل گرفتند که سازماندهی امور و حفظ امنیت شهر را برعهده گرفتند. در تهران مسجد قبا با توجه به نقشی که در پیروزی انقلاب داشت از جمله اولین مساجدی بود که این کمیته ها در آن تشکیل شد. از اعضای فعال کمیته مسجد، مهندس غلامرضا شافعی در این زمینه می گوید: «به هر حال ماندیم و مراجعات مردم هم از هر قبیلی بود... از اختلافات معمولی مردمی بود تا کارهای انقلابی، ضد انقلاب و همه نوع مراجعه ای بود. به خصوص روزهای اول انقلاب نه کلاتری ها مشغول بودند و نه سایر ادارات ...» فعالیت دیگر مساجد در این زمان، شناخت و معرفی افراد متعهد، کاردان، مبارز و متدین جهت تصدی امور مختلف و مسئولیت های انقلاب در اداره ها و نهادهای مختلف بود. حاج ماشاء الله رحیمی در این باره می گوید: «در مساجد در ماه های آخر پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، ما بیشترین

فعالیت را برای معرفی افراد متعهد، کارآمد و لایق برای مسئولیت‌های مختلف داشتیم. بطوریکه واقعاً برخی مواقع دچار مشکل هم می‌شدیم...» (سعیدی، ۱۳۹۳: ۸۵).

کمیته یک نهاد خودجوش مردمی و تشکیل آنها هم یک اقدام خودجوش بود که برای حفظ انقلاب سلاح بدست آورده بودند و در هر گوشه‌ای از مملکت کمیته‌ای برای پاسداری از انقلاب و مراکز انقلابی، مراکز دولتی و... تشکیل شده بود. اغلب مساجد کمیته داشتند، حتی در حسینیه‌ها و یا حتی بعضی مغازه‌ها در تهران هم کمیته بود (بنابر آمار حدوداً ۱۵۰۰ کمیته در تهران وجود داشت). بعدها تشکیل کمیته موقت به منظور تحت پوشش قرار گرفتن و کنترل کمیته‌ها به ریاست مرحوم آیه الله مهدوی کنی انجام شد. روحانی و امام جماعت مسجد هر محل، ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر از جوانانی که به حفظ انقلاب علاقه داشتند را سازماندهی می‌کرد و خود در راس آن بود و اسلحه‌ها را هم که در دست مردم بود در مساجد جمع‌آوری می‌کردند. بنابراین نقش روشنگرانه روحانیت، عموماً از پایگاه مسجد و حوزه‌های علمیه انجام می‌شد. روحانیت با عبرت از تجربیات مشروطه که پس از پیروزی اولیه از سوی روحانیت پیگیری نشد و تحت مدیریت غرب‌گرایان درآمد، برای حفظ دستاوردهای انقلاب نوپای اسلامی، در کمیته‌ها حضور فعال یافتند. حضرت امام رحمة الله علیه نیز خود به فراست تلاش نمود که جلو دار بودن روحانیت در مرحله تثبیت و نهادینه ساختن انقلاب نیز فراموش نشود تا جریانات غیر مرتبط با روحانیت، زمام امور مختلف را بدست نگیرند. از این رو از همان ابتدا و روز نخست پیروزی انقلاب اسلامی، جریان مسلح نیرومند مردمی را تحت اداره مساجد و روحانیت بوجود آوردند. این کمیته باعث شد که انقلاب در خط روحانیت در داخل در برابر جریان‌های معارض نهادینه شود.

در حوزه نوع مدیریت و رابطه میان اعضای کمیته‌ها با روحانیت آیه الله علم الهدی می‌گوید: «بین روحانیون و جوانان بجای رابطه رئیس و مرئوسی واقعاً رابطه پدر و فرزندی وجود داشت. جوانان بازوی علما بودند و حضور ائمه جماعات مساجد باعث شده بود که تخلفات به سمت صفر میل کند و به مجریان ماموریت‌ها نیز سفارش به حفظ حدود شرعی و رعایت حریم خصوصی افراد می‌نمودند که به کسی ظلم نشود. اولین کلاس‌های آموزشی که تشکیل شد در این دوران با حضور روحانیت مساجد بود: کلاس‌های

اخلاق اسلامی، احکام، تاریخ اسلام و...». روحانیت نیز که تا پیش از این تجربه کار و مدیریت اجرایی در این سطح را نداشتند، میزان موفقیت شان بستگی به کیفیت حوزه نفوذ آنها در کیفیت تعامل با مردم و نیز سطح توانمندی افراد تحت نفوذ آنها داشت. به جهت تعامل روحانیت با مردم از گذشته، عامل موفقیت بزرگی به حساب می آمد. البته در شهربانی ها و ژاندارمری ها، دانشگاهیان و.. هم یک عده افراد متدینی بودند که با کمیته ها همکاری می کردند و نقش آفرینی می کردند. بنابراین مقام معظم رهبری در نقش مهم کمیته ها معتقدند: «کمیته انقلاب اسلامی روزگاری خلا موجود در کشور را پر کرد که هیچ چیز دیگر و هیچ ارگان دیگری قادر به پر کردن آن نبود». این در حالی بود که علیرغم کارگشایی کمیته ها در اداره مملکت، کمیته به نیروهای خود چیزی نمی داد و صرفاً جاذبه مسئولیت پذیری در میان آنها که از اقشار گوناگون بازاری، کارمند، دانشجویان و دانش آموزان و... بودند وجود داشت. گرچه با تثبیت نظم و امنیت در کشور کمیته کم کم از مساجد جمع شد و حوزه فعالیت آنها محدود به امور امنیتی شده و نیروهای آموزش یافته و متعهد آن، بعضاً برای تغذیه ارگان های کشور از نیروهای انقلابی و اسلام گرا، جذب نهادها و دستگاه های مختلف انقلابی و دولتی شدند، اما حوزه وظایف و فعالیت کمیته در سال های اول انقلاب را می توان در واقع تمام وظایف و شئون دولتی و دستگاه قضائی به حساب آورد. به عنوان نمونه ای از پیامد شکل گیری کمیته ها بنابر اظهار رئیس وقت آن یعنی آیه الله مهدوی کنی می توان به کاهش میزان سرقت در شرایط حساس و نابسامان کشور پس از انقلاب به ۶۰ درصد کمتر از سرقت در رژیم گذشته با وجود حاکمیت نظامی آن توجه نشان داد که تحت نظارت و مدیریت روحانیت و مساجد صورت می پذیرفت (هاشمی و رنجبر آذربایجان، ۱۳۸۷: ۱۱-۹۵).

در مورد کمیته های انقلاب اسلامی باید گفت که غالب مساجد کمیته داشت. و ماموریتی که برای آنها تدوین کرده بودند در راس آن مبارزه با عناصر ضد انقلاب و مراقبت از انقلاب اسلامی، حفاظت از تاسیسات حیاتی جمهوری اسلامی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مبارزه با مفاسد اجتماعی و همچنین همکاری با سایر نیروهای امنیتی مثل ارتش و... بود. آیه الله علم الهدی درباره وسعت وظایف کمیته در ابتدای پیروزی انقلاب می گوید:

«اول کمیته همه کار می کرد؛ یک مملکت بود و یک کمیته. یعنی هر کاری که شما فرض کنید، در شئون یک دولت، کمیته انجام می داد.. فعالیت های مالی و اقتصادی مثل مصادره اموال و تصرف اموال و زمین ها و املاک، و دادگستری مانند رسیدگی به شکایات و محاکمه و صدور حکم و اجرای حکم در کمیته صورت می گرفت. البته در مورد مسایل خانوادگی اگر در کمیته اهل علمی و یا ریش سفیدی بود، سعی در آشتی شان می کردند. وقتی کم کم کمیته از مساجد جمع شد، خیلی از کارها محدود شد و بیشتر فعالیت های کمیته به حوزه امنیت و انتظامات در شهرها و راه ها و مرزها محدود شد».

ایشان همچنین درباره احساس مسئولیت کمیته های مساجد نسبت به کوچکترین مسایل کشور به عنوان نمونه می گوید: «چاه آبی بود در خیابان خاوران، مال کسی بود که فراری بود. ماشین ها می آمدند و آب این چاه را می بردند و می فروختند. ما یک مامور برایش گذاشتیم و از هر ماشینی مقداری پول می گم و آب می فروختیم. یک حساب هم باز کردیم در صندوق قرض الحسنه مسجد لرزاده و این پولها را به آن حساب می ریختیم که اگر صاحبش بیاید پولش را به او بدهیم» (همان: ۱۱۴).

در روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحران های متعددی در اقصی نقاط کشور ایجاد می شد که نیروهای مردمی و کمیته ها با محوریت و مدد مسجد در رفع و حل آنها بسیار نقش آفرینی نمودند. به عنوان نمونه می توان به بحران سیاهکل اشاره نمود. سید احمد علم الهدی شخصیت اصلی خنثی کننده بحران درباره این موضوع می گوید: «قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چریک های فدایی گروهی را تشکیل داده بودند به نام سیاهکل و بعد از انقلاب هم قیام مسلحانه را در دستور کار داشتند. بطوریکه بر سیاهکل روستاهای اطراف کاملاً مسلط بودند و عملاً جمهوری اسلامی حاکم نبود. ما به عنوان یک جریان فرهنگی وارد سیاهکل شدیم مسلح بودیم چون هر زمان احتمال درگیری بود. به مسجد رفتیم که یک مسجد قدیمی خرابه بود. چون برق نبود و موتور برق بردیم و بلندگو را نصب کردیم و از مردم دعوت کردیم که بیایید در مسجد، روضه هست. یک نفر جرات نکرد بیاید، جز دو سه نفر پیرمرد هفتاد- هشتاد ساله که نمی دانستند قصه چیست... آمدیم وسط میدان با بلندگو مشغول صحبت شدیم و مردم فقط آمدند دم درب منازل که با شروع درگیری احتمالی به خانه ها بازگردند. چون وضعیت اقتصادی منطقه خیلی بد بود

و فقیر بودند، دیدیم بهترین راه، کارهای امدادی است که برای برنج و روغن و آرد، دارو و... به عنوان امدادگر ببریم و بگوییم این ها از طرف امام. این فعالیت مردم را به صحنه آورد و با کمک نیروهای مردمی چریک های فدایی از جنگل بیرون رفتند». یعنی بر خلاف تصور موجود، سبک کار کمیته همیشه نظامی نبوده است بلکه با توجه به شرایط، فعالیت های متفاوت فرهنگی و امدادی انجام می گرفت که راهگشا بود (همان: ۹۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تنشها و فتنه انگیزی های برخی از گروه ها و پیروان مکاتب فکری و سیاسی خاص در اقصی نقاط کشور فضای ملتهبی را در برخی موارد ایجاد می کرد. آنچه نقش کلیدی در رفع این بحرانها بازی می کرد، جدا از فعالیت های نیروهای دولتی و حکومتی، مشارکت توده های مردم و نیروهای انقلابی با محوریت مسجد بود. یکی از بحرانهایی که مناطق شمالی کشور را در سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ بسیار متشیج ساخت، بحران آمل بود.

به عنوان نمونه می توان به خانه های تیمی گروه معاند مجاهدین خلق اشاره کرد. یکی از آنها در حاشیه بازار پشت مسجد سبزه میدان قرار داشت. رفت و آمدهای مشکوک در این خانه پس از مدتی توسط نیروهای انقلابی و اهل مسجد شناسائی شد. از اسناد بدست آمده مشخص شد که مکانی که نزدیک منزل امام جماعت در کنار مسجد محل بود قرار بود منفجر شده و از این طریق هشداری به اهل محل داده شود. منتهی شبکه مردمی و مسجدی از یک دستگاه خودروی مشکوک اطلاعاتی بدست آوردند و پس از بررسی محل، دو نفر دستگیر و مقادیری سند کشف و ضبط گردید. سپس از طریق روحانی محل، واحد اطلاعات سپاه را در جریان گذاشتند و با حکم قضایی دستگیری ها انجام شد. در همان ایام که مصادف با جشن های نیمه شعبان بود در مهدیه و در جمع آحاد مردم، حضرت آیه الله جوادی آملی (حفظه الله)، در حال سخنرانی بودند. در میان سخنرانی ۱۰ تا ۱۵ نفر از منافقان در پی انتقام گیری و برهم زدن مراسم های مذهبی، با کوکتل مولوتف و سنگ و چوب هجوم آوردند و قصد تخریب مهدیه را داشتند، محافظان آیه الله جوادی آملی تیراندازی هوایی کردند و عده ای از افراد حزب اللهی شهر هم به تعقیب آنها پرداخته و عاقبت چند نفر از آنها را دستگیر کردند. با پخش اخبار حمله کمونیستها و فجایع آنها از صدا و سیما، در

مساجد کاشان به طور خودجوش اعلام شد که کاروانی عازم شهر آمل است. به اندازه ۴۰ دستگاه اتوبوس از جوانان زن و مرد انقلابی ثبت نام کردند و هرکس آذوقه راه خود را همراه خود آورد. ستون اتوبوسها منظره عجیبی بود و بدون اطلاع قبلی وارد شهر آمل شدند. مسئولان به استقبال آنها رفته و حسینی‌ها و مساجد مفروش و آماده پذیرایی از اهالی کاشان شدند و همراه با تازه واردهای تبریزی و اهالی آمل راهپیمائی پر شور و متحدی شکل گرفت که نمایشگر قدرت مردمی و انقلابی در برابر ضد انقلاب بود و نهایتاً منتهی به عقب نشینی آنها شد. پس از آن، امام راحل هم در وصیتنامه و هم در کلام خود فرمودند «دیدید مردم آمل چه بر سرتان آوردند.... ما باید از مردم آمل تشکر کنیم» (شعبانی، ۱۳۹۴).

نقش مسجد در دوران دفاع مقدس

هدف این گفتمان در مرحله تبلیغ و تثبیت ارزش‌ها و باورهای اسلام ایدئولوژیک انقلابی و همچنین بسیج نیروهای مردمی برای مشارکت در دفاع از کشور بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد پایگاه تمام فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی و به نوعی دارالحکومه بوده است. در جنگ تحمیلی عراق و ایران نیز، شاهد فعالیت‌های بسیاری از مساجد حمایت‌های پشت جبهه که در مساجد حضور داشته برپایی پایگاه‌های مقاومت بسیج از همان سال‌های اول، نقش کلیدی و سهمی در احیای مساجد داشت. این حمایت‌ها به صورت جذب و اعزام نیرو به جبهه‌ها و همچنین حمایت‌های معنوی و مادی از رزمندگان بود. و بیش‌تر این فعالیت‌ها توسط پایگاه بسیج واقع در مساجد انجام می‌گرفت. درباره جایگاه و اهمیت مساجد در اعزام نیرو به جبهه‌ها باید گفت که بررسی‌های محققین و در بعضی از سخنرانی‌ها و منابع موجود گفته شده است که ۹۷ درصد شهدا از مساجد برای جبهه اعزام شده‌اند.

پایگاه بسیج مرکز فعالیت‌های کسانی بود که آماده گذشتن از جان خود در راه دین و کشور خود بودند و از اوایل انقلاب و به خصوص در زمان جنگ مساجد با برنامه‌هایی چون ایست بازرسی و گشت در سطح شهر در کنار نیروهای امنیتی به حراست از جان و مال مردم می‌پرداختند؛ از دیگر وظایف مهم پایگاه‌های مقاومت مساجد کمک به نهادهای انتظامی در حفاظت از شهرها بود و تاسیسات حساس و مهمی مثل

نیروگاه‌های برق توسط بچه‌های پایگاه مساجد حفاظت می‌شد، هم‌چنین نگهبانی از این مراکز بر عهده پایگاه‌های مسجد بود؛ زیرا روحیه خلوص و ایثار بر همه حاکم بود؛ یکی از نقش‌های مهم پایگاه‌های مساجد، ایجاد روحیه همدلی و اطلاع‌رسانی به مردم نیز توسط بچه‌های مسجد انجام می‌گرفت.

به جرأت می‌توان گفت که ریشه بسیاری از اعزام‌های افراد به جبهه‌ها از درون مساجد نشأت می‌گرفت و فعالیت‌هایی که در مساجد انجام می‌شد، سرآغازی برای آمادگی نیروها برای حضور در جبهه‌ها بود؛ نگاهی به برگزاری مراسم عزاداری‌های ائمه به‌ویژه در ماه محرم به خوبی نقش این مکان الهی را در بهره‌گیری و ترویج فرهنگ و ایثار و شهادت نشان می‌دهد (بی نام، ۱۳۸۳: ۴).

با شروع جنگ تحمیلی شرایط فعالیت‌های کمیته‌های مساجد اندکی تغییر نمود. به این معنی که وظیفه کمیته‌ها حفظ شهرها به عنوان عقبه جبهه‌ها بود تا در برابر دشمنان داخلی با نقاب نفاق که روزانه ۷-۸ ترور انجام می‌دادند و یا بمب‌گذاری می‌کردند بایستد. لذا ایجاد فضای امن برای ادامه کار سیستم حکومتی و حفظ امنیت شهرها و راه‌ها به عهده کمیته و نبرد در جبهه‌ها به عهده سپاه و ارتش بود. با این وصف، افراد داوطلبانه و مکرر در قالب تیپ‌ها و تیم‌های مختلف به جبهه فرستاده می‌شدند. سردار آیت‌گودرزی در این باره می‌افزاید: در همان ابتدای جنگ بنا به درخواست آیه الله خامنه‌ای نماینده امام رحمة الله علیه در ستاد مشترک ارتش در امور جبهه مبنی بر ضعف نیرو و قوا در خرمشهر، اعزام ۸ هزار نفری تحت عنوان "اعزام بزرگ" به جبهه‌ها صورت گرفت.

در زمینه پشتیبانی کمیته‌های مساجد در زمان دفاع مقدس، قابل ذکر است که در بسیج مردم و بسیج تدارک مردمی، کمیته‌های مساجد وارد فعالیت می‌شدند و حتی اسلحه‌های کمیته جمع‌آوری میشد و به جبهه‌ها ارسال می‌شد و نیروهای مردمی و مسجدي از این طریق به جبهه‌ها گسیل می‌شد (هاشمی و رنجبر آذربایجان، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

درباره نقش نیروهای مردمی در مساجد و محلات می‌توان گفت که حضور آنها در نیروهای منظم و نامنظم، به تقویت روی و رزمی سپاهیان اسلام منجر شد. به علاوه، آنها در مساله تغذیه و تدارک جبهه، کندن سنگ‌های انفرادی و اجتماعی،

رساندن مهمات، ساختن پل، گشت زنی، کسب اطلاعات و تامین نیاز انسانی جبهه ها، نقش عمده ای ایفا کردند. این نیروها در داخل شهرها نیز نقشی مهم در تهیه تدارکات برای جبهه، مسایل مربوط به مبارزه با ضد انقلاب و مراکز فساد و... داشتند. در قسمت های دیگر، نهادهایی در رابطه با جنگ به وجود آمدند؛ مثل ستاد بسیج اقتصادی، بنیاد امور جنگ زدگان، ستاد تداوم امداد به مناطق جنگی، ستاد جنگ های نامنظم و ... (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۴: ۱۹). زیرا در آن برهه، به دنبال تحریم اقتصادی ایران توسط قدرت های استکباری و همچنین نیاز و اقتضاء شرایط جنگی، مسجد مسئولیت سهمیه بندی کالاهای ضروری را به عهده گرفت. هر خانواده ای دفترچه ای دارد که با آن می توانستند مقدار معینی از هر نوع کالا دریافت کنند. به منظور کنترل و حفظ قدرت خرید مردم، مواد مصرفی مختلف در مساجد به قیمت کم فروخته می شدند. بطوریکه در تهران همان مواد در مغازه ها و فروشگاه ها نیز به دو برابر قیمت عرضه می شدند.

اما از دیگر کارکردهای مساجد در پشت جبهه ها، می توان به کارکرد اجتماعی آن اشاره کرد. حل اختلافات خانوادگی، و یا ایجاد صندوق های قرض الحسنه برای تازه داماد ها و یا تهیه جهیزیه برای نو عروسان از جمله کارویژه هایی بود که در دهه شصت و بخصوص در دوران جنگ تحمیلی در مساجد زیاد دیده می شد. زوج های تازه ازدواج کرده می توانند اقلام مورد نیاز خود را با قیمت مناسب از مساجد بگیرند، مسئولیت تقسیم و پخش کالاهای سهمیه بندی شده اکثراً اعضای کمیته ها هستند.

بسیج مستضعفین نیز که به امر امام راحل و پس از تجاوز آمریکا به ایران تاسیس شد، مقرر خود را در مسجد قرار داد. بسیج تحت فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار داشت و هر شب پس از نماز، مسئولان مربوطه در مساجد استفاده از انواع سلاح ها را به مردم آموزش می دادند. بنابراین آمار ارائه شده در آن زمان بیش از ۳ میلیون نفر در مساجد و سایر مراکز آموزش های نظامی را طی کرده بودند.

در زمان جنگ تحمیلی بویژه در جنوب کشور، مساجد، به مرکزی برای رزمندگان تبدیل شده بود و برنامه ریزی، سازماندهی و پشتیبانی و مداوای مجروحان در این مکان مقدس انجام می گرفت. اما در تجاوز مزدوران بعثی، "مسجد جامع خرمشهر" به عنوان

آخرین و مهمترین دژ رزمندگان بود که در اثر برخی سوء مدیریتها، امکانات و تدارکات لازم به موقع به دست رزمندگان نرسید و آنان پس از چندین روز مقاومت و ایثارگری، با کمترین امکانات نظامی در برابر چندین لشکر متجاوز ناچار به عقب نشینی شدند. هرچند پس از حدود یکسال و نیم از زمان تصرف خرمشهر، رزمندگان به عشق بازیابی وطن و این خانه خدا و اقامه نماز جماعت و برپایی دعای کمیل در آن، در عملیات طریق القدس خرمشهر را فتح نموده و پس از ورود به خرمشهر اولین و مهمترین سنگر و پناهگاه خود را همان مسجد جامع قرار دادند. لحظه فراموش نشدنی، لحظه ورود رزمندگان به مسجد و اشک شوق و بوسه آنها بر درب و دیوار مسجد جامع بود که یادآور تاریخ فتح مکه بوده است. مشابه چنین رویکردی در تجاوزکاران بعثی در برخی نواحی دیگر همچون آتش سنگین بر مسجد جامع سوسنگرد بود که در نظر آنها محل تجمع نفرات و انبار مهمات قلمداد می شد نه خانه خدا! (رزاقی، ۱۳۶۲: ۱۹۲).

یکی از تأثیرات گفتمان انقلابی توسعه ی بوروکراتیک ساختار سازمانی مساجد از طریق افزوده شدن دفاتر و کانون‌هایی مانند پایگاه‌های بسیج، کانون‌های فرهنگی و هنری، صندوق‌های قرض الحسنه، شرکت‌ها و فروشگاه‌های مصرف، سالن‌های مطالعه و قرائت‌خانه، توسعه‌ی کتابخانه‌ها و مؤسسات دیگر بود. سخنرانی‌های متعدد روحانیون و دانشگاهیان در مساجد مردم را با فساد و ظلم سازمان سیاسی نظام سلطه جهانی آشنا می‌ساختند. برگزاری مجالس ختم برای شهدا از دیگر کارکردهای مساجد در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی بوده است. لازم به ذکر است بیشتر شهدای عزیز، جانبازان و آزادگان که در پایگاه‌های مقاومت مساجد در آن زمان فعالیت می‌کردند، هر کدام در زمینه‌ای تخصص داشتند؛ داشتن تبحرها و مهارت‌های مختلفی که از شهدا در رشته مختلف به ثبت رسیده است خود گویای این واقعیت است.

با توجه به نگرش ایدئولوژیک فوق، مساجد به مثابه‌ی کانون‌هایی برای فعالیت سیاسی، تبلیغ ایدئولوژی انقلابی، اصلاح جامعه، و قانونی برای هدایت افکار عمومی تلقی می‌شد. با این برداشت از کارکردها و نقش‌های مسجد، انقلاب اسلامی تحقق یافت و در سال‌های نخست مرکز تبلیغ اشاعه‌ی ارزش‌ها و باورهای انقلابی و بعد از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و ضرورت بسیج مردم برای دفاع نیز به قانونی برای بسیج نیروهای

مردمی مبدل گردید. در نتیجه مسجد از لحاظ سیاسی نقش و اهمیت راهبردی در ساختار جامعه ایران در دهه ی نخست بعد از وقوع انقلاب اسلامی پیدا کرد. این امر باعث شد تا فهم تازه ای از مسجد در افکار عمومی شکل بگیرد. به علاوه، امکانات و فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی تازه ای در مساجد متمرکز شد. این امر ضرورتاً مساجد را به رسانه ها و مطبوعات آورد و مسجد پاره ای از گفتمان عمومی نیز شد. از این رو، این گفتمان را می توان در رسانه های جمعی، مطبوعات، کتاب های درسی مدارس و دانشگاه ها، جزوات تبلیغات دینی و سیاسی احزاب و گروه های سیاسی و نظامی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج، منابع و سخنرانی های درون مساجد، انتشارات مساجد و امثال اینها مشاهده کرد (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۴).

در دوران دفاع مقدس، هسته های مقاومت مردمی در مساجد و محلات به تدریج گسترش یافت و به تشکیل نهادهای دیگر منتهی شد. بطوریکه به تدریج نهادهای جدیدی را بنا بر ضرورت زمانی و مرحله ای جنگ در کنار نهادهای دیگر بوجود آمده است. دفاع مقدس شکل سازمان یافته و منظم تر و با ثبات تری به خود گرفت و ستادهای پشتیبانی جنگ در کلیه سطوح جامعه و کلیه اقشار آن حتی در مدارس و دانشگاه ها که خود حرکت پویا و تحولی جدید برای رشد انقلاب فرهنگی و تکامل انقلاب اسلامی دربرداشته و دارد، تسری یافت. نتایج بررسی های متعدد نشان می دهد که این خصیصه جامعه ماست که بسیج نظامی و رزمی آن، موجبات بسیج فرهنگی، بسیج اجتماعی، علمی، صنعتی، اقتصادی و سیاسی را در بنیادهای فکری و نهادهای اجتماعی فراهم کرده است تا جزمیت و ثبات بنیادهای فکری دفاع مقدس و اراده خلل ناپذیر مردم بپاخاسته را مورد حمایت قرار داده و زمینه دستیابی به اهداف نهایی آن یعنی «رفع کل فتنه از سراسر عالم» فراهم گردد (آقاپور، ۱۳۶۸: ۱۰۲).

نقش علما و روحانیون در دوران دفاع مقدس نیز چشمگیر بود؛ علمایی چون شهید مدنی، آیت الله ملکوتی و مروج در پشتیبانی از جبهه ها لحظه ای درنگ نمی کردند و با استفاده از تریبون مسجد و نماز جمعه، سیل کمک های مردمی را به جبهه ها روانه می کردند و دوشادوش حمایت های معنوی از حمایت های مادی نیز غفلت نمی کردند.

بنا بر شواهد تاریخی، حضور و مشارکت زنان در انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت غیر خشونت بار آن بسیار پررنگ و چشمگیر بوده است. زنان با مشارکت در مبارزات سیاسی از پخش اعلامیه‌ها و شرکت در تظاهرات و... گرفته تا امور خدماتی و پشتیبانی و کمک‌های مالی، سهمی مهم در پیشبرد اهداف انقلاب داشته‌اند. بالا بودن سطح مشارکت زنان در انقلاب اسلامی ایران و مراحل مختلف آن، که با حفظ شئون اسلامی از سوی زنان همراه بوده، موجب شده تا برخی تحلیل‌گران از انقلاب اسلامی به عنوان «انقلاب چادرها» یاد کنند. چادرو حجاب بانوان ایرانی، در طول دوران انقلاب، به نمادی از مبارزه تبدیل شده بود.

دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله‌ علیه در باره نقش زنان در جنگ تحمیلی: «اینجانب در طول این جنگ، صحنه‌هایی از مادران، خواهران و همسران عزیز از دست داده، دیده‌ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد. این عظمت اسلام است که در چهره زنان انقلابی ما آشکار شده است و امروزه بحمدالله آشکار است».

صحنه‌های رزم زنان، اگرچه اندک بود، ولی اولاً تا پایان دفاع مقدس کم و بیش ادامه یافت، و ثانیاً، تأثیر عمیقی بر روحیه رزمندگان داشت. بطوری که ستادهای مقاومت خواهران پاسدار انقلاب اسلامی در روزهای آغازین جنگ و تشکیل پایگاه‌های آن در مساجد و مدارس نقش موثری در دفاع مقدس ایفا نمود. به علاوه، زنان نقش‌های اطلاعات رزمی فراوانی را انجام دادند. خانم حورسی از مدافعان خرمشهر در این باره می‌گوید: «ما از آن لحظه‌ای که به نیروهای شناسایی ملحق شدیم، کار شناسایی دشمن، خنثی کردن بمب، شناسایی ضد انقلاب و پیدا کردن رد پای آن‌ها در شهر و روستاها را دنبال کردیم. نوع دیگری از کار اطلاعاتی و امنیتی را خواهران بسیجی انجام می‌دادند، مثلاً آن‌ها در لباس امدادگر و پرستار به شناسایی منافقینی دست می‌زدند که به صورت ناشناس به بیمارستان‌ها سر می‌زدند، تا به تعداد شهداء و مجروحان جنگ و... دست پیدا کنند، و آن‌را در اختیار عراق قرار دهند».

از منظر خاستگاه اجتماعی- اقتصادی، این بانوان غالباً از خانواده‌های متوسط شهری و در خانواده‌های مذهبی پرورش یافته و پیوند عمیقی با حلقه‌های مذهبی مساجد و جلسات قرآن و هیات‌های مذهبی داشتند. آگاهی‌های سیاسی و مذهبی

آنها پس از انقلاب و زیر سایه فعالیت های فرهنگی آن زمان در مساجد و... تقویت شده و به تدریج جذب نهادهای انقلابی و مشارکت های مردمی شدند.

کیفیت حضور زنان در این دوران به دو شکل کلی مستقیم و غیر مستقیم خلاصه می گردد:

۱) در شکل مستقیم: گرچه زنان از حضور در صحنه و خط مقدم معاف بودند، ولی با شروع جنگ شهرها و حملات موشکی، حالت تدافعی همگان خصوصاً زن ها بیشتر گردید، چون در این رزم بی امان از سوی ارتش عراق مورد حمله موشکی واقع شده بودند. حتی در اوایل جنگ، این زنان شیردل خرمشهر و سوسنگرد و هویزه بودند که در هجوم ناجوانمردانه دشمن در کنار مردان خود قدم به قدم با بعثی ها درگیر شدند و در عقب راندن دشمن از جان خویش هم مایه نهادند.

نقش رزمی

اولین مسئولیتی که زنان در دفاع مقدس، به صورت خودجوش و همپای مردان بر عهده گرفتند، جنگیدن با دشمن بعثی در جنوب و مزدوران داخلی در کردستان بود. حتی آنان، کوکتل مولوتف ساختند تا به جنگ تانکهای عراقی بروند که قصد داشتند از مرز شلمچه بگذرند. البته تهیه و به کار بردن کوکتل مولوتف، ابتدایی ترین کار رزمی خواهران و زنان به شمار می آمد، بعدها آنها خود را به سلاح مجهز کردند تا مردانه با دشمن بجنگند. خانم فاطمه نواب صفوی، به همراه گروه چریکی شهید چمران و در ناحیه سوسنگرد، اسلحه به دست می گرفت و می جنگید. صحنه های رزم زنان، تا پایان دفاع مقدس ادامه یافت و تاثیر عمیقی بر روحیه رزمندگان داشت. دختران جنگ با شجاعت در جبهه ماندند و جنگیدند تا آنجایی که اطرافیان دور و نزدیک را وادار به پذیرش حضور خود کردند. بسیاری از این دختران و زنان با ادامه و استمرار جنگ به پرستاری و امدادگری مجروحین مشغول شدند؛ آنان در کنار مداوای جراحات ها به تقویت و تشجیع روحیه رزمندگان پرداختند. حضور زنان در درمانگاه ها و بیمارستان های خط و شهرهای جنگی عامل مهمی در برانگیختگی رزمندگان بود. دیدن دختران جوان که به دور از ترس و واهمه از مرگ، معلولیت و اسارت در زیر بمباران و انفجار توپ

و خمپاره به کار امداد مشغول بودند؛ روحیه رزمندگان خسته و مجروح را تقویت می‌کرد تا جایی که زندگان، خود را در برابر آن همه شجاعت، شرمنده و مدیون می‌دیدند. در کتاب خاطرات زنان خرمشهری نوشته حبیبه جعفریان می‌خوانیم: «عراقی‌ها داشتند به پادگان «دژ» نزدیک می‌شدند. سربازها هم فرار کرده بودند. ما از مسجد جامع داوطلب شدیم تا به پادگان «دژ» برویم و اسلحه‌های پادگان را به مسجد بیاوریم؛ دویست متری که به سمت پادگان می‌رفتیم چند تا از سربازها و مردها ما را از وانت پیاده کردند و خودشان به پادگان «دژ» رفتند.

در پاره ای موارد، خانمها در جابجایی، نگهداری، نگهبانی از مهمات جنگی نقش فعال داشتند. خواهران ذخیره سپاه خرمشهر در مسجد امام صادق علیه السلام در حالی که خود مسلح بودند، کار حفاظت را به صورت پست‌های نگهبانی برعهده داشتند. مشابه همین حرکت‌ها در مساجد جامع و سیدالشهدای خرمشهر انجام می‌گرفت.

به خاطر حضور در صحنه‌های متفاوت، زنان شهید طیف متفاوتی را تشکیل می‌دهند. سوگند آزمی، دانشجوی سال دوم به همراه پدر، مادر، خواهر، شوهرخواهر و دو فرزند خواهرش در ۲۲ بهمن ۱۳۶۵ در اثر بمباران هوایی تهران به شهادت رسید. انیس نوری و زهرا کردی و حسیبه خومتایی چون مانع ترور همسریا امام جماعت مسجدشان توسط منافقین شدند به شهادت رسیدند.

یکی از مظلومانه‌ترین جلوه‌های جنگ نقشی است که زنان قهرمان در شهرهای جنگی به دوش گرفتند، مناظر دردناکی آفریده شد، مادران جوانی که فرزند در آغوش، پذیرای بمب و موشک شدند و در ملکوتی‌ترین حالات به سوی پروردگار خویش شتافتند، در حالی که مردانشان در دفاع از حریم میهن اسلامی در جبهه‌ها حضور داشتند. در آن روزهایی که دشمن پشت دیوار خرمشهر منتظر ورود بود و شهر به تدریج از ساکنان خود خالی میشد، خواهران بسیج و سپاه خرمشهر از جمله بانوانی بودند که ضمن جلوگیری از مهاجرت خانواده‌هایشان، خود به محافظت از انبار مهمات و رساندن آنها به رزمندگان اسلام پرداختند، محل استقرار عده‌ای دیگر از این زنان شجاع، مسجد جامع خرمشهر بود که از آنجا برای حفر سنگر به نقاط حساس شهر اعزام می‌شدند.

۲) در شکل غیر مستقیم: زنان با کارهای خدماتی و پشتیبانی خود در عقبه، موجبات دلگرمی رزمندگان را فراهم نمودند. امام این حضور غیر مستقیم را که از حضور مستقیم ذره ای ارزش آن کمتر نبود، به کرار متذکر می شدند. بیان تجلی ایثار در راه انقلاب و امام تداوم گر گذر زمان در برابر هر گونه تجاوز از سوی دشمنان است.

امداد و درمان

از شلیک اولین گلوله های دشمن و شهید و مجروح شدن تعدادی از مردم و رزمندگان، زنان مسلمان دلسوز این آب و خاک، دریافتند که باید به امداد درمان مجروحان و جانبازان جنگ بپردازند. آنها بدون هیچ چشمداشتی تنها به نیت کسب رضایت الهی و اطاعت از مقام ولایت، به جبهه ها رفتند و چه بسا خود مجروح و جانباز شدند و گاه به خیل شهدای انقلاب پیوستند. اگر زنان داوطلب به مدد و مساعدت جبهه و جنگ نمی آمدند، آمار شهدای جنگ فزونی می یافت و اگر مجروحان به موقع مداوا نمی شدند، درمان بعدی آنها، هزینه سنگینی را بر بیت المال تحمیل می کرد. خانواده ها و رزمنده ها با مشاهده توجه به امداد و درمان مجروحان جنگی، اشتیاق بیشتری برای ادامه حضور داوطلبانه در جبهه احساس می نمودند. هم اینک نیز بیان نمونه ها و جلوه های زیبای ایثارگری زنان پرستار، بهیار و امدادگر، موجی از عشق و شوق برای خدمت به مردم پدید می آورد.

بسیار دیده شده که خانمی، پرستار مجروحی شیمیایی بود و خود مبتلا به عوارض شیمیایی می شد. خانم یوسف زاده، تنها نمونه ای کوچک از زنان پرستاری است که به دلیل آلودگی شیمیایی به شهادت رسید.

کار امدادگری در شهرهای مرزی جنوب و غرب، برای زنان طاقت فرسا بود، اما عشق به اسلام و انقلاب، امدادگران پیر و جوان را بر ماندن استوارتر می ساخت، تا حدی که بسیاری از آنها بی توجه به اصرار خانواده هایشان، در خطوط جنگی ماندند تا مرهمی بر زخم های دلیرمردان رزم و جنگ باشند. بعضی از آنان، حتی آموزش کلاسیک پرستاری را ندیده بودند، ولی به سرعت آموزش های تجربی را جایگزین آن کردند و چنان این آموزش ها را با عشق به خدا عجین نمودند که توانستند، هم پرستار جسم و هم پرستار روح و روان رزمندگان شوند.

از دیگر صحنه های فعالیت و حضور زنان در دفاع مقدس، خدمت بانوان در غسالخانه ها، قبرستانها و امور مربوط به غسل و کفن و... شهدای جنگ تحمیلی بود. بطور مثال در خرمشهر بانوان تعدادی گاری با چرخ های بزرگ داشتند و زیر شلیک خمپاره ها، درحالی که در تیررس دشمن بودند اجساد شهدا را به سمت مسجد جامع می بردند و آنجا نیز شبانه روزی از پیکر مطهر شهدا در برابر مزاحمت های جانواران مراقبت می نمودند. همچنین شناسایی، انتقال و تدفین شهدای زن از جمله مهمترین کارهای آنها بود.

ستادهای پشتیبانی

جلوه های دیگر همراهی خواهران و همسران و مادران مسلمان ایرانی را باید در تهیه و تدارک اجناس و اقلام مورد نیاز رزمندگان و سربازان دید. در آغازین روزهای تهاجم دشمن بعثی و دفاع مقدس، بیشتر این خدمات به صورت خودجوش و کمتر سازمان یافته در مراکزی نظیر مساجد و حسینیه ها و... با مشارکت فعال بانوان صورت می گرفت. زنان در حمایت مادی و لجستیکی از جبهه های جنوب و غرب، از جان و مال خود مایه گذاشتند و صحنه های به یاد ماندنی و فراموش نشدنی فراوانی را خلق کردند. آنها که عمدتاً از شرکت کنندگان در کلاس های قرآن و احکام مسجد بودند (گروه های انصار المجاهدین و...) برای رزمندگان شال و کلاه بافتند، برای سربازان لباس و ملحفه دوختند و غذای گرم پختند.

در نخستین روزهای تهاجم دشمن، مسجد جامع خرمشهر مرکز مهم پشتیبانی مدافعان خرمشهر و جنگ تحمیلی بود. از دیگر مراکز می توان به حسینیه های حیدریه و اصفهانی های خرمشهر و مساجد پیروز، امام زمان علیه السلام و مهدی موعود آبادان اشاره نمود. بیشتر فعالیت های آشپزخانه شهید چمران که روزانه پنجاه هزار نفر را غذای داد، از سوی بانوان انجام می شد. خواهران مستقر در انبار شهید علم الهدی اهواز، کار بازسازی چادر صحرایی، سلاح سبک، کیسه خواب و چراغ گرم کننده را انجام می دادند. حاجیه خانم علم الهدی، کاروانهای حضرت زینب (س) را به راه انداخته بود که خانم ها را جهت دیدار از جنگ زدگان و خانواده های شهدا حرکت می داد. مادر شهید مجید و سعید کاشانی، به مدت هشت سال در پایگاه ام الشهدای کاشان کمک های مردمی را

جمع‌آوری و به جبهه ارسال می‌کرد. ستاد بیت‌الزهر (س) پایه‌گذار ایستگاه‌های صلواتی بود. در این ستاد، از پیرزن ۶۵ ساله تا دختر ۱۸ ساله فعالیت می‌کردند.

یکی از خواهران بسیجی که از آن روزهای پر تلاش یاد می‌کند چنین می‌گوید: عملیات کربلای ۴ و ۵ بود که تعداد مجروحین زیاد بود و آن‌ها را به نگاهگاهی که به همین منظور در استادیوم آزادی تهران تدارک دیده بودند آوردند. ساعت ۱۲ شب بود که بما اطلاع دادند ۲۰۰ کیلو هویج را باید آماده و آگیری کنید. ما بلافاصله با خواهرهای بسیجی و حزب اللهی محله تماس گرفتیم و آن‌ها سریع به مسجد آمده و در طول ۲ ساعت تمامی ۲۰۰ کیلو هویج را آب گرفتند و در شیشه‌ها آماده کردند که وقتی برادرها، برای تحویل آن‌ها به مسجد آمدند، از سرعت عمل کار خواهران شگفت زده شدند.

جهاد مالی

توده زنان مسلمان، علاوه بر حضور مستقیم در دفاع مقدس، به انواع حمایت‌ها در پشتیبانی از رزمندگان دست زدند که یکی از آنها مشارکت در کمک مالی به جبهه‌های جنگ بوده است. در واقع در دوران دفاع مقدس شاهد اوج ایثارگری مالی زنان مسجدی بودیم که امام بارها به آن اشاره کرده‌اند، از جمله: «ما هر روز شاهد زنانی هستیم که ماحصل عمرشان یک سکه طلا را می‌آورند و در راه خدا و جنگ اتفاق می‌کنند... آن پیرزن‌ها که در طول عمرشان تهیه کردند، حالا می‌آیند برای اسلام می‌دهند.»

یک نشریه خارجی به مسئله جهاد مالی زنان ایرانی به جبهه‌های جنگ می‌پردازد و آن را با کمک‌های مالی زنان عراقی مقایسه می‌کند؛ «پرزیدنت صدام با آنکه از جانب کشورهای برادر عرب خود یعنی عربستان و کویت به نحو بزرگ منشانه ای از نظر مالی حمایت می‌شود، با این وصف در سال ۱۹۸۲ صلاح دید تا از خانمهای کشورش بخواهد زیورآلات خود را به جبهه‌ها هدیه کنند. تهران رقیب بزرگ جنگی بغداد نیاز به چنین اقداماتی نداشت، زیرا در ایران به وضوح انگیزه پاداش الهی و اطمینان از اینکه آنها قربانی تهاجم شده اند، برای این کار کافی بود... لذا در مقایسه با عراق که به دوستان

عرب، طرف‌های تجاری و ارسال‌کنندگان اسلحه حد اقل ۵۰ میلیارد بدهکار می‌باشد و باز هم به وسیله پول سلاطین نفتی عرب تغذیه می‌شود، ولی تهران تا کنون حساب و کتابش با هم می‌خواند.»

حمایت عاطفی

در جنگ نقش پشتیبانی روانی و عاطفی جنگجویان را به زنان واگذار شد تا با روحیه دادن به سربازان، جنگ با موفقیت به پایان برسد. در جنگ تحمیلی نیز، زنان ایرانی، خودجوش وظیفه حمایت روحی از رزمندگان را به دوش گرفتند، و آن گونه که امام خمینی رحمه الله هم فرمودند: به موجب عواطفی که بانوان ابراز کردند، برای جبهه، کارهای بسیار مفیدی را انجام دادند.

از این رو، دفاع مقدس، نمونه‌های بی‌شمار و در عین حال، کم نظیری از پشتیبانی‌های معنوی خانم‌های ایرانی را به ثبت رسانده است، مانند: مادری که خطاب به فرزندش می‌نویسد: علی جان می‌دانی چقدر دوستت دارم، اما صلاح می‌دانم پس از مراسم چهلم برادرت، به جبهه برگرد؛ و یا خانمی وضع جانبازی مرا دید و پذیرفت به همسری من درآید و سختی‌های زندگی با یک جانباز را به جان و دل خرید.

نقش فرهنگی-تبلیغی زنان

با آغاز جنگ تحمیلی، مرکز و سازمانی برای شکل دهی و هدایت امور فرهنگی و تبلیغات و عملیات روانی جنگ در اختیار نبود و این مفهوم عموماً تا سال‌های ۱۳۶۳ و ۶۴ و پیش از تاسیس سازمان تبلیغات اسلامی کاربرد عام نیافته بود. لذا در این دوران مساجد و پایگاه‌های بسیج و... فعالیت‌های فرهنگی-تبلیغی بطور خودجوش و فاقد راهبرد هماهنگ و مشخص، اما در بعد داخلی برخاسته از ارزش‌های جامعه با اثرگذاری ژرف به انجام رساندند. در این میان زنان سهمی بسزا در تبلیغ فرهنگ اسلامی، شهادت طلبی و ارزش‌های دفاع مقدس داشتند. بانوان در کانون‌هایی چون مساجد و انجمن‌های اسلامی، سنگ‌رانشینان را حمایت کردند. همچنین حداقل معیشت و دارایی زینتی خویش را به رزمندگان اختصاص دادند و با برپایی جلسات روضه خوانی، برگزاری دعا و نیایش از حمایت معنوی نیز دریغ نورزیدند.

برخی از فعالیت ها را می توان در برگزاری مراسم های روضه خوانی و دعا و اقامه نماز جمعه ، شعارنویسی، سردادن ندای الله اکبر دسته جمعی برای رزمندگان، شرکت در مراسم تشییع و... برشمرد (جودکی، ۱۳۹۵ و بنی طبائی نائینی، ۱۳۹۲).

در اینجا تلاش می شود که در قالب کلی ابعاد تاثیرگذاری مساجد در این برهه تشریح گردد:

مسجد تنها رسانه مطمئن

مسجد نقش رسانه ای مطمئن را در این دوران پر بحران و حساس ایفا می کرد؛ بطوری که نیازهای جبهه اعم از نیرو و امکانات و تدارکات از طریق مساجد به اطلاع مردم می رسید و زیباترین مشارکت مدنی و دینی از سوی مردم شکل می گرفت. همچنین خبر اعزام نیروهای بسیجی از مسجد به اطلاع نمازگزاران می رسید و مردم مہیای مراسمات بدرقه می شدند. خبر شهادت بسیجیان مساجد و مراسم تشییع پیکر آنان از طریق ائمه مساجد و اعضای هیئت امناء و پایگاه بسیج مسجد به اطلاع مردم رسیده و شرکت همگانی در مراسم تشییع شهدا صورت می گرفت.

مسئولان و شخصیت های سیاسی و مذهبی انقلاب از طریق مساجد با مردم ارتباط داشتند و حوادث جبهه ها و پیامدهای سیاسی و اجتماعی عملیات رزمندگان بیشتر از تربیون های مساجد برای مردم تبیین می شد. حتی فرماندهان موثر دفاع مقدس پس از انجام عملیات های مهم درباره چگونگی عملیات ها و دستاوردهای آن - به ویژه تاثیر آن در تحولات منطقه ای و جهانی- سخن می گفتند.

مساجد نقش محوری ای در تولید، توزیع و مصرف آثار فرهنگی- هنری انقلاب اسلامی داشته اند. از آن جا که مساجد مهم ترین پایگاه انقلاب بودند، طبیعتاً بخش مهمی از ارتباطات میان نیروهای انقلاب (از جمله نیروهای فرهنگی- هنری) در مساجد شکل می گرفت.

یکی دیگر از کارکردهای مسجد در این دوران ایفای نقش سینما توسط مساجد بود. در بسیاری از مساجد کشور فیلم های با ژانر دفاع مقدس و اکشن پخش می شد. از این دست فیلم ها می توان به فیلم هایی مانند عقاب ها، کانی مانگا، تیرباران و... اشاره کرد.

یکی دیگر از فعالیت‌های چشمگیر مساجد در دهه شصت، اقدامات فرهنگی بچه‌های فعال مسجد بود که با اهداف گوناگونی همچون پرورش استعداد های جوانان، تقویت جبهه‌های جنگ و... انجام می‌شد. یکی از این فعالیت‌ها که به طور معمول در اکثر مساجد فعال کشور انجام می‌شد و بازدهی نسبتاً بالایی نیز بر روی مخاطب داشت، اجرای نمایش‌های تئاتر و سرود بود.

اما اقدامات فرهنگی در مساجد تنها به سرود و تئاتر ختم نمی‌شد، به فراخور همت و هنر جوانان مسجدی، فعالیت‌های مختلفی از آن‌ها صورت می‌گرفت، که می‌توان به ساخت کلیشه و زدن آن در دیوارهای شهر در مناسبت‌های مختلفی همچون انتخابات، روز قدس، تبلیغ برای جبهه و جنگ... اشاره کرد و یا راه اندازی کتابخانه‌های کوچک و بزرگ در مساجد، و یا ایجاد بانک نوار در مساجد که بیشتر نوارها شامل مداحی‌های آقای اهنگران و یا سخنرانی‌های شهید مطهری و یا سرودهای انقلابی و نوارهای درسی بود که مردم به فراخور نیازشان، از این نوارهای کاست استفاده می‌کردند.

مسجد و روحانیت

روحانیون و ائمه مساجد خود نقش فعال در جبهه‌ها داشته و حتی در عرصه رزمی و پیشتازی در عبور داوطلبانه از میادین مین از زمره فعالیت‌های آنان بوده است و این بیانگر همدلی و هم‌زمانی روحانیت با مردم در دوران دفاع مقدس است.

تربیت نیروهای مبارز

آنچنان که امام خمینی رحمة الله علیه فرمودند: امروز ما برای تربیت نیروهایی که انقلاب و دستاوردهای خونبار آنرا حفظ کنند، نیاز مبرم به مسجد و اصول تربیتی روحانیت همانند گذشته داریم؛ حضور مستمر و چشمگیر جوانان و نوجوانان در جبهه‌های نبرد و مقاومت، مرهون تربیت معنوی و اخلاقی مساجد کشور بوده است (مراد پیری، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۷). در این راستا مساجد به عنوان خط مقدم در دوران دفاع مقدس عمل کرده و مهم‌ترین پایگاه‌ها برای اعزام نیرو و رزمندگان به جبهه بوده‌اند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد؛ باید مجدد تاکید کرد که «مساجد مرکز اصلی اعزام نیرو به جبهه در سال‌های دفاع مقدس بود و ۹۷ درصد از شهدای جنگ تحمیلی از مساجد به جبهه اعزام شده بودند».

یعنی بیشتر شهدای انقلاب اسلامی، جوانان مسجدی بودند. جوانانی که نامشان بر تارک ایران زمین نقش بسته است و می درخشد. پیوندی که بین جوانان شهید انقلاب و خداوند متعال در مساجد بسته شد، تری از اسرار الهی است که با هیچ معیاری سنجیدنی نیست. این جوانان عشق و عقل را یکجا داشتند و آن دو را نقیض هم نمی دانستند؛ زیرا در سنگر مساجد آموختند: «باید برای عشق، عاقلانه مبارزه کرد».

سهم پیروزی در جنگها از حیث قدرت نرم، اعم از قدرت روحی، ارادهٔ سربازان و ایمان به هدف، هم اکنون مورد مطالعهٔ آکادمی‌های نظامی دنیا است. روحیهٔ سربازان بیش از پیش اثربخش و جایگاه ارزشی آن افزوده شد. مطالعهٔ جنگ هشت سالهٔ ایران و عراق (دفاع مقدس)، به طور کامل این نکته را در عرصهٔ نظامی نیز هویدایمی‌کند. بطوریکه اکنون برتری قدرت نرم بر توان فن‌آوری‌های تسلیحاتی به خوبی به اثبات رسیده است. در طی دوران دفاع مقدس، روحیه و تفکر بسیجی که اکنون می‌توان آن را یک فوق فن‌آوری نرم نامید، کارکرد به ارمغان گرفته شده خود از مساجد را به خوبی نشان داد. این روحیه در مراحل گوناگون طراح‌ی راهبردی جنگ، طراح‌ی عملیات و انتخاب تاکتیک، رزم انفرادی، خلافت در مهندسی، پشتیبانی و لجستیک و سایر عرصه‌ها برتری خود را بر قدرتهای سخت که در آن زمان به ماشین جنگی صدام و اربابان شرق و غرب او معروف بود، نشان داد.

این فن‌آوری نرم (برآمده از فرهنگ مسجد)، مجموعه‌ای از دانشهای انسانی و غیرطبیعی است که با همراه داشتن مؤلفه‌هایی چون: صبر، تلاش، استقامت، ایمان و دانایی است. این فن‌آوری توانست اندک توان تسلیحاتی موجود در کشور را به طرز اعجاب‌انگیزی در مقابل جبههٔ مجهز و گستردهٔ دشمن به کار گیرد و در زمان دفاع مقدس به طور معجزه‌آسایی سرنوشت جنگ را عوض کرد، تمام محاسبات قبلی دشمنان را به هم زد و توانست حیات و تداوم انقلاب اسلامی را حفظ کند. بررسی مؤلفه‌های این فن‌آوری در عرصهٔ نظامی، مجالی مفصل می‌طلبد؛ اما آنچه مهم است موفقیت آن در دفاع مقدس با حداقل امکانات سخت‌افزاری، به عنوان یک مفهوم انسانی و اجتماعی با کارکردی اجتماعی و انسانی به کارگیری شیوهٔ مدیریتی جدید و اعتقاد شدید به باورهای دینی و رفتارهای اجتماعی، فن‌آوری نرم بودن تربیت نیروهای مبارز در کانون‌های مذهبی به طور خاص مساجد را اثبات می‌کند (حسنی‌آهنگر، بزمشایی ۱۳۸۹: ۵).

تشکیل بسیج مردمی

پس از تشکیل بسیج به فرمان امام خمینی رحمة الله علیه در ۵ آذر ۱۳۵۸، مساجد به عنوان بهترین نماد حضور مردم، اولین پایگاه های بسیج را به خود اختصاص دادند که مورد استقبال نمازگزاران در حوزه های گوناگون مهارتی قرار گرفت و نیروهای متعدد رزمی و تخصصی سامان یافت (مراد پیری، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۷).

در جامعه ما در دوران انقلاب به جهت آنکه هدف، تغییر نظام سیاسی کشور بود، مشارکت توده ای عامل مهمی در پیروزی انقلاب محسوب می شد، در پدیده بسیج گونه هم سطوحی از مشارکت سازمان یافته در مساجد و هیئت های مذهبی نقش مهمی در بسیج توده ای داشتند. ولی پس از انقلاب که دوران بازسازی و تغییر نظم، از نامطلوب به مطلوب بود و در دوران جنگ تحمیلی تنها مشارکت توده ای نمی توانست پاسخگوی نیاز جامعه باشد؛ زیرا حضور توده ای مردم به شکل داوطلبانه فاقد ضمانت اجرایی و اهرم کنترلی لازم است و تنها محدود به عرصه ها و سطوح خاصی می تواند باشد. در دوره جنگ و دهه اول انقلاب زمان کمتری برای توجه به نهادهای متناسب با شرایط و وضعیت پس از انقلاب بود و در واقع به دلایل مختلف از جمله عدم آگاهی از ضرورت نهادهای واسطه و مسائل ابتدای انقلاب به درستی و در ابعاد مختلف، مشارکت مردمی متشکل و سازمان یافته نبود. البته تنها در مواجهه با یک مسئله و بحران، یعنی جنگ، مشارکت های مردمی سامان یافت، که بسیج بویژه بسیج مساجد تا حدودی زیادی به این نهادهای داوطلبانه شباهت داشت و از این طریق آحاد جامعه برای دفاع از کشور و نظام به طور داوطلبانه سامان می یافتند. بدیهی است که این اختیار، در هر سازمان متعلق به نهاد واسطه، تنها در بدو ورود است و کنش های افراد در درون این سازمان ها قاعده مند و براساس تعریفی است که صورت پذیرفته است (بابائیان، ۱۳۸۲: ۱۴).

مسجد محل جمع آوری کمک های مردمی

مساجد در دوران دفاع مقدس از جمله مراکز مهم اعلام اقلام مورد نیاز جبهه ها و نیز محل جمع آوری کمک های مردمی بودند. این مشارکت غیر از وجه مادی دارای وجوه معنوی نیز بوده است؛ از اهدای پول های قلک برخی کودکان گرفته تا تقدیم هنرهای دستی و خیاطی بانوان و اهدای انگشتر و... به نشان تکریم مقام مجاهدان در دفاع مقدس.

مسجد و زنان

پاسداری از حریم مکتب، دین، عقیده، ایمان و همچنین دفاع از خود، خانواده، وطن و نوامیس، امری است که بر هر انسان آزاده‌ای در مقابل تجاوز دشمن، واجب است. لذا دفاع از این آرمان‌ها در برابر تهاجمات دشمن، امر فطری و ذاتی است که در نهاد هر انسانی اعم از زن یا مرد به امانت گذارده شده است. البته در تبیین واژه جهاد و دفاع و وجوب آن بر افراد، دو گونه جهاد ابتدایی و دفاعی متصور است که بنا بر حکم اکثر فقها، از جمله امام خمینی رحمة الله علیه، جهاد دفاعی بر همگان اعم از زن و مرد، واجب است.

با شروع تهاجم دشمن به شهرهای مرزی ایران، زنان نیز همچون مردان در محورهای مختلف جبهه‌های نبرد همچون جبهه‌های غرب و جنوب کشور مشارکت مستقیم داشتند. در این میان، زنان با حضور فعالانه در ستادهای پشتیبانی نقش مهمی را در این عرصه ایفا کردند. در این شرایط زنان مبارز ایرانی مساجد را به پایگاه پشتیبانی از جبهه‌های نبرد حق علیه باطل مبدل کرده بودند و در هر زمانی که از آنها برای کمک به جبهه‌ها درخواست می‌شد داوطلبانه خود را می‌رساندند و در این راه هیچ چیز نمی‌توانست مانع آن شود. اهم فعالیت‌های زنان در این دوران عبارت بود از: ایجاد ستادهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی در مساجد و مدارس، نگرهبانی از مقرهای خواهران، مساجد و حتی سنگرها، محافظت از مهمات، تخلیه کمک‌های مردمی، دسته‌بندی و ارسال انواع نیازمندی‌های رزمندگان، تعمیر تجهیزات، بازسازی وسایل و البسه، پتو و وسایل زیستی رزمندگان در جبهه‌ها، تهیه مواد غذایی و شستشوی پتو، ملحفه و البسه رزمندگان حضور موثری در پشتیبانی از جبهه‌ها داشتند. (به نقل از درویشی و امامی، ۱۳۸۹: ۴۲).

طبق آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی، در طول هشت سال دفاع مقدس، از میان زنان بیش از ۴ هزار نفر جانباز و آزاده و ۴ هزار و ۳۶۳ نفر شهید شده‌اند. (همان: ۴۲).

مسجد محل ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

عمدتاً تشیع شهدا از مساجد محله‌ها شروع می‌شد و با همراهی اقشار مختلف مردم ادامه می‌یافت. همچنین برگزاری مراسم شهدا در مساجد و دعوت از صاحب نظران، از فعالیت‌های مهم ائمه مساجد و بسیج به حساب می‌آمد که این به معرفی

ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی شهدا و مآلاً به تبیین فرهنگ و روحیه ایثار و شهادت منتهی می‌گشت. برگزاری مراسم سالگرد شهدا، برپائی نمایشگاه‌ها، تهیه روزنامه‌های دیواری و تبلیغات عمومی و تقریر سفارش شهدا در وصیت‌هایشان نسبت به حضور مداوم در مساجد، نقش مساجد در نشر ارزش‌های دفاع مقدس نشان می‌دهد (مراد پیری، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۷).

برگزاری مراسم شهدا و حضور مستمر فرماندهان و رزمندگان در مساجد و نقل وقایع و تاریخ شفاهی برای مردم به مناسبت‌های مختلف، نقش فراوانی در انتقال ارزش‌ها و تنویر افکار عموم مردم به ویژه جوانان نسبت به وقایع دفاع مقدس داشت (خطیبی کوشک، ۱۳۸۶: ۲۶).

جمع بندی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذاری مساجد

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذاری مساجد در دوران مبارزات انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس را بطور خلاصه چنین برشمرد:

• الف) سیاسی

۱. شکل‌گیری تشکل‌های مخفی زیرزمینی جهت مبارزه با رژیم
۲. ارتقای آگاهی‌های سیاسی مردم
۳. ارتباطات چهره به چهره بیم مردم و سیاست‌گذاران امر مبارزه و نهضت
۴. تقویت روحیه حق‌طلبی و مبارزه جویی جامعه
۵. شکل‌گیری نهاد تایید شایستگی افراد از حیث مکتبی و نیز تخصصی برای تصدی امور سیاسی و اجتماعی آتی.
۶. برنامه‌ریزی و بکارگیری تاکتیک‌های مبارزاتی مانند بست نشینی، تحصن و اعتصاب و...
۷. پناه دادن به مردم در مقابل حملات رژیم و صدام، به ویژه افراد تحت تعقیب رژیم

• ب) اجتماعی

۱. ایجاد شبکه ارتباطات اجتماعی بین مردم
۲. تأثیر در تشکیل نهادهای همکاری و همیاری و دگرپاری

۳. ارتقای سطح همبستگی و تعاون بین اعضای جامعه
۴. تشکیل گروه‌های متعدد «کار» جهت ساماندهی امور مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...

• ج) فرهنگی

• تبلیغی

۱. تکثیر نوارهای سخنرانی امام رحمة الله علیه و شخصیت‌ها و توزیع آن بین مردم
۲. ارائه آگاهی‌های مردم با تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها

• آموزشی

۱. تشکیل کلاس‌های مختلف (آشکار و پنهانی) جهت ارتقای سطح آگاهی‌های مردم
۲. آموزش عملی جهت نهادینه کردن ارتباطات اجتماعی و ایثار و گذشت

• د) نظامی

۱. نظارت بر تدارکات نظامی برای نیروهای مردمی و داوطلب
۲. سازماندهی نیروهای داوطلب
۳. برنامه ریزی و اعزام افراد توانمند جهت حفاظت و حمایت از شخصیت‌های مذهبی و مبارز

• ر) اقتصادی

۱. رسیدگی و پشتیبانی مالی از خانواده‌های کم بضاعت، آسیب دیده از مبارزات و جنگ و ...
۲. توزیع برخی اجناس و کالاهای ضروری بین مردم در دوران انقلاب
۳. نهادینه سازی صندوق‌های قرض الحسنه و کمک به مردم

نقش مسجد در دوران پس از دفاع مقدس

وقوع انقلاب اسلامی و پیدایش حکومت دینی در ایران باعث اهمیت یافتن مجدد و مضاعف مذهب در تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ی ایران شد. در چنین بستری لاجرم مباحث مهمی مانند شیوه ارتباط حکومت با نهادهای دینی مانند مسجد، شیوه مدیریت و سازماندهی مراکز و سازمان‌های دینی، جایگاه مردم

در سازمان‌های دینی، کارکردهای سازمان‌های دینی، تأثیر دولتی شدن مراکز و سازمان دینی در پذیرش و اقبال مردم از این نهادها، منزوی شدن یا کاهش مشارکت مردم در سازمان‌های دینی، تأثیر دولتی شدن بر کارکردها و فعالیت‌های نهادهای دینی، میزان توانایی دولت برای حمایت و مدیریت مراکز و سازمان‌های دینی، و مسائلی از این نوع در جامعه ی ایران طرح شد.

پس از دفاع مقدس و همزمان با دهه دوم انقلاب، با تغییر فضای سیاسی و فرهنگی کشور و نیز بواسطه کاهش انسجام اجتماعی بخاطر عدم وجود دشمن مشترک و وحدت بخش، با آشکار شدن مسایل اجتماعی مانند افزایش اعتیاد به مواد مخدر، کاهش جذابیت‌های اسلام سیاسی (در قیاس با گذشته)، گسترش ارزش‌های غیر دینی و شکل‌گیری تدریجی وضعیتی که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای (مدظله) آنرا «تهاجم فرهنگی» نامید، باعث شد تا توسعه فرهنگ دینی نیز به ماموریت‌های مسجد اضافه شود؛ ماموریتی که به نحو سنتی جزء ساختاری کارکردهای مسجد محسوب می‌شد، اما در نتیجه تحولات سیاسی دهه نخست انقلاب اسلامی و به ویژه جنگ تحمیلی کمتر سخن از آن به میان می‌آمد.

با خاتمه یافتن جنگ تحمیلی، حضور بسیج و ماهیت نظامی آن در مساجد می‌بایست توجیه اجتماعی پیدا می‌کرد. همچنین گسترده‌گی و پیچیدگی ساختار بروکراتیک مسجد نیازمند مدیریت متناسب با شرایط جدید بوده زیرا روش‌های سنتی از عهده انجام آن برنمی‌آمد. همچنین با تغییر فضای سیاسی و فرهنگی کشور به تدریج جمعیت مسجد رو تغییر یافت و قشر جوان اقبال کمتری به مسجد نشان داد. ولی شاید مهمترین پرسشی که در مقابل مسجد قرار گرفت این بود که آیا تغییر و تحول صورت گرفته در مساجد از نتایج و پیامدهای عملی برای توسعه فرهنگ دینی و همچنین اشاعه ارزش‌ها و باورهای انقلاب اسلامی برخوردار است؟

برای فهم دقیقتر از شرایط پس از جنگ تحمیلی و تغییراتی که در ساختار جامعه و بالطبع سامان مساجد روی داد بهتر است نگاهی گذرا به وضعیت جامعه از آن زمان تا کنون بیاندازیم.

پس از گذشت دهه پر بحران نخست انقلاب (یعنی تحکیم و استقرار بنیان های حاکمیت) و اتمام جنگ تحمیلی و رحلت رهبر کاریزماتیک انقلاب اسلامی، انتظارات مردم برای پیشرفت و عملی شدن آرمان های انقلاب اسلامی در حوزه های اقتصادی و سیاسی و... رو به تزاید بود. همزمان رخداد تحولات فرهنگی کثرتگرا، لیبرال و سکولار در جهان در حوزه رشد تکنولوژی ارتباطی بخصوص در زمینه ماهواره و اینترنت و... رشد آموزش عالی و میزان سواد، گسترش کتاب ها و فرهنگسراها، خدمات جهانگردی، افزایش طلاق، انحرافات اجتماعی، بیکاری و... شیوه کنترل و نحوه مدیریت نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه را دست خوش چالش نمود. در حوزه فرهنگ جریان های متعددی به ظهور رسید؛ این یعنی متکثر شدن حوزه فرهنگ که از مهمترین پیامدهای تحولات دهه های اخیر به شمار می رود. در میان کارگزاران دولتی و گروه های مختلف مردم، گرایش های محافظه کارانه، لیبرال، رادیکال سنتی و مدرن و... آشکارا شکل یافته و به رقابت با یکدیگر برای مدیریت تغییرات جامعه و تصاحب فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه به نفع خود پرداختند. دولت های مختلف گرچه به دامنه فعالیت ها و مسئولیت های خود برای حل چالش های پیش رو می افزودند اما عموماً تلاشهای دولت در واکنش به این تغییرات جز سازگاری و همسویی با فضای جدید نبود. قوی ترین گفتمانی که در این دهه ها شکل گرفته است گفتمان انتقادی است که البته از جهت گیری ایدئولوژیک هم برخوردار بوده است. نقد به سیاست های فرهنگی جامعه از طیف های لیبرال تر گرفته تا رادیکال سنتی غالباً دولت را مسبب وضع موجود قلمداد نموده و یا اینکه راه حل بهبود وضع موجود را عمدتاً دولت معرفی می نمودند.

با توجه به جایگاهی که دین در سیاست های دولت اسلامی ایران دارد، طبیعتاً بخش عمده حساسیت ها معطوف به فرهنگ دینی است. موقعیت مساجد به ویژه از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا با توجه به آنچه که از نقش مسجد در ظهور و تحقق انقلاب اسلامی مشاهده شد، مسجد کانون اصلی توسعه فرهنگ دینی است. اما اکنون پس از گذشت سال ها از عمر حکومت جمهوری اسلامی نه تنها این اتفاق رخ نداده بلکه همانطور که خواهیم دید اقبال عمومی به ویژه جوانان به مساجد تا حدی کاهش نیز یافته است.

ابوالقاسمی کاهش اقبال مردم به «دین دولتی و اسلام سیاسی». نه دولت دینی را عمدتاً ناشی از روش و چگونگی دخالت دولت در حوزه فرهنگ دینی می‌داند و می‌نویسد: «اساساً به رغم این که انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ و اجتماع و سیاست آن هم بر اساس آموزه‌های دینی بوده است، متأسفانه تعریف دقیق از دامنه، حدود و قلمرو دین در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارائه و تدوین نشده است». ابوالقاسمی معتقد است: «در دهی گذشته نهادها و دستگاه‌های فرهنگی، تبلیغی و دینی در برابر فرایندها و تغییرات اجتماعی وضعیتی انفعالی به خود گرفته‌اند».

مراد وی از وضعیت انفعالی احتمالاً عدم دخالت دولت در زمینه‌ی فرهنگ نیست بلکه سازگاری سیاست‌های دولت با تحولات فرهنگی و اجتماعی رخ داده در جامعه یا ناتوانی نهادهای دینی برای هدایت جامعه در مسیر مطلوب دینی است. به اعتقاد ابوالقاسمی دولت در فرهنگ دخالت کرده ولی شیوه کار موجب شد نتیجه‌ای برخلاف آن چه انتظار می‌رفته بدهد (فاضلی، ۱۳۸۷).

شاید مهمترین مؤلفه گفتمان ایدئولوژیک- انتقادی، نقد آن به نوع رابطه دولت و دین و به خصوص در زمینه مساجد باشد. با توجه به بررسی‌های ابوالقاسمی در زمینه «سطح عمل به مناسک و احکام دینی»، پابندی به تکالیف جمعی دینی، مانند نماز جماعت و حضور در مساجد، مجالس دعا و روضه روند نزولی دارد. اما همچنان شاهد شعله ور بودن چراغ دینداری و اعتقاد به مناسبات و مناسک دینی در بین مردم هستیم.

با وجود گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب جمهوری اسلامی و استقرار حکومت دینی در ایران و علیرغم تلاش‌های انجام شده در حوزه تربیت دینی در آموزش عالی، هنوز وضعیت برپائی نماز و سطح رغبت جوانان به نماز چندان مطلوب نیست. در این مدت طرح‌ها و فعالیت‌های مداوم و متعددی توسط ارگان‌های مختلف در راستای ترویج فرهنگ نماز انجام پذیرفته است. ولی از آن جایی که هر طرح مداخله‌ای نیازمند یافته‌های پژوهشی است؛ و این طرح‌ها از پشتوانه پژوهشی و نظری چندان برخوردار نیست؛ لذا موفقیت این فعالیت‌ها براساس ملاک‌های علمی فاقد تضمین‌های لازم است. این امر به نوبه خود می‌تواند سبب هدر رفتن منابع انسانی و اقتصادی اختصاص

یافته برای این طرح‌ها گردد. لذا جهت تسریع در حصول اهداف لازم می‌نماید که برخی پژوهش‌ها برای فراهم آوری یافته‌های پژوهشی مورد نیاز برای برنامه‌ریزی مناسب و موفقیت طرح مذکور و طرح‌های مشابه انجام پذیرد.

نتیجه‌گیری

همانگونه که در این نوشتار تشریح شد، مسجد جایگاه خطیری در اسلام در طی دوران‌های مختلف داشته و در دوران اوج مبارزات انقلابی نیز ظرفیت وسیعتری از همیشه یافته و با نقش آفرینی خاص خود، عامل پیروزی ملت و روحانیت در برابر ظلم و استکبار شد. این ظرفیت گرچه در درون مسجد همیشه وجود داشته و یا دست کم، متصور بوده است، اما در دوران رضاخان همزمان با فرایند غربی‌سازی ساختارهای کشور، مسجد به عنوان نماد فرهنگ اصیل و سنتی به تدریج حوزه اختیارات و عمل کمتری یافته و جایگاه تاثیرگذار خود را از دست می‌داد. اما تاریخ ایران شاهد بود که علما و مردم دوشادوش یکدیگر در طی سال‌ها فعالیت و مبارزه، به مقابله با سیاست‌های پیش گرفته رژیم دست‌نشانده پهلوی برخاستند و قدرت‌های گرفته شده از مساجد را بازگرداندند؛ بطوریکه در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی که نهادهای پیشین جامعه، ساختار خود را از دست داده بودند، مساجد زمام امور کشور را در اختیار داشته و به رفق و فتق امور کشور مبادرت نمودند.

از سوی دیگر، انقلاب ایران از آنجا که برخلاف سایر انقلاب‌های جهان که دارای منشاء سیاسی و یا کارگری و... بوده اند، نقطه شروع آن از طریق تنویر افکار و مبارزات علمای دینی (خصوصاً امام راحل) و نیز اندیشمندان دانشگاهی (امثال مرحوم شریعتی، شهید مطهری و...) به سمت توده‌های مردم بوده است؛ بیشتر می‌بایست انقلاب فرهنگی و نخبگانی نام نهاده شود. از آن حیث که فقر فرهنگی مردم در دوران پیش از انقلاب به لحاظ تحصیلات و... بسیار بیشتر از زمان کنونی بوده است، متقاعدسازی و تنویر افکار توده‌های مردم بسیار سخت و در مدت زمان طولانی به وقوع پیوسته است. این در حالی است که در زمان حاضر با گسترش علم‌آموزی به اقصی نقاط کشور و رشد فرهنگی مردم، فرایند انتقال مضامین دینی و فرهنگی به توده‌ها و اقشار مردم از طریق پایگاه مساجد، ساده‌تر از گذشته به نظر می‌رسد. لذا به منظور پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، بهره‌گیری بیشینه از ظرفیت‌ها و کارکردهای مساجد ضروری به نظر می‌رسد.

در تحلیل پدیده کاهش حضور در مساجد، اول دلیل عمده‌ای که مطرح است، مقطعی بودن بعضی از نیازها در دوران رونق می‌باشد. طی دهه‌های چهل و پنجاه، به دنبال مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی و فرهنگی، یک خواسته و نیاز جمعی در میان مردم پدید آمد: «برچیده شدن نظام شاهنشاهی و ایجاد حاکمیت اسلام». کاهش حضور در مساجد در دوره رکود نسبی، تا اندازه‌ای به این دلیل بود که اولاً، با پیروزی انقلاب و ثانیاً با خنثی شدن بسیاری از توطئه‌های پس از انقلاب، نیازهای مذکور منتفی شده بود. برای این قسمت از تحلیل، نمی‌توان نتایج کاربردی ارائه داد؛ زیرا نیازهای مقطعی یاد شده، مربوط به همان دوره خاص بوده است و نمی‌توان و نباید آن‌ها را در همان شکل سابق احیا کرد. اما یادآوری آن، این فایده را دارد که برخی از دلایل پدیده کاهش حضور را آشکار و قابل فهم می‌سازد. بر این مبنا به منظور افزایش حضور مردم در مساجد، باید با مداخله در متغیرهایی که موجب تغییر در تعادل نیاز ارزشی مردم شده است، این تعادل را به سوی برتری نسبی نیازها و ارزش‌های جمعی و متعالی، هدایت نمود. اگر بتوان فاصله میان واقعیت‌ها و آرمان‌ها را کاهش داد، میزان فقر را به حداقل رسانید، سطح انتظار مردم را از زندگی به گونه‌ای نسبی کاهش داد و نهادهای ارشادی و تبلیغی خود را فعال ساخت، نتیجه دست خواهد یافت.

هرچند پیشتر گفته شد که با تخصصی شدن روزافزون مشاغل و نهادها از کارکردها و کارآمدی‌های مساجد در مقایسه با گذشته کاسته شده است، اما از آنجا که در زمان حاضر به دلایل گوناگون، عملکرد نهادهای یادشده در بسیاری از موارد، ضعیف و همراه با مفاسد مالی و اداری، تطویل زمان و... همراه است، در چنین شرایطی می‌توان از ظرفیت مساجد در این زمینه‌ها بهره جست بطوریکه نیروهای بسیجی بیشتر در عرصه امنیت و یا ائمه جماعات بیشتر در عرصه حل اختلافات و ریش سفیدی فعال بوده و یا صندوق‌های قرض الحسنه بیشتر به رفع احتیاجات افراد گرفتار کوشا باشند تا جایگاه و قدرت نفوذ مساجد در راستای اهداف انقلابی افزایش یابد.

البته گرچه در دوران پیش از انقلاب اغلب مساجد در حیطه‌های عبادی و اعتقادی بسیار فعال بودند لکن جو عمومی جامعه آنطور نبود که بتوان فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی مورد نیاز جامعه را در مساجد انجام داد. اما اکنون حضور جوانان تحصیل

کرده و فعال و ائمه جماعات آگاه در مساجد سراسر کشور افزایش کیفی و کمی قابل ملاحظه‌ای یافته است. در اختیار داشتن رسانه‌ها و امکانات اطلاع‌رسانی ساده و فراگیر و امکان تأسیس و ارتباط با کتابخانه‌های دیجیتالی و مجازی جهت معرفت‌افزایی مردم به ویژه جوانان از همین شیوه‌های جلب‌گرایش به مسجد بوده است؛ به ویژه که رونق یافتن برخی عبادات جمعی و گروهی همچون اعتکاف باعث افزایش گرایش نسبت به مسجد و برنامه‌های در خلال آن شده است.

تابع

- اسلام پور، حسین (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی وجود رقیب برای مسجد (ارائه راهکار برای نیل به مسجد طراز انقلاب)، بی‌جا.
- آقاپور، مهدی (۱۳۶۸)، تلاقی نهضت و بنیاد در دفاع مقدس: پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی جنگ، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بابائیان، علی (۱۳۸۲) نقش نهادهای واسط در نظام کنترل اجتماعی: فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳.
- بنی‌طبائی نائینی، فاطمه السادات (۱۳۹۲)، نقش زنان در دفاع مقدس، دانشگاه آزاد اسلامی.
- بی‌نا (۱۳۸۳)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، بی‌جا، زمزمه‌ی هدایت.
- بی‌نام-----، (۱۳۸۳)، فروغ مسجد، قم: موسسه ثقلین.
- بی‌نام-----، (۱۳۵۹)، مسجد نخستین موسسه و نهاد دولت اسلامی، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- پارسونز، سرآنتونی (۱۳۶۳)، غرور و سقوط، ترجمه‌ی منوچهر راستین، تهران، انتشارات هفته.
- جمالزاده، ناصر، مهدی امینیان (۱۳۹۲)، نقش مساجد در پیروزی انقلاب ایران، مجله مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال چهاردهم، شماره ۲۴.
- جودکی، محمدعلی (۱۳۹۵)، نقش زنان در دفاع مقدس، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسن‌زاده، رسول (۱۳۸۱)، آذرخش بر تاریکی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- حسینیان، روح الله (۱۳۸۵). یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حیدری، محمد شریف (۱۳۹۲)، جامعه پذیری دینی در ایران، پژوهشکده باقر العلوم: تهران.
- حسنی آهنگر، محمد رضا و حمید بزمشاهی (۱۳۸۹)، به کارگیری راهبرد فوق فن‌آوری نرم، دبیرخانه دائمی جنگ نرم کشور.
- خطیبی کوشک، محمد (۱۳۸۶)، راهکارهای حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، قم: زمزم هدایت، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- خمینی، روح الله، صحیفه نور، دوره ۲۲ جلدی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: تهران.
- خیری اصل، خیر الله (۱۳۹۲)، نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی (به روایت اسناد)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رزاقی، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، مسجد پایگاه توحید و تقوی، تهران: انتشارات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی.
- رضایی، علی (۱۳۸۲)، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، قم: موسسه فرهنگی ثقلین.
- رستگاری، مرتضی، (۱۳۹۳)، مسجد در صدر اسلام و نقش آن در انقلاب اسلامی، پایگاه تخصصی مسجد.
- زکریا، محمد علی، (۱۳۷۴)، اندیشه موضوعی دکتر علی شریعتی؛ دفتر چهارم فلسفه و جامعه شناسی سیاسی (قسمت اول)، تهران: انتشارات الهام.
- زهیری، علیرضا (۱۳۷۹). عصر پهلوی به روایت اسناد، تهران: معارف.
- ساسان، جعفر (۱۳۹۱)، نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی، پایگاه تخصصی مسجد.
- سعیدی، محسن (۱۳۹۳)، نقش مساجد تهران در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر.
- سلیمی، حشمت الله (۱۳۸۶)، مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- شریف پور، رضا (۱۳۸۰)، مسجد و انقلاب اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۴)، مقاومت مردمی در حماسه آمل، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ضرابی، عبدالرضا (بی تا)، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، بی جا.
- طاهر احمدی، محمود، (۱۳۸۶)، تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۷)، مسجد و مدرنیته: مروری تحلیلی و جامعه شناختی به گفتمان های مسجد در ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۳.
- مازندرانیان، حمید رضا (۱۳۸۹)، تاریخ شفاهی مساجد تاثیرگذار در انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مجموعه مقالات و سخنرانی ها، (۱۳۸۴)، فروغ مسجد: مجموعه سخنرانی ها و مقالات برگزیده دومین همایش هفته جهانی مساجد، تهران: موسسه فرهنگی ثقلین.
- مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۶۱)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مراد پیری، هادی (۱۳۹۴)، دستاوردهای دفاع مقدس، موزه دفاع مقدس تهران.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۸)، مسجد جلیلی به روایت اسناد ساواک، تهران.
- ملایی پور، جواد (۱۳۸۳)، آذرخش انقلاب (ویژه نامه ی قیام ۱۹ دی)، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۴)، دستاوردهای دفاع مقدس و راه های حفظ و نشر آن، قم: انتشارات خادم الرضا علیه السلام.
- منصوری، جواد (۱۳۷۶)، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
- مهری، فرشید (۱۳۸۳)، مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- میزبانی، مهناز و منیژه صدری و حشمت الله صدری (۱۳۸۳)، نقش مساجد و دانشگاه ها در پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ناری ابیانه، محمد رضا (۱۳۸۲)، مدل کارکرد جهانی مسجد، مجله مسجد، شماره ۷۰.
- نقیب السادات، (۱۳۷۹)، جایگاه کنونی مسجد در نزد افکار عمومی و شیوه های محوریت بخشی و اعتلای جایگاه آن در حیات آن فرهنگی- اجتماعی، سازمان تبلیغات اسلامی.
- نور بخش، سید حسن (۱۳۶۰). یادواره ی نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاشمی، علی و مهدی رنجبر آذربایجان (۱۳۸۷)، تاریخ شفاهی کمیته های انقلاب اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- همشهری، (۱۳۷۲)، مساجد کشور: چشم انداز زیبایی: تهران.
- یعقوبی، حمید (۱۳۹۰)، وضعیت گرایش دانشجویان به نماز خواندن و عوامل موثر بر آن، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- درویشی، فرهاد و اعظم امامی (۱۳۸۹). مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، سال نهم، شماره ۳۲، صص: ۵۰-۳۷.

تحلیلی بر عملکرد مسجد پس از انقلاب اسلامی با رویکرد تاریخی

• چکیده

در اندیشه بنیانگذاران، مساجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه مبارزات مردمی در پیروزی انقلاب اسلامی شناخته می‌شود و در تثبیت و تداوم مسیر دستیابی اهداف و آرمان‌های ملت ایران نیز می‌تواند نقش حائز اهمیتی داشته باشد. سؤال اصلی پژوهش این است که تطورات کارکردی مساجد طی چهل سال اول انقلاب اسلامی را چگونه می‌توان شناخت، به این منظور با استفاده از مطالعه‌ی تاریخی و با شیوه‌ی تحلیل روایت به بررسی نقش‌آفرینی مساجد در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی از سال ۵۸ تا ۹۸ پرداخته شده و عوامل دخیل در این تحولات تبیین گردیده است. در این مقاله با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و بررسی اسناد تاریخی به روایت‌گری تحولات مساجد در چهار دهه اول انقلاب پرداخته شده و تلاش گردیده تا در خصوص رخداد‌های فرهنگی اجتماعی که نقش مساجد در آن قابل توجه بوده و یا در مورد تصمیمات سیاستی که بر کارکرد و روند فعالیت‌های مساجد مؤثر بوده است، بحث شود و از این منظر به بخشی از سیر تحولی مساجد در این سال‌ها اشاره گردد. از جمله دستاوردهای این پژوهش بازشناسی تأثیرات تشکیل نهادهای عمومی و دینی و سیاست‌های آن‌ها بر کارکردها و فعالیت‌های مسجد است. همچنین به تغییر روند برنامه‌ریزی شهری که منجر به حاشیه راندن مساجد شد، اشاره گردید و البته نقش مسجد در بحران‌ها و مسائل کشور نیز مورد توجه قرار گرفت.

کلیدواژگان: بخش سوم، سازمان‌های غیرانتفاعی، مدیریت مسجد، تاریخ مسجد، انقلاب اسلامی ایران، مردمی‌سازی، مدیریت فرهنگی.

• مقدمه و بیان مسئله

مطالعه تاریخی مساجد کشور طی چهار دهه‌ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از آن جهت مورد توجه است که آگاهی از وضعیت کلی جریان‌های سیاستی و فکر مؤثر بر آن، به شناخت بهتر تحولات مساجد در حوزه‌ی کارکردهای فرهنگی و اجتماعی در سال‌های اخیر می‌انجامد. تحقیق تاریخی مساجد شامل مطالعه، درک و تفسیر رویدادهای گذشته

با محوریت مسجد است. هدف از این مطالعه‌ی تاریخی دستیابی به نوعی بینش منطبق با واقعیت‌های تاریخی و یا نتیجه‌گیری در مورد وقایع گذشته به نحوی است که تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی و نیز رویدادها بر کارکردهای مسجد و نقش آن در جامعه مورد بررسی قرار بگیرد. با توجه به این که مطالعات تاریخی فراتر از جمع‌آوری و ارائه داده‌های گذشته بوده، نتایج حاصل از آن به تفسیر و تبیین اطلاعات بستگی دارد، شدیداً بر شناخت پیوندهای گذشته و جدید متمرکز است. در اصطلاح، پژوهش تاریخی عبارت‌اند از: «بازسازی سیستماتیک و عینی گذشته که از طریق گردآوری، ارزیابی، تعیین صحت و سقم و ترکیب حوادث به منظور اثبات وقایع و تحصیل نتیجه‌ای قابل دفاع صورت می‌گیرد و غالباً بر فرضیه‌ای معین مبتنی است (ایزاک، ۱۳۷۴، ۵۴). همچنین «تحلیل روایتی» به عنوان راهبرد پژوهش، یکی از شیوه‌های مطالعه‌ی کیفی است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در تحلیل روایت رویدادها به گونه‌ای بازگو می‌شود که آن‌ها را قابل فهم می‌کند، بنابراین نه تنها اطلاعات بلکه درک نیز منتقل می‌شود. مزیت این روش برتری در بیان واقعیت‌ها، ایجاد بستر سازمان‌دهی رویدادها به یک کل قابل فهم و پیوسته است که همچون یک داستان جذاب، مخاطب را با متن و تفسیر رخدادهای تاریخی همراه می‌سازد (ویلیمن، ۲۰۰۳).

مساجد در تاریخ معاصر ایران و به‌ویژه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، تحت تأثیر اقتضائات زمانی و شرایط کشور، حضور جریان‌ات فکری و فرهنگی و همچنین تصمیمات سیاستی سازمان‌ها و نهادها، در برهه‌های زمانی دچار بسط یا قبض کارکردی شد، به عنوان مثال طی سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی نقش‌های جدیدی در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی ایفا کرد. این توسعه‌یافتگی در کارکردهای مسجد به ایجاد ساختارهایی نو منجر شد و قانون محوری تعاملات و مشارکت‌های مردمی قرا گرفت و برنامه‌هایی متعدد و متنوعی در آن‌ها اجرایی شد. مساجد همچنین در طی سال‌هایی چند، به دلیل تحولات جامعه و خط مشی‌گذاری‌های دستگاه‌های دولتی و عمومی، دایره‌ی کارکردهایش محدودتر شد، مخاطبان آن تغییر وضعیت دادند و رویکردهای آن به شیوه‌های مختلفی تغییر کرد.

مطالعه‌ی این تطورات تاریخی در مسجد ماحصل بازتعریف و بیان دقیق و قابل ارزیابی رخدادهایی واقعی با جزئیات کاملی است که به‌عنوان نقاط عطفی در جریان زندگی اجتماعی حادث شدند و در تعیین روایت صحیحی از تاریخ حائز اهمیت هستند. این روایتگری از حوادث تاریخی که به دنبال کشف حقیقت است، بر جستجوی نظام‌مندی در اسناد تاریخی و سیاستی و نیز بررسی خاطرات شفاهی و مکتوب بنا شده است. پژوهشگران روایت‌گر این سیر تحولات اند و تلاش می‌کنند تا بر اساس اصول روشمند به مطالعه و تحلیل رخدادهای فرهنگی و سیاستی سال‌های پس از انقلاب اسلامی تا پایان دهه‌ی اخیر و تأثیرات آن بر کارکرد و نقش مساجد و بازآفرینی مفهوم مسجد در کشور بپردازند.

• مطالعه و تحقیق تاریخی

از آن‌جهت که پژوهش در حوزه‌ی تاریخ را پژوهشی منفرد یا غیرتعمیمی معرفی می‌کنند، بنابراین مطالعه‌ی تحلیلی تاریخ مساجد معاصر ایران به‌صورت خاص و صرفاً در یک بازه‌ی زمانی مشخص انجام می‌پذیرد و نتایج آن نیز محدود به همین مدت و در گستره‌ی موردبررسی، قابل استناد است. در این مجال پژوهشگران درصدد مطالعه‌ی تاریخی تحلیلی مساجد ایران از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۸ هستند (یعنی یک بازه بیش از چهل ساله) و به این دلیل که ذکر تحولات و نقاط عطف مؤثر، نیازمند یافتن منشأ و پیوستگی مباحث پیرامونی مرتبط با آن‌ها است، بنابراین باید ضمن گزارش رخدادهای تاریخی، در خصوص ریشه‌های حادث شدن اتفاقات و تصمیمات نیز بررسی خود را تکمیل نماید.

برای مطالعه تاریخ از تکنیک‌های روشمند متنوعی استفاده می‌شود. یکی از این تکنیک‌های قابل استفاده در حوزه مطالعات تاریخی، «تبیین روایتی» یا روایی است. تبیین روایی برای پاسخگویی به برخی از سؤالات تبیینی، مناسب و نتایج آن منحصربه‌فرد است (راث، ۲۰۱۷). در این قبیل پژوهش‌ها ابتدا با مطالعه‌ی گسترده‌ی منابع کتابخانه‌ای، گنجینه‌ی داده‌های دارای اهمیت و نقاط عطف تاریخی گردآوری می‌شود و در نهایت برای تکمیل آنچه در منابع به‌طور کافی وجود نداشته و استحصال

ابعاد مختلف موضوعات و رخدادها، مصاحبه عمیق با افراد مطلع و خبرگان صورت می‌پذیرد.

تأکید اصلی در تحقیقات تاریخی بر تفسیر اسناد، خاطرات و موارد مشابه است. داده‌های تاریخی به منابع اولیه یا ثانویه دسته‌بندی می‌شوند. منابع اولیه شامل اطلاعات دست‌اول، مانند بازنشر مجدد شاهد عینی و اسناد اصلی است. منابع ثانویه شامل اطلاعات دست‌دوم، مانند توصیف یک واقعه توسط شخص دیگری غیر از شاهد عینی، یا توضیح نویسنده درباره یک واقعه یا نظریه است. یافتن منابع اولیه ممکن است دشوارتر باشد اما به‌طور کلی دقیق‌تر بوده و محققان تاریخی آن‌ها را ترجیح می‌دهند. یک مشکل عمده در بسیاری از تحقیقات تاریخی، اعتماد به منابع ثانویه است. داده‌های تاریخی باید از نظر صحت و وسقم مورد بررسی قرار گیرند. این بررسی از طریق پرسیدن و تحقیق برای تعیین صحت، تعصب، حذف برخی مطالب و ثبات داده‌ها انجام می‌شود (ویلن، ۲۰۰۳)، بنابراین افزایش قابلیت اعتماد در پژوهش و گزاره‌های ارائه‌شده خصوصاً در مصاحبه‌ها، با بهره‌گیری از تکنیک مقایسه با سایر منابع و استفاده از نظرات دیگر صاحب‌نظران محقق می‌شود. اینکه پژوهشگر روایت را با چه دیدی مورد توجه قرار می‌دهد، بر مسیر و برآیند تحقیق اثرگذار است و در این مقاله با نگرشی انسان‌مداران به تاریخ تحولات مساجد کشور طی چهار دهه‌ی اخیر توجه گردیده و ادعای ارائه‌ی تئوری اجتماعی و فرهنگی در زمینه‌ی مساجد وجود ندارد، بلکه از این گذرگاه به تبیین رویدادها و شناخت جریان‌های فکری و اجتماعی مؤثر در روند و کارکرد مساجد کشور توجه می‌شود.

• فرایند پژوهش تاریخی مساجد ایران

با توجه به ویژگی‌هایی که برای انجام این پژوهش مدنظر قرار گرفت، تلاش شد تا در گام اول با انجام مطالعات اسنادی گنجینه‌ای از رویدادهای مهم و جریان‌های فکری تأثیرگذار بر روند و کارکرد مساجد پس از پیروزی انقلاب اسلامی حاصل شود. بررسی پژوهش‌های پیشین و نظریاتی که در این حوزه وجود داشت، پژوهش را به‌سوی ترسیم کلی رخدادهای سیاستی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی از منظر

مسجد معاصر هدایت کرد. در گام دوم با استفاده از نظرات خبرگان در این زمینه به تبیین «نقاط عطف تاریخی» ذیل هریک از ساختارهای مرتبط با مسجد و حوادث رخ داده، توجه شد. در این مرحله با استفاده از مصاحبه‌ی عمیق با صاحب‌نظران، گردآوری داده‌های تکمیلی تحقیق صورت پذیرفت. دو سطح مصاحبه‌ی راهنما و مصاحبه‌ی کلیدی انجام گرفت. در مصاحبه‌های راهنما ذیل موضوع و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان گفتگو شد، بر این اساس نمونه‌های هدفمند برای مصاحبه‌های کلیدی از طریق تکنیک گلوله برفی انتخاب شدند. در گام سوم کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها به رؤیت مصاحبه‌شوندگان و دو نفر از کارشناسان رسید و به‌منظور افزایش روایی و پایایی تحقیق مجدداً با اسناد مکتوب موجود تطبیق داده شد. در گام چهارم نیز با استفاده از مجموع داده‌های حاصل، یافته‌های پژوهش به صورت تبیینی روایی، تنظیم گردید.

نحوه‌ی انجام مصاحبه بر اساس پروتکل مصاحبه و با بیان طرح مسئله و ارائه‌ی پرسش‌های اصلی و کلی پژوهش پیش از مصاحبه با افراد، آغاز می‌شد و فرصتی برای مطالعه و ارائه‌ی بحث داده می‌شد. در موعد مصاحبه و ضمن گفتگو، به فراخور مباحث مطرح‌شده، پرسش‌های جدید در زمینه‌ی محور گفتگو مطرح و برای اطمینان از دریافت دقیق معنای مصاحبه‌شونده، پاسخ‌ها با بیان دیگری ارایه می‌شد که در صورت نیاز به اصلاح، چرخه‌ی گفتگو تکرار و تکمیل شود. در پایان هر مصاحبه محتوای گفتگو در قالب جداولی کدگذاری شد. هریک از کدها دارای پشتوانه‌های نظری و مشاهدات عینی بود که نیاز به پیگیری اسناد دیگر و یا گزارش‌های سایر صاحب‌نظران داشت، بنابراین مطالعات اسنادی مجدداً در تداوم هر مصاحبه انجام می‌گرفت و نقاط ابهام با دیگر مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌شد. در نهایت داده‌های تحقیق حاصل از منابع و اسناد کتابخانه‌ای و کدهای مصاحبه‌ها، به‌صورت منظمی تدوین و برای تبیین ابعاد مختلف مطالعه‌ی تاریخی مسجد مورد استفاده قرار گرفت.

در بخش یافته‌های پژوهش، توصیف کلامی مختصر و مفیدی از آنچه به دست آمده، ارائه می‌شود. در این مرحله تلاش شد تا پیوستگی محتوایی منابع شفاهی و مکتوب حفظ شود و تبیین مطالعات تاریخی به صورت تبیینی روایی تنظیم و ارائه گردد. آنچه به ساختار کلی مطالعه‌ی حاضر انسجام می‌بخشد، توجه به نقاط عطف و رویدادهای

تاریخی در سیر خطی روایت ذیل چهار دهه استقرار جمهوری اسلامی بود و به این منظور وضعیت مساجد کشور پیش از انقلاب به صورت مختصر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طی رخدادهای هر دهه‌ی موردبررسی قرار گرفت. در ادامه به صورت مشروح، روایتی از مطالعه‌ی تاریخی مساجد ایران ارائه می‌گردد.

• دهه ۶۰؛ دوره‌ی بازآفرینی شتاب زده مساجد

در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، مساجد به واسطه‌ی حضور اقشار مختلف مردم و نشاط ویژه‌ای که پس از پیروزی به دست آورده بودند، محلی برای انجام فعالیت‌های مختلف در حوزه‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی بود. همه‌ی نمازگزاران به مثابه‌ی نیروهای مردمی داوطلب، در انجام انواع برنامه‌ها و اقداماتی مشارکت دارند. مساجد در این ایام «چندکارکردی» شدند اما به شدت آنارشیسم در آن‌ها موج می‌زند، زیرا که هیچ نهاد مشخصی متولی و دغدغه‌مند ساماندهی امور مساجد کشور و برنامه‌ریزی برای آن‌ها نیست. در این روزها حضور پر شور مردم با همه‌ی سلیقه‌ها در مساجد به خوبی مشاهده می‌شود. همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی جای خود را در مسجد پیدا کردند؛ از راه‌اندازی گروه سرود، گروه تئاتر و نمایش فیلم گرفته تا آموزش امداد‌های اولیه هلال احمر، آموزش خیاطی و آشپزی، ایجاد بسیج مردمی و حتی جمع‌آوری کمک‌های مردمی و فعالیت‌های خیریه و عام‌المنفعه، همگی در مسجد اجرایی می‌شد، اما هیچ‌کدام از این فعالیت‌ها، جهت مشخصی نداشتند و در واقع هر مسجد به صورت آتش به اختیار عمل می‌کرد. ضمناً امور مساجد به صورت غیرمتمرکز و محلی و عموماً با تکیه بر تلاش غیرنظام‌مند تعدادی از افراد دلسوز و انقلابی همچون شهدای محراب، شهید بهشتی، آقای طالقانی، شهید مطهری، آیت‌الله خامنه‌ای و... اداره می‌شد. این شرایط با شهادت بسیاری از علمای موثر بلاد و نیازهای به حضور روحانیت در برخی مناصب حکومتی از یک سو و کمبود ساختار تربیتی حوزه برای تربیت روحانی آموزش دیده و آماده برای این شرایط تشدید شد.

با آغاز جنگ تحمیلی، مردم که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی مساجد را مأمن خود یافته بودند، با شور و نشاطی مثال زدنی در پشتیبانی از جبهه‌ها با جمع‌آوری کمک‌های

مردمی، دوخت لباس، تهیه ارزاق و خوراکی‌ها فعال بودند و تأمین نیروهای رزمنده برای اعزام نیز از طریق مساجد انجام می‌پذیرفت.

در این دهه که ملت ایران شاهد اتفاقات و ترورهای فراوانی بودند، جریان‌های فکری متعددی نیز به‌منظور فضاسازی و ترویج گفتمان خود و تثبیت آن به‌عنوان گفتمان مسلط جامعه، تلاش‌هایی را صورت می‌دادند. در کنار جریان‌های فکری التقاطی، جریان‌های مارکسیستی و غرب‌گرا نیز منشأ تحولاتی در جامعه و تأثیراتی در مساجد به‌عنوان مردمی‌ترین نهاد کشور بودند. مارکسیست‌ها، مجاهدین خلق و به اصطلاح ملی‌گراهای غرب زده و لیبرال، سه جریان فکری اصلی متعارض تفکر خط امام در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب محسوب می‌شوند. جریان مارکسیستی نسبت به مسجد رویکردی منفی داشت، به‌عنوان مثال الگوی سلطنت و کلیسا را در قالب بحث ائمه جماعت مساجد و کدخدای روستا، بازنمایی می‌کردند و با این بازنمایی نقش محوری مسجد را مخرب می‌دانست.

مجاهدین خلق یا منافقین نیز درصدد بودند که مسجد را به‌عنوان پایگاه مردمی برای جذب و ترویج افکار خود کنند و عملاً به دنبال تشکیلات سازی سازمانی بودند تا تربیت دینی. از آنجاکه این گروه تحت تأثیر مارکسیسم بوده و آن را تفکر نجات‌بخش و معارض با بی‌عدالتی می‌دانستند، سعی می‌کردند از آموزه‌های دینی مطالبی انتخاب کرده و اسلام را همراه این طرز تفکر معرفی کنند. آن‌ها هم از اصول مارکسیم می‌گفتند و هم از اسلام و از این‌رو اندیشه‌ای التقاطی داشتند و سعی می‌کردند اسلام را بر اساس مبانی مارکسیستی توجیه نمایند.

از سویی دیگر نیز منافقان که به دنبال وزن‌کشی سیاسی بودند و مساجد را پایگاه مناسبی برای جذب اقشار مردم می‌دانستند، در برخی از مساجد حضور تشکیلاتی پیدا کرده و تلاش می‌کردند که با حضور در محراب در غیاب امام جماعت و یا با اقامه‌ی نماز جماعت منفک، به ایجاد تفرقه بپردازند. در این برهه امام خمینی رحمه الله به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌ی منافقین، با صدور فرمانی حکم به اقامه‌ی نماز جماعت مساجد توسط روحانیون دادند، کما اینکه در پاسخ به سؤالی در این خصوص این‌گونه فتوا دادند؛ متن استفتاء: در صورتی که دسترسی به روحانی نباشد می‌توان نماز را به افراد

غیرروحانی اقتدا کرد؟ چون مشاهده شده است در مساجد اگر یک شب امام جماعت به عللی نتواند به مسجد بیاید و یا دیر برسد افرادی از غیبت امام جماعت استفاده کرده فوراً در محراب قرار گرفته و نماز می‌خوانند و اگر در این موقع امام جماعت برسد، می‌بیند دیگری در محراب است. آیا در درازمدت موجب نفوذ افراد منافق در مساجد نیست و باعث تضعیف روحانیت نخواهد شد؟

- باسمه تعالی، در فرض مرقوم، امامت غیرروحانی در مساجد درست نیست» (رساله توضیح المسائل امام خمینی رحمته علیه، ۱۳۶۱: سؤال ۳۰۲۲). این استفتاء و موارد مشابه دیگر، بیانگر مشاهده‌ی این نفوذ در تعداد زیادی از مساجد کشور در این برهه‌ی زمانی است. این درایت امام سبب شد که منافقین، نفوذ خود در مساجد را به تدریج کاهش دهند و از آن جهت که در شعارهای خود مستمسک شعائر دینی و از جمله نماز بودند، به دنبال برگزاری نماز جماعت در مکان‌هایی به جز مساجد برآیند و از این طریق شبکه‌ی خود را شکل داده و تقویت کنند. بدین ترتیب جدا شدن نماز جماعت از مسجد امری ممکن به نظر رسید.

افرادی همچون آقای طالقانی نیز که به مسجد محوری در همه‌ی امور اعتقاد داشتند، پیشنهاد دادند که جلسات مجلس شورای اسلامی را در یک مسجد جامع تشکیل بدهند که این ایده به شدت مورد هجو و انتقاد قرار گرفت و ایشان در پاسخ به این انتقادات سعی کردند رفتارهای مطابق با هنجار مسجد را در مجلس انجام دهند، به عنوان مثال در همان ابتدای حضور بر روی صندلی نمی‌نشستند و یا پشت تریبون قرار نمی‌گرفتند، اما آهسته آهسته فضای کلی جامعه بر این ایده، غلبه کرد و نه تنها مسجد محوری پایه‌ی سیاست‌ها قرار نگرفت بلکه به تدریج بر رویکرد چندکارکردی بودن مسجد - که در دوران دفاع مقدس و با حضور اقشار مختلف مردم، بسیار پررنگ شده بود- غبار فراموشی و بی‌اعتنایی نشست.

در سال‌های پایانی دهه‌ی ۶۰ و هم‌زمان با پایان جنگ، مساجد شاهد دورانی بودند که اقدامات آتش به اختیار و آنارشیسمی مساجد، همه‌ی حیطه‌های مورد نیاز جامعه را پوشش می‌داد. مساجد که با حضور رزمندگان بازگشته از جبهه‌ها مواجه شده بودند، وارد تنش‌هایی جدید در درون ساختار خود شدند، این در حالی است که تمامی جریانات

بیرونی مؤثر بر مساجد از غرب‌گراها و کمونیست‌ها و حزب توده تا نهضت آزادی و منافقین و... همچنان فعال بودند و به ترویج نگاه‌ها خود در خارج از مسجد می‌پرداختند.

دوران «درگیری‌های داخلی» مساجد از زمانی آغاز می‌شود که با صدور قطعنامه و پایان جنگ، رزمندگان از نتیجه و عاقبتی که به نوشاندن جام زهر توسط امام راحل تعبیر شد، ناراضی بودند، بنابراین درصدد آن برمی‌آیند که جهاد را تا پیروزی حق بر جبهه‌ی باطل ادامه دهند و بنابراین دغدغه‌ی اسلامی کردن ساختارهای سیاسی جامعه سبب می‌شود که به دستگاه‌های اجرایی وارد شوند. از آن جهت که ورود و فعالیت در ساختارهای دولتی و عمومی با دشواری‌هایی همراه بود، بنابراین به نظر می‌رسید که مساجد پایگاه مناسبی برای اقدامات فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی باشد.

عده‌ای از ایشان مدل فرهنگی و تربیتی ویژه‌ی خود را دارند، به این معنا که روحانی مسجد به همراه امنایی که خود را وقف ایجاد ساختارهای تربیتی در مسجد کرده‌اند و بصیرت و آگاهی خوبی نیز در این حوزه دارند، تلاش می‌کنند تا نسل‌های بعدی را نیز در قالب فعالیت‌های پرشور مسجدی، هدایت و یاری کنند. در این میان مساجدی مانند مسجد صفای تهران، مسجد لبنان اصفهان، مسجد صنعتگران مشهد و... وجود داشت که به واسطه حضور چنین افرادی، سبک تربیتی ویژه‌ای را مستقر کرده و عامل جذب همکاری سایر بخش‌های مسجد شده بودند. مثلاً نقطه قوت مسجد صفا روحانی آن حاج آقای علوی بود، اما همه‌ی مساجد کشور این آمادگی را نداشته و برای این امور فرهنگی جایگاهی قائل نبودند.

بسیج هم که موضوع اعزام به جبهه را تمام شده می‌دید، رسالت‌های جدیدی برای ورود به میدان حفظ امنیت اجتماعی و مباحث فرهنگی و اعتقادی با محوریت مساجد تعریف کرد و ساختار تشکیلاتی آن در قالب بسیج محلات فعال تر شد. عدم آمادگی مساجد برای حرکت‌های فرهنگی و تربیتی و نیز عدم ساماندهی و نظم‌بخشی به امور مساجد، مشکلات و تنش‌هایی میان بسیج و فعالین فرهنگی، نمازگزاران، هیئت‌امنا و ائمه جماعت به وجود می‌آید. ضرورت توجه به تقویت هماهنگی بخش‌های فعال در مساجد، سبب شد رهبر معظم انقلاب در حکمی مرکز رسیدگی

به امور مساجد را تشکیل دهند و این مسئولیت را به آیت‌الله مهدوی کنی محول کردند. در بخشی از این حکم آمده است: «مراجعات متعدد از سوی مرتبیین با مساجد تهران من جمله ائمه جماعت، گروه‌های بسیج، متولیان و متصدیان و غیرهم حاکی از فقدان مرکز و مرجع مقبول و آگاه و نافذالکلمه‌ای در امر مساجد یعنی اصلی‌ترین پایگاه دین و معنویت و اخلاق است. شک نیست که حفظ قداست مساجد و تقویت هماهنگ جنبه‌های معنوی و انقلابی و تعلیمی و تبلیغی آن نیازمند سلامت و امنیت محیط آن و دور ماندن از منازعات و مناقشات داخلی در آن است. لذا شایسته است... به رونق و کارآئی و شکوفایی هر چه بیشتر این پایگاه‌های انقلاب و اسلام کمک نمایید» (حکم انتصاب مسئول مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۶۸). در این حکم به اهمیت تشکیل مرکزی برای رفع مسائل موجود میان ارکان مسجد و بخش‌های فعال مرتبط و افزایش تعاملات سازنده اشاره شد و موضوع نظم‌بخشی به امورات و رفع تنش‌های احتمالی موردنظر، در اهداف و سیاست‌های تأسیس این مرکز به آن اشاره شده است. از مهم‌ترین اهداف و سیاست‌های کلی مرکز رسیدگی به امور مساجد «حفظ سلامت و امنیت مسجد و دور ماندن از منازعات ملی و مناقشات داخلی، تقویت جنبه‌های معنوی، انقلابی، تعلیمی و تبلیغی مساجد و نیز رونق و افزایش کارآیی و شکوفایی هرچه بیشتر مساجد» است (مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۵).

در نیمه‌ی دوم دهه‌ی شصت سپاه پاسداران اقدام به تأسیس پایگاه‌های متعدد بسیج محلات در مساجد کشور نمود و با افزایش پایگاه‌های مقاومت از ۷۰۰۰ به ۲۱۵۰۰ پایگاه، بزرگ‌ترین نهاد به‌منظور فعالیت‌های داوطلبانه‌ی مردمی را شکل داد و اکثر برنامه‌های بسیج مربوط به آموزش‌های نظامی و عملیات شهری همچون برقراری ایست و بازرسی و... بود. با پایان جنگ تحمیلی، مباحث نظامی که بخشی از هویت و رسالت اصلی بسیج بود، دچار چالش شد و به‌تدریج به کژکارکرد حضور بسیج در مساجد در دهه ۷۰ منجر شد که نهایتاً بخشی از مخاطبان پایگاه‌ها و مساجد به دلیل برنامه‌های موازی با مسجد و بعضاً تعاملات ناشایست، از فضای مساجد فاصله گرفتند.

• دهه ۷۰؛ تسلط تفکر لیبرالیستی و ایجاد رقبای جدید

دهه‌ی هفتاد در حالی آغاز شد که تفکر لیبرالیستی و سرمایه‌داری با شعار سازندگی بر فعالیت‌های فرهنگی سایه انداخت. کشور که در هشت سال جنگ تحمیلی دچار آسیب‌های فراوانی شده است، نیاز به بازسازی و رشد اقتصادی دارد و مساجد که در این مدت نقش پشتیبانی و یاری‌بخش معنوی و مادی را ایفا کرده بودند، می‌توانستند بهترین همراه در تداوم مسیر انقلاب اسلامی و بالندگی کشور باشند، اما تفکر برنامه‌ریزی مبتنی بر اندیشه‌های غربی تصمیم‌سازان، مسجد را در ساختار مدیریت شهری نادیده گرفت و به گوشه‌ی انزوا کشاند و بخش دیگری از کارکردهای آن را با ایجاد ساختارهای موازی، از بین برد.

توسعه‌ی فضاهای فرهنگی و هنری در سطح شهر با رقابت ارتقای سرانه و افزایش دسترسی‌ها به فضاها و منابع فرهنگی، با طرح راه‌اندازی فرهنگسراهای شهر و سرای محله اجرایی شد. این ایده در رقابت با مسجد محوری محلات، پا به عرصه‌ی مدیریت شهری گذاشت و طی سال‌های آتی حمایت شد تا حدی که در دهه‌ی نود تنها در شهر تهران ۳۷۴ سرای محله (هر محله، یک سرای محله) تأسیس می‌شود. در این شرایط مساجد که پیش‌تر تنها مکان حضور اقشار مختلف و آموزش‌های فراگیر بود و امکان بازسازی متناسب با اقتضائات دهه‌ی هفتاد را نداشت، در این سال‌ها به‌سوی کارکردی غالباً نیایشی سوق می‌یابد و فعالیت‌های فرهنگی و هنری به‌تدریج کمرنگ شد. پایگاه‌های بسیج نیز در مساجد، هنوز به کارکردهای فرهنگی مأمور نشده و همچنان رسالت‌های سابق را پیگیری می‌کردند.

در این دهه کارکردهای اقتصادی مسجد نیز که رویکرد عام‌المنفعه داشت، از آن گرفته شد و با تأسیس مؤسسات غیرانتفاعی همچون خیریه‌ها و اعطای مجوز مجموعه‌های مردم‌نهاد، این قبیل فعالیت‌ها خارج از فضای مسجد شکل گرفت. این در حالی بود که خیریه‌های مستقل هزینه‌های جانبی متعددی همچون اجاره‌ی مکان، دستمزد عوامل اجرایی و هزینه‌های جاری داشتند و مساجد در صورت ساماندهی و تقویت، با داشتن فضاهای عمومی و نداشتن هزینه‌های اضافی، بسیاری از مشکلات اقتصادی اقشار محروم جامعه را مرتفع می‌ساختند.

در سال ۱۳۷۱ مسئولین وزارت ارشاد که درصدد بودند تا فضای فرهنگی جامعه را به سمت مسجد سوق دهند و نقش واقعی مساجد در ترویج فرهنگ دینی و کادرسازی، توانمندسازی و هدایت ظرفیت‌های موجود مردمی به سمت اهداف بلند استقرار ارزش‌های دینی را احیا کنند، بنابراین تمایل داشتند که از اعتبارات و امکانات وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی که امکان بهره‌وری فرهنگی در حوزه مساجد را دارند، استفاده بهینه گردد و به این منظور تلاش کردند تا با اعطای کمک‌هایی به مساجد، بخشی از امکانات آموزشی و تربیتی آن‌ها تأمین شود. از آن جهت که پرداختن به موضوع مسجد جزئی از رسالت‌های مصوب وزارت ارشاد اسلامی نبود، پیشنهاد تشکیل ستاد عالی کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد کشور به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه شد. شورای عالی نیز در صورت جلسه شماره ۳۰۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۸ خود، تأسیس ستاد عالی کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد کشور را تصویب و متعاقب آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را جهت تشکیل ستادی با عنوان فوق برای ارائه طرح‌هایی در خصوص مقابله با تهاجم فرهنگی، احیای اقدامات فرهنگی، تبلیغی مساجد و استفاده بهینه از امکانات و تأسیسات دستگاه‌های دولتی که امکان بهره‌وری فرهنگی دارند، مأمور نمود. اهداف و وظایف دبیرخانه نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد نیز در مهرماه ۱۳۷۲ به تصویب شورای فرهنگ عمومی درآمد.

در ماده ۷ اساسنامه کانون‌های مساجد به اهداف و موضوع فعالیت این ستاد اشاره شده که عبارت‌اند از: تبلیغ، گسترش و تعمیق فرهنگ روح‌بخش اسلام و تأکید بر ارزش‌های معنوی و فرهنگ اسلامی، گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، اجتماعی، علمی، همگانی نمودن تمامی عرصه‌های فرهنگی و هنری و تحقق فعالیت‌های فرهنگی مردم، زمینه‌سازی برای حضور فعال جوانان و نیروهای متعهد در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری، شناسایی و تربیت استعداد‌های درخشان و استفاده از اوقات فراغت جوانان، حفظ و ترویج فرهنگ بسیجی، ارائه و عرضه فعالیت‌های فرهنگی، هنری، بر اساس موازین و ضوابط اسلامی و ایجاد جاذبه‌های فرهنگی هنری کانون‌های پرتحرک و فعال مذهبی، اجتماعی و مردمی در مقابله با تهاجم فرهنگی مبتذل استکبار و کفر جهانی (اساسنامه ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی

و هنری مساجد کشور، ۱۳۷۲). در تدوین اهداف ستاد، کلیت فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای تقویت مباحث اسلامی و افزایش مشارکت‌های مردمی مورد توجه قرار گرفته اما به مسجد محور بودن کلیه اقدامات و برنامه‌ها اشاره‌ای نشده و صرفاً مکان استقرار کانون‌ها در مساجد مدنظر بوده است.

کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد هرچند با نیت الهی و خدمت به معارف اسلامی، شکل گرفت اما از آن جهت که ساختار آن وابسته به دستگاه‌های دولتی بود و بودجه‌های مربوطه نیز در طی سال‌های متمادی بر مبنای نحوه تعامل مسئولین ستاد با مدیران وزارت ارشاد، دارای نوسان بود و حتی در برخی بازه‌های زمانی محدودیت‌هایی به وجود می‌آمد، نتوانست به اهداف خود دست یابد و بخش جدیدی به ارکان مسجد افزود به نحوی که حیطه فعالیت‌های آن با سایر بخش‌های فرهنگی مسجد همپوشانی داشت و در نتیجه به تعارضات داخلی مساجد، منجر می‌شد.

هیئات مذهبی نیز در کنار سایر ارکان مسجد، به فعالیت‌های خود در راستای تعظیم مناسبت‌های دینی و برگزاری برنامه‌های عزاداری و جشن‌های اهل بیت عصمت و طهارت می‌پرداختند، اما در اواسط دهه‌ی هفتاد تنش‌های هیئات مذهبی با امنای مسجد و ائمه‌ی جماعت به بالاترین حد خود رسید و برخی هیئات که جایی برای ماندن در مسجد نمی‌دیدند، اعلام استقلال نموده و برای ادامه‌ی فعالیت‌های خود به ساخت حسینیه، مهدیه و تکایا روی آوردند. در این دهه سازمان تبلیغات اسلامی با ارائه‌ی مجوز به هیئات، آن‌ها را فارغ از ساختار مساجد به رسمیت شناخت و این امر فرآیند جدا شدن هیئات از مساجد را تسهیل نمود. در این ایام هیئت‌های بزرگی با حضور مادحین مشهور شکل جدیدی به مراسمات عزاداری و جشن‌های مذهبی دادند. ویژگی این هیئات محوریت مداحان و در حاشیه بودن روحانیت در برنامه‌ها بود و مساجد به تدریج از برگزاری مراسمات مذهبی و مناسبتی، فاصله گرفتند.

عده‌ای اختلافات داخلی را ناشی از عدم مدیریت مؤثر ائمه‌ی جماعت بر ارکان مسجد و مرتبط با ضعف حوزه‌های علمیه در زمینه‌ی تربیت امام جماعت مساجد می‌دانند. مساجد پایگاه مناسبی برای بهره‌مندی از دستاوردهای تربیت عملی طلاب است و چنانچه بحث مدیریت مسجد به عنوان بخشی از دروس حوزوی تدریس شود

آنگاه ائمه‌ی جماعت فراتر از اقامه‌ی نماز و بیان احکام بایستی در زمینه‌ی مباحث فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، تربیتی و... نیز تربیت شوند و مسجد با حضور امام جماعت مستقر، محل اقدام مؤثر و نقش‌آفرینی فرهنگی و اجتماعی این مراکز علمی باشد.

ادغام جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی رخداد دیگری بود که در دهه‌ی هفتاد اتفاق افتاد. جهاد سازندگی که در سال ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی رحمة الله علیه و با حمایت آیت‌الله بهشتی، توسط فعالین مسجدی شکل گرفت و به انجام اقدامات وسیع و سریع در راستای محرومیت‌زدایی و افزایش تولیدات کشاورزی و توسعه و عمران روستاها پرداخت، با دلایلی همچون صرفه‌جویی در هزینه‌ها، یکپارچگی و انسجام در تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و اجرا و کوچک‌سازی در بخش دولت، در دی ماه ۱۳۷۹ با وزارت کشاورزی ادغام شد. حسینعلی عظیمی در کتاب «رسم جهاد» با اشاره به نقش مسجد در تشکیل ساختار جهاد سازندگی و تعاملات مردمی آن به فرآیند دولتی شدن جهاد، کمیت‌ه فرهنگی و جهاد سازندگی در جنگ توجه کرده و معتقد است که حرکتی همچون تشکیل جهاد سازندگی از همین مساجد آغاز شد و مبتنی بر توان مردمی ادامه یافت (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷). این ادغام تأثیراتی نامطلوب بر نقش‌آفرینی مساجد به‌ویژه در روستاها بر جای گذاشت و برخی این اقدام را امری سیاسی برای کم‌رنگ کردن فعالیت‌های یک نهاد انقلابی می‌دانند. جهاد سازندگی هم‌زمان با ایجاد زیرساخت‌های مناسب روستایی و انجام فعالیت‌های عمرانی در مسیر آبادانی روستاها، به تشکیل شورای روستا در مساجد پرداخت و بنابراین حضور داوطلبانه‌ی معتمدین، مؤمنین و خیراندیشان روستا در مسجد با هدف سازندگی روستا، با قوت ادامه داشت. اما با حذف جهاد سازندگی، شوراهای روستا نیز سازمان‌دهی خود را از دست دادند و البته به دلیل وجود خلأ چنین ساختاری، در دهه‌ی هشتاد مجدداً شورای مساجد تحت مدیریت وزارت کشور مجدداً در عرصه‌ی سیاست بازآفرینی شد اما این بار بدون محوریت مساجد و نه با اهداف مؤمنانه‌ی سابق، فعالیت خود را آغاز کرد و به‌تدریج به صحنه‌ی نمایش قدرت و بازی‌های سیاسی تبدیل شد.

• دهه ۸۰؛ دوران رهاشدگی

دهه‌ی هشتاد در دو بازه‌ی زمانی از سال ۸۰ تا ۸۴ و از سال ۸۴ تا پایان این دهه، قابل تحلیل است. تا سال ۸۴ رویکردهای دولت اصلاحات بر مدیریت لیبرال شهری حکم‌فرما بود و در تقابل با آن، حرکت‌های خودجوش انقلابی در قالب راه‌اندازی مؤسسات فرهنگی شکل گرفت که با حمایت‌های دولت نهم تقویت شد، اما این حرکت‌ها نیز که بر مبنای فکری مسجدمحوری نبود، باعث شد که توجه به فعالیت‌های مسجدی کمتر شود.

همچنین مساجد که در دهه‌ی هفتاد به مرور فاقد کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شده بودند، با توسعه‌ی فرهنگسراها و سرای محله محدودتر شدند. نظام مدیریت راهبردی شهری در اواخر دهه‌ی هفتاد به سمت رویکردی نوین در مسیر سیاست‌گذاری در سطح خردگرایی یافت و با تمرکز بر ایده‌ی «محله‌گرایی» به این موضوع جهت داد زیرا که سیاست‌های توسعه‌ی پایدار شهری، اهمیت واحدهای همسایگی و اجتماعات محلی را در چهارچوب مفهوم توسعه تبیین می‌کنند (حسین پور و فتحی، ۱۳۹۵). از آن جهت که مدیریت موزائیکی شهری یا مدیریت محله‌محور در رأس برنامه‌ریزی نوین شهری قرار دارد، سراهای محله به مثابه‌ی قطب فرهنگی و اجتماعی محله معرفی شدند و به نوعی باشگاه فرهنگی و تفریحی اهالی محله به شمار می‌آمدند که با فعالیت‌های مختلف به جذب حداکثری جوانان و اهالی هر محله اقدام نمودند. از سویی مساجد که بخش زیادی از کارکردهای فرهنگی و اجتماعی خود در ارتباط با محله‌ها را از دست داده بودند، صرفاً کارکرد نیایشی نه چندان قوی خود را حفظ کردند. در این دهه تبدیل خیریه‌های مسجدی با ساختارهای عام‌المنفعه، به مؤسسات خیریه در خارج از مسجد با ساختاری غیرانتفاعی، بخشی دیگر از ظرفیت ارائه‌ی خدمات اجتماعی مساجد را کاهش داد.

محلات کلان‌شهرها نیز که امروزه به دلیل مهاجرپذیر بودن هویت قدیمی خود را از دست داده‌اند و مبنای شکل‌گیری آن‌ها نه بر پایه شباهت‌های فرهنگی، بلکه توان اقتصادی است، قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف را در کنار هم قرار می‌دهد و از این رو تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محلات کاهش یافته‌است (جعفری، ۱۳۹۱)، در این

شرایط بحث افزایش مشارکت مردمی در برنامه‌ها به منظور همکاری در نگه‌داری و اداره‌ی شهر و نیز آموزش همگانی در خصوص موضوعات مختلف، یکی از اهداف اصلی محله‌محوری است که به تقویت سراهای محله منجر شد. اما آنچه در ارتباط با سرای محله و مسجد محله می‌توان مشاهده کرد، کم شدن مخاطبان مسجد به ویژه در نسل‌های جوان و اشتیاق عمومی به حضور در فضای مدرن‌تر و کسب تجربیاتی از این سنخ است. بنابراین سازوکارهای جدید در نظام شهری باتوجه به اقتضائات تفاوت‌های نسلی، موجب همگرایی و مشارکت حداکثری می‌شود. مسجد نیز به عنوان یک نهاد دینی و ساختاری که نیاز به پویایی و به روز شدن در عرصه‌ی برنامه‌ریزی و به کارگیری ظرفیت‌های فراوان خود را دارد، در این عرصه می‌تواند رقیب بلامنازع ساختارهای مدرن باشد.

اما آنچه مساجد را در این میدان، از رقابت با سایر ساختارهای شهری همچون سرای محله و فرهنگسراها عقب نگه داشته است، فقدان بازسازی در شیوه‌های ارتباطی با مردم و عدم تطابق‌پذیری با وضعیت اجتماعی و فرهنگی کنونی ضمن حفظ قداست و جایگاه اصیل مسجد است.

از سویی دیگر فاصله یافتن نظام مدیریت شهری از نظام فکری مسجد و عدم پذیرش مسجد به عنوان کانون محوری برنامه‌ریزی شهری، باعث شده که مسجد به عنوان یک بنای سنتی غیرکارا در تحولات شهری به حساب آید و تمامی کارکردهای اصیل آن در مواجهه‌ی با پدیده‌های مدرن، به فراموشی سپرده شود. به عنوان مثال در بحث معماری شهری در دهه‌های اخیر تغییر رویه در سبک سنتی شهرسازی ایجاد شد و به تدریج شهرک‌هایی که ساخته شدند که جانمایی مسجد در آن نامناسب بود. همچنین رویکرد حاشیه‌ای به مسجد جایگاه ویژه‌ای برای آن در طراحی منظر شهری در نظر نگرفت و برنامه‌ریزی برای طراحی شهرهای مدرن انجام پذیرفت.

در این دهه برخی تغییرات در ساختارهای سازمان‌های فرهنگی کشور موجب کمرنگ شدن نقش مساجد شد. با تشکیل معاونت قرآن و عترت در وزارت ارشاد اسلامی که به ارائه‌ی مجوز راه‌اندازی مؤسسات قرآنی می‌پرداخت، بودجه‌های فراوانی به این امر اختصاص یافت. این معاونت در آغاز دولت نهم و در سال ۱۳۸۵، از سوی آقای صفارهرندی وزیر وقت وزارت ارشاد پیشنهاد شد و در سال ۱۳۸۸ پس از تصویب

منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور، مصوب شد تا همه دستگاه‌های فرهنگی دارای ساختارهای قرآنی باشند و حداقل در سطح یک اداره کل به بالا فعالیت کنند، لذا در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور قرآنی در کنار مرکز هماهنگی توسعه و ترویج فعالیت قرآنی کشور، شکل گرفت. در آن سال‌ها ۱۸۰ مؤسسه زیرمجموعه داشت و در ابتدای دهه‌ی نود به بیش از ۲۰۰ مؤسسه قرآنی ثبت‌شده، رسید (محمدی، ۱۳۹۱).

در نتیجه‌ی این حمایت‌های دولتی از فعالیت‌های قرآنی و دینی خارج از محیط مساجد، به تدریج مباحث قرآنی، جلسات و حلقه‌های قرائت و تفسیر قرآن و فعالیت‌های جانبی این حوزه در مسجد کمرنگ و کم‌رونق‌تر شد. به تدریج اوقاف و دارالقرآن‌ها نیز که پیش‌تر به مباحث قرآنی می‌پرداختند، بیش از گذشته، مورد حمایت قرار گرفتند و عملاً توجه اصلی به مباحث قرآن به مؤسسات موازی مساجد معطوف گشت. سازمان دارالقرآن کریم که زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی اداره می‌شود، تلاش نمود که جلسات قرآن را علاوه بر خانه‌های قرآن و دارالقرآن در مدارس کشور نیز برگزار کند. این ایده در نگاه اول تحسین‌برانگیز بود اما توسط برخی از صاحب‌نظران زمینه‌ی جدا شدن مباحث قرآنی از مساجد را تسهیل کرد. جریان راه‌اندازی مرکز توسعه‌ی قرآنی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که با ارائه‌ی تسهیلاتی به دنبال رشد مؤسسات قرآنی متعدد در کشور بود، سبب شد به تدریج مباحث قرآنی نیز از مساجد خارج شود. همچنین مشارکت‌های مردمی به سمت حرکت‌های دموکراتیک سوق داده شد و از طریق ایجاد کانون‌های فرهنگی و تبلیغی مساجد، کانون مداحان و... به تدریج همه‌ی مباحث جاری و ساری در مساجد، در قالب‌های دیگر مورد توجه قرار گرفت و مسجد از کارکردهای خود فارغ شد.

در این سال‌ها برخی نهادها همچون اوقاف به مدیریت مباحث مالی مساجد ورود کرده و برخی اختیارات در اداره‌ی مسجد توسط امانا سلب کردند. این در حالی است که مساجد طی سالیان سال با منابع حاصل از موقوفات و رقبات مسجد اداره و هزینه‌های جاری آن‌ها پرداخت می‌شد و این موضوع سبب شد تا مسجد که با حمایت‌های نوبه‌ای دولت برخی حامیان مردمی خود را از دست داده بود و رقبای جدیدی نیز در نظام مدیریت شهری برای آن ترسیم شد، حالا با ورود مداخله‌گرانه‌ی نهادهای دینی با

مسائل نویی در نظام مدیریتی خود مواجه شود که همگی این موارد برای درگیر نمودن مساجد و به حاشیه بردن آن‌ها، می‌توانست کارساز باشد.

در جریان رخدادهایی که از دهه‌ی هفتاد آغاز شد و در دهه‌ی هشتاد نیز به خوبی نتایج آن نمایان شد، کمرنگ شدن محوریت مساجد در مناسبت‌های ملی و انقلابی قابل مشاهده است. زمانی که مساجد محور اقدامات انقلابی بودند، علاوه بر مشارکت حداکثری مردم به نحوی منشأ جریان‌سازی فرهنگی و اجتماعی نیز محسوب می‌شدند، بنابراین ضریب تأثیرگذاری و ایجادها همبستگی فراوانی میان آحاد مردم با نگاهی توحیدی داشتند. حرکت‌های مجاهدانه و ترویج فرهنگ شهادت و ایثارگری ماحصل تسلط چنین رویکردی در فضای مسجد و محله‌ها بود، اما پس از آن‌که در دهه‌ی هشتاد تمرکز بر ترویج فرهنگ شهادت با رویکرد رسمی و سازمانی شدت یافت، مساجد به تدریج از این مسئولیت منفک شدند و توجه‌ها همگی به‌سوی نهادهای عمومی و دستگاه‌ها دولتی معطوف گشت، موضوع ایثار و ایثارگری نیز با مناسبات بوروکراتیک درگیر شد و چون شاکله‌ی این دو در ریشه‌ها ناسازگار بودند، بنابراین برآیند نهایی این درهم‌آمیزی نامتقارن، کژکارکرد این سازمان‌ها در موضوع جهاد، ایثار و شهادت بود.

مساجد که زمانی محل اعزام رزمندگان به جبهه‌های حق علیه باطل بود و نقش پشتیبانی از عملیات‌ها را بر عهده داشت، با فعالیت‌های بنیاد شهید و برگزاری بزرگداشت‌های شهدا و خانواده‌ی معظم آن‌ها به‌صورت سازمانی و متمرکز و نه محله‌ای و مسجدمحور، به رنگ باختن فضای جهاد و دفاع مقدس در مساجد محله منجر شد و موقعیت تکریم و تجلیل از شهیدان و رزمندگان از مساجد به همایش‌ها و سمینارها تغییر یافت. بنابراین مساجد کارکرد خود را نه تنها در مناسبت‌های دینی، بلکه در حماسه‌های ملی و انقلابی نیز از دست دادند و نقش‌آفرینی مؤثری در این سال‌ها نداشته‌اند.

باآنکه تعارضات بوروکراتیک در بنیاد شهید و دستگاه‌هایی که به ترویج فرهنگ جهادگری می‌پرداختند، اما همچنان روح جهاد و ایثارگری همچنان از چشمه‌ی زلال بنای مسجد تازه می‌شود.

در سال ۱۳۸۸ و پس از انتخابات ریاست جمهوری با اعلام شایعه «تقلب» که به مثابه‌ی رمز عملیات دشمن و عوامل داخلی آن علیه نظام جمهوری اسلامی بود، آشوب‌های خیابانی و تحرکات سیاسی فراوانی صورت پذیرفت و نقش مساجد در خنثی کردن این فتنه کاملاً مشهود است. هرچند مساجد یکی از مهم‌ترین اهداف تهاجم فتنه‌گران و منافقین در حوادث سال ۸۸ بود و نه تنها در این ایام امنیت آن‌ها تهدید شد و متأسفانه در برخی موارد مورد هتک حرمت این افراد نیز قرار گرفت اما در این ایام مدیریت و هدایت جامعه توسط ولی فقیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی، سبب شد تا نیروهای مؤمن مردمی یک‌بار دیگر خود را برای دفاع از سرزمین اسلامی و آرمان‌های انقلاب آماده کنند و مجاهدانه به صحنه مبارزه میدانی و فعالیت‌های فرهنگی در فضای مجازی بیایند. هوشیاری مردم و نقش آفرینی روحانیون انقلابی با محوریت مساجد کشور، جامعه از این توطئه که با فرازوفرودهای فراوان و مراحل دشواری همراه بود، گذشت و انسجام کشور مجدداً احیا شد.

در دهه‌ی هشتاد استقبال گسترده‌ی مردم از برخی مناسک دینی همچون حضور در مراسم شب‌های قدر، برنامه‌هایی همچون اعتکاف و... که عموماً در مساجد برگزار می‌شود، روز به روز بیشتر شد و مساجد با پیرنگ شدن این قبیل مناسک آئینی و در ایامی خاص مورد توجه حداکثری قرار گرفت اما به دلیل عدم شناخت از وضعیت فعلی، بهره‌برداری از این فرصت جهت تداوم ارتباطات و تعاملات با جوانان کمتر محقق شد. به هر حال این دهه نیز با فرازوفرودهای خود سپری شد و کماکان کارکرد مساجد در حوادث و رخدادهایی که گهگاه کشور را دچار آسیب و نابسامانی می‌کرد، مشخص می‌شد و پس از گذشت زمان، هیچ انگیزه‌ای بر حفظ و تقویت این ظرفیت نهفته در عرصه‌های مختلف جامعه احساس نمی‌شد.

• دهه ۹۰؛ شدت تعارضات، درماندگی و آغاز مسیر بازگشت

این دهه به دلیل شرایط پیچیده‌تر فرهنگی و اجتماعی، تشدید تحریم‌های اقتصادی و به‌ویژه وضع تحریم‌های ثانویه، مناقشات سیاسی بین احزاب و گروه‌ها، توسعه‌ی ارتباطات مجازی و فراگیری استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، مساجد را با

وضعیت جدیدی روبرو کرد. در این شرایط برخی فرصت‌ها مورد بهره‌برداری قرار نگرفت و خوشبختانه برخی تهدیدها نیز به فرصت‌هایی تبدیل شد.

سازمان بسیج مستضعفین که در ایام فتنه‌ی ۸۸ با استمداد از پایگاه‌های بسیج مساجد، خدمات شایانی به امنیت کشور ارائه کرده بود، در این دهه «بسیج اقشار» را در ۱۹ قشر مختلف و عمدتاً با اهداف فرهنگی تشکیل داد. مبنای تشکیل بسیج اقشار ضرورت مشارکت حداکثری مردم در همه‌ی صنوف و اقشار به‌منظور ایجاد هم‌افزایی بیشتر بود که در بیانات مقام معظم رهبری نیز این‌گونه به آن اشاره شده است؛ «در بسیج هم‌افزایی لازم است. یعنی بایستی قشرهای مختلف مردم در بسیج حضور داشته باشند؛ همین بسیج اقشار. دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و استاد دانشگاه و کاسب و حقوق‌دان و غیره، همه باید باشند. این گستره‌ی بسیج به‌صورت افقی است. البته شرطش این است که این‌ها با همدیگر هماهنگی کنند» (بیانات در دیدار با بسیجیان، ۱۳۹۵). این هم‌افزایی باید ابتدا ذیل ساختار بسیج در ارتباط با مساجد تعریف می‌شد، به این معنا که با تشکیل اقشار بسیج نه‌تنها بسیج محلات تضعیف نگردد بلکه به تقویت بیشتر بیانجامد، اما این موضوع سبب شد که نخبگان بسیجی هر محله که حضور تخصصی خود در اقشار بسیج را ضرورت می‌دیدند با حضور در بسیج حقوق‌دانان، فرهنگیان، پزشکان، هنرمندان، ورزشکاران و... تمرکز خود را بر برنامه‌های این مراکز بسیج قرار دادند و بنا به‌قاعده‌ی کمیابی، امکان حضور در پایگاه بسیج مسجد را نداشتند، بنابراین اگر تا پیش‌از این تعدادی از دلسوزان نخبه‌ی بسیجی، همچنان داوطلبانه و خودجوش در مساجد مشارکت فعال داشتند و افراد محله به‌واسطه‌ی حضور آن‌ها، به مسجد می‌آمدند و از تخصص و هنر ایشان بهره می‌بردند، حال با عزیمت این نخبگان از مسجد محله به بسیج قشر تخصصی خود، ناخواسته به ضعیف‌تر شدن جایگاه بسیج مسجد، منتج می‌شد.

در اواخر دهه‌ی هشتاد و اوایل این دهه طرح آمایش سرزمینی اجرایی شد، ضرورت پایش و آمایش شاخص‌ها با در نظر گرفتن شاخص‌های مرتبط با مساجد که به‌شدت احساس می‌شد، مورد کم‌توجهی قرار گرفت و همچنان هیچ مرکزی، آمار روشن و دقیقی از تعداد مساجد کشور، تعداد نمازگزاران، تعداد نوبت‌های برگزاری نماز جماعت

در مساجد، نیازسنجی‌ها، امکانات و زیرساخت‌های مساجد در نقاط مختلف کشور را ارائه نکرده است و عرصه‌ی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در زمینه‌ی مساجد با تعداد زیادی از پرسش‌های بی‌پاسخ و مسائل مبهم مواجه است.

بین سال‌های ۹۰ تا ۹۳ و هم‌زمان با حملات گروه تروریستی داعش به بخش‌هایی از عراق و سوریه، نیروهای داوطلب ایرانی در نقش مستشار نظامی وارد خاک این دو کشور شدند و به همکاری با نیروهای مبارز عراقی و سوری در مقابله با گروه‌های تروریستی پرداختند. «مدافعان حرم» اصطلاحی بود که به این جهادگران از سه گروه پاسداران و نیروهای ارتش و بسیجیان، اطلاق می‌شد. برخی از مساجد کشور در این ایام با جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی، به یاری مردم بی‌پناه سوریه و عراق که در جنگ بی‌خانمان شده بودند، پرداختند. همچنین اخبار حضور جوانان مسجدی در جبهه‌های مبارزه به گوش می‌رسید و گاهی با خبر شهادت یکی از مدافعان حرم، مسجد و محله‌ای سیاه‌پوش شده و مردم برای حمایت آماده‌تر می‌شدند. باری مساجد تا پایان نابودی حکومت داعش محور برگزاری بزرگداشت شهدای مدافع حرم و تکریم خانواده معظم شهدای محل بود.

با آغاز فعالیت دولت یازدهم فرآیندهای اداره‌ی کشور به ویژه در عرصه‌های فرهنگی مجدداً رنگ و بوی جریان لیبرالیستی می‌گیرد و حمایت‌های دولتی از مساجد که در اواخر دولت دهم نیز کمرنگ شده بود، به فراموشی سپرده می‌شود. بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز از مساجد سلب شده و بسیاری از نیروهای مؤمن و جوان که امید به پیشرفت انقلاب اسلامی را در دل داشتند، نیاز به تغییر در فضای عمومی کشور و رویکرد جدید به فعالیت‌های ارزشی داشتند. تا اینکه در بهار ۱۳۹۶ وضعیت مساجد با فرمان آتش به اختیار رهبری معظم به جوانان تا حد زیادی تغییر می‌کند و در شهرها و روستاها با محوریت برخی از مساجد مؤثر، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و ارائه‌ی خدمات اجتماعی آغاز می‌شود. رهبر انقلاب در دیدار رمضانی آن سال با دانشجویان، آن‌ها را به تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه توصیه نمودند. ایشان در ضمن این بحث فرمودند: «من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛

مستقل و به قول میدان جنگ، آتش به اختیار.... قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید، آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش به اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید (بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷) و این آغازی بود برای حرکت به سوی افقی روشن که با تکیه بر فکر و توان جوانان مؤمن و انقلابی و با هدایت و رهبری امام امت شکل می‌گیرد و بی‌نیاز از حمایت‌های دولتی و نهادهای عمومی است و مسیر جامعه‌سازی را تا نوید رسیدن به تمدن نوین اسلامی هموار می‌کند.

ازاین‌پس حرکت‌های خودجوش مردمی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی با محوریت مساجد کشور و با حضور فعال روحانیون انقلابی و جوان شکل می‌گیرد.

اخباری که در سال ۹۶ منتشر می‌شود نشان از تلاش نیروهای انقلابی برای تغییر در وضعیت مردم دارد. دستور رهبر معظم انقلاب مبنی بر آبادانی ۱۰۰۰ نقطه کشور سبب شد تا قرارگاه آبادانی در هر استان شکل بگیرد و در پنج محور سلامت، اقتصاد، تعلیم و تربیت، فرهنگی و اجتماعی و عمران و زیرساخت اقدامات داوطلبانه‌ی مؤثری در راستای محرومیت‌زدایی انجام شود (تسنیم، ۱۵ مهر ۱۳۹۶). بنابراین رویکرد جریان انقلابی به تحولات آینده بر مبنای مسجد محوری و نقش مؤثر مساجد در محله‌های شهری شکل گرفت.

در این دوران به واسطه‌ی مخاطرات و حوادث طبیعی نقش ارائه‌ی خدمات اجتماعی مساجد و بسیج برجسته شد. اعزام گروه‌های جهادی از مساجد کشور در حوادثی همچون حادثه‌ی زلزله‌ی کرمانشاه و ثلاث باباجانی، وقوع سیل در سیستان و بلوچستان، لرستان، گلستان و شهرهای جنوب کشور در برهه‌های مختلف، بیانگر روح جهادگری در میان مؤمنین و نمازگزاران بود که علاوه بر کمک‌های مالی، با حضور داوطلبانه‌ی خود در بازسازی این مناطق نیز همیاری داشتند. برخی از مساجد اعلام کردند که نمازگزاران آمادگی دارند تا زمان اتمام عملیات بازسازی منازل مسکونی در کرمانشاه، به صورت داوطلبانه یک خانواده زلزله‌زده یا آسیب‌دیده در سیل را در خانه‌ی خود پذیرایی کنند.

در اواخر سال ۱۳۹۸، کشور دچار پاندمی ویروس کرونا (کوید ۱۹) شد و به دلیل سرعت بالای شیوع این بیماری و فراگیری آن در تمامی شهرها و روستاها، کنترل و مدیریت آن در بخش پیشگیری و درمان، نیازمند اقدامی ملی و ایجاد بسیج عمومی بود. رهبر معظم انقلاب در این خصوص بر ضرورت یاری‌رساندن جوانان انقلابی در این عرصه‌ی خطیر تأکید کردند و از این‌رو مساجد ایران با بسیج نیروهای جوان متدین جهت ضدعفونی کردن مناطق مختلف و تولید انبوه ماسک، گان، شیلد و سایر وسایل بهداشتی در قالب اقدامات داوطلبانه و جهادی، فعالیت‌های خود را آغاز کردند. بخشی از طلاب جوان و بسیجیان به‌عنوان مدافعان سلامت در کنار کادر درمان به بیماران کرونایی کمک‌رسانی می‌کردند و متأسفانه در این میان برخی نیز درگیر این بیماری شده و تعدادی نیز به شهادت رسیدند. از آن جهت که تشریفات دفن متوفیان کرونایی به‌صورت ویژه‌ای برگزار می‌شد و امکان حضور حتی خویشاوندانشان نیز وجود نداشت، طلاب جوان به اقامه نماز و برگزاری مراسم تدفین اقدام می‌کردند.

با تلاش‌های کادر درمان، همکاری مردم و کمک‌های مؤمنانه‌ی جوانان انقلابی که به‌صورت خالصانه انجام می‌پذیرفت، در سه ماهه‌ی اولیه‌ی مواجهه‌ی کشور با کرونا، گسترش این بیماری تا حد قابل قبولی کنترل شد و در اردیبهشت ماه ۹۹ کشور به روال طبیعی خود بازگشت و رهبر معظم انقلاب دستاورد این تلاش‌های شبانه‌روزی را به «روایت فتح» کرونا تشبیه کردند و ضرورت مستندسازی و رسانه‌ای نمودن این کوشش‌ها را خواستار شدند. در ادامه اما به دلیل عدم رعایت موارد بهداشتی و افزایش سفرهای غیرضروری، موج دوم این بیماری کشور را با شدت بیشتری فراگرفت و در پائیز این سال، بیشترین آمار بیماران و فوتی‌ها گزارش شد. به دلیل شیوع این بیماری، در سال ۹۹ دو مرتبه مساجد و بقاع متبرکه به‌کلی، تعطیل شدند ولی در ادامه با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی و فاصله‌ی توسط نمازگزاران، مساجد مجدداً به روال سابق بازگشتند. شاید بیشترین توجه به پروتکل‌های ستاد ملی کرونا را می‌توان در میان برنامه‌های عبادی مساجد به‌وضوح یافت و از این‌رو امکان سوءاستفاده دشمنان از موضوع بازگشایی مساجد فراهم نگردید.

• جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسجد در ایران پس از انقلاب اسلامی دچار تطورات کارکردی شده است و در این پژوهش تلاش گردیده تا بر مبنای تحلیل روایت به مطالعه تاریخی مسجد در طی چهار دهه‌ی اخیر پرداخته شود. مسجد در نه‌تنها در پیروزی انقلاب اسلامی، بلکه در ایام دفاع مقدس درزمینه‌ی معرفی و اعزام نیرو و نیز پشتیبانی از جبهه‌ها، نقش مؤثری داشته است. در دهه‌ی شصت مساجد که اقشار مختلف مردم در انجام انواع برنامه‌های مسجدی مشارکت دارند. مساجد در این ایام «چندکارکردی آنارشیسمی» دارند، زیرا که هیچ نهاد مشخصی متولی ساماندهی امور مساجد کشور و برنامه‌ریزی برای آن‌ها نیست. جریان‌های فکری متعددی نیز به‌منظور فضاسازی و ترویج گفتمان خود و تثبیت آن به‌عنوان گفتمان مسلط جامعه، تلاش‌هایی را صورت می‌دادند که تمرکز بر مسجد و یا فاصله گرفتن جدی از آن محور برنامه‌ریزی آن‌هاست. جریان پیروی خط امام به محوریت مسجد در مباحث اندیشه‌ای و حکمرانی معتقد است اما بنا به وجود موانع متعدد امکان چنین کاری فراهم نمی‌شود. با پایان یافتن جنگ و حضور رزمندگان در مساجد و تغییر رویه در ساختار رسالتی برخی ارکان فعال، مساجد دچار درگیری‌های داخلی می‌شوند و مرکز رسیدگی به امور مساجد در سال ۶۸ تشکیل و مأمور ایجاد هم‌افزایی و رفع تعارضات می‌شود.

در دهه‌ی هفتاد با ترویج رویکردهای لیبرالیستی، چند تغییر در نظام مدیریت شهری اعمال می‌شود. در شهرسازی‌های جدید مسجد در اولویت قرار نداشته و منظر شهری ساختار مدرنی به خود می‌گیرد. همچنین مراکز فرهنگی جدیدی همچون سرای محله و فرهنگسراهایی راه‌اندازی می‌شوند که با تمرکز بر برنامه‌های محله‌محور، رقیب جدیدی برای مسجد ایجاد می‌شود. از سویی برخی کارکردهای اقتصادی مسجد همچون خیریه و قرض‌الحسنه محدود شده و با ارائه‌ی مجوزهایی هیئات مذهبی از مساجد مستقل می‌شوند. اعطای مجوزهای تشکیل مؤسسات قرآنی و حمایت از آن‌ها، مباحث قرآنی را در مسجد کمرنگ می‌سازد و با تشکیل کانون‌های فرهنگی هنری ساختاری جدید در مساجد ایجاد می‌گردد که در کنار سایر ارکان مسجد، به فعالیت‌های موازی می‌پردازد. مشکلات موجود ستاد کانون‌های فرهنگی مساجد شامل مسائل مربوط به عدم

تطابق ساختار دولتی با مشارکت مردمی، نوسانات بودجه‌ای طی سال‌های بعدی و رویکرد تا حدی وابسته به ارتباطات و مباحث سیاسی می‌شود. در این دهه با ادغام جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی، محوریت مساجد در آبادانی روستاها به حاشیه می‌رود.

دهه‌ی هشتاد دوران رهاشدگی است و تداوم نگاه لیبرالیستی در مدیریت شهری وجود دارد. توسعه‌ی سراهای محله به‌عنوان باشگاه فرهنگی و تفریحی اهالی محله به‌ویژه در کلان‌شهرها و توجه به فرهنگسراها، جذب حداکثری جوانان و اهالی هر محله در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در این مراکز با و همچنین مساجد فاقد نهاد سیاست‌گذار بوده و بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های به‌روز برای رقابت، کارکردهای چندگانه‌اش را از دست داده و صرفاً کارکرد نیایشی دارد. از این دهه به‌واسطه‌ی توسعه‌ی ساختار اوقاف، رویکرد مداخله‌گرانه‌اش مورد انتقاد قرار گرفت. کمرنگ شدن محوریت مساجد در مناسبت‌های ملی و انقلابی و رویکرد سازمانی به ترویج فرهنگ شهادت شدت یافت و مساجد به‌تدریج از این مسئولیت منفک شدند. در پایان این دهه و هم‌زمان با انتخابات سال ۸۸، نقش پررنگ مساجد در صحنه مبارزه با اغتشاشات اخلاک‌گران امنیت به‌وضوح مشخص است.

در دهه‌ی نود وضعیت جدیدی برای مساجد به دلیل شرایط پیچیده‌تر فرهنگی و اجتماعی، تشدید تحریم‌های اقتصادی و به‌ویژه وضع تحریم‌های ثانویه، مناقشات سیاسی، توسعه‌ی ارتباطات مجازی و فراگیری استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، به وجود آمد. در این دهه «بسیج اقشار» در نوزده قشر مختلف و عمدتاً با اهداف فرهنگی و هم‌افزایی بیشتر تشکیل می‌شود اما بسیج اقشار چون در ارتباط با بسیج مساجد تعریف نمی‌شد با عزیمت این نخبگان از مسجد محله به دفتر بسیج قشر تخصصی خود، منجر به تضعیف بسیج محلات شد. نقش مساجد در این دهه در ماجرای حمله داعش به سوریه و عراق در حمایت از مدافعان حرم و جمع‌آوری کمک‌های مالی، بزرگداشت شهدا و تکریم خانواده معظم آن‌ها به‌خوبی مشخص بود.



در بهار سال ۹۶ با صدور فرمان آتش به اختیار خطاب به جوانان، مساجد در حوزه فرهنگی و اجتماعی بیش‌ازپیش فعال شدند و این دستور آغازگر حرکت جدیدی شد، حرکت به‌سوی افقی روشن که با تکیه بر فکر و توان جوانان مؤمن و انقلابی و با هدایت و رهبری امام امت شکل می‌گیرد و بی‌نیاز از حمایت‌های دولتی و نهادهای عمومی است. در این دوران نقش ارائه‌ی خدمات اجتماعی برجسته شد. اعزام گروه‌های جهادی از مساجد کشور در حوادثی طبیعی همچون حادثه‌ی زلزله‌ی کرمانشاه و ثلاث باباجانی، وقوع سیل در سیستان و بلوچستان، لرستان، گلستان و شهرهای جنوب کشور در برهه‌های مختلف، بیانگر روح جهادگری در میان مؤمنین و نمازگزاران بود. همچنین در اواخر سال ۹۸ و سال ۹۹، با شیوع ویروس منحوس کرونا، حضور جهادگرانه‌ی فعالان مسجدی و طلاب جوان در جمع مدافعان سلامت و حضور داوطلبانه جوانان مؤمن و طلاب جوان در بیمارستان‌های ویژه بیماران کرونایی برای خدمت‌رسانی به ایشان قابل توجه بود. پشتیبانی کادر درمان، تولید فراگیر ماسک، گان و وسایل بهداشتی مرتبط، ضدعفونی کردن معابر و وسایل عمومی و یاری رساندن‌های مادی و معنوی در قالب کمک‌های مؤمنانه و حمایت از اقشاری که در این ایام دچار مشکل معیشتی شدند، از دیگر اقدامات مساجد بود.

منابع

- اختری، محمدعلی (۱۳۸۲). نقش ایرانیان در فقه اسلامی به همراه مباحثی چند در قباله و قباله‌نویسی در ایران، تهران: کانون سردفتران.
- امام خمینی، روح اله (۱۳۶۹). صحیفه نور، جلد یکم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمة الله علیه.
- ایزاک، استفن و ویلیام. ب. مایکل (۱۳۷۴). راهنمای جامع تحقیق و ارزیابی، ترجمه مرضیه کرمی‌نیا، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- جعفری، مرضیه (۱۳۹۱). طراحی سرای محله با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان؛ مطالعه موردی محله درکه، تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- حسینی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۷). رسم جهاد: تجربه‌های کار جمعی در جهاد سازندگی به روایت حسینعلی عظیمی، تهران: راه یار.
- دوانی، علی (۱۳۹۰). خاطرات من از استاد شهید مطهری، تهران: نشر صدرا.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۸). سیر قانون و دادگستری در ایران، نشر چشمه و کتاب‌سرای بابل.
- محمدی، حمید (۱۳۹۱). نگاهی به فعالیت‌های قرآنی ارشاد، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۷۵.
- مرکز رسیدگی به امور مساجد (۱۳۹۵). مروری بر چگونگی تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، پایگاه تخصصی مسجد، www.masjed.ir
- مصوبات مجلس شورا (۱۳۹۸). قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نصیری اردوبادی، میرزا علی‌تقی (۱۳۷۱). القاب و مواجب دوره صفویه، تصحیح دکتر یوسف رحیم‌لو، دانشگاه فردوسی مشهد.
- Velleman, J. D. (۲۰۰۳). Narrative Explanation, The Philosophical Review, Vol. ۱۱۲, No. ۱.
- Roth P. A. (۲۰۱۷). Essentially narrative explanations, Studies in History and Philosophy of Science, Vol ۴۲, pp. ۵۰-۶۲.



مقدمه

در منابع اسلامی مسجد به عنوان کانون توحید، پایگاه نهضت‌های سازنده و محیطی برای دفاع از میراث‌ها و ارزش‌های الهی معرفی شده است. صاحب مسجد خداست؛ خداوند در مسجد میزبان بندگان مؤمنی است که برای عبادت او به مسجد می‌آیند. طبیعی است چنین مکانی که از آن خداست بزرگ‌ترین پایگاه توحید خواهد بود؛ «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا». مسجد در هر منطقه و محل، مأمن و مایه خیر و برکت است و کانون و محور پیوند مردم یک محل برای یاری و همکاری با یکدیگر در تأمین نیازهای مادی و معنوی و فردی و اجتماعی انسان است. به نظر می‌رسد که در روندهای سیاست‌گذاری تاکنون نقش مؤثر مساجد در سعادت زندگی دنیوی و اخروی مسلمانان به خوبی درک نشده و این نهاد مقدس با مهجوریتی تاریخی روبرو است. احیاء مساجد،

احیاء اسلام و عزت مسلمانان و حاکمیت اسلامی است. اصلی‌ترین وظیفه و مأموریت حاکمیت اسلامی و جمهوری اسلامی احیاء مساجد است. باید مساجد کانون‌های حیات و پویایی و آگاهی و تلاش و جهاد باشند. همانگونه که امام خمینی رحمته‌الله علیه، احیاکننده اسلام در این عصر می‌فرمایند: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره بشود. مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این (مساجد) مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشد. پیروزی ما برای اداره مساجد است». ب راستی که رسالتی عظیم‌تر بر دوش انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن بالاتر از این وجود ندارد که مبتنی بر بنای فکری مسجد، به اداره‌ی کشور و نظام‌سازی‌های مرتبط با آن اقدام کند.

همه طرح‌های عظیم فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و عمرانی و اقتصادی و علمی و آموزشی و پژوهشی با پشتوانه عظیم اعتقاد و ایمان و اعتماد عموم مردم ما به مساجد، می‌توانند به صورت جهادی و بسیجی به سرمنزل توفیق برسند و الگوهای الهام‌بخش برای جهان اسلام و دیگر کشورها و ملت‌ها بسازند. هرچند طی دهه‌های اخیر و توسعه‌ی زیرساخت‌های مدرنیته در زندگی شهری، مساجد امروزه با تغییراتی در بعد مخاطبان و برنامه‌های مستمر خود مواجه هستند که جهت برنامه‌ریزی دقیق و اجتناب از آسیب‌های احتمالی در سال‌های آتی، نیاز به بررسی وضعیت کنونی مساجد وجود دارد. شناخت و آگاهی از وضعیت موجود مساجد کشور، هدفی میانی برای دستیابی به اهداف بلندمدت در حوزه‌ی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی محسوب می‌شود که نیازمند ابزارها و روش‌های متناسبی است تا بتوان آنچه را که پا در واقعیت میدان دارد، احصاء نمود و بر مبنای آن تصویری از وضع کنونی مساجد ترسیم کرد. در واقع آنچه که در این پژوهش مورد تأکید است، تبیین نسبت مسجد و مسائل آن با قوانین و مقررات مرتبط، سازمان‌ها و نیز آمار و اطلاعات موجود است. به این منظور در گام اول سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با حوزه‌ی مسجد و نماز معرفی می‌گردد و در ادامه قوانین و مقررات وضع شده با تمرکز بر مقوله‌های محوری دسته‌بندی و ارائه می‌گردد و در نهایت مسائلی که در مجموعه‌ی مصاحبه‌ها و گنجینه‌ی مطالعات اسنادی حاصل شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه ابتدا به معرفی نظام مسائل مسجد پرداخته می‌شود، سپس به معرفی سازمان‌ها و نهادهای متولی امر و نیز قوانین و مقررات مربوطه اشاره می‌گردد.

الف) آمار و اطلاعات مساجد

آمار و اطلاعات یکی از راه‌هایی است که از بستر آن می‌توان یک پدیده را بهتر شناخت. مسجد هم به عنوان یک پدیده اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست. از این‌روست که گزارش آمار و اطلاعات در مورد مساجد جهان می‌تواند جذاب و در عین جالب و برای برخی افراد دارای پیام باشد.

چند مسجد در جهان وجود دارد؟ شمارش تعداد مساجد جهان کاری مشکل است. شاید بهترین قول را باید گفته کاربری دانست که در یک شبکه اجتماعی نوشته «ماشاءالله، نمی‌توان آنها را شمارش کرد.» دلیل هم روشن است. مسلمانان تقریباً در تمام کشورهای جهان سکنی دارند و در بسیاری از این کشورها نظام آمارگیری توجه یا توانی برای شمارش مساجد ندارد. اقلیت بودن مسلمانان در بسیاری از کشورها و نیز توسعه نیافتگی برخی کشورهای مسلمان‌نشین هم مایه‌ها را پیچیده‌تر می‌کند.

با این حال برخی از رقم ۲/۵ میلیون مسجد در سراسر جهان سخن می‌گویند. مشخص نیست منبع این رقم کجا است. سوال بعدی این است که کدام کشور در جهان بیشترین تعداد مساجد را دارد؟ پاسخ به این سوال هم هیچ‌گاه صورت رسمی نیافته است، اما در فضای وب گفته می‌شود که ترکیه یا اندونزی بیشترین مساجد جهان را دارند. ذکر این نکته ضروری است که شایسته است میزان مساجد در جهان به نسبت جمعیت هم سنجیده شود تا آمار دقیق‌تری بدست آید از این‌رو ممکن است نسبت مساجد در کشوری چون ایالات متحده که اقلیت مسلمان دارد به نسبت ترکیه حتی بیشتر هم باشد.

اما اگر از جهان بگذریم در ایران وضع چگونه است. بر اساس نتایج آماری تا سال ۱۳۵۷ در ایران ۲۵ هزار مسجد وجود داشت، با پیروزی انقلاب، رشد جمعیت و نیاز به ساخت مساجد جدید در ایران و عزم مردم به خصوص خیران مسجد ساز، این تعداد مساجد تا سال ۱۳۹۳ به ۷۲ هزار مسجد رسید و سه سال بعد یعنی در سال ۹۶ تعداد مساجد ایران ۷۴ هزار مسجد شد.

طبق برنامه‌ای که دولت دارد قرار است تعداد مساجد در افق ۱۴۰۴ به رقم ۹۲ هزار مسجد برسد با این فرض که جمعیت کشور در آن هنگام ۹۲ میلیون نفر است. با این

حال برخی هستند که می‌گویند ۲۵۰ هزار مسجد دیگر در ایران نیاز است. این سخن تقی قرائتی برادر حجت الاسلام محسن قرائتی و رئیس موسسه مسجد است که معتقد است اگر مسائلی همچون انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی را هم به کاربری مسجد اضافه کنیم باید درصدی را به آن رقم ۲۵۰ هزار مسجد هم بیفزاییم. با این حال در مورد مساجد کنونی هم گفته می‌شود که مشکلات زیادی وجود دارد. یکی از مشکلات نبود امام جماعت است. آمارها نشان می‌دهد ۳۰ هزار مسجد در سراسر کشور امام جماعت ندارند.

حال پس از بررسی نتایج تحقیقات یادشده در حوزه ارزیابی وضعیت موجود بهره‌گیری از مساجد در کشور می‌بایست ذکر شود که کمبود بررسی‌های نظام‌مند نه تنها درباره مسجد بلکه درباره توسعه فرهنگ دینی بطور کلی نیز وجود دارد. همان‌طور که ابوالقاسمی و فرمehنی (۱۳۸۳) در ارزیابی مطالعات اجتماعی مسجد اظهار نموده‌اند، هنوز تحقیقی درخور توجه و جامع در خصوص آسیب‌شناسی برنامه‌های مساجد توسعه فرهنگ دینی صورت نگرفته است و همچنان که فاقد پژوهش نظام‌مند و بنیادین در این زمینه هستیم، از پژوهش‌های تجربی و میدانی به صورت کافی نیز بی‌بهره هستیم.

مطابق اطلاعات سرشماری مراکز فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۵ تعداد ۷۸۹۰۸ مرکز مذهبی در ایران وجود دارد. این مراکز اغلب فعال هستند و نقش مهمی در حیات فرهنگی ایران ایفا می‌کنند. ۵۷۶۳۵ یعنی ۷۳ درصد مراکز مذکور را مساجد تشکیل می‌دهند.

یافته‌های تحقیقات گوناگون نشان می‌دهند که با وجود نقش بسیار مهم مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی و مدیریت نهادهای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب، اما با گذشت زمان میزان فعالیت‌های مساجد و نیز رغبت مردم به رفتن به مسجد و مشارکت در برنامه‌های آن کاهش یافته است. بر اساس اطلاعات گردآوری شده در آمارنامه اماکن مذهبی در سال ۱۳۸۳، در سطح کشور تعداد ۵۹ هزار و ۳۲۰ مسجد گزارش شده که در مورد وضعیت فعالیت مساجد، ۸۸ درصد از مساجد کشور، به طور «فعال مستمر» گزارش شده است. در بین مساجدی که «غیر فعال مستمر» اعلام شده‌اند، ۸۹ درصد در ایام محرم، ۸۸ درصد در ایام ماه رمضان، ۵۱ درصد در ایام ماه صفر، ۴۲ درصد در اعیاد و وفیات و ۱۱ درصد در ایام دهه فجر به فعالیت می‌پردازند. ۳/۵

درصد از مساجد «غیر فعال» ارزیابی شده اند. البته این مطلب قابل یادآوری است که فعالیت بسیاری از مساجد منحصر به برپایی نماز جماعت در زمان‌های سه گانه است و در سایر زمان‌ها درب آنها بر مردم بسته است. نماز جماعت نیز به جز در ایام خاص مانند ماه مبارک رمضان در ایام دیگر سال، در بیشتر مساجد با جمعیت اندک تشکیل می‌شود (حیدری، ۱۳۹۲: ۲۱۱). در حال حاضر بنا بر آمار ارائه شده از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۷۲ درصد از مساجد کشور فاقد لوازم اولیه، ۳۸ درصد فاقد سرویس بهداشتی، ۶۴ درصد فاقد آبدارخانه و ۸۲ درصد فاقد تجهیزات صوتی هستند (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

آنچه اهمیت دارد میزان افرادی است که در مسجد حضور می‌یابند. در این باره تحقیقاتی چون تحقیق سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۴ نشان می‌دهد نسبت آنهایی که گفته‌اند غیر از مراسم ترحیم، اصلاً به مسجد نمی‌روند یا به ندرت در مسجد حضور می‌یابند، ۴۵/۹ درصد و آن کسانی که همیشه یا اکثر اوقات به مسجد می‌روند ۱۷/۶ درصد بوده است که تفاوت قابل ملاحظه ای را نشان می‌دهد. ۳۶ درصد نیز گاهی به مسجد می‌روند.

بر اساس اطلاعات گردآوری شده در آمارنامه اماکن مذهبی در سال ۱۳۸۳، در سطح کشور تعداد ۵۹ هزار و ۳۲۰ مسجد گزارش شده که در مورد وضعیت فعالیت مساجد، ۸۸ درصد از مساجد کشور، به طور "فعال مستمر" گزارش شده است (حیدری، ۱۳۹۲: ۲۱۱). کلانشهر تهران دارای ۱۹۴۱ مسجد است و بر اساس امکان دسترسی به مسجد، نیازهای مردمی به ساخت ۱۰۱۶ مسجد دیگر ابراز می‌شود. گرایش به مسجد در سطحی است که داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حاکی از سطح معتدله آن می‌باشد. به طوری که ۶۴٪ از مردم اظهار نموده‌اند که در سطح متوسط تا سر حد همیشه در مساجد حضور می‌یابند. بر اساس یافته‌های پژوهش سازمان ملی جوانان، با افزایش سن از نسبت آنهایی که گفته‌اند به مسجد نمی‌روند یا کم می‌روند کاسته شده اما با افزایش سطح تحصیلات از میزان آنهایی که غیر از مراسم ترحیم همیشه یا اکثراً در مسجد حضور می‌یابند کمتر شده است (همان: ۲۱۳).

تعداد کل مساجد	فعال مستمر	فعال غیر مستمر	غیر فعال
۵۷۰۵۱	۵۰۲۲۰	۴۸۷۵	۱۹۶۳

موارد	هیچ وقت	به ندرت	گاهی	اکثر اوقات	همیشه
حضور در مسجد	۱۱,۲	۲۵	۳۵,۵	۱۷,۹	۱۰,۵
شرکت در نماز جماعت	۱۷,۳	۲۷,۳	۲۹,۲	۱۵,۲	۱۱

تعداد کانون های فرهنگی مساجد

سال	تعداد
۱۳۸۱	۱۲۳۴
۱۳۸۵	۳۰۰۰
۱۳۹۰	۱۳۳۴۲
۱۳۹۱	۱۵۹۴۱
۱۳۹۲	۱۷۹۵۰
۱۳۹۳	۲۰۰۹۶
۱۳۹۴	۲۱۹۷۵

تعداد کتابخانه های مساجد کشور و کتاب های موجود در آن

سال	کتابخانه	کتاب (هزار نسخه)
۱۳۸۱	۱۲۶۷	۲۶۴۵
۱۳۸۵	۱۵۰۰	۷۲۵۳
۱۳۹۰	۴۴۴۶	۱۳۳۵۲
۱۳۹۱	۴۲۸۰	۱۲۰۵۰
۱۳۹۲	۵۳۲۳	-
۱۳۹۳	۵۹۱۹	۱۵۴۵۰

تعداد اعضای کتابخانه های مساجد

سال	تعداد
۱۳۸۱	۲۷۳۸۶۸
۱۳۸۵	۵۲۵۲۰۷

۱۱۸۹۲۹۲	۱۳۹۰
۱۲۳۳۱۹۲	۱۳۹۱
۹۶۹۱۳۱	۱۳۹۲
۱۱۶۸۰۸۸	۱۳۹۳
۱۱۳۳۱۷۸	۱۳۹۴

تعداد مساجد تحت پوشش طرح تلاوت نور و طرح تفسیر قرآن

طرح تفسیر قرآن	طرح تلاوت نور	سال
۵۴۰۰	۱۵۰۰۰	۱۳۸۵
۷۰۰۰	۳۷۰۰۰	۱۳۹۰
۷۳۰۰	۲۸۰۰۰	۱۳۹۱
۷۸۰۰	۲۹۰۰۰	۱۳۹۲
۷۸۰۰	۲۹۰۰۰	۱۳۹۳
۶۳۴۰	۲۷۱۱۰	۱۹۴

تعداد خانه های نور (مراکز قرآنی مساجد)

تعداد	سال
۱۴۴	۱۳۸۵
۷۲۰	۱۳۹۰
۲۸۰۰۰	۱۳۹۱
۲۹۰۰۰	۱۳۹۲
۲۹۰۰۰	۱۳۹۳
۲۷۱۱۰	۱۹۴

اما در سال های اخیر طبق آخرین آمارها حدود ۷۲ هزار مسجد وجود دارد. این بدان معناست که به ازای هر هزار نفر، یک مسجد در ایران وجود دارد. طبق برنامه ای که دولت دارد قرار است تعداد مساجد در افق ۱۴۰۴ به رقم ۹۲ هزار مسجد برسد. با این فرض که جمعیت کشور در آن هنگام ۹۲ میلیون نفر است. یکی از مشکلات نبود امام

جماعت است. برخی آمارها نشان می‌دهد ۳۰ هزار مسجد در سراسر کشور امام جماعت ندارد. زیرا تنها ۲۹ درصد از مساجد، امام جماعت ثابت دارند. تنها ۲۳ درصد از آنها نماز جماعت صبح، ۳۱ درصد مغرب و عشاء و ۳۸ درصد آنها نماز جماعت ظهر و عصر را اقامه می‌کنند. نیمی از مساجد کشور فاقد روحانی است و نیاز به ساخت ۴۰ هزار مسجد نیز وجود دارد. از حدود ۶۰۰۰۰ مسجد موجود در کشور ۷۵ درصد نیاز اساسی به مقاوم سازی، تعمیر، تکمیل، توسعه یا بازسازی دارند.

متاسفانه حدود ۲۰ دستگاه و نهاد مختلف خود را به گونه ای متولی امور مساجد می‌دانند، اما قانون هیچ نهاد و سازمانی را متولی امور مساجد معرفی نکرده است. در این میان فعالیت های فرهنگی ستاد عالی کانون های فرهنگی و هنری مساجد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا حدودی رضایت بخش بوده و این ستاد تاکنون طرح هایی را اجرا نموده که در جداول فوق مشاهده گردید. اداره کل کتابخانه های مساجد کشور، که زیر مجموعه این ستاد عالی است، ضمن راه اندازی سامانه اینترنتی کتابخانه های مساجد، تاکنون ۶۲۰۹ کتابخانه مسجد دارای ۴۱۲۶ کتابدار، ۱۶۴۴۰۰۴۷ جلد کتاب، ۱۱۴۱۴۹۰ عضو ثابت و ۶۷۹۱۶۹ متر مربع مساحت به ثبت رسانده است

نزدیک به ۱۴ هزار حسینیّه و تکیه در ایران وجود دارد که توسط مردم ساخته و اداره می‌شود و همه آنها در ایامی از سال فعال حضور چشم گیر مردم هستند.

در مورد پوشش موضوعات محتوایی در ۲۳۴۱ مجموعه فرهنگی شناسایی شده، محتوای عام هیئتی، مفاهیم قرآنی، دفاع مقدس و سیره شهدا و مهدویت حائز بیشترین میزان تولید محتوا و مفاهیم استکبار ستیزی، تاریخ معاصر، قومیت گرایی، غرب شناسی و طب اسلامی دارای کمترین میزان در میان مجموعه های فرهنگی شناسایی شده در کشور است. همچنین این نشان می‌دهد پتانسیل بالای هیئات مذهبی و قرآنی در کشور می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای تعمیق اهداف فرهنگی جبهه انقلاب اسلامی باشد.

آمار جالب دیگر در حوزه مساجد تعداد مساجد مربوط به اهل سنت است. آن‌طور که آمارها نشان می‌دهد برای پنج میلیون نفر از مسلمانان اهل سنت ایران حدود ده هزار مسجد وجود دارد. این بدان معناست که به ازای هر ۵۰۰ نفر از اهل سنت یک

مسجد وجود دارد. بزرگ‌ترین مسجد اهل سنت در ایران مسجد جامع مکی در زاهدان است که سال ۱۳۵۳ به دست مولوی عبدالعزیز تأسیس شد. در حال حاضر نماز جمعه اهل سنت زاهدان هم در این مسجد اقامه می‌شود. تا سال ۹۶ اگر به تعداد مراکز عبادی شیعیان، اهل سنت و ارامنه نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم ۶۲ هزار مسجد در مناطق شیعه نشین وجود دارد که سرانه مساجد (به ازای هر هزار و ۱۱۲ شیعه یک مسجد)، ۱۰ هزار مسجد در مناطقی که اکثریت اهل سنت هستند (به ازای هر ۵۲۵ نفر جمعیت اهل سنت یک مسجد) و ۳۰۰ کلیسا (به ازای هر ۵۰۰ نفر از ارامنه کشورمان یک کلیسا و کود دارد) و این یعنی سرانه تعداد مساجد شیعیان در ایران بسیار کم است. این در حالی است که اکثر مساجد اهل سنت فعال بوده و همان طور که اشاره شد حدود نیمی از مساجد شیعیان ایران بدون امام جماعت است. بنابراین سرانه مسجد برای شیعیان کمتر از آمار ذکر شده است. بزرگ‌ترین مسجد اهل سنت در ایران، مسجد جامع مکی در زاهدان است که سال ۱۳۵۳ به دست مولوی عبدالعزیز تأسیس شد. در حال حاضر نماز جمعه اهل سنت زاهدان هم در این مسجد اقامه می‌شود.

متأسفانه با وجود جایگاه برجسته مساجد در فرهنگ دینی، وضعیت مساجد در جامعه شیعیان ایران تا حدی نامطلوب است؛ به گونه ای که برای هر ۱۱۰ نفر شیعه یک مسجد وجود دارد. این آمار حتی در قیاس با سایر ادیان ابراهیمی در کشور از ضعف چشمگیری حاکی است. در ایران ۳۰۰ کلیسا برای ۱۵۰ هزار مسیحی وجود دارد، یعنی به ازای هر ۵۰۰ نفر یک کلیسا.

اما از سوی دیگر این سوال مطرح می‌شود که کدام شهر در ایران بیشترین تعداد مساجد را دارد. . بیشترین تعداد مساجد کشور نسبت به جمعیت در سمنان با ۱۴۱ مسجد است. تعداد مساجد استان کردستان هم ۲۸۰۰ مسجد است. بالا بودن تعداد مساجد در این استان به این دلیل است که اهل سنت و شیعیان در کنار هم زندگی می‌کنند و هر یک مساجد مخصوص به خود را دارند بیشترین تعداد مساجد کشور در استان خراسان رضوی با پنج هزار و ۳۴۶ مسجد و کمترین تعداد مسجد در استان البرز با ۳۷۶ مسجد وجود دارد. آماری که به خیران مسجدساز مناطقی که برای مسجدسازی باید مد نظر قرار دهند را به خوبی نشان می‌دهد.

این وضعیت در کلانشهر تهران به عنوان پایتخت کشور و ام القرای جهان اسلام شکلی نامطلوب تر دارد. آمارها نشان می‌دهد در تهران حدود ۲۰۰ مسجد وجود دارد. آن‌طور که اطلس شهری تهران روایت می‌کند «بیشترین دسترسی به مساجد در نواحی واقع در مرکز و مرکزی جنوب و شرق شهر تهران و بویژه مناطق ۴، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷ و ۲۰ است؛ ولی در نواحی حاشیه‌ای شرقی، غربی و جنوب غربی دسترسی به مساجد چندان مناسب نیست.» (روزنامه جام جم، ۱۳۹۲/۶/۲)

علیرغم تصویب احداث ۴۰ مسجد توسط شهرداری تهران به ازاء هر ۴۲۰ نفر، یک مسجد وجود دارد و در برخی مناطق به ازاء هر ۴۹۰۰ نفر یک مسجد یافت می‌شود. سرانه مسجد در تهران به ازاء هر نفر ۱۵ سانتی متر است در حالی که به صورت استاندارد باید ۷ متر باشد.



بررسی آمارهای فوق حاکی از آن است که گرچه میزان مشارکت در مساجد دقیقاً متناسب با شرایط آرمانی نیست و چشم انداز و اهداف انقلاب اسلامی فاصله دارد، اما میزان افزایش تعداد مساجد و نیز میزان حضور و گرایش مردم به برنامه های فرهنگی مساجد نشان از آن دارد که نهاد مردمی مسجد همچنان مخاطبان خود را در میان اقشار و طبقات مختلف مردم داشته و در تعیین افکار، عقاید، نگرشها و کنش‌های آنها از قدرت تاثیرگذاری برخوردار است.

وضع فعالیت مساجد در دسترس کشور

در خصوص وضعیت فعال بودن مساجد در دسترس کشور حاکی از آن است که:

- ۱- از تعداد ۷۴۰۰۰ باب مسجد بیش از نیمی از آنها فاقد فعالیت و تحرک لازم می باشد.
- ۲- مساجدی که نماز را در سه وقت صبح ظهر وعصر و مغرب و عشا اقامه کنند در اقلیت بوده و رقمی حدود سه هزار مسجد را تشکیل می دهد که این بدین معناست که فقط حدود ۴٪ مساجد در سه وقت نماز اقامه می شود.
- ۳- به جز مساجد معدودی که در سطح کشور فعال بوده و در محیط خود تاثیرگذار هستند بقیه مساجد به دلایل مختلف از جمله: بی نظمی- کثیفی- حضور هیئت امناء و خادم بد اخلاق و وضعیت بد مالی فعالیت چندانی ندارد و تنها به اقامه نماز آن هم اکثرا در نمازهای مغرب وعشاء مشغولند.
- ۴- به دلیل مشکل اقتصادی ائمه جماعات ترجیح می دهند در ادارات- سازمان ها- مراکز نظامی و انتظامی نماز اقامه کنند لذا بیم آن می رود که نماز جماعت در مساجد به ویژه نماز ظهر تعطیل شود.
- ۵- از جهت بهداشتی و نظافت ظاهری مساجد هیچ جاذبه ای به ویژه برای جوانان ندارند و با وجود مراکز فرهنگی هنری بسیار زیبا و تمیز کمتر کسی مایل است به این مکان ها رو آورد.
- ۶- خادمین و هیات امناء در غالب مساجد کشور نه تنها جاذبه ای برای جذب جوانان ندارند بلکه خود مانع فعالیت بسیج کانون های فرهنگی جوانان هستند و اکثر مساجد کشور صرفا در مدت محدود نماز باز بوده و نقشی در اجتماع و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی ندارند.
- ۷- با وجود چند نهاد که بخشی از مأموریت آن مسجد است مردم در خصوص مساجد با مشکل مواجه هستند و با مراجعه به هریک از دستگاه ها مسائل لاینحل باقی می ماند.

ب) توصیف کارکردی عموم مساجد جامعه ایران

عبادی

عمده کارکرد مسجد در حال حاضر به کارکرد عبادی منحصر شده است. در خصوص کارکرد عبادی نیز کیفیت تحقق این کارکرد در سطح مطلوبی قرار ندارد. ویژگی‌های کارکرد عبادی در اکثر مساجد کشور به شرح زیر است:

• برپایی دو نوبت نماز ظهر و مغرب

متأسفانه نماز صبح در مساجد با تمام تأکیدی که در روایات و از طرف بزرگان بخصوص مقام معظم رهبری (مدظله العالی) شده است در اکثر مساجد کشور اقامه نمی‌شود و نماز جماعت تنها به نماز ظهر و مغرب منحصر شده است. در صورتی که نماز جماعت صبح آثار و برکات بسیار زیادتری را از سایر نمازها به همراه دارد و در تربیت و رشد معنوی نمازگزاران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اقامه نماز صبح در مسجد منجر به بیداری مردم در قبل از اذان صبح شده و آثاری را که در روایات برای بیداری در دل شب ذکر شده برای سحرخیزان به همراه می‌آورد. از طرفی دیگر اقامه نماز صبح در مسجد برای کسانی که به این امر اهتمام دارند این برکت را به همراه خواهد داشت تا زمان بین الطلوعین را راحت‌تر بیدار بوده و از عنایات ویژه الهی در این ساعات مبارک بهره‌مند گردند.

• عدم جذابیت مسجد برای قشر نوجوان و جوان

فضای مسجد امروز از جذابیت ظاهری مناسبی برای قشر نوجوان و جوانی که هر روزه شاهد مدهای جدید و متنوع و آثار جدید تکنولوژیک است، برخوردار نیست. قدیمی و کلنگی بودن بنای مسجد، وجود سرویس‌های بهداشتی با ظاهری زنده و نامطبوع، استفاده از فرش‌ها و وسایل مستهلک، وجود بوی نامطبوع، عدم رعایت بهداشت فردی و آراستگی ظاهری توسط مامومین با سن بالا و... از جمله دلایلی است که مسجد امروز را در منظر نوجوانان و جوانان غیرجذاب نموده است.

• اطاله نماز جماعت

به غیر از برخی از مساجد نزدیک بازار یا نمازخانه‌های برخی از ادارات، سایر مساجد معمولاً نمازجماعتی طولانی و مفصلی را اقامه می‌نمایند. ائمه جماعات این مساجد معمولاً چون مخاطب خود را قشری با سن بالا و بدون محدودیت وقتی در نظر می‌گیرند، نماز را به صورتی مفصل و با تمام مستحبات اقامه می‌نمایند. بین دو نماز نیز سعی می‌شود نمازهای نافله وارد شده و ادعیه سفارش شده خوانده شود که در مجموع منجر به اطاله نمازجماعت در منظر قشری می‌شود که در فضای امروز جامعه با محدودیت وقت و مشغله زیاد مواجه است و ایشان را از بهره‌گیری از حضور در نمازجماعت مسلمین محروم می‌سازد.

• فقدان امام جماعت راتب

متأسفانه در بسیاری از مساجد کشور برای اقامه نمازهای یومیه در مساجد امام جماعت راتب وجود ندارد. ائمه جماعات بسیاری از مساجد موقتی بوده و بعد از مدتی مسجد محل اقامه نماز خود را ترک می‌کنند. عمده علت این امر نیز مشغله‌های زیاد ائمه جماعات در کنار امام جماعتی مسجد است.

ائمه جماعات مذکور به دلیل مشغله‌های زیاد معمولاً لحظه اذان و بعد از مدتی که مامومین در انتظار امام جماعت بودند در مسجد حاضر شده و بلافاصله بعد از نماز نیز مسجد را ترک می‌کنند و معمولاً وقت مجزایی برای پاسخ به سوالات شرعی مامومین و کیفیت بخشی به نماز ایشان ندارند.

• فقدان امکانات کافی

در خصوص امکانات برپایی نماز جماعت عملاً در مساجد استاندارد مشخصی موجود نبوده و هر مسجد متناسب با سلیقه، وضعیت مالی و کمک‌های مردمی و تصمیمی که متولیان مسجد اتخاذ می‌نمایند، امکاناتی را برای مسجد تهیه می‌کنند. نبود برخی از امکانات در مسجد بر کیفیت اقامه نماز و جذابیت مسجد برای حضور مردم اثر منفی دارد. از جمله این امکانات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وضعیت سرمایش و گرمایش
- نور و روشنایی مسجد
- قرآن و کتب ادعیه
- وضعیت سرویش بهداشتی
- جاکفشی و امنیت آن
- فرش و زیرانداز نمازگزاران
- تمیزی مهرها
- سیستم صوتی
- سهولت دسترسی قسمت بانوان (داشتن پله های زیاد و ...)

• کوتاه بودن زمان باز بودن مسجد

بسیاری از مساجد زمانی کوتاه از روز را باز هستند. معمولاً زمان بازگشایی مساجد کمی قبل و بعد از نمازهای یومیه است. برخی از افراد که علاقمند هستند ساعات بیشتری را برای راز و نیاز با معبود، اقامه نمازهای قضا، تلاوت قرآن و ادعیه و ... در مسجد حضور داشته باشند، بدلیل تعطیلی مسجد از این مهم محروم هستند.

• عدم رعایت آداب حضور و اقامه نماز در مسجد

حضور در مسجد مبتنی بر آیات و روایات بدلیل حرمت و قداستی که دارد از آداب خاصی برخوردار است. از جمله این آداب:

- حضور قبل از اذان و آماده بودن برای نمازجماعت
- استفاده از لباس های تمیز و مرتب
- استفاده از عطر و خوشبوکننده
- صحبت نکردن در هنگام اذان و اقامه
- معامله نکردن در مسجد
- تشکیل صفوف به هم فشرده
- رعایت حال سایر مامومین (کهنسالان، کودکان)
- همراهی با امام جماعت در اقامه نماز

.... ■

• تلاوت قرآن بعد از نمازجماعت

طرح تلاوت قرآن بلافاصله بعد از نمازجماعت خوشبختانه چندسالی است که در حال گسترش در بین مساجد است.

• برگزاری مراسمات مذهبی و مناسبتی

اکثر مساجد کشور ادعیه وارد شده در روزهای خاص همچون زیارت عاشورا، دعای توسل، دعای کمیل و دعای ندبه را برگزار می‌نمایند. اما کیفیت برگزاری این مراسم در مساجد مختلف متفاوت است. در برخی از مساجد بدلیل اطلاله مراسم، عدم حضور و اهتمام امام جماعت به مراسم، عدم رعایت قرائت صحیح و نبود صدای مناسب و ... جذابیت این مراسمات را برای مامومین پایین آورده است.

سایر کارکردها

مسجد به غیر از جنبه عبادی و مناسکی از ظرفیت‌های بالا و متنوعی برخوردار است. متأسفانه براساس آمار از ۷۰ درصد ظرفیت مساجد استفاده نمی‌شود. (علی اکبری، ۱۳۹۱)

جای بسی تأسف است که اکثر مساجد در بیشتر اوقات روز تعطیل هستند، یعنی مکانی بزرگ و دارای امکانات جانبی تعطیل است. در صورتی که می‌توان بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی را در مسجد پیگیری و اجرا نمود و جلوی بسیاری از آسیب‌ها را نیز گرفت.

با بررسی مساجد سطح کشور می‌توان کارکردهای متنوعی را در مساجد مشاهده نمود؛ اما بدلیل اینکه برخی از این کارکردها در چند مسجد محدود پیگیری می‌شود نمی‌توان آن را به کلیت مساجد کشور تعمیم داد در نتیجه در ادامه به کارکردهایی از مساجد خواهیم پرداخت که اکثر مساجد کشور به این کارکردها اهتمام جدی دارند.

• کارکردهای فرهنگی

از جمله فعالیت‌هایی که در مساجد پیگیری می‌شود فعالیت‌های فرهنگی است. این فعالیت‌ها را می‌توان به شرح زیر لیست نمود:

- برگزاری طرح تلاوت نور
- برگزاری طرح تفسیر همراه
- مسجد آرایشی در مناسبت‌های گوناگون مذهبی و انقلابی
- حضور در راهپیمایی در ایام الله
- برپایی هیات در اعیاد و وفیات
- ایراد سخنرانی

لازم به ذکر است عمده فعالیت‌های اشاره شده در بالا توسط جوانان فعال در پایگاه‌های بسیج و یا کانون‌های فرهنگی هنری مستقر در مساجد به انجام می‌رسند. پایگاه بسیج در اکثر مساجد کشور فعال بوده و حضور دارد ولی در حال حاضر در کشور نزدیک به ۱۰ هزار کانون فرهنگی هنری مسجد وجود دارد که نسبت به تعداد مساجد که نزدیک به ۷۰ هزار مسجد برآورد می‌شود رقم ناچیزی است. در برنامه پنجم توسعه، کانون‌های فرهنگی هنری مساجد باید در کل کشور در یک سوم مساجد کشور ایجاد شود. همچنین حدود ۳۰۰ کانون فرهنگی تخصصی نیز در مساجد کشور موجود است. (سیدعلی حسینی خراسانی، ۱۳۹۰)

• کارکردهای تربیتی

دومین کارکردی که در مساجد امروز محقق می‌شود کارکرد تربیتی است. کیفیت این فعالیت نیز در مساجد مختلف از سطوح مختلفی برخوردار است. اهداف متولیان امر تربیت در شیوه اجرای این کارکرد متفاوت است. اهداف متولیان این امر را می‌توان در سه هدف خلاصه نمود:

• الف) اصلاح رفتار

منظور از این هدف این است که هر مخاطبی که وارد مسجد می‌شود یا بوسیله برنامه‌های جذب، علاقمند به حضور در مسجد می‌گردد، مربی برای ایجاد رفتارهای مطلوب و یا حذف رفتارهای نامطلوب در فرد تلاش خود را می‌نماید. در این نگاه مربی برنامه‌ای برای آینده زندگی فرد پیش‌بینی نکرده است، بلکه فرد زندگی و آینده خود را خود تعیین می‌نماید و مربی تنها مواظب است تا فرد مبتنی بر اخلاق اسلامی تربیت شده و در مسیر زندگی خود رفتارهای مطلوب را بروز دهد.

معمولاً در این نگاه محدودیتی برای جذب مخاطب وجود ندارد و تمام تلاش متولیان امر تربیت، جذب بیشتر مخاطب است.

بسیاری از مساجد فعال در امر تربیت، به کار تربیتی با این دیدگاه می‌نگرند.

• ب) تربیت و پرورش مربی

تربیت و پرورش مربی بدین معنا است که متولیان امر تربیت در کنار پرداختن به امر اصلاح رفتار کودکان و نوجوانان، در بلندمدت بدنبال آن هستند تا از بین مخاطبین تربیت، افرادی را برای وارد شدن به عرصه کار تربیتی و فرهنگی آماده و تربیت نمایند.

مبتنی بر این نگاه تعداد افراد کمی برای طی مراحل تربیتی و رسیدن به جایگاه مربی، انتخاب می‌شوند به اصطلاح انتخاب افراد مبتنی بر شاخص‌ها و ویژگی‌هایی خواهد بود تا فرد انگیزه و توانایی لازم را برای به انتها رساندن مراحل تربیتی داشته باشد. به همین دلیل در ابتدا یا افراد شناسایی و دعوت می‌شوند و یا بعد از جذب اولیه، افراد در چند نوبت و مبتنی بر شاخص‌های مختلف فیلتر شده و افراد باقی‌مانده به عنوان نیروهای قابل سرمایه‌گذاری، انتخاب می‌گردند. مسجد صنعتگران در مشهد از جمله مساجدی است که باهدف تربیت و پرورش مربی تربیتی مشغول به فعالیت است.

• ج) کادرسازی و نیروسازی برای انقلاب اسلامی

در راستای این هدف متولیان بدنبال آن هستند تا نیروهایی را با شناخت درست و عمیق از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و توانمند و اثرگذار در فضای اجتماعی، تربیت نمایند. این نیروها می‌توانند در آینده در عرصه‌های مختلفی منشأ اثر باشند. عرصه‌هایی همچون عرصه تربیتی مانند مربی تربیتی، عرصه هنری مانند ادبیات، تئاتر، سینما، سرود، عرصه فرهنگی مانند ایجاد موسسات و تشکل‌های فرهنگی و ... مسجد جوادالائمه در ابتدای انقلاب و تاحدودی در حال حاضر در راستای این هدف گام برداشته است. تربیت نویسندگان و داستان‌نویسان در حوزه دفاع مقدس از آن جمله‌اند. نویسندگانی همچون محمدرضا کاتب، شهرام شفیعی، خسرو باباخانی، احمد دهقان، حبیب یوسف زاده، ابراهیم زاهدی، رضا پریزاد و محمد علی قربانی که بعضی از

ایشان صاحب نزدیک به ۳۰ تا ۴۰ کتاب هستند و اگر بخواهید آثار بچه‌های مسجد را جمع نمایید نزدیک به ۲۰۰ عنوان کتاب خواهد بود.^۱ شهید حبیب غنی‌پور مؤسس این مجموعه و از عوامل اصلی راه‌اندازی این تشکیلات در مسجد جواد الائمه تهران بود.

• ترویج کتاب و کتابخوانی

یکی دیگر از کارکردهایی که در مسجد در حال حاضر پیگیری می‌شود ترویج کتاب و کتابخوانی است که از طریق احداث کتابخانه در مساجد محقق می‌شود. در حال حاضر نزدیک به ۳۰۰۰ هزار کتابخانه در مساجد کشور فعال است. این کتابخانه‌ها به دو صورت قفسه باز و بسته مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد.

• کارکرد آموزشی

به صورت سنتی از قدیم مساجد یکی از پایگاه‌های آموزش احکام، عقاید، اخلاق و آموزش قرآن بوده است. از بین این آموزش‌ها در حال حاضر، آموزش قرآن کریم به صورتی سازمان‌یافته‌تر و منظم‌تر در برخی از مساجد در حال پیگیری است. معمولاً متکفل این آموزش‌ها موسسات قرآنی هستند که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیت اخذ می‌کنند. تعداد این مراکز در حال حاضر در کشور قریب به ۱۷۰۰ موسسه قرآنی است که تا پایان سال ۹۱ پیش بینی می‌شود به عدد ۲۰۰۰ موسسه برسد. (محمدی، ۹۱)

در برخی از شهرها دستگاه‌های فرهنگی حاکمیتی از مساجد برای آموزش مخاطبین مورد نظر خود استفاده می‌کنند. معمولاً سازمان‌هایی همچون سازمان تبلیغات اسلامی، اداره اوقاف، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگی شهرداری و ... از جمله سازمان‌های فرهنگی هستند که در مساجد برخی از آموزش‌های خود را پیگیری می‌کنند. در شهر مشهد به عنوان نمونه سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد از طریق سه طرح دوباره زندگی، مسجد ما و خادمین شهر بهشت، آموزش‌های خود را در مساجد پیگیری می‌کند. طرح دوباره زندگی آموزش‌ها و مهارت‌های زندگی را برای زنان خانه‌دار، مسجد ما آموزش‌های فرهنگی را برای فعالین فرهنگی مساجد و طرح

خادمین شهر بهشت آموزش‌های فرهنگی، انقلابی و شهروندی را برای قشر نوجوان محلات مشهد در نظر گرفته است. (شهرداری مشهد، ۱۳۹۱)

• کارکرد نظامی

پایگاه‌های بسیج مستقر در مساجد متولی پیگیری کارکرد نظامی هستند. این کارکرد بیشتر خود را به صورت آموزش‌های نظامی و گشت‌های ایست و بازرسی در سطح شهرها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر از میزان این کارکرد کاسته شده است.

ج) نظام مسائل مرتبط با وجوه مسجد

نظام مسائل مسجد را می‌توان مهمترین و اولی‌ترین بحث مورد مطالعه به منظور دستیابی به نقشه‌ی جامعی برای نیل به اهداف مسجد تراز انقلاب اسلامی به حساب آورد. این مسائل طی فرآیندهای مصاحبه با خبرگان و فعالین مسجدی و مطالعه اسناد علمی و بررسی گنجینه‌ی داده‌های پیشینی به دست آورد که در قالب پنج دسته‌ی مسائل مرتبط با قوانین، مسائل مدیریتی و مالی، مسائل مربوط به منابع انسانی و مباحث نرم‌افزاری، مسائل مربوط به فیزیک و معماری بنای مسجد، طبقه‌بندی نمود. در ادامه به شرح هریک از این مسائل به اختصار پرداخته می‌شود:

۱- مسائل مربوط به قوانین

- عدم وجود قوانین مستقیم در خصوص ثبت درخواست‌های مسجد به عنوان یک فرد حقوقی در ادارات و مراکز رسمی
- فقدان قوانین مالی مرتبط با ساختار مسجد در ساختار بانکی کشور و عدم امکان پرداخت وام‌های مورد نیاز با ضمانت‌های لازم متناسب اقتضائات مسجد
- وجود قوانین و مصوبات بدون در نظر گرفتن متولیان اجرایی یا فاقد ضمانت اجرایی
- فقدان قوانین مبتنی بر تقسیم کار ملی میان دستگاه‌ها؛ متناسب با تامین نیاز مساجد در حوزه نرم‌افزاری
- فقدان قانون جامع مساجد جمهوری اسلامی ایران

۲- مسائل مربوط به ساختارهای مدیریتی

- عدم توجه حوزه‌های علمیه به بحث مدیریت ابعاد مختلف مسجد به عنوان یکی از مهمترین و کاربردی‌ترین زمینه‌های علمی آموزش طلاب جوان
- بی‌توجهی مدیریت حوزه‌ی علمیه به مدیریت کلان مساجد کشور
- فقدان اطلاعات جامع از وضعیت مساجد کشور و در نتیجه عدم تحلیل دقیق و تعیین جهت‌گیری‌های اساسی مربوط به مساجد
- عدم آشنایی فعالین و متولیان مساجد کشور به مقوله‌ی برنامه‌ریزی به صورت تخصصی ویژه مساجد به منظور استفاده‌ی بهینه از توانمندی‌ها، امکانات و منابع مسجد در شرایط و وضعیت کنونی
- عدم توجه مدیریت شهری به اهمیت منحصر به فرد جایگاه مساجد در شهر
- طراحی فرآیندهای مدیریت شهری بر مبنای ساخت مراکز متعدد فرهنگی و هنری رقیب مسجد
- بی‌توجهی نسبت به تقویت و گسترش فضای فرهنگی و هنری مساجد توسط شهرداری‌ها و مراکز متولی
- ورود غیرتخصصی اوقاف به امورات مالی مساجد و صرفاً بهره‌برداری از منابع مالی مساجد در مخارج سازمانی و عدم حمایت مستقیم و غیرمستقیم از مساجد
- کاهش نسبی مشارکت‌های مردمی در مخارج و هزینه‌های مسجد نسبت به تورم اقتصادی موجود
- قابل اتکاء نبودن اطلاعات جامع از وضعیت مساجد کشور
- فقدان مرکزی قوی پژوهش و تحقیقات بنیادی و کاربردی ویژه مساجد جهت به کارگیری دستاوردهای آن در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها
- اجرای نامناسب و غیر کاربردی طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی مساجد
- وجود دستگاه‌های متداخل و موازی در حوزه مدیریتی مساجد در مراکز استان ها، فقدان دستگاه تخصیصی پشتیبانی کننده در سطح شهرستان‌ها و رها سازی مساجد روستائی
- تداخل وجهه حاکمیتی مدیریت بر مساجد با وجهه مردمی مدیریت در مساجد

- بلاتکلیفی امام جماعت در مسیر پاسخگویی به مطالبات دستگاه‌های در ارتباط با مساجد
- توزیع و پراکندگی اعتبارات مرتبط با مساجد در میان دستگاه‌های متعدد
- فقدان توان و ابزار لازم برای مدیریت بر مساجد در دفاتر نمایندگان محترم ولی فقیه در مراکز استان‌ها
- فقدان استراتژی مشخص دولت‌ها برای حمایت از مساجد و انجام وظیفه در برابر نیازهای اولیه ائمه محترم جماعات به بهانه اجتناب از دولتی شدن مساجد و حقوق بگیر شدن ائمه محترم جماعات
- تعامل ناکافی و غیر مؤثر مسئولان نظام با مساجد
- در اولویت نبودن مساجد در برنامه‌ریزی‌های کلان کشوری
- کمبود نسبی مسجد در نقاط روستایی و شهری کشور و ناهمگونی توزیع مساجد در نقاط شهری، عدم پیش بینی مناسب برای احداث مسجد، و ضمناً سرانه پایین مسجد نسبت به جمعیت
- عدم ترسیم طرح جامع آمایش مساجد و پراکندگی نامناسب آن‌ها
- ابهام در تعریف استقلال مساجد و سهم نسبی ناچیز دولت در خدمات رسانی به مساجد کشور و بعضاً وابسته شدن مساجد به ارگان‌های دولتی
- انحصاری شدن مساجد به قشرهای خاص در بعضی از مناطق
- تقلیل شأن، جایگاه و نقش مساجد در جامعه و ناشناخته ماندن ظرفیت‌های آن
- عدم محوریت مسجد در برنامه‌ریزی شهری
- تک ساحتی یا تک بعدی شدن مسجد
- اختلاف درباره رقبات و مستغلات وقفی و حذف نام سازندگان (واقفان) مساجد از ساختمان مسجد
- عدم اختصاص موقوفات مساجد به هزینه‌های جاری مسجد
- اختلاف در مورد موقوفات مسجد میان مرکز رسیدگی به امور مساجد و سازمان اوقاف و امور خیریه

۳- مسائل مربوط به فیزیک و معماری مسجد

- فقدان طرح‌های مناسب و سبک معماری مختص جمهوری اسلامی برای ساخت مساجد در دوران معاصر
- عدم تطابق کیفیت ساخت مساجد موجود با اصول مهندسی و مقاوم سازی و سهل انگاری در حفظ و مرمت مساجد
- ضعف در طراحی و عدم توجه به حریم مسجد در معماری ساختمان‌های اطراف مسجد
- ضعف در طراحی الگوی معماری ایرانی-اسلامی مساجد
- وضعیت نامطلوب عمرانی مساجد و کمبود اعتبارات عمرانی برای مرمت و بازسازی و تجهیز مساجد کشور

۴- مسائل مربوط به منابع انسانی

- فقدان آموزش کافی ائمه‌ی جماعت و آمادگی برای مدیریت همه‌جانبه‌ی مساجد کشور
- فقدان وجود رویکرد خانواده‌محور به موضوع نماز و فعالیت‌های مسجد
- فقدان نظارت و ارزیابی مستمر بر عملکرد کارگزاران مساجد
- استفاده نکردن از توانایی جوانان و خواهران در امور مساجد به کار نگرفتن نیروی کار آنان
- عدم وجود نظام آموزش و ارتقای کارگزاران مسجد به طور مداوم
- عدم رعایت نظر مردم محل در انتخاب امام جماعت
- تأمین نبودن کارگزاران به ویژه خادمان از لحاظ مالی و خدمات بیمه‌ای و احتمال اهمال در مسئولیت‌ها
- فقدان توان لازم برای سازماندهی نیروی انسانی فعال در مساجد و تنظیم تعاملات ارکان درونی و بیرونی با یکدیگر
- فقدان حمایت‌های مادی و معنوی به عنوان مکمل بنیه مردمی؛ از سوی دولت‌ها؛ نسبت به ائمه محترم جماعت و خدام مساجد

- اختلاف هیات امنای امام جماعت؛ پایگاه های مقاومت بسیج و کانون های فرهنگی هنری و هیئات

- مسن بودن هیئت امنای فقدان هیئت امنای در مسجد

۵- مسائل مربوط به برنامه ریزی و مباحث نرم افزاری مساجد

- کم رونقی اغلب مساجد جز ایام خاص

- اقامه نشدن نماز جماعت در سه یا پنج نوبت

- کم توجهی به فضیلت اقامه نماز جماعت صبح در مساجد

- بسته بودن درب مساجد و نبودن برنامه مداوم نیایش و قرآن آموزی در آنها

- فقدان برنامه ریزی های جذاب هماهنگ و متناسب با نیاز های اقشار گوناگون

- جامعه و در نتیجه اجرا نشدن برنامه های تبلیغی و فرهنگی مناسب

- فقدان فضا سازی برای حضور مردم و نسل جوان و نبود فرهنگ سازی و اطلاع

- رسانی صحیح در مورد برنامه مساجد در رسانه های جمعی به ویژه رسانه ملی

- کوتاهی در تقویت و غنی سازی کتابخانه های مساجد کشور به طور مداوم

- در اقلیت بودن نمازگزاران جوان در بسیاری از مساجد

- تقابل محتوای رسانه و مسجد؛ بعضاً وجود تلاقی برنامه های جذاب صدا و

سیما با اوقات نماز

- عدم ایجاد شبکه اجتماعی مساجد (شبکه اطلاع رسانی مساجد)

- عدم تبلیغ فرهنگ کتابخوانی در مساجد و تعطیلی کتابخانه های مسجدی.

- ضامن کمبود فضای مناسب و بودجه پایین کتابخانه های مساجد مزید بر علت

است.

- مناسبت زدگی مساجد در عرصه برنامه های فرهنگی - تبلیغی و کم توانی در ارائه

محتوای متناسب با اقشار متنوع مخاطبان

- حضور کم رنگ مساجد در رسانه های گوناگون؛ رسانه ملی و فضای مجازی

- تجهیز نشدن مساجد به عنوان بزرگترین شبکه توزیع محصولات فرهنگی

جبهه انقلاب؛ اعم از کتاب و سایر اقلام فرهنگی

- تهدید شدن اقامه عزای و مجالس ختم در مساجد؛ به دلیل فقدان استراتژی

- فرهنگی برای استفاده از این فرصت گران بها
- عدم گسترش فعالیت قرآنی در مساجد
- نداشتن نوآوری و ابتکار در برنامه ها و فعالیت های مساجد در مقایسه با سایر امور و فعالیت های دینی و فرهنگی
- فقدان حضور نهادهای مردمی و اجتماعی با روش های جدید و به روز در مساجد
- عدم توازن و هماهنگی در فعالیت های مساجد
- منظم نبودن ساعات فعالیت مساجد
- بهره گیری از شیوه های فعالیتی ناکارآمد و کمبود امکانات فرهنگی و هنری در مساجد
- ایجاد مستغلات در جنب مسجد؛ تاسیس فرهنگسرا و خانه فرهنگ در جوار مسجد
- تاسیس نهادهای جانبی در کنار مسجد (باشگاه ورزشی؛ پاساژ و فروشگاه؛ صندوق قرض الحسنه؛ مجتمع فرهنگی؛ هنری و تفریحی؛ درمانگاه)

د) آسیب شناسی وضع موجود

نبود آرمانی مشخص برای مسجدی ها

مساجد در انقلاب اسلامی به عنوان محل اطلاع رسانی، روشنگری و برنامه ریزی برای هدایت مردم در جریان تظاهرات و راهپیمایی ها و کمک به نهضت امام، از نقشی پررنگ و تاثیرگذار برخوردار بودند. در دوران دفاع مقدس نیز مساجد به عنوان مرکز مردمی پشتیبانی جنگ محسوب می شدند؛ ثبت نام از داوطلبان بسیجی برای حضور در جبهه، جمع آوری کمک های مردمی به جبهه و ... از جمله فعالیت هایی بود که در پشت جبهه، در مساجد انجام می گرفت.

مسجد در این دو دوره، شاهد حضور پر رنگ مردم بخصوص جوانان انقلابی است. بعد از جنگ کم کم حضور مردم و جوانان در مسجد کم رنگ شده و حضور حداقلی جوانان در مسجد عمدتاً به منظور اقامه نماز یا فعالیت های تربیتی و نظامی است.

با بررسی دو دوره طلایی مسجد در دوران معاصر می‌توان علت رونق مسجد را فهمید. در دوره نهضت امام راحل و دوره دفاع مقدس، مسجد از دو آرمان مشخص و مورد توجه مردم برخوردار بود. آرمان مبارزه با رژیم فاسد پهلوی و آرمان دفاع از کیان و موجودیت انقلاب نوپای اسلامی. هر دو آرمان به میزان کافی بزرگ و قابل فهم و لمس برای عموم بود تا اقشار مختلف نسبت به تحقق آنها احساس تکلیف نمایند؛ و چه جایی برای حضور اقشار مختلف مردم بهتر از مسجد. وجود این آرمان‌های بزرگ بر هواهای نفسانی و اهداف کوچک فردی سایه افکنده بود و مجالی برای ایشان فراهم نمی‌آورد تا اختلافات اهالی مسجد سدی در برابر حضور مردم گردد. کسی برای کار کردن در مسجد مواخذه نمی‌شد. اما به مرور بعد از جنگ و کم رنگ شدن تهدیدات ظاهری جبهه باطل و احساس آرامش نسبی جامعه نسبت به خطراتی که انقلاب را تهدید می‌نمود، مساجد بدلیل بی‌هویت و نبود آرمانی جایگزین در نسبت با انقلاب اسلامی، از جایگاه محوری خود در تحولات اجتماعی به حاشیه رانده شد.

شاید بتوان علت اصلی در تقلیل کارکردهای مسجد را عدم توانایی حاکمیت در ایجاد گفتمانی فراگیر و قابل فهم برای عموم مردم به منظور احساس تکلیف مردم برای حضور پررنگ در صحنه اجتماع دانست. به عهده گرفتن اکثریت مسئولیتها توسط نظام و حجیم شدن دولت و حاکمیت و ایجاد این احساس که نمایندگان مردم در حاکمیت از پس مشکلات فراروی نظام نوپای اسلامی بر خواهند آمد، و محدود شدن حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام به انتخابات‌ها و راهپیمایی‌ها، منجر به ایجاد احساس آرامش کاذب در مردم و خالی شدن صحنه اجتماع از حضور ایشان گردید.

پررنگ شدن رسانه‌های رقیب

در قبل از انقلاب و بعد از آن در دوران دفاع مقدس، مسجد بدلیل نبود رسانه‌های رقیبی همچون تلویزیون با چند شبکه و شبانه‌روزی بودن آن، تلفن همراه، رایانه، اینترنت و... بار بسیاری از رسانه‌های دیگر را که تا آن زمان موجود نبودند بر دوش می‌کشید. اما با ورود تدریجی رسانه‌های جدید که از جذابیت و تازگی برخوردار بودند، کم‌کم از کارکردهای مسجد کاسته شد و رسانه‌های جدید مخاطبین را جذب خود کردند. دیگر شنیدن سخنرانی تنها منحصر به مسجد نیست؛ بهترین سخنرانان در بهترین زمان ممکن را

می‌توان از طریق تلویزیون انتخاب نمود و پای صحبت‌شان دراز کشید! و خود را محدود به سخنرانی امام جماعت مسجد در ساعتی خاص و با ادبی خاص، نکرد. نیاز به توجه کودک و نوجوان آن روز با مکبر شدن در مسجد پاسخ داده می‌شد؛ اما امروز کودک و نوجوان شما می‌تواند با راه‌اندازی یک وبلاگ خود را مطرح کرده و مخاطبین زیادی را جذب فکر و کار خود نماید بدون آنکه در بیرون از خانه کاری کرده باشد. تلفن همراه و پیامک جای دید و بازدید دوستان در مسجد را گرفته و لازم نیست در سرما و گرما زحمت رفتن به مسجد را به خود داد. سوالات و شبهات دینی به راحتی از طریق تلفن و اینترنت و تلویزیون قابل رفع شدن است و نیازی به ارتباط رو در رو با امام جماعت و با خلق و خویی خاص! نیست.

- نبود برنامه‌ریزی حاکمیت برای دادن نقش محوری به مسجد
- ایجاد فرهنگسراها و مراکز فرهنگی

در اواخر دوران سازندگی و با افزایش درآمد شهرداری‌ها بخصوص در شهرهای بزرگ، شهرداری نقش محوری را در مدیریت شهری به خود اختصاص داد. در این دوران شهرداری‌ها با توجه به بودجه زیادی که از طریق عوارض شهری عایدشان می‌شد و از طرفی ناچیز بودن بودجه‌های فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی، حضور در عرصه فرهنگی با موضوعات شهروندی را به عنوان یک وظیفه و در راستای مدیریت شهری تعیین نمودند.

متأسفانه با توجه به هدف بودن ارتقاء فرهنگ شهروندی مردم، مسجد مکان مناسبی برای پیگیری هدف مذکور تشخیص داده نشد و شهرداری‌ها خود اقدام به ایجاد مراکز فرهنگی جدید با عنوان فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ نمودند.

نبود محدودیت برای حضور اقشار مختلف، استفاده از قالب‌های جذاب هنری برای ارائه مفاهیم، پاسخ به نیازهای روز جوانان و .. از جمله دلایلی رونق فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ در مقایسه با مساجد است.

علل منتسب به مسئولین و سازمان‌های متولی امور مسجد

- وجود سازمان‌های زیاد درگیر در امر مسجد

بیش از ۱۴ دستگاه و ارگان در خصوص مسجد و مدیریت آن مسئولیت دارند. مسئولیت‌هایی که بعضاً موازی می‌باشد. تعدد مراکز تصمیم‌گیری در خصوص مسجد و

جزءنگری این دستگاه‌ها در سیاست‌گذاری متناسب با اهداف سازمانی خود، برای مسجد به جای داشتن نگاهی کلان نسبت به مسجد به منظور رونق بخشی به مسجد و ارتقاء جایگاه آن در تحولات اجتماعی و محوریت دادن به آن در تصمیم‌گیری‌ها و تاثیرگذاری‌ها محله و شهر، از جمله دلایل ایجاد وضعیت متشتت و متضاد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری موجود در مساجد است.

• عدم وجود برنامه‌ریزی کلان برای هماهنگی و انسجام بین دستگاه‌ها

متاسفانه شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجعی فراسازمانی و سیاست‌گذار اصلی در خصوص موضوعات و مسائل فرهنگی به وظیفه خود در قبال ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط در امور مسجد عمل ننموده و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان و مبتنی بر چشم‌اندازی مشخص در خصوص مسجد وجود ندارد.

• نبود فهم درست از جایگاه مسجد در بین مسئولین فرهنگی

زمانی می‌توان به رونق مساجد و فعال شدن آنها در روند تحولات اجتماعی کشور امید داشت که مسئولین امر فرهنگ، خود به اهمیت و جایگاه مسجد در نظام اسلامی و کارکردهای فراوان آن در صورت فعال شدن، اعتقاد و ایمان داشته باشند و با نگاهی جهادی برای ارتقاء جایگاه مسجد کوشش نمایند. اما متاسفانه برخی از مسئولین فرهنگی کشور از این نگاه بی‌بهره بوده و اهمیت و جایگاه مسجد در نگاه ایشان در اولویت‌های بعدی و فرعی قرار دارد.

• عدم فرهنگ‌سازی در خصوص جایگاه مسجد

متاسفانه با توجه به عدم درک درست جایگاه مسجد توسط مسئولین، در خصوص فرهنگ‌سازی در بین مردم برای حضور در مساجد و استفاده از برکات بیشمار این حضور، نیز کم‌کاری صورت گرفته است. عدم اهتمام صدا و سیما به این موضوع، نبود فیلم و رمانی مشخص و جذاب برای این کارکرد، نبود این دغدغه در کتاب درسی دانش‌آموزان، و ... از جمله موارد کم‌کاری در این خصوص است که منجر به اهمیت‌زدایی جایگاه مسجد در ذهن مردم شده است.

علل منتسب به ارکان مسجد

• علل منتسب به امام جماعت

همانطور که در این پژوهش بیان شده امام جماعت به عنوان مدیر سازمان مسجد، تاثیرگذارترین عنصر در معادلات مسجد است. فعال یا غیر فعال بودن امام جماعت منجر به اثر مستقیم بر فعال یا غیرفعال بودن مسجد دارد.

مسجد یک مدیر طبیعی دارد و او امام جماعت است. (مقام معظم رهبری)
متأسفانه امام جماعت هم همانند مسئولین به جایگاه، اهمیت و میزان تاثیرگذاری مسجد در نظام اسلامی واقف نبوده و بعضاً میزان تاثیرگذاری خود در یک کلاس درس را از حضور به عنوان امام جماعت یک مسجد بیشتر می‌داند.

عمده عللی که منجر به کاهش حضور مردم در مسجد و تقلیل کارکردهای مسجد و ربط مستقیم به امام جماعت دارد به شرح زیر است:

• هنسال و بی‌حوصله بودن بسیاری از امامان جماعت

به طور معمول با افزایش سن، صبر و حوصله افراد کم شده و از تحرک و پویایی ایشان کاسته می‌شود؛ و این ویژگی با شأن امام جماعت در فعال نمودن مسجد و ارتباط گیری با تمامی سنین از جمله کودکان و نوجوانان در تضاد است.

• وابستگی شدید مالی امام جماعت به هیات امناء و بالتبع رعایت حال ایشان در تصمیم‌گیری‌ها

استقلال و حریت امام جماعت از اصولی است که می‌تواند او را در تصمیم‌گیری و اعمال تصمیمات، کمک نماید. و هر موردی که باعث خدشه‌دار شدن این امر گردد منجر به تنزل جایگاه امام جماعت به عنوان مدیر سازمان مسجد گردد. وابستگی مالی به هیات امناء یکی از موارد شایع در خدشه‌دار شدن این اصل در بین ائمه جماعات است.

• به روز نبودن امام جماعت

با رشد سریع تکنولوژی و دست‌آوردهای بشری، امام جماعت برای تاثیرگذاری بیشتر و موفقیت در ارتباط با نسل نوجوان و جوان نیازمند به کسب اطلاعات جدید و ارتباط با رسانه‌های جدید است. امام جماعت باید بتواند به زبان مردم امروز صحبت نماید. سخنرانی‌های مغلق گونه و سنگین و استفاده از الفاظ تخصصی، کانال ارتباط با مخاطب امروزی را دچار مشکل می‌نماید. امام جماعت مسائل امروز نسل جدید را نمی‌داند و به همین دلیل نمی‌تواند با ایشان ارتباط نخست و اولیه را برقرار نماید تا در ادامه ارتباط در هدایت فرد موثر واقع شود.

• وجود نگاهی فردی و مناسکی به دین

اعتقاد به فردی بودن دین و تنها اهمیت داشتن احکام فردی دین در ذهن امام جماعت و نداشتن دغدغه نسبت به اولویت‌ها و مسائل نظام اسلامی، و جهان اسلام منجر به آن شده است تا امام جماعت با هیچ فعالیتی در مسجد به غیر از برپایی نماز و مناسک مذهبی موافقت نداشته باشد. این نگاه بعضاً تا حدی پیش می‌رود که انجام فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی در مسجد بی حرمتی به نماز و جماعت تلقی می‌گردد.

• مشغله زیاد امام جماعت

همانطور که در وضعیت موجود مساجد بیان شده یکی از دلایل عمده رکود مساجد و غیرفعال بودن آنها، حضور بسیار رقیق و کم رنگ امام جماعت در مسجد است. حضور در هنگام اذان یا حتی بعد از آن و ترک مسجد قبل از مامومین، در تضاد کامل با احیای کارکردهای فراموش شده مسجد است.

• عدم ارتباط امام جماعت با مامومین

برخی از ائمه جماعت به دلیل مشغله زیاد و یا احساس کسر شأن به صورت خودجوش و فعال با مامومین ارتباط برقرار نمی‌نمایند. ارتباط امام جماعت با مامومین در سنین مختلف، جویای حال ایشان شدن، تلاش برای رفع مشکل ایشان، عیادت مسجیدی‌های بیمار، تشویق مسجیدی‌های موفق، ارتباط صمیمانه با کودکان و

نوجوانان و جوانان مسجدی و محله، همه از عواملی است که می‌تواند به حضور پرنرنگ‌تر مردم در مسجد و فعال شدن مسجد منجر گردد که متأسفانه برخی از امامان جماعت از این ظرفیت عظیم استفاده لازم را نمی‌برند.

• عدم حساسیت نسبت به منطقه و محله مسجد

با اینکه در آیین نامه شرح وظایف ائمه جماعات مساجد در خصوص حساس بودن نسبت به منطقه مسجد تاکید شده است؛ اما برخی از ائمه جماعات مساجد تنها حیطه وظیفه خود را محیط مسجد در نظر می‌گیرند. و شأن خود را ورود به مسائل محله همچون گرانفروشی مغازه‌های، فقر، وجود فضای غیر اخلاقی، حجاب و ... نمی‌دانند.

• علل منتسب به مامومین

یکی از دلایلی که حضور برخی از اقشار جامعه بخصوص نوجوانان و جوانان کم‌رنگ شده است را می‌توان در رفتار برخی از مامومین مسجد مشاهده نمود. برخورد غیر اخلاقی و تند با اشتباهات کوچک سنین پایین، عدم رعایت ادب حضور در مسجد همچون پوشیدن لباس پاکیزه و معطر بودن، عدم اجازه به فعالیت‌هایی فرهنگی و اجتماعی در مسجد قبل و بعد از نماز و ... از جمله مواردی است که منجر به کاهش جذابیت مسجد برای سنین پایین گردد.

• علل منتسب به هیات امناء

در آیین نامه شرح وظایف هیات امناء مرکز رسیدگی به امور مساجد مواردی همچون:

• تلاش در افزایش نقش آفرینی مسجد در امور اجتماعی با هماهنگی مسئولین مربوطه

• برنامه‌ریزی برای عیادت از بیماران، تفقد و دلجویی از خانواده‌های گرامی شهداء و ایثارگران

• شناسایی دانش آموزان ممتاز و نخبگان

• رسیدگی به امور نیازمندان، بیماران و ایتام و تلاش در جهت رفع مشکل آنها

آورده شده است اما اکثریت هیات امناء مساجد، اقدامی در جهت انجام این وظایف به عمل نمی‌آورند.

اعضای هیات امناء معمولاً افرادی با سن بالا و دارای تمکن مالی در حد قابل قبولی هستند و معمولاً خود جزء بانیان احداث و تعمیر مسجد محسوب می‌شوند. از این جهت برای خود در مسجد حقوقی را قائل هستند و بعضاً در مقابل امام جماعت نیز از این حقوق کوتاه نمی‌آیند.

هیات امناء در اکثر مساجد کشور وظیفه تامین مالی هزینه‌های مسجد را بر عهده دارد. و تمامی فعالیت‌های که قرار است در مسجد انجام گیرد را با شاخص وجود یا عدم وجود هزینه برای مسجد مورد ارزیابی قرار می‌دهد و کاری به رسالت و مأموریت مسجد و کارکردهای آن ندارد. در نگاه ایشان وظیفه مسجد تنها برگزاری نمازجماعت است. نماز جماعت هم فقط برای کسانی که به سن تکلیف و وجوب ادای نماز رسیده‌اند. در منظر ایشان انجام کارهای دیگر از جمله فعالیت‌های تربیتی برای سنین پایین یا انجام فعالیت‌های فرهنگی، انقلابی و ... در مسجد فقط باعث افزایش هزینه‌ها و آسیب به مسجد می‌شود.

روابط امام جماعت و هیات امناء بستگی به جایگاه امام جماعت دارد. در صورتی که امام جماعت از جایگاه بالایی در علم و اخلاق برخوردار بوده و در مسایل مالی از حریت و استقلال برخوردار باشد، هیات امناء از او حرف شنوی دارند در غیر این صورت، معمولاً امام جماعت سعی می‌کند برخلاف رأی و نظر ایشان سخنی نگوید.

• علل منتسب به خیرین

خیرین نیز همانند هیات امناء بدلیل اینکه در احداث یا تعمیر مسجد نقش اساسی داشته‌اند، بعضاً حقوقی را بر خود مفروض می‌دانند؛ از جمله این حقوق نظر در مورد فعالیت‌هایی است که می‌تواند در مسجد صورت پذیرد. بعضاً با هر نوع فعالیت فرهنگی، انقلابی یا حرکت‌های سیاسی- به معنای بصیرت‌افزایی مردم- به مخالفت می‌پردازند که این خود سدی در برابر احیای کارکردهای مسجدها صدر اسلام است. در صورتی که مساجد جزء وقف عام بوده و هیچ متولی ندارد، کمک به مسجد به هر نوعی که باشد برای

هیچ فردی حق ایجاد نمی‌کند و امام جماعت مسجد است که مدیریت مسجد را بر عهده دارد.

• علل منتسب به فعالین فرهنگی مسجد

متأسفانه فعالین فرهنگی علاقمند به انقلاب و نظام اسلامی درک درستی از جایگاه مسجد و آثار بیشمار آن ندارند و به خود زحمت حضور در مسجد و پیگیری دغدغه‌های خود را نمی‌دهند. با توجه به مصاحبه‌هایی که با فعالین فرهنگی مشغول در داخل و بیرون از فضای مسجد صورت پذیرفت دلایل زیر به عنوان عمده دلایل عدم حضور برخی از فعالین فرهنگی در مسجد عنوان گردید:

• نبود نگاهی درست در خصوص مسجد و جایگاه آن در اثرگذاری فرهنگی

مسجد و محوریت نماز در فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی جلوی بسیاری از انحرافات احتمالی در طی مسیر رسیدن به اهداف را گرفته و عمق و گستره تاثیرگذاری فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد.

متأسفانه فعالان فرهنگی درک درستی از مسجد ندارند. ایشان به اثرگذاری مضاعف مسجد در فعالیت‌های فرهنگی باور نداشته و از ظرفیت عظیم آن استفاده نمی‌کنند.

• نبود صبر و تحمل سختی در کار فرهنگی

اکثر فعالین فرهنگی بدنبال انجام فعالیت‌های زود بازده و کم در دسر هستند. به تعبیر دیگر فعالین فرهنگی انتظار دارند با کمترین وقت گذاری و کمترین سختی به بیشترین و بهترین اثرگذاری فرهنگی نائل گردند؛ در صورتی که کار فرهنگی کاری بلندمدت و همراه با سختی‌های فراوان است. حضور در مسجد قطعاً با سختی‌های فراوانی همراه است و نیاز به همراهی با متولیان مسجد تا تغییر نگاه و نگرش ایشان دارد و این امر در کوتاه مدت حاصل نمی‌گردد و نیاز به داشتن روحیه کار جمعی، صبر، تحمل سختی، تغافل و ... داشته تا گشایش حاصل شود.

• نداشتن استقلال در تصمیم‌گیری

یکی از دلایلی که مجموعه‌های فرهنگی و فعالین را از حضور در مسجد باز می‌دارد، نداشتن استقلال در تصمیم‌گیری هاست. هر مجموعه فرهنگی دوست دارد در راستای اهدافی که برای مجموعه خود تعیین نموده است، برنامه‌ها و اقداماتی را انجام دهد و دخالت افرادی خارج از مجموعه در این مسیر برای ایشان خوشایند نیست؛ که در فضای موجود مساجد امام جماعت، هیات امناء و سایر مجموعه‌های فرهنگی موازی در مسجد، سدی برای این استقلال محسوب می‌شوند.

• نداشتن استقلال مالی

برخی از موسسات و مجموعه‌های فرهنگی در راستای گسترش فعالیت‌ها و برنامه‌های خود و انجام تولیدات فرهنگی در قبال خدماتی فرهنگی که مردم عرضه می‌نمایند، درآمدی را نیز کسب می‌کنند؛ این درآمدزایی در تضاد با خدمات رایگان و عام المنفعه مسجد به مردم است و معمولاً امام جماعت و هیات امناء زیاد موافق با انجام چنین فعالیت‌هایی در مسجد نبوده و یا در میزان و نحوه هزینه‌کرد درآمدهای کسب شده اظهار نظر می‌کنند.

• عدم جذابیت مسجد برای مخاطبین

یکی از دلایلی را که برخی از فعالین فرهنگی در خارج مسجد به عنوان دلیل عدم حضور خود بیان می‌کردند، عدم وجود جذابیت مسجد برای حضور مخاطبین و استفاده از برنامه‌های مجموعه‌های فرهنگی است. ایشان بیان می‌داشتند که در نگاه عموم مردم، مسجد مربوط به یک طیف خاص بوده و نمی‌توان انتظار داشت تمامی مخاطبین مجموعه‌های فرهنگی علاقمند به حضور در مسجد باشند و از این جهت هر مجموعه فرهنگی که در مسجد فعالیت می‌کند باید قید بسیاری از مخاطبین بالقوه خود را بزند و با یک طیف مذهبی مسجد رو در تعامل باشد؛ در صورتی که برخی از مجموعه‌ها رسالت خود را تعامل با قشر متنوعی از مخاطبین هدف‌گذاری نموده‌اند و این اهداف با حضور در مسجد در وضعیت موجود مسجد در تناقض است.

• نبود فضای کافی برای حضور فعالین فرهنگی

معمولاً در مساجد پایگاه‌های بسیج و در برخی از مساجد کانون‌های فرهنگی هنری از مکانی مشخص برخوردارند؛ اما فضای دیگری برای حضور سایر تشکلهای و مجموعه‌های فرهنگی در مسجد موجود نیست. بدلیل این نگاه که تنها کارکرد مسجد برپایی نماز جماعت است، اکثریت مساجد کشور از فضاهایی به غیر از شبستان اصلی مسجد، برای انجام سایر کارکردهای مسجد بی‌بهره‌اند؛ و در دید فعالین فرهنگی، ورود تشکلهای و موسسات فرهنگی در این وضعیت به مساجد با انسجام تشکیلاتی و استقلال عمل ایشان در تضاد است.

• خادم

با اینکه خادمین مسجد از لحاظ جایگاه سازمانی در پایین هرم قرار دارند اما از جهت تاثیر گذاری در رونق مسجد، از جایگاه بالایی برخوردار است. از جمله مسائل موجود مربوط به خادمین مساجد عبارتند از:

• پیر و کم حوصله بودن خادمین

عمدتاً خادمین مساجد بدلیل پیری، حوصله ارتباط با کودکان، نوجوانان و جوانان ندارند. این ویژگی منجر به عدم ایجاد فضایی برای حضور جدی نسل جوان برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و سایر فعالیت‌ها در مسجد می‌شود.

• نبود تامین مناسب مالی برای خادم

حقوق خادم مسجد در اکثر مساجد از ضابطه خاصی برخوردار نیست و معمولاً میزان حقوق دریافتی متناسب با عملکرد ایشان پرداخت نمی‌شود. همین موضوع بر کیفیت عملکرد خادم مسجد بسیار تاثیر دارد.

• عدم احراز شرایط خادم

معمولاً در جذب خادم مسجد شرایط استاندارد رعایت نمی‌شود. معمولاً بدلیل حقوق کمی که به خادم مسجد اختصاص می‌یابد، از افرادی که نیاز مادی دارند استفاده می‌شود.

علل منتسب به بنا و امکانات مسجد

• کوچکی مساحت مسجد

در برخی از محلات، میزان مساحت مسجد متناسب با تعداد و حجم مردم محل نیست و همین کوچکی خود مانعی برای حضور بیشتر مردم محسوب می‌شود.

• نبود بهداشت مناسب

بهداشت مساجد از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. بهداشت صحن اصلی مسجد و بخصوص سرویس‌های بهداشتی از وضعیت مناسب و درخور مسجد برخوردار نیست.

• کهنگی وسایل مسجد

متأسفانه وسایل استفاده شده در مسجد از وسایل کهنه و دست دوم است.

• نامناسب بودن بنا برای حضور زنان

معمولاً مکان نماز زنان در مساجد در طبقه فوقانی مسجد تعبیه می‌شود. دسترسی به این مکان معمولاً از طریق پله‌های زیادی است که حضور زنان با سنین بالا را دچار مشکل می‌نماید. کوچکی این فضا نیز از دیگر مشکلات قسمت زنان در مساجد برای حضور ایشان است.

نقاط قوت و ضعف در بهره‌مندی از ظرفیت مسجد

در این بخش با توجه آگاهی از جایگاه و نقش محوری مسجد در ایجاد و تثبیت انقلاب اسلامی و نیز شناسایی شرایط و وضعیت موجود، برخی از نقاط ضعف و قوت شرایط موجود در راستای بکارگیری ظرفیت‌های مسجد در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی به عنوان تکمیل مباحث آسیب‌ها و عوامل موثر در عملکرد مساجد پرداخته می‌شود.

• نقاط ضعف

• در دهه دوم انقلاب و بعد از اتمام جنگ، با تغییر فضای سیاسی و فرهنگی کشور، و با آشکار شدن مسائل اجتماعی مانند افزایش اعتیاد به مواد مخدر، کاهش

جاذبی‌های اسلام سیاسی، گسترش ارزش‌های غیر دینی و وضعیتی که آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب آن را «تهاجم فرهنگی» نامید، باعث شد تا توسعه‌ی فرهنگ دینی نیز به مأموریت‌های مسجد اضافه شود؛ مأموریتی که به نحو سنتی جزء ساختاری کارکردهای مسجد محسوب می‌شد اما در نتیجه تحولات سیاسی دهه‌ی نخست انقلاب و به ویژه جنگ تحمیلی کمتر درباره آن صحبت می‌شد.

- عدم تجمع نیروهای فکری- سیاسی مختلف در برخی مساجد و گرایش به وجود تک صدایی در آنها.

- امروز، توسط نهادها و دستگاه‌های اجرایی مراکز متعددی در قالب پایگاه‌های فرهنگی و دینی در سطح کشور راه‌اندازی شده و توجّه بسیاری از نوجوانان و جوانان و میانسالان را به خود جلب نموده است. در برخی موارد، این مراکز و نهادها، موجب خالی شدن مساجد از عموم مردم و غیرفعال شدن آنها گردیده است. نمونه بارز آنها، برخی تکایا، مهدیه‌ها، حسینیه‌ها، عزاخانه‌های موقت احداثی، فرهنگ‌سراها و مانند آن هستند. این مراکز به جای اینکه در دل مساجد و تحت نظارت معنوی و اعتقادی آن ساخته شوند، مساجد در داخل این اماکن تعبیه و استقرار یافته است. علاوه بر آن، وجود برخی نهادها و سازمان دینی، با موازی‌کاری و هم‌پوشانی اهداف سازمانی، مشکلات را افزون نموده است و با تداخل برنامه‌های غیرهماهنگ و تشابه فعالیت‌ها، موجبات دل‌زدگی مردم و مخاطبان مسجد را موجب شده است. به نظر می‌رسد که این رقبا به کمک امکانات و اعتبارات و نیروهای انسانی آموزش‌دیده، به راحتی جای مساجد را گرفته‌اند و به عنوان رقیب برای مساجد مطرح هستند.

- از آسیب‌های تکایا این است که ضمن کاهش رونق مساجد، برخی فعالیت‌های غیرمسجدی (به خاطر تقدّس کمتر) در آن انجام می‌شود. همچنان که برخی احکام فقهی مسجد و تخفیفاتی (حضور بانوان معذور و حتّی حضور افراد غیرمسلمان) که در نگهداری تکایا در نظر گرفته شده بر این مطلب گواهی می‌دهد.

- حسینیه، پس از مسجد، پرکاربردترین مکان مذهبی در میان شیعیان است و از رقبای جدّی و قدرتمند مساجد بوده و موجب خالی شدن مساجد می‌گردند. یکی از دلایلی که بر اساس آن به ساخت حسینیه‌ها اقدام می‌شود این است که در نحوه

بنای مسجد، مکانی برای عزاداری زنان یا جائی برای برپائی برخی مراسم‌های زنانه ساخته نمی‌شود. نامتناسب بودن حجم جمعیت تحت پوشش برخی مساجد با فضای مساجد، عامل دیگر ایجاد حسینیه‌ها بوده است. برخی از مهندسان و معماران در ساخت مسجد، جایگاهی برای زنان ضمن رعایت موارد خاص زنانه، در نظر نمی‌گیرند. این امر موجب می‌شود که پس از اتمام بنای مساجد، متولیان به ساخت حسینیه در کنار مسجد اقدام نمایند. این عمل مستلزم تحمّل هزینه‌های مجدد و مضاعف در عمران و توسعه بنای مساجد است.

متأسفانه به دلیل عدم فعالیت (مناسب) مسجد و به دلیل بسته بودن درب آن گاهی اوقات، (برخی فعالیت‌های خاص مسجد، مانند) کلاس‌های اخلاق، قرآن و احکام و... در سرای محله‌ها و یا حسینیه‌ها برگزار می‌شود که این امر با «مسجد تراز اسلامی» مغایر است.

• با بررسی بیشتر وضعیت فعلی اماکنی چون فاطمیه‌ها و زینبیه‌ها و انجام مصاحبه حضوری با برخی بانیان و متولیان این مکان‌ها، مشخص می‌شود که فلسفه وجودی این بناها معذوریت شرعی بانوان برای شرکت در مراسمات مذهبی منعقد شده در مساجد، عدم همکاری مدیران مساجد یا متولیان مسجد برای مراسمات خاص و مستقل زنانه، ناتوانی زنان برای حضور در مسجد به دلیل بعد مسافتی خانه نسبت به مسجد، توجه و اعتقاد داشتن به برخی خواب دیدن‌ها و رؤیاهای برخی عارفان و زنان مؤمنه، فقدان مکان مناسب بانوان در مساجد یا ناکافی بودن امکانات و تجهیزات فضای بخش زنانه در مساجد احداث شده و... بوده است. در برخی روستاهای کوچک هنوز مسئله حضور زنان در مساجد و محافل مذهبی به طور کامل حل نشده و این نگرش یا آثاری از این طرز فکر در ساختن مساجد یا مرمت و توسعه مساجد، اساس تصمیمات متولیان امر است. این بناها موجب دور شدن بانوان از مساجد می‌شود و آنها در مراسمات و مجالس مساجد شرکت نمی‌کنند. بسیاری از مساجد به این دلیل، خالی از حضور زنان و دختران است و تعصب خاص و ترجیح جنسیتی که متأسفانه با اعتقادات هم‌عجین شده، موجب شده است که مجالس زینبیه‌ها و فاطمیه‌ها

پُرازدحام‌تر از محافل مساجد باشد؛ به گونه‌ای که در بیشتر موارد افراد به دلیل ظرفیت محدود این مکان‌ها، از مدت‌ها قبل از مراسم، در آن حضور می‌یابند و به انتظار شروع مراسم می‌نشینند. هرچند بیشتر بانوان به دلیل معذورت به حضور در این مکان‌ها ترغیب می‌شوند، ولی این عدم توجه موجب می‌شود که در شرایط عادی و رفع معذورت‌های شرعی باز هم به مساجد توجهی نداشته و مسجد خالی از حضور زنان باشد. این در حالی است که در آموزه‌های اسلامی به حضور بانوان در مساجد سفارش شده است.

• از مصادیق مساجدی که کارکرد مثبت کمتری در زمینه موضوع تحقیق دارند مساجد غیر پویا هستند که در آن بغیر از نماز و دعا هیچ‌گونه حرکت و تحرک اجتماعی صورت نمی‌گیرد. آنگونه که حجه الاسلام قرائتی تاکید می‌کند؛ مساجدی که از یک سو به دوستان رحمتی و نظری نداشته و از سوی دیگر نسبت به کفار بدون عکس‌العمل‌اند در واقع ۵۰ درصد مسلمان‌اند و مابقی را کم دارند.

در موازات این کارکرد منفی، در برخی مساجد اتخاذ رویه‌های سیاسی پر تنش و جهت‌دار یا یک سو نگر، جناحی و تنگ‌نظرانه که ملاک صلاحیت نمازگزاران را پذیرش این دیدگاه‌ها تعریف می‌کنند، فاقد دستاوردهای انقلابی اصیل و مانع تجمیع مردم برای اهداف مشترک نظام است.

• فرهنگ که قابل قیاس به یک خزانه تجربه است می‌تواند محتویات تجربه شده خود را به نسل‌های بعدی انتقال دهد. عناصر فرهنگ شامل روش‌های استاندارد فعالیت، مفروضه‌های بیان نشده، ابزارها، هنجارها، ارزش‌ها و عبارات در انتخاب محیط می‌باشد. اطلاعات انتخاب شده از محیط که اثرگذار بر شناخت و ادراک است از متغیرهای فرهنگی تاثیر می‌پذیرد. لذا روان‌شناسان توجه ویژه‌ای به نقش متغیرهای فرهنگی در شکل‌گیری شناخت و ادراک انسان می‌نمایند. فرهنگ قراردادهایی را برای انتخاب اطلاعات خاص گسترش می‌دهد و برای افراد در شرایط انتخاب تعیین‌کننده میزان وزنی است که به عناصر موجود در محیط داده می‌شود. برای مثال افراد در فرهنگ‌های سلسله‌مراتبی بیشتر احتمال دارد به انتخاب نشانه‌های مربوط به سلسله‌مراتب مبادرت ورزند. این بحث

مطرح شده است که در فرهنگ‌های فردگرا از قبیل امریکای شمالی و اروپای غربی افراد به احتمال بیشتری عناصر خود فردی از قبیل «من فعال هستم» یا «من مهربان هستم» را انتخاب می‌کنند. اما افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا از قبیل آسیای شرقی، آفریقا و امریکای جنوبی بیشتر تمایل دارند عناصر خود جمعی از قبیل «خانواده‌ام فکر می‌کنند که من فعال هستم» یا «همکارانم فکر می‌کنند که من مهربان هستم» را مورد استفاده قرار دهند.

این فرضیه مطرح است که جمع‌گرایی در جوامعی که ساده و منسجم می‌باشند بیشتر است. در فرهنگ‌های جمع‌گرا افراد وابسته به گروه‌هایشان هستند، برتری و تفوق را به اهداف گروهی می‌دهند، رفتارشان عمدتاً بر اساس هنجارهای پذیرفته شده درگروه هدایت می‌گردد و غالباً به صورت اجتماعی رفتار می‌کنند. جمع‌گرایی که فرض می‌گردد بیشتر در جوامع غیرغربی قابل ردیابی باشد، برآن دسته از روابط بین فردی متمرکز است که هماهنگی گروهی را از طریق انجام به موقع و مناسب نقش‌ها، وظایف و الزامات پیش می‌برد.

فردگرایی قطب مقابل جمع‌گرایی است و تأکید عمدتاً بر اعتماد به نفس، استقلال از دیگران و منحصر به فرد بودن می‌باشد. ارزش‌های فردگرایی شامل استقلال، آزادی، خودشکوفایی، جرات‌ورزی و احساس منحصر به فرد بودن شخصی می‌باشد. در گفتمان انسان‌شناختی، خود «غربی» به صورت مستقل و خودکفا تصویر می‌گردد. در حالی که ادارک خود غیرغربی به وسیله نفی این کیفیت‌ها یا ویژگی‌ها مشخص می‌گردد. نشانه‌های فراوانی اکنون به واسطه شواهد علمی وجود دارد که جامعه ایران در حال گذار از فرهنگ جمع‌گرایانه پیش و ابتدای انقلاب اسلامی به سمت فردگرایی غربی در دهه‌های اخیر می‌باشد و این کمی فعالیت‌های انسجام‌بخش و جمع‌گرایانه در قالب برنامه‌های دینی مساجد را در جهت نیل به مقاصد انقلابی دشوارتر می‌سازد. در دوران انقلاب ارتباط مردم و مساجد بسیار در هم تنیده بود به نحوی که مجالس ازدواج و.. نیز در مساجد و حسینیه‌ها برگزار می‌شد.

• در حال حاضر مساله تغییر نوع تقسیم کار جامعه ایران از حالت مکانیکی (سنتی) به ارگانیکی (مدرن) بیش از هر زمان دیگر در حال رخداد رو به تزايد

است به این معنی که با تخصصی شدن هر چه بیشتر نقشها، مشاغل و... حوزه‌های فعالیت روحانیت محدود و محدودتر از گذشته تعریف می‌شوند. بطوریکه نقش قاضی در اختلافات مردمی، نقش پدری در اختلافات خانوادگی، مشاوره‌ای در تنش‌ها، نگرانی‌ها و اختلالات فردی و... کمتر از هر زمانی دیگری برای روحانیون و ائمه جماعات تعریف شده و انتظار می‌رود. در حالی که در دوران انقلاب و دفاع مقدس نقش‌های ائمه جماعات بسیار وسیع‌تر از این در نظر مردم تعریف و بسط یافته بود. این مساله باعث می‌شود که ائمه جماعات کمتر از گذشته محل رجوع اقشار مردم باشند، جایگاه سابق را نداشته و بالطبع محبوبیت و نفوذ گذشته را نداشته باشند. چون نهادهای امروزی به رقبای امروزمین ائمه جماعات مبدل شده‌اند. مانند روان‌شناسان، نیروهای انتظامی، اساتید دانشگاه، قضات و... .

• در گذشته روش‌های تبلیغی سنتی (بطور مثال تبلیغات شفاهی مانند سخنرانی) بیشتر از زمان حاضر مورد پذیرش و جذابیت داشت. اما با توسعه فضاهای مجازی و رسانه‌ای، انتقال فرهنگ با روش‌های سنتی که در مساجد همچنان بیشتر بروز و ظهور دارند از قدرت جذابیت و تاثیرگذاری کمتری به ویژه برای نسل‌های جوان برخوردارند.

• از گذشته، ساخت و مرمت مساجد علاوه بر کارکردهای آشکار از برخی کارکردهای پنهان برخوردار بوده است که عمده‌ترین آن تثبیت جایگاه حکومت‌ها بوده است. در زمان حاضر مساجدی که با کمک مستقیم دولت ساخته شده و یا در صورت عدم حمایت دولت، دارای بانیان مردمی که قویاً مدافع جمهوری اسلامی بوده‌اند، در برخی موارد مبادرت به ساخت و مرمت مساجد به نحو بسیار مجلل و گاهی بسیار تجملاتی کرده‌اند که این علیرغم نیت پسندیده بانیان آن، متاسفانه مغایر با مبانی ارزشی انقلابی و اسلامی بوده و از این رو نمی‌تواند مردم را در مسیر هدف مشترک انقلابی آموزش داده و راهبر باشد.

• با توجه به ضعف آموزش رسمی در دوران انقلاب، فعالیت‌های هنری در مساجد بسیار بیشتر از زمان فعلی بود. به حدی که در نمایش‌ها از زبان طنز در نقد نارسایی‌های حکومت پهلوی بهره می‌گرفتند. بخصوص که از حیث یافته‌های

علمی، در زمان بروز سختی‌ها و حوادث و نگرانی‌ها، کاربرد زبان طنز و نیاز نسبت به آن بیش از زمان‌های دیگر احساس می‌شود.

• در دوران انقلاب مساجد مامن و محل اجتماع طیف‌های متنوع فکری و عقیدتی مردم بود (روشنفکر، ملی، ملی - مذهبی، مذهبی و ...) که در کنار یکدیگر در جهت تحقق اهداف مشترک گام برمی‌داشتند. متأسفانه اکنون جذب حداکثری به نحوی که به اجتماع همه نیروهای مردمی منتج شود چنین به نظر می‌رسد که در بسیاری موارد تحقق نمی‌یابد.

• یکی از فعالیت‌های رژیم پهلوی در مسیر مدرنیزاسیون و غربی سازی جامعه، تلاش در جهت جلب کردن زنان و بهره‌گیری از پتانسیل آنان بود. بطوریکه با اعمال کشف حجاب، طرح بحث آزادی زنان و ... تلاش‌هایی در این زمینه ترتیب دادند. بانوان به جهت در اختیار داشتن مدیریت منزل و فرزندان و ارتباط عاطفی با آنها از قدرت تاثیرگذاری زیادی برخوردارند. این در حالی است که برخی از متدینین متأسفانه با نوعی خاص از نگرش دینی تلاش در جهت محدودسازی حضور بانوان به نحو عمدی و یا به نحو غیرمعمدانه با عدم برنامه‌ریزی‌های متناسب با نیازهای بانوان در مساجد، باعث عقب راندن آنها از عرصه‌های اجتماعی و در نتیجه عدم امکان بهره‌گیری از قدرت نفوذ آنها در مسیر اهداف انقلابی شده است.

• نقاط قوت

• اکنون در قیاس با گذشته و به خصوص پیش از انقلاب اسلامی، حضور جوانان تحصیل کرده و فعال و آئمه جماعات آگاه در مساجد سراسر کشور افزایش کیفی و کمی قابل ملاحظه‌ای یافته است.

• در اختیار داشتن رسانه‌ها و امکانات اطلاع‌رسانی ساده و فراگیر و امکان تأسیس و ارتباط با کتابخانه‌های دیجیتالی و مجازی جهت معرفت‌افزایی مردم به ویژه جوانان.

• رونق یافتن برخی عبادات جمعی و گروهی همچون اعتکاف که باعث افزایش گرایش نسبت به مسجد و برنامه‌های در خلال آن شده است.

• دستیابی به مسجد مجازی که عبارت است از وجود همه ساز و کارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی) در فضای مجازی، اعم از اینترنت و... مسجد مجازی، همگام با پیشرفت‌های فن‌آوری جدید مطرح شده است و موجب تبلیغ اسلام در دنیای مجازی اینترنت شده و راهی برای مقابله با جنگ نرم دشمنان اسلام است. زیرا به فرموده رهبر معظم انقلاب تحوّل، راز ماندگاری و تعالی بشر است و کناره‌گیری از تحوّل، موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد.

ه) قوانین و مقررات مربوط به مساجد

جهت دستیابی به سوابق مصوبات موجود با موضوع مسجد اعم از قانون و آییننامه، جستجوی گسترده‌های در پایگاه‌های داده از جمله سایت دستور وابسته به روزنامه رسمی کشور، سایت قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت پذیرفت. با این جستجو فهرستی از پیشینه موجود از قوانین و مقررات حوزه نماز و مسجد و ضوابط، اهداف و حیطه فعالیت‌های سازمان‌های بالادستی مسجد به دست آمد. در این نوشتار، طبقه‌بندی صورت گرفته از این قوانین و آیین‌نامه‌ها مبتنی بر مرجع تصویب می‌باشد. قوانین و آیین‌نامه‌های موجود در هر مرجع به صورت مجزا، مبتنی بر تاریخ تصویب مرتب شده‌اند، لیکن موارد اصلاحی مصوبات در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. متن قوانین و آیین‌نامه‌های موجود عبارتند از:

مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

• هدایت و ارشاد و احیای نقش واقعی و تبلیغی مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی

(مصوب سید و دومین جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

متعاقب مأموریتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه ارائه طرح‌هایی برای مقابله با تهاجم فرهنگی محول کرده بود، طرح احیای نقش واقعی فرهنگی و تبلیغی مساجد و استفاده بهینه از امکانات و تأسیسات دستگاه‌های دولتی که امکان بهره‌وری فرهنگی دارند، توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد و با توجه به

نقش و مسئولیتی که مراکز و نهادهای فرهنگی مردمی نظیر مساجد در این مقطع حساس میتوانند بر عهده داشته باشند، شورا تصویب کرد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیأتی تشکیل دهد مرکب از: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رییس هیأت، مسئول شورای هماهنگی امور مساجد، رییس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج، و رییس سازمان اوقاف و امور خیریه (بنا به ضرورت وزیر آموزش و پرورش و رییس سازمان تربیت بدنی و شهردار تهران نیز دعوت خواهند شد). این هیأت موظف است که فعالیت‌های ذیل را در مساجدی که آمادگی و استعداد کافی داشته باشند هدایت و سازماندهی کند.

تجهیز کتابخانه این گونه مساجد چنانچه امکان دایر بودن داشته باشد

مساجدی که سالنی برای نمایش داشته باشند، به نحوی تجهیز گردد که از این اماکن برای نمایش فیلم‌های مفید استفاده شود.

در مساجدی که از نظر ساختمانی امکان دایر کردن کلاس دارند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با کمک انجمن نمایش، انجمن خوشنویسی، انجمن سینمای جوان، کانون سرودهای انقلابی، خانه‌های نور (آموزش قرآن) این گونه آموزش‌ها را در این مساجد دایر خواهد کرد.

همکاری با این گونه مساجد که بتوانند کلاسهای آموزش زبان، آموزش‌های اعتقادی، آموزش کامپیوتر، آموزش امور بهداشتی و بهداشت خانواده، آموزش خیاطی و... را با همکاری دستگاه‌های دیگر دایر نمایند

• عضویت استانداران در هیأت‌های احیای نقش مساجد

مصوب سیصد و بیستمین جلسه مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره عضویت استانداران در هیأت‌های احیای نقش مساجد تصویب شد.

• سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

مصوب چهارصد و پنجاه و نهمین جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی تاریخ ابلاغ: ۱۳۷۸/۰۹/۰۸ شماره ابلاغ: ۳۰۰۰/دش

سیاست‌های کلی عبارتند از:

- توجه به مساجد و ساماندهی امور آن به عنوان مراکز نشر و گسترش فرهنگ اسلامی
- توجه به بهسازی فیزیکی مساجد و زیباسازی آن
- تربیت امام جماعت عالم و آشنا به مسائل روز و جوانگرا
- استفاده از فضای مساجد برای مطالعه کتب دینی و علمی و فکری و تبادل فکری و تبادل آراء
- دعوت از متفکران دانشگاهی برای سخنرانی در مساجد
- همکاری در فعالیتهای کمک آموزشی و تربیتی و تفریحی
- ایجاد فضای سبز مثلاً پارک در کنار مساجد
- ایجاد مراکز مطالعه روزنامه و مجلات در کنار مساجد و فعال نمودن کتابخانه های مساجد
- ایجاد زمینه همکاری بین نهادهای مردمی و مساجد
- تقویت کانونهای فرهنگی و هنری مساجد
- ترسیم جایگاه مساجد در نظام کشور و تعیین ساختار مناسب برای آن
- ایجاد ارتباط بین مسجد و مدرسه در هر محل
- ترمیم، اصلاح و آموزش خادمین مسجد، هیأت امنا و عوامل دیگر

آیین نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور مصوب پانصد و پنجاه و سومین جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی تاریخ ابلاغ: ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ شماره ابلاغ: ۵۹۵۲/دش شرح: شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۵۳ مورخ ۸۳/۱۰/۲۲ به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی (نامه شماره ۱/۱۱۸۰/الف مورخ ۸۳/۸/۳۰)

آیین نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور

جایگاه مقدس و پایگاه مذهبی مسلمانان، مسجد، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی مکانی بسیار غنی و گسترده است که میتواند در جامعه اسلامی در ابعاد مختلف کارکردهای متنوعی داشته باشد و از این نظر بنیادیترین و تعیین کنندهترین نهادی است که از صدر اسلام تاکنون، در جامعه اسلامی نقشهای متعددی بر عهده داشته

است. پراکندگی گسترده مساجد و در نتیجه تحت تأثیر قرار دادن تمام اقشار جامعه، حضور نیروهای فاضل و مؤمن در مساجد و سرمایه اقتصادی عظیم بناها و تجهیزات مساجد گویای عظمت سرمایه‌های به نام مسجد است که میتواند بستر مناسب نشر معارف اسلامی و آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی باشد. چنانکه تاریخ نیز تأثیرات مهم مساجد را در تحولات خود نشان داده است. برای دستیابی به جایگاه ارزشمند و اعتلای مساجد کشور، تحول در شیوه‌های حمایتی دولت از مساجد امری انکارناپذیر است؛ این انتظار نه فقط در تعیین اعتبار و بودجه و تأمین هزینه میباشد، بلکه ضروری تر از آن، هماهنگی دستگاه‌های دولتی و نهادها در پشتیبانی از مساجد است. بدین منظور و برای تحقق این مهم ستاد «پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور» با اهداف و وظایف ذیل تشکیل میگردد.

ماده ۱. اهداف

۱. برقراری ارتباط مناسب میان دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادها برای پشتیبانی از مساجد به منظور افزایش سطح بهره‌وری و کارایی مساجد در ایفای نقش واقعی آن در راستای گسترش و تعمیق فرهنگ دینی و اعتلای فرهنگ عمومی
۲. برنامه‌ریزی به منظور جذب حمایت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی برای افزایش مشارکت در رفع مشکلات مساجد کشور
۳. هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای وظایف دستگاه‌های ذیربط

ماده ۲. وظایف

۱. تبیین نحوه همکاری و مشارکت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور متناسب با مسئولیت قانونی آنها
۲. هماهنگی سازی فعالیت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور و برنامه‌ریزی به منظور استفاده مناسب از امکانات و توانمندی آنها در تقویت بنیه مساجد کشور
۳. ارائه پیشنهادها راهبردی و برنامه‌ریزی مناسب به منظور رفع مشکلات اساسی مساجد در مکان یابی، ساخت و ساز، توسعه و تعمیر، نوسازی، بهداشت و تجهیز امکانات و فناوریهای روز از طریق تدوین طرح‌ها، لوایح و آیین نامه‌ها و شیوهنامه‌های اجرایی و ارائه آن به مراجع ذیربط

۴. تلاش برای تثبیت موقعیت حقوقی مساجد، متولیان، هیأت امناء، ائمه جماعات، خادمین و دستاندرکاران امور مساجد

۵. تدوین راهکارهای مناسب برای بهسازی و نگهداری مساجد

۶. تدوین روشهای جذب امکانات و تسهیلات از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها به منظور پشتیبانی از مساجد و پاسخگویی به نیازهای موجود

ماده ۳. اعضا اعضای این ستاد نماینده تام الاختیار وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیل خواهند بود که به پیشنهاد رئیس دستگاه و با حکم رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مدت چهار سال منصوب خواهند شد.

سیاست‌های کلی نظام، بخش فرهنگ

در سیاست‌های کلی نظام، بخش فرهنگ مصوب ۱۳۸۸/۲/۲۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام در محورهای ۶ و ۹ و ۱۰ گزاره‌هایی مرتبط با مسجد وجود دارد. این گزاره‌ها عبارت‌اند از:

«۶- بهره‌برداری مناسب از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های حوزه‌های علمیه و روحانیت با اهتمام به...»

۶-۲- ارتقای کارآمدی نهادهای دینی به ویژه مدارس علوم اسلامی، حوزه‌های علمیه، مساجد و اماکن مذهبی و زیارتی.

...

۹- توسعه ظرفیت مساجد و بازگشت آن به جایگاه اصلی به عنوان رکن اساسی جامعه اسلامی با اهتمام به:

۹-۱- ترویج و تبیین جایگاه و نقش مسجد در جامعه اسلامی و تشویق و ترغیب مردم به ساخت و تجهیز مساجد از طریق گسترش فرهنگ وقف، نذر و سایر خیرات و مبرات.

۹-۲- کمک مؤثر به احداث، توسعه، تجهیز، تمیر و نگهداری مساجد متناسب با نیازهای جغرافیایی و جمعیتی مبتنی بر شاخص‌های مطلوب با بهره‌گیری از معماری و

هنر اسلامی ایرانی در کلان شهرها، شهرها، شهرک‌ها و روستاها به ویژه الزام به تأسیس مسجد در مراکز میان‌راهی، شهرک‌های جدید و در حال طراحی و ساخت.

۹-۳- ساماندهی مساجد مبتنی بر تمرکز در اهداف و سیاست‌گذاری‌ها با حفظ بعد مردمی مساجد و محوریت امام جماعت در مدیریت مسجد با همکاری هیئت امنای مورد تأیید آنان و استفاده از دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی ذی‌ربط.

۹-۴- ارتقای کارآمدی و افزایش کیفیت و قابلیت‌های مساجد در عرصه‌های مختلف برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه به‌ویژه نسل جوان و فرهنگ‌سازی برای حضور بیشتر مردم در مساجد و شرکت در نماز جمعه و جماعت.

۱۰- اهتمام به ترویج، تعمیم و نهادینه کردن فرهنگ عمل به احکام اسلام به ویژه اقامه نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه.

در محور شماره ۶، اسم «حوزه علمیه» به طور مشخص آمده است و در بند دوم ذیل آن، ارتقای کارآمدی مسجد مورد تصریح قرار گرفته است. در نتیجه اینجا وظیفه روشنی بر دوش قانونگذاران و سیاستگذاران و مجریان آن‌ها نهاده شده تا از ظرفیت حوزه علمیه در ارتقای کارآمدی مسجد استفاده شود. گفتنی است این بند مثل دیگر بندهای سیاست‌های کلی، مبهم است و کم و کیف آن مشخص نیست ولی اجمالاً وظیفه‌ای را برای حوزه‌های علمیه و سازمان روحانیت مشخص کرده است.

محور شماره ۹ به طور خاص به مسجد پرداخته است و از «توسعه ظرفیت» آن و بازگشت مساجد به جایگاه اصلی آن به مثابه «رکن اساسی جامعه اسلامی» سخن گفته است. اما از نهاد متولی خاصی سخن نرفته است. از بند اول ذیل آن می‌توان به سازمان اوقاف به عنوان متولی حوزه وقف نام برد از این جهت که می‌توان آن را متولی گسترش فرهنگ وقف نامید. بندهای دیگر ذیل این بند نیز مبهم و کلی هستند و کیفیت امور را مشخص نکرده‌اند. مثلاً اینکه جمع بین «ساماندهی و تمرکز سیاست‌گذاری‌ها» با «حفظ بعد مردمی مساجد» چگونه ممکن می‌شود، روشن نشده است.

محور شماره ۱۰ هم غیرمستقیم به مسجد مربوط است و صدا البته که در این قسمت نیز نهاد مشخصی متعین نشده است.

توجه به مسجد در مقدمه قانون اساسی

قوانین اساسی، قوانینی هستند که ارزش پایه‌ای و زیربنایی داشته و معمولاً به طور مستقیم قابل اعمال نیستند. (یزدی، ۱۳۸۲: ۲۰). علی‌رغم جایگاه ویژه مسجد در بیانات امامین انقلاب اسلامی و نقش عملیاتی این نهاد در پیروزی و سپس تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی، اجمالاً این توافق وجود دارد که مسجد در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. گفتنی است جز در مقدمه قانون اساسی، لفظ مسجد به طور مستقیم مورد توجه اصول و فصول قانون اساسی قرار نگرفته است.

در مقدمه قانون اساسی ناظر به نقش تاریخی مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی چنین آمده است: «در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری و بال‌آگاهی و الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام تلاش پی‌گیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد.» (ص ۱۵)

هم‌ردیف قرار دادن مسجد در کنار حوزه‌های علمیه و دانشگاه و تقلیل کارکرد آن به «روشنگری» و «بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی» به معنی نادیده انگاشتن ابعاد گوناگون اثرگذار مسجد در جریان پیروزی انقلاب اسلامی است. اولاً مسجد یک خاستگاه ویژه و یک نهاد اصیل در جریان مبارزه بود. ثانیاً از جهت روشنگری هم محدود به جنبه آگاهی‌بخشی نماند و به جنبه‌های گرایشی، بینشی و رفتاری رسید. ثالثاً مسجد نه فقط کانون روشنگری بلکه کانون مدیریت اجتماعی نهضت بود و در ابعاد گوناگون سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مبارزه اعم از امنیتی نظامی تا تأمین اجتماعی خانواده‌های درگیر مبارزه فعال بود.

در هر صورت در مقدمه قانون اساسی نیز متولی مسجد مشخص نیست. در اینجا تنها سخن از قشر آگاه و مسئول است که از مسجد نیز در کنار سایر ظرفیت‌ها مثل حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها استفاده کرده است. همچنین اگر مسجد چنانکه در متون اسلامی و اندیشه امامین انقلاب اسلامی و نیز سیاست‌های کلی نظام به عنوان رکن اساسی جامعه اسلامی مدنظر است و از آن امید ساخت تمدن نوین اسلامی می‌رود، شایسته است توجه بیشتری به این نهاد اصیل اسلامی می‌شد.

ظرفیت‌های حضور مسجد در متن قانون اساسی

هرچند در مقدمه قانون اساسی، مسجد حضور پررنگی ندارد و تنها یک بار به شکل مستقیم مورد توجه قرار گرفته است ولی در متن قانون اساسی برعکس است و می‌توان نقش مسجد را پررنگ‌تر دید البته اگر به شکل غیرمستقیم و با نگاه موسع‌تر و دقت بیشتری به این اصول نگاه کنیم. به این معنا که گفتنی است در موارد متعددی از قانون اساسی در خلال اصول مختلف می‌توان تفاسیری ارائه داد که اجرای بسیاری از اصول قانون اساسی از طریق مسجد ممکن است. به عنوان مثال اصل سوم قانون اساسی از الزام دولت به به‌کارگیری همه امکانات برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی سخن می‌گوید. روشن است یکی از مصادیق مطمح نظر قانون‌گذار در این اصل می‌تواند مسجد باشد.

به عنوان مثالی دیگر از این دست می‌توان به اصل ۴۹ قانون اساسی اشاره کرد. این اصل قانون اساسی از موضوعات متنوعی از جمله «سوءاستفاده از موقوفات» سخن می‌گوید. مسجد نیز به عنوان یکی از موقوفات عام است که در این صورت، شأنی برای حکومت در زمینه دخالت در مدیریت مسجد قائل شده است.

همچنین در بسیاری از اصول دیگر قانون اساسی این امکان و ظرفیت وجود دارد تا نقش، اختیارات و وظایف مساجد تبیین شود. از آن جمله است فصل هفتم که در مورد شورای اسلامی سخن می‌گوید. این مهم در بازنگری‌های قانون اساسی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

قانون مدنی

از جمله بحث‌های حقوقی مرتبط با مسجد، بحث وقف است. در قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ و اصلاحات بعدی آن، موادی در مورد وقف وجود دارد از جمله «ماده ۵۵ - وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.» و مواد بعدی آن.

گفتنی است مسجدی که وقف می‌گردد، خود شخصیت حقوقی می‌یابد و به واقف یا نمازگزاران تعلق ندارد. چرا که مطابق قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف

و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ «ماده ۳ - هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می باشد»

وقف مسجد ابعاد فقهی حقوقی نسبتاً پیچیده‌ای دارد که از حوصله این نوشتار خارج است. نهاد مرتبط با وقف، سازمان اوقاف است که در قانون، وظایف و اختیاراتش مشخص شده است. در ماده یک قانون این سازمان، اداره موقوفات فاقد تولیت (یا با تولیت مجهول) بر عهده این سازمان است و نیز اداره اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آن‌ها داده نشده است، بر عهده این سازمان گذاشته است، اما مساجد، مدارس دینی و تکایا از شمول آن استثنا شده‌اند.

سازمان اوقاف در ابعاد مالی حوزه وقف و تعیین امین (در صورت لزوم)، حضور فعالانه‌ای دارد. همچنین فعالیت‌های قابل توجهی در جهت نشر احکام و معارف اسلامی دارد. اما مدیریت مسجد به طور کلی به این سازمان تفویض نشده است.

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

این قانون مصوب ۲ دی ۱۳۶۳ (و الحاقات بعدی آن) در مجلس شورای اسلامی است. این سازمان یک مؤسسه دولتی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. طبق ماده یک این قانون، این سازمان متولی موقوفات فاقدالتولیه و مجهول التولیه است. همچنین اداره امور اماکن مذهبی (به استثنای مساجد و مدارس دینی و تکایا) به آن سپرده شده است. از طرفی می‌تواند در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی، کمک مالی کند. یکی از بسترهای دریافت این کمک مالی می‌تواند مساجد باشد. در هر صورت، این قانون هم تکلیف مساجد را به طور جامع و مانع مشخص نکرده است.

لایحه قانونی تجدید قرارداد و اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امناء و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد

این لایحه مصوب ۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران است. ماده اول آن به لزوم روزآمدسازی قراردادهای قبلی می‌پردازد و در ماده دوم لزوم انتخاب متولیان باتقوا را (از طرف سازمان اوقاف) مورد توجه قرار داده است. البته قوانین مصوب بعدی، بخش‌هایی از این قانون را نسخ کرده‌اند.

قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

• قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

این قانون مصوب ۱۷ فروردین ۱۳۷۹ است. طبق ماده ۱۶۳ این قانون، ساماندهی ساخت و ساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین بند «الف» طبق همان ماده، طراحی و اجرای طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهری و روستایی باید با محوریت مساجد صورت پذیرد. این موضوع به طور خاص برعهده وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌هاست.

وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها طبق بند «ب» همان ماده موظف‌اند در ساخت شهرک‌های جدید، اراضی مناسبی را جهت ساخت مسجد و پایگاه بسیج در اختیار متقاضیان قرار بدهند.

وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت نسبت به ساخت، نگهداری و مدیریت مساجد یا نمازخانه‌ها در پایانه‌های مسافرتی و پمپ بنزین‌های بین‌شهری موظف شده‌اند. (بند ج) وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است کلیه وجوه پرداختی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاهای مذهبی را به عنوان هزینه قابل قبول منظور کند. (بند د)

شهرداری‌ها و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور موظف‌اند نسبت به اختصاص فضای مناسب در پارک‌های ملی و عمومی حسب مورد برای ایجاد مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند. (بند ه)

بند «و» این ماده به تعامل مسجد و مدرسه می‌پردازد ولی برنامه روشنی را ارائه نمی‌دهد و تکلیف خاصی را متوجه سازمانی نمی‌کند.

بند «ز» سازمان تبلیغات اسلامی را با همکاری سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری استخدامی مسئول تهیه طرحی می‌کند تا مبنای پیش‌بینی و مصرف منابع

دولتی در این امور قرار گیرد.

طبق تبصره همین ماده، دولت مکلف شده است در صورت خودیاری ۵۰ درصدی مردم در مناطق روستایی، ۵۰ درصد باقی مانده را برای احداث مساجد تأمین کند. گفتنی این ماده برای دوره بعدی (برنامه چهارم) هم تنفیذ شد.

• قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۸/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، بخش چهارم، صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی- ایرانی؛ فصل نهم، توسعه فرهنگی، ماده ۱۰۶ به طور مستقیم و غیرمستقیم به مسجد پرداخته است. متن ماده به این شرح است: «دولت مکلف است، به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی- ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:....»

در بند «ه» آمده است: «تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم». در این بند به طور خاص اسم سه سازمان مرتبط آمده است. در بند «ز» آمده است: «تقویت سهم کتابخوانی در حوزه دین در کشور، خصوصاً مناطق محروم و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی». هرچند در این بند، اسم سازمان خاصی نیامده است ولی نهادهای متولی حوزه کتابخوانی و کتابخانه در دولت، مشخص هستند.

• قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

در قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی، ماده ۶، که به بیان اقداماتی در راستای توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از بقاع متبرکه، گلزار شهدا و اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی و تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته، نکات مهمی آمده است.

طبق بند «الف» وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها موظف شده‌اند در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک‌ها و شهرهای جدید الاحداث، اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه عالم پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی، بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی و دولتی در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند.

طبق بند «ب» مالکان اماکن تجاری، اداری و خدماتی جدید الاحداث موظف شده‌اند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث نمایند. تأیید نقشه مجتمع‌های مذکور منوط به پیش‌بینی محل مناسب برای نمازخانه بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی است.

طبق بند «ج» سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری‌ها موظف شده‌اند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام نمایند.

طبق بند «د» کلیه دستگاه‌های اجرایی، مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مجموعه‌های ورزشی، مجتمع‌های رفاهی، تفریحی و مجتمع‌های تجاری اعم از دولتی یا غیردولتی، موظف شده‌اند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند.

طبق بند «و» به منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف شده است با رعایت موازین اسلامی ترتیبی اتخاذ کند تا پایان برنامه حداقل یک چهارم مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت برخوردار از کانون فرهنگی و هنری باشند.

ماده ۹ این قانون همچنین به دولت اجازه داده است حداکثر پنجاه درصد هزینه تکمیل مراکز فرهنگی، هنری، دینی و قرآنی دارای پیشرفت فیزیکی حداقل پنجاه درصد بخش غیردولتی و همچنین احداث اماکن ورزشی همجوار و متعلق به مساجد و کانون‌های فرهنگی ورزشی جوانان بسیج را که تکمیل و بهره‌برداری از آن‌ها برای

استفاده عمومی ضروری است بر اساس آیین‌نامه مصوب هیئت وزیران به صورت کمک بلاعوض تأمین نماید.

همچنین طبق تبصره ۲ ماده ۱۹۶ این قانون، به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود متناسب با میزان آمادگی سازمان بسیج سازندگی، اجرای بخشی از فعالیت‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و غنی‌سازی اوقات فراغت و پروژه‌های عمرانی خود از قبیل احداث و تعمیر مساجد، مدارس و خانه‌های بهداشت روستایی، بیابان‌زدایی، جنگل‌کاری، آبرسانی به روستاها و همچنین در مناطق محروم، روستایی و مرزی را به آن سازمان واگذار نماید تا با استفاده از نیروهای داوطلب بسیجی و مردمی و جوانان و متخصصان به نحو سازمان‌یافته اجرا نمایند.

به نظر می‌رسد در تصویب قوانین جدید به تدریج چگونگی حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی از برنامه‌های مسجد شکل مشخص‌تری به خود می‌گیرد ولی هنوز در بسیاری از موارد نهاد مربوطه و سازوکارهای اجرایی شدن قوانین دچار ابهام است.

سایر قوانین

قوانین متعددی مصوب شده‌اند که هرچند مستقیماً به مسجد مرتبط نیستند اما برخی مواد آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم شامل مسجد هم می‌شود یا با آن در ارتباط است. مثل قانون کار که شامل خدام مسجد هم می‌شود. بررسی این قوانین از حوصله این نوشتار خارج است. گفتنی است این قوانین جزو اسناد بالادستی هم نیستند و در اینجا از جهت جلب توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران این حوزه فهرست می‌شوند. از آن جمله است:

- قانون ثبت اسناد و املاک
- قانون اصلاح قانون ثبت احوال
- قانون سازمان عمرانی کشور و ازدیاد سهم کشاورزان
- قانون اصلاحات ارضی
- قانون تشکیل خانه اصناف

- قانون نوسازی و عمران شهری
- قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران
- قانون محاسبات عمومی کشور
- قانون زمین شهری
- قانون مالیات های مستقیم
- قانون کار
- قانون حمایت قضایی از بسیج
- قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب
- قانون ابطال اسناد و فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه
- قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات های بازدارنده
- قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت
- قانون نظام صنفی کشور
- قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن
- قانون شوراهای حل اختلاف
- قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران
- قانون تسریع در بازسازی مناطق آسیب دیده در اثر حوادث غیر مترقبه

مقررات

در زمینه مقررات هم شاهد پراکندگی مقررات مربوط به مسجد هستیم. برخی مقررات و آیین نامه ها ارتباط بیشتری با مسجد دارند و برخی به طور مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط کمتری با مسجد پیدا می کنند.

- هدایت و ارشاد و احیای نقش واقعی و تبلیغی مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی (هیئت های احیای نقش مسجد)

این سند مصوب ۱۸ اسفند ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی است. متعاقب مأموریتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه ارائه طرح هایی برای مقابله با تهاجم فرهنگی محول کرده بود، طرح احیای نقش واقعی

فرهنگی و تبلیغی مساجد و استفاده بهینه از امکانات و تأسیسات دستگاه‌های دولتی که امکان بهره‌وری فرهنگی دارند، توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد و با توجه به نقش و مسئولیتی که مراکز و نهادهای فرهنگی مردمی نظیر مساجد در این مقطع حساس می‌توانند بر عهده داشته باشند، شورا تصویب کرد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هیئتی تشکیل دهد مرکب از: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رئیس هیئت، مسئول شورای هماهنگی امور مساجد، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه (بنا به ضرورت وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان تربیت بدنی و شهردار تهران نیز دعوت خواهند شد). این هیئت موظف است که فعالیت‌هایی را نظیر تجهیز کتابخانه، نمایش فیلم، آموزش‌های هنری، مهارتی، زبان، قرآن و... در مساجدی که آمادگی و استعداد کافی داشته باشند هدایت و سازماندهی کند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است که برای هدایت و سازماندهی این فعالیت‌ها در استان‌ها و شهرستان‌ها نیز هیئت‌هایی با ترکیب مشابه تشکیل دهد.

• اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب

طبق مصوبه ۲۴ فروردین ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت ارشاد مکلف به خرید کتب فاخر و اهدای آن‌ها به کتابخانه‌های مساجد شده است.

• نقشه مهندسی فرهنگی کشور

در مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی، فصل ششم نیز راهبردها و اقدامات راهبردهای کلان فرهنگی، ذیل عنوان اقدامات ملی، شماره ۴ آمده است:

«برنامه‌ریزی برای زمینه‌سازی و نهادینه‌کردن انس با نماز جماعت و مسجد و احیای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی آن متناسب با نیازهای زمان و مخاطبان. تدوین و اجرای برنامه ملی توسعه اقامه نماز جماعت در مساجد و نمازخانه‌ها و بهره‌گیری هم‌افزا از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی، تبلیغی، رسانه‌ای و هنری در جهت تبیین و ترویج

احکام، اسرار و آثار فردی و اجتماعی نماز بر طهارت ظاهری و باطنی و آرامش روحی و روانی برای همه اقشار جامعه.»

در بخش‌های دیگر این سند نیز از تعامل خانواده، مسجد و مدرسه در تحکیم خانواده و... سخن رفته است.

در بخش اقدامات ملی، بند ۹ «تدوین و اجرای سند ملی توسعه، گسترش و تقویت نهاد مسجد و سامان بخشی و راهبری آن در سطح ملی و بین المللی» مورد توجه قرار گرفته است و در آن محورهای زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

۱-۹ بهبود شرایط مساجد موجود و گسترش مساجد متناسب با آمایش سرزمینی و محیطی در سطح شهرها، روستاها، راه‌ها، شهرک‌ها، مجتمع‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی و فضاهای عمومی

۲-۹ ارتقاء مشارکت مردم در آبادانی و اداره مساجد و افزایش حضور و انس آحاد مردم و اقشار اجتماعی به ویژه نوجوانان و جوانان در آن برای عبادت و سلوک دینی

۳-۹ حفظ و تقویت محوریت مساجد در فعالیتهای نظام فرهنگی، تربیتی، آموزشی و تبلیغ دینی و ارتقاء جایگاه و نقش راهبری نهاد مسجد در نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در حل مسائل عمومی

۴-۹ نهادینه‌سازی حضور مستمر و نقش آفرین روحانیت در تعامل با اقشار مختلف و اداره و فعالیت نهادهای اصیل دینی

۵-۹ حمایت و پشتیبانی نظام‌مند دولت و نهادهای عمومی از مساجد، حسینیه‌ها، هیئات و پیگیری حل مشکلات آن‌ها با حفظ استقلال و اتکاء محوری آن‌ها به مردم.

گفتنی است بسیاری از اسناد به خاطر کلی و شعاری بودن، فاصله زیادی تا حوزه عمل و اجرا دارند. در بسیاری از موارد با تدوین نشدن مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی، این فاصله پر نشده و پس از مدتی اصل مصوبه هم به فراموشی سپرده می‌شود.

• آیین‌نامه ساماندهی، بهسازی و عمران مساجد کشور

این آیین نامه مصوب ۸ تیر ۱۳۷۶ هیئت وزیران است. همان طور که از عنوان آیین نامه برمی آید وظایفی را بر عهده سازمان ها و وزارت خانه های مرتبط نظیر راه و شهرسازی (فعلی)، شهرداری ها، بنیاد مسکن و... جهت واگذاری زمین، ساخت و نگهداری مسجد و نمازخانه گذاشته است که تفصیل آن از حوصله این نوشتار خارج است.

• اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی

«کمک به تأسیس، توسعه و تجهیز کتابخانه های مساجد» از جمله وظایف این سازمان در این سند است که در ۱۵ آبان ۱۳۸۷ به تصویب شورای عالی اداری رسیده است.

• اختصاص یک درصد از بودجه سالانه سازمان ملی زمین و مسکن برای احداث، مقاوم سازی و مرمت مساجد

این موضوع مصوب ۱۵ فروردین ۱۳۸۹ هیئت وزیران است و تشخیص آن با وزیر مسکن و شهرسازی است.

• سایر مقررات

مجموعه مقررات دیگری نیز در کشور در نهادهای گوناگون تصویب شده اند که بیشتر جنبه آیین نامه ای و تفصیلی برای اجرای همان قوانین و مصوبات بخش قبلی را دارند. همچنین دسته ای از سیاست ها و آیین نامه در سال های گوناگون تصویب شده اند که موضوع اصلی آن ها مسجد نیست ولی جسته گریخته ارتباط هایی با مسجد دارند. مرور فهرست وار عناوین اهم این موارد خالی از لطف نیست:

سند نقشه جامع علمی کشور

سند دانشگاه اسلامی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سند راهبردی کشور در امور نخبگان

آیین نامه شورای هماهنگی و برنامه ریزی آموزشی و بازآموزی مدیران فرهنگی

آیین نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت
 آیین نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیئت
 امنای اماکن مذهبی و موقوفات

آیین نامه اجرایی طرح اشتغال فارغ التحصیلان بی‌کار
 لایحه قانونی راجع به تعیین حداکثر مبلغ وام مسکن
 آیین نامه شوراهای کشاورزی کشور

جمع بندی وضعیت شناسی و تحلیل اسناد و سیاست‌های بالادستی و برنامه‌های کلان در حوزه مساجد

به طور خلاصه می‌توان اسناد و برنامه‌های کلان در حوزه مساجد را به صورت ذیل
 دسته‌بندی کرد:



جمع‌بندی این اسناد در قالب جدول ذیل ارائه می‌شود:

ردیف	عنوان سند	بررسی سند
۱	قانون اساسی	در قانون اساسی به صورت مستقیم به مساجد اشاره نگردیده؛ ولی کلیت فضای گفتمانی حاکم بر قانون اساسی مبین اهمیت مسجد و اتخاذ رویکردی ایجابی- تأکیدی در بخش فرهنگی نسبت به آن است. همچنین در مقدمه اشاره به نقش مساجد در افزایش آگاهی و عزم ملت ایران در مبارزه با استبداد شده است.
۲	سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	در این سند به سبب راهبردی بودن و تعیین خط مشی کلی نظام، اشاره‌ای به نهاد مسجد نشده است؛ اما در الزامات فرهنگی سند چشم‌انداز، بر قانونی بودن این نهاد مذهبی و کارکردهای فرهنگی آن تأکید شده و آمده است: «احیای مراکز فرهنگی و مساجد، سالم سازی فضاهای فرهنگی، ایجاد هماهنگی مراکز مختلف فرهنگی و توجه خاص به نهادهای اجتماعی و...». از سوی دیگر، مبنی بر سند چشم‌انداز بیست‌ساله در افق ۱۴۰۴، سند چشم‌انداز مساجد نیز ترسیم شده که بر اساس این سند، مسجد ۱۴۰۴ «نهادی است فعال، اثرگذار، مسئولیت‌پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی، برخوردار از روحیه تعاون، سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد، توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی، با بهره‌مندی از حضور و مشارکت مردمی و حمایت از حضور و مشارکت مردمی و حمایت دستگاه‌های فرهنگی، اجرایی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی بر اساس تعالیم عالیه اسلام و اندیشه‌های گهربار امام علیه السلام ، رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت تربیت و هویت اسلامی انقلابی، وحدت ملی، الهام بخش، مؤثر برای جهان معاصر به ویژه کشورهای اسلامی» است.
۳	برنامه اول توسعه	در این برنامه به امر مسجد به طور خاص اشاره‌ای نشده است.
۴	برنامه دوم توسعه	تنها به یک ماده (۱۶۳) و یک بند ب در خصوص مسجد (پیرامون وظیفه وزارت مسکن و شهرسازی در احداث مساجد در شهرکهای جدیدالاحداث) اشاره گردیده است.

۵	برنامه سوم توسعه	یک ماده (۱۶۳) در ۷ بند و یک تبصره به امور مسجد و نمازخانه اختصاص یافته است و دستگاه‌های اجرایی موضوع این ماده موظفند طی سال‌های اجرای برنامه اقداماتی را انجام دهند. توجه به مساجد در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرکها و شهرهای جدیدالاحداث، احداث نمازخانه در اماکن تجاری، اداری و خدماتی، احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری، احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در دستگاه‌های مختلف، احداث مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافری و جایگاه‌های عرضه سوخت بین شهری، ارتقاء کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی محلات، روستاها و شهرها و هماهنگ سازی فعالیت‌های سازماندهی شده در این مکان‌ها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان، ساماندهی نحوه اختصاص و مصرف منابع اعتباری دولت در زمینه احیاء و بازسازی مساجد، تقویت و متناسب کردن مشارکت مردمی در تأمین منابع این فعالیت‌ها، توجه به مناطق روستائی در احداث مسجد، از جمله اقدامات پیشنهادی این برنامه بوده است.
۶	نامه توسعه چهارم	یک ماده (۱۰۶) در دو بند در خصوص مسجد می‌باشد، که شامل وظیفه دولت در تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد و تقویت سهم کتابخوانی در حوزه دین کشور و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد می‌باشد.
۷	برنامه پنجم توسعه	تنها یک ماده (۶) به‌طور مستقیم به امر مسجد و نمازخانه اختصاص یافته و در پنج ماده دیگر نیز به‌طور تقریبی و نسبی، اشاره‌ای به مسجد شده است. در این ماده، به‌منظور توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از بقاع متبرکه، گلزار شهدا و اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی و تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقداماتی پیشنهاد شده است. احداث مسجد در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرکها و شهرهای جدیدالاحداث، احداث نمازخانه در اماکن تجاری، اداری و خدماتی، احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستانهای شهری، احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در دستگاه‌های مختلف، احداث مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافری و جایگاه‌های عرضه سوخت بین شهری، ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، از جمله این اقدامات پیشنهادی بوده است.

۸	برنامه ششم توسعه	مجلس شورای اسلامی در ماده ۱۱۰ از لایحه برنامه ششم توسعه مصوب کرد به منظور توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقداماتی توسط نهادهای گوناگون به انجام رسد. توجه به مساجد در طراحی و اجرای طرحهای جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی، احداث نمازخانه در مجتمعهای تجاری، اداری و خدماتی جدیدالاحداث، احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در بوستانهای ملی و بوستانهای شهری، احداث مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافربری و جایگاههای عرضه سوخت بین شهری، ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، با رعایت موازین اسلامی، از جمله موارد مربوط به این سند پیرامون مساجد می‌باشد.
۹	این نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور	این ستاد تاکنون چند آیین نامه در خصوص مسجد را به تصویب رسانده؛ اما مهمترین چالشی که با آن مواجه است، عدم ضمانت اجرای مصوبات ستاد و نیز عدم پاسخگویی جدی دستگاه‌های مرتبط با مسجد و اعضاء ستاد است.
۱۰	کمیته تخصصی مساجد	این کمیته، الزامات ساماندهی فعالیت‌های اصلی حوزه مسجد را، در ۲۵ ماده و ۲۳ تبصره تدوین نمود؛ ولی هنوز شکل اجرایی و عملیاتی به خود نگرفته است.
۱۱	پیش طرح «شورای عالی مساجد کشور»	بر اساس ماده ۱۰۶ بند «ه» قانون چهارم توسعه، می‌بایست طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم تهیه می‌شد. در این راستا، پیش طرح شورای عالی مساجد کشور پس از دهها ساعت کار کارشناسی توسط نمایندگان سازمان تبلیغات و سازمان اوقاف، تدوین و به مبادی ذیربط ارسال گردید. با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر واگذاری مدیریت مساجد در استان‌ها به علمای بلاد، در این طرح، نگاه ویژه‌ای به استان‌ها، به عنوان مدیریت میانی در حوزه مسجد شده، که منجر به راه‌اندازی مرکز رسیدگی به امور مساجد در سطح استان‌ها شده است.
۱۲	طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور	ارائه طرح یک فوریتی حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور در مجلس شورای اسلامی می‌باشد. چنین برداشت می‌شود که سمت و سوی این طرح، بیشتر در حوزه سخت افزاری باشد؛ ولی اضافه شدن کلمه مدیریت در آن، این تصور را از بین برده است.

۱۳	طرح راهبردی توسعه مساجد، ستاد عالی کانونهای فرهنگی و هنری مساجد	این طرح در سال ۱۳۸۵ تهیه و ارائه شده است. این طرح شامل دو بخش برنامه کوتاه مدت و برنامه بلندمدت در زمینه مساجد می باشد. برنامه کوتاه مدت شامل موارد تشکیل شورای سیاستگذاری مساجد و تشکیل و تأسیس سازمان مساجد کشور می باشد. برنامه های بلندمدت شامل موارد مطالعه و بررسی راههای اعتلای مساجد، تعیین وظایف متقابل دستگاه ها، طراحی ساختار مناسب برای مدیریت بر مساجد، پیش بینی و تأمین نیروی انسانی، تشکیل بانک اطلاعات مساجد، تعیین بودجه های مربوطه، تعیین نیاز جامعه به مسجد، ساخت و ساز اماکن درونی مسجد، تأسیس و تجهیز کانونهای فرهنگی و کتابخانه ها در مساجد، برنامه های فرهنگی تربیتی اجتماعی و همچنین راه اندازی برنامه های تلویزیونی برای فرهنگ سازی در زمینه مسجد می باشد.
۱۴	طرح راهبردی فرهنگی مساجد، شورای عالی انقلاب فرهنگی	این طرح توسط شورای عالی فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴ تهیه شده است. راهبرد اصلی این طرح، «توانمندسازی با تأکید بر ارتقای دانش و بینش مدیریت و نیروی انسانی» در مساجد بوده و راهبردهای پشتیبان شامل راهبردهای مالی و راهبردهای توسعه منابع انسانی و راهبردهای اطلاع رسانی و نظارت می باشد. سپس ساختار کلان نظام مدیریت و تقسیم کار ملی در زمینه مدیریت توسعه مسجد پیشنهاد می گردد. در این ساختار پیشنهادی در ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای راهبردی توسعه مساجد قرار گرفته که شامل کمیسیون تجهیز و توسعه، کمیسیون پژوهش، کمیسیون توسعه مدیریت و منابع انسانی، کمیسیون نظارت و اطلاع رسانی، و کمیسیون های استانی است.
۱۵	طرح راهبردی توسعه مساجد کشور، مرکز رسیدگی به امور مساجد	این طرح توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد، در سال ۱۳۸۹ ارائه شده است. هدف از آن بررسی آسیب ها و چالشهای موجود در مساجد و راههای برون رفت از آنها و دستیابی به سند چشم انداز بیست ساله مساجد، با توجه به سند چشم انداز بیست ساله کشور بیان شده است. در ادامه، چشم انداز مساجد جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مطرح گردیده است و راهبردها و راهکارهای مبتنی بر آن، در محورهای فرهنگی، اجتماعی، منابع انسانی، مدیریت کلان، مدیریت در مساجد، امور ساختمانی، معماری، تأسیساتی و امور مالی پیشنهاد گردیده است.
۱۶	طرح راهبردی توسعه مساجد، سازمان خیریه و سازمان تبلیغات اسلامی	این طرح توسط معاونت بقاع و اماکن متبرکه سازمان اوقاف و امور خیریه، در بهمن ۱۳۸۶ تهیه و ارائه شده است. هدف کلی این طرح، «هماهنگی و انسجام در مدیریت، پویایی مستمر و به روز در احیا و اعتلای مساجد، در راستای گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی» بیان شده است. همچنین پس از بیان قلمرو طرح و تعاریف و اصطلاحات، انواع کارکردهای مسجد مورد بررسی قرار گرفته است. وضعیت موجود مساجد کشور، طرح نقاط ضعف و تهدیدهای موجود در وضعیت مساجد، مدیریت مطلوب بر مساجد کشور، ساختار شورای عالی راهبردی مساجد، مدیریت مطلوب در مسجد، شورای هماهنگی مسجد، نهادها و دستگاه های پشتیبان مساجد و شورای دآوری مساجد، از جمله محورهای مطرح در این طرح می باشد. سه رویکرد اساسی در طراحی نظام مدیریت مساجد، شامل رویکرد ایجاد سازمان امور مساجد کشور، به صورت یک نهاد مستقل، رویکرد حفظ و اصلاح نسبی بدون هیچ تغییری در وضع موجود اداره مساجد و رویکرد اصلاح، ساماندهی و تعیین مسئولیت و تعریف وظیفه مشخص برای افراد، نهادها و دستگاه های ذی نقش و مؤثر در مدیریت مساجد نیز در این طرح پیشنهاد گردیده است.

۱۷	طرح آمایش، مکان‌یابی و ساماندهی عمران و تأسیسات مساجد	این طرح توسط سازمان اوقاف و امور خیریه در سال ۱۳۸۹ تهیه و تدوین گردیده است. در این طرح پس از بیان اهمیت ساخت و عمران مساجد، به بیان معماری مساجد پرداخته شده است. در بخش معماری مسجد از منظر روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، پیرامون مباحث سادگی بنای مسجد، ساختن محراب، ساختن مقصوره، آراستن مسجد و آیین بندی، تصویرگری و... طرح بحث گردیده است. در این طرح همچنین درباره معماری و اجزای ساخت مساجد، دسته‌بندی مساجد، آمایش مساجد، جایگاه مسجد در طبقه‌بندی کاربری فضاهای شهری و... مطرح و بررسی شده و پیشنهاداتی در این زمینه‌ها ارائه گردیده است.
۱۸	نقشه مهندسی فرهنگی	نقشه مهندسی فرهنگی، به عنوان یکی از مهمترین اسناد بالادستی کشور در حوزه فرهنگی اجتماعی در بندهایی مربوط به مسجد مباحثی را مطرح نموده است. جایگاه مسجد در اولویتهای فرهنگی، برنامه‌ریزی برای زمینه‌سازی و نهادینه کردن انس با مسجد و احیای کارکردهای فرهنگی اجتماعی آن متناسب با نیازهای زمان و مخاطبان، بهره‌گیری از تعامل سازنده خانواده، مدرسه و مسجد در تحکیم خانواده، نهادینه‌سازی ارتباط و تعامل مؤثر خانواده، مسجد، مدرسه، محله با پلیس و بسیج در مقوله نظم و امنیت اجتماعی، طراحی و استقرار نظام تعامل و همکاری خانواده، مسجد، مدرسه، بسیج و پلیس برای ایجاد نظم و امنیت اجتماعی و محله سالم از جمله بندهای مرتبط با مسجد بوده است. تدوین و اجرای سند ملی توسعه، گسترش و تقویت نهاد مسجد و سامان بخشی و راهبری آن در سطح ملی و بین‌المللی با محوریت بهبود شرایط مساجد موجود و گسترش مساجد، ارتقای مشارکت مردم در آبادانی و اداره مساجد، حفظ و تقویت محوریت مساجد در فعالیت‌های نظام فرهنگی، تربیتی، آموزشی و تبلیغ دینی، نهادینه سازی حضور مستمر و نقش آفرین روحانیت، حمایت و پشتیبانی نظام‌مند دولت و نهادهای عمومی از مساجد از جمله محورهایی است که در این سند مطرح گردیده است.

(و) سازمان‌های مرتبط با مسجد

در یک نگاه می‌توان سازمان‌های مرتبط با موضوع مسجد را به دو دسته مدیریتی و غیرمدیریتی تقسیم کرد. دسته اول شامل سازمان‌هایی مثل مرکز رسیدگی به امور مساجد است که در مدیریت مسجد ایفای نقش می‌کنند. اما دسته دوم سازمان‌هایی هستند که تلاش چندانی برای مدیریت بر مسجد نمی‌کنند و ادعایی هم در این زمینه ندارند ولی از فضای مسجد برای عملیاتی کردن اهداف و برنامه‌های خود استفاده می‌کنند. شاید بتوان در تقسیم‌بندی دیگری از دسته‌ای دیگر از سازمان‌ها هم اسم برد که ورود خاصی در زمینه مسجد ندارند ولی انتظار می‌رود نقش آفرینی بیشتری کنند مثل آموزش و پرورش، هم‌چنین برخی از سازمان‌ها سابقه بیشتری دارند و برخی نیز جدیدالتأسیس هستند و عمر کوتاهی دارند. سازمان‌ها از نظر میزان اثرگذاری هم متفاوت هستند. با پیدایش و شیوع ویروس منحوس کرونا برخی سازمان‌ها مثل وزارت بهداشت (ستاد ملی مقابله کرونا) ناگهان به

اثرگذارترین سازمان در این زمینه تبدیل شده‌اند. وظیفه برخی سازمان‌ها نیز به جای تأکید بر مسجد، بر روی نماز متمرکز و بین مسجد و نمازخانه مخیر شده‌اند.

در یک نگاه فهرست‌وار سازمان‌های مرتبط با مسجد، عبارت‌اند از:

۱. دفاتر نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها و مراکز رسیدگی به امور

مساجد

مرکز رسیدگی به امور مساجد در تهران (و برخی از استان‌ها با همین عنوان و) در برخی از استان‌ها به عنوان معاونت و زیرمجموعه دفتر نماینده ولی فقیه، مسئولیت رسیدگی به برنامه‌های مساجد اعم از امور مرتبط با ائمه جماعت را برعهده دارد. البته این نهادهای استانی هرکدام دارای استقلال هستند و این رویه به صورت متمرکز ملی و کشوری مدیریت نمی‌شود. گفتنی است بودجه مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران در سال ۱۳۹۹، رقمی حدود ۳۱ میلیارد تومان است.

۲. ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد

همان‌طور که از نام این نهاد به عنوان زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیداست، مسئولیت برنامه‌های فرهنگی و هنری را بر عهده دارد که دارای شعب استانی است و هم‌اکنون براساس اعلام مسئولان، این نهاد دارای ۲۴ هزار کانون در مساجد است و حدود ۲ میلیون عضو هستند. این مجموعه دارای ردیف بودجه ۸۲ میلیارد تومانی برای سال ۱۳۹۹ است.

۳. سازمان بسیج مستضعفین

پایگاه‌های مقاومت بسیج در محلات (شهری و روستایی)، یکی از ارکان اصلی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در مساجد است و فرمانده پایگاه بسیج در هر مسجد نقش اثرگذاری در اجرای برنامه‌ها دارد. امروزه اکثر مساجد کشور دارای پایگاه بسیج هستند.

۴. سازمان اوقاف و امور خیریه

باتوجه به موقوفه بودن ملک مساجد و همچنین دارا بودن برخی از مساجد از رقبات وقفی، سازمان اوقاف از نهادهای فعال در زمینه مساجد است که به ویژه در خصوص

ملکیت و زمین مساجد اعمال نظر می‌کند. البته برخی از مساجد نیز در کشور مستقیماً زیر نظر این سازمان فعالیت می‌کنند. در بودجه سال ۱۳۹۹ این سازمان، با عنوان «احداث مساجد و اماکن فرهنگی و مذهبی» رقم ۱۷ میلیارد تومان و با عنوان «کمک به ساخت مساجد و مصلی‌ها» نیز بودجه ۱۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان اختصاص یافته است.

۵. سازمان تبلیغات اسلامی

با اجرای طرح امام روستا در ۴۰۰ روستای کشور و طرح امام محله در ۱۰۰۰ مسجد شهری و در بیش از ۲۰۰ مسجد در مناطق حاشیه شهری طرح پایگاه‌های فرهنگی اجتماعی را اجرا می‌کند؛ ضمن اینکه ۹۰ هزار هیئت مرتبط با سازمان تبلیغات بخشی نیز در مساجد مستقر هستند که در بودجه سال ۱۳۹۹ سازمان تبلیغات اسلامی با عنوان «بودجه برنامه گسترش فعالیت‌های فرهنگی در مساجد»، رقم ۳۱ میلیارد تومان اختصاص یافته است.

۶. شهرداری‌ها

این مجموعه در امر عمرانی و کمک به برنامه‌های فرهنگی مساجد، نقش‌آفرین است که در شهرداری تهران مرکز فعالیت‌های دینی، کمک‌های نقدی و محتوایی به مساجد دارد و سازمان زیباسازی برای امور تبلیغاتی مساجد کمک‌رسانی می‌کند. برخی از برنامه‌های فرهنگی شهرداری نیز در بستر مساجد اجرایی می‌شود. سازمان آتش‌نشانی به سهم خود به ایفای نقش نظارتی جدی در زمینه ایمنی مساجد جهت برگزاری مراسمات و تجمعات می‌پردازد. همچنین شهرداری‌ها در زمینه تهیه و اجرای طرح‌های هادی شهری وظیفه دارند مسجدمحوری را مورد توجه قرار دهند و زمین مناسب جهت احداث مساجد را در اختیار متقاضیان قرار دهند.

۷. وزارت کشور

مساجد برای اخذ مجوز برای فعالیت در حوزه مؤسسات خیریه با این مجموعه ارتباط دارند. همچنین در زمان انتخابات مختلف نیز این وزارتخانه از مساجد به عنوان حوزه انتخابات استفاده می‌کند.

۸. سازمان بهزیستی

این سازمان برای مبارزه با آسیب‌های اجتماعی و جمع‌آوری کمک‌های مردمی از بستر مساجد استفاده می‌کند.

۹. هلال احمر

این نهاد برای ارائه آموزش‌های لازم به مردم و همچنین جمع‌آوری کمک‌های مردمی در بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله از بستر مساجد استفاده می‌کند.

۱۰. کمیته امداد امام خمینی رحمة الله علیه

این کمیته در زمینه فعالیت مراکز نیکوکاری در مساجد مشارکت و حضور دارد و برخی از این مراکز و صندوق‌های قرض‌الحسنه مساجد با کمک این کمیته فعالیت می‌کنند و کمک‌رسان ای‌تام آن هستند.

۱۱. وزارت نیرو

به استناد ماده ۱۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون مالی دولت، مساجد از پرداخت هزینه‌های آب، برق و گاز معاف هستند. با این حساب می‌توان وزارت نیرو با ادارات زیرمجموعه‌اش مانند آب، برق و گاز را دخیل در امور مساجد دانست.

۱۲. نهاد کتابخانه‌ها

برخی از مساجد کشور دارای کتابخانه‌های مخزن‌دار یا باز هستند که براین اساس با مجموعه کتابخانه‌های ملی کشور مرتبط هستند. همچنین در برخی سال‌ها مصوباتی در حوزه کتابخوانی و طراحی کتابخانه دین در مساجد وجود داشته است.

۱۳. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

این مجموعه بر امور بهداشتی در مساجد کشور نظارت دارد. گفتنی است با شیوع بیماری کرونا از اسفند ۱۳۹۸ شمسی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های ناشی از تصمیمات این وزارتخانه و ستادهای مرتبط آن، اثر جدی بر کمیت و کیفیت فعالیت‌های مساجد در سراسر کشور داشته است.

۱۴. نیروی انتظامی

این مجموعه برحسب وظیفه ذاتی خود مأمور تأمین امنیت برنامه‌ها و فعالیت‌های مساجد است و در زمان برگزاری مراسم‌ها، با این مجموعه برای تأمین امنیت هماهنگی صورت می‌گیرد.

۱۵. قوه قضاییه

این قوه برای آموزش‌های حقوقی به مردم از بستر مساجد استفاده می‌کند و در قالب شوراهای حل اختلاف نیز از محیط مساجد برای رفع برخی از پرونده‌های خرد حقوقی بهره می‌برد.

۱۶. ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر

این ستاد برای اجرای برنامه‌ها و طرح‌های خود فضای مساجد را برای پیش‌برد اهداف و برنامه‌های خود انتخاب کرده است.

۱۷. سازمان دارالقرآن

این سازمان با تأسیس خانه‌های قرآنی و مؤسسات قرآنی در مساجد، برنامه‌های خود را اجرایی می‌کند.

۱۸. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

این مجموعه با اجرای طرح قرارگاه پیشرفت و آبادانی یا طرح کرامت یا طرح جواد الائمه در راستای رفع محرومیت از فضای مساجد برای اجرای برنامه‌های خود استفاده می‌کند.

۱۹. قرارگاه خاتم الانبیاء (بنیاد برکت)

این قرارگاه در ساخت مساجد در مناطق محروم مشارکت دارد.

۲۰. بنیاد خاتم الاوصیاء

این بنیاد برای اجرای برنامه‌های جبهه فرهنگی کشور مساجد را به عنوان محل اجرای برنامه‌های خود برگزیده است.

۲۱. آستان قدس رضوی

این مجموعه قرارگاه محرومیت‌زدایی و دیگر برنامه‌های خود را در مساجد کشور اجرایی می‌کند.

۲۲. ستاد مردمی اعتکاف

این ستاد برای اجرای برنامه‌های اعتکاف در مساجد کشور نقش‌آفرینی می‌کند.

۲۳. معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه

این مجموعه با اعزام و حضور بیش از ۲۰۰۰ مبلغ در طرح هجرت در بستر مساجد فعالیت دارد.

۲۴. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

این مجموعه هرساله با اعزام بیش از ۷۰۰۰ مبلغ به مساجد سراسر کشور برای امر تبلیغ با مجموعه مسجدی‌ها مرتبط است.

۲۵- مجمع خیرین مسجدساز

۲۶- دادگاه ویژه روحانیت

۲۷- وزارت آموزش و پرورش

۲۸- شورای سیاستگذاری ائمه جمعه کشور

۲۹- ستاد اقامه نماز

۳۰- دانشگاه‌ها و نهادهای عالی علم

برخی دانشگاه‌ها و نهادهای علمی نظیر دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام و ... با تشکیل گروه‌های مطالعاتی به طور خاص بر روی موضوع مسجد به مطالعه، مشاوره و برنامه‌ریزی می‌پردازند.

۳۱- مؤسسات فرهنگی خصوصی

بسیاری از مؤسسات فرهنگی در بخش خصوصی به طور خودجوش با رویکرد

آتش به اختیار به موضوع مسجد می‌پردازند و به اقدامات ترویجی و فرهنگی در این حوزه دست می‌یازند.

۳۲- وزارت راه و شهرسازی

مسئولیت احداث، نگهداری و مدیریت مساجد یا نمازخانه در پایانه‌های مسافری از جمله وظایف این وزارتخانه در قوانین و برنامه‌ها بوده است. همچنین وظایفی که در قانون بر عهده وزارت مسکن گذاشته شده است، از جمله واگذاری زمین مناسب به متقاضیان احداث مسجد و... بر عهده وزارتخانه جدید است. شورای عالی معماری و شهرسازی مسئول تأیید محل مناسب نمازخانه در مجتمع‌های جدید تجاری اداری مالی و خدماتی است.

۳۳- وزارت نفت

مسئولیت احداث، نگهداری و مدیریت مساجد یا نمازخانه در پمپ بنزین‌های بین‌شهری از جمله وظایف این وزارتخانه در قوانین و برنامه‌ها بوده است.

۳۴- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

«تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد» از جمله وظایف این سازمان در برنامه توسعه چهارم بوده است. همچنین حفظ، احیا و مرمت مسجدهای قدیمی از جمله وظایف این سازمان است.

۳۵- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

این بنیاد در برنامه ششم توسعه موظف بوده است تا زمین مناسب را برای احداث مسجد و خانه عالم بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی و دولتی در اختیار متقاضیان احداث مسجد قرار دهد.

۳۶- اماکن تجاری، اداری و خدماتی جدید الاحداث

طبق قانون برنامه ششم توسعه، مالکان اماکن تجاری، اداری و خدماتی جدید الاحداث موظف‌اند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث نمایند.

۳۷- سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور

این سازمان نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی موظف است.

۳۸- کلیه دستگاه‌های اجرایی، مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مجموعه‌های ورزشی، مجتمع‌های رفاهی، تفریحی اعم از دولتی یا غیردولتی

همه این مراکز طبق برنامه ششم توسعه موظف شده‌اند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام نمایند.

ز) جمع‌بندی تحلیل وضعیت مساجد ایران

وضعیت امروز مساجد کشور در نسبت با قوانین و مقررات و نیز وجود سازمان‌ها و نهادهای متولی و یا مرتبط با آن‌ها، به نحوی است که به لحاظ قوانین و صادرکنندگان این مقررات دچار تعدد مراجع قانون‌گذار است و همچنین منشأ یکپارچه‌ی تشخیص مسائل، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری در راستای سیاست‌گذاری همه‌جانبه به صورت کلی تعیین نشده است. ضمناً بستر شناخت و رصد وضعیت مساجد به صورت نوبه‌ای و مستمر نه تنها وجود ندارد بلکه مسئولیت این امر نیز را نیز هیچ کدام از دستگاه‌های اجرایی مستقیماً بر عهده نگرفته‌اند، بنابراین نه تنها آمار و اطلاعات اولیه‌ی دقیق، شفاف و منظمی از واقعیت‌های موجود، گردآوری نشده است بلکه مرجع تحلیل‌گر و سیاست‌گذاری نیز این مهم را پیگیری نمی‌کند.

قوانین و مقررات در سطوح مختلف وضع شده است و برخی نیز نیازمند به روزرسانی است و هیچ دستگاه و نهادی متولی پیگیری اجرای هدفمند قوانین موجود نیست. مطالبه‌گری بخش جدی و مؤثر سیاست‌گذاری مسجد است که باید با استناد به قوانین موجود مورد توجه قرار بگیرد و از سویی گفتمان‌سازی وسیعی بر روی این موارد صورت پذیرد. اما از آن جهت که مسئولین مربوطه نسبت به مسائل مساجد ناآگاهند و از وضعیت کنونی به صورت لحظه‌ای اطلاعات کافی ندارند، بنابراین دستگاه محاسباتی دقیقی برای برنامه‌ریزی، مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی ندارند. در این شرایط

اولین گام طراحی نظام مسئله‌شناسی مساجد در وسعت جغرافیای فرهنگی کشور و رصد لحظه‌ای ظرفیت‌ها، منابع (انسانی و مادی)، موقعیت‌های مناسبتی و برنامه‌های مساجد کشور است. در گام دوم تعیین ایده‌های راهبردی به مثابه‌ی راهکارهای مطمئنی است که مسیر دستیابی به مسجد تراز را فراهم می‌سازد و امکان برنامه‌ریزی در افق تمدن‌سازی نوین اسلامی را فراهم می‌آورد.



آینده پژوهی مساجد ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛ تحلیل لایه ای علت ها با تأکید بر لایه ی گفتمانی

مقدمه

هیچ انقلابی بدون در نظر گرفتن تصویری روشن از آینده نمی تواند، مسیر حرکت و تداوم خود را تبیین و تثبیت کند. انقلاب اسلامی به پشتوانه ی روح توحیدی ملت ایران و هدایت امام امت در بستریک نهضت ایمانی شکل گرفت و مرهون بنایی فکری بود که در سیری تاریخی با پشتوانه ی مستحکم مردمی و در مردمی ترین نهاد اجتماعی یعنی مسجد، فراز و نشیب های متعددی را سپری و بحران های فراوانی را با جوشش داوطلبانه، خلاقانه و جهادگرانه ی مؤمنین مدیریت می کند. با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم از سوی امام امت صادر می شود و علاوه بر مرور رخدادها و دستاوردهای

چهل ساله به افق‌های آینده‌ای نه چندان دور اشاره می‌کند. چنانچه مساجد را اصلی‌ترین پایگاه مشارکت و هم‌افزایی بدانیم که در سیر پیروزی و تداوم انقلاب نقش اساسی ایفا کرده است، امروز نیز باید برای حفظ و ماندگاری این نتایج و استمرار توفیقات، برای فعال و پویا بودن آن‌ها تلاش کرد و آینده‌ای مشهود را برای برنامه‌های آتی، مشخص نمود.

وضعیت کنونی مساجد ایران نتیجه‌ی تطورات و جریان‌هایی است که با مطالعه‌ی تاریخی مسجد در دوران معاصر به شناخت تأثیر آن دست می‌یابیم. اما آینده‌ی مساجد نباید تداوم نقص‌ها و کاستی‌های امروز و نادیده انگاشتن آن‌ها باشد. تبیین آینده‌ی مساجد می‌تواند نه تنها راهی برای برون‌رفت از معضلات مدرنیزاسیون ساختارهای ناکارآمد جامعه‌ی ایران باشد بلکه افقی روشن به سوی جهان انسانی بگشاید. جهانی که نه درگیر توسعه‌ی ابزاری خود است و انسانیت را به فراموشی سپرده است و نه در پی شناخت و نهادینه کردن واقعیت‌هایی که بر ساخت جریان‌های منفعت‌گرای وابسته به ثروت و قدرت است. مساجد آینده‌ی ایران می‌تواند تمرکز را از توسعه‌ی زیرساخت‌ها و امکاناتی که کمبودشان در مسجد، مسئله‌ی اول فعالین مسجدی است، کم‌کند و به «توسعه معانی» بپردازد و از این گذرگاه آوازه‌ی معنای انقلاب اسلامی را در سپهر انسانی نمایش دهند.

آینده‌پژوهی مساجد ایران در گام دوم انقلاب اسلامی موضوعی است که در این مجال به دنبال تبیین آن هستیم و با تحلیل روندهای موجود در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... به آینده‌های جایگزین اشاره می‌گردد که نهایتاً بخشی از گفتمان پیشروی انقلاب اسلامی در خصوص مسجد و هویت آن در ساختار تمدنی جدید باشد. آنچه که در این پژوهش بیش از همه مورد توجه قرار گرفته، حرکت فراتر از بدیل‌های موجود گفتمانی و طرح رویکردی نوین در خصوص جایگاه مسجد در چهل سال دوم و نوعی جهش فکری، تأویل و ترویج مفاهیم جدید است به نحوی که آینده‌ی متصور ساختار عینی مطلوب نظریه‌پردازی امروز باشد.

آینده‌پژوهی

آینده از آن جامعه‌ای که بتواند آینده را پیش‌بینی و یا تخیل و ترسیم کند. در مورد آینده هیچ نشانه و یا خاطره‌ای وجود ندارد که از آن بتوان به تصویر روشنی دست یافت

بلکه تنها راه تصور آینده، توجه به نشانه‌های گذشته و نوع تکرار نشانه‌ها در زمان حال است. گذشته می‌تواند آئینه آینده باشد و فوائد مطالعه‌ی تاریخ، تسلط بر آینده است و عبرت از تاریخ یعنی فهم آینده، بنابراین ملت‌ها برای درک آینده چهارچوب‌هایی را برای فهم گذشته در نظر می‌گیرند که از جهان بینی آن‌ها نشأت گرفته است. از سویی مبنای تمدن‌سازی نیز آینده‌سازی است و قوه‌ی تخیل بر مبنای تاریخ و در کنار ساختارهای عقلانی، ابزاری مهم برای ترسیم آینده است. تخیل نادیده‌ها را می‌بیند و از فضای زمانی، مکانی، تاریخی و جغرافیایی فراتر رفته و شامل تمامی مشهوداتی می‌شود که نشانه و معانی خاصی دارند. هنر دانش بنیادی عالم خیال است که می‌تواند در یک نظام ترسیمی، آینده را ترسیم کند (فیاض، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۳). مسجد زیربنایی فرهنگی و هنری دارد که حتی معماری آن را نیز تحت الشعاع قرار داده است و دیالکتیک نشانه‌ها و معانی، موجب انتقال مفاهیم توحیدی به نمازگزار می‌شود. تحلیل آینده‌پژوهی مساجد چهار قرن پیش خود را در هنر معماری مسجد نشان داده است. حال پرسش اینجاست که آینده‌پژوهی مسجد در گام دوم انقلاب اسلامی چگونه و با چه هنری خود را در مصادیق واقعی و عینی نشان می‌دهد و مسجد آینده از جنبه‌های محتوایی و نرم‌افزاری چه شکلی خواهد داشت؟

پیش از پاسخگویی به این سؤال بهتر است ابتدا به این موضوع پرداخت که اساساً دانش آینده چیست؟ این پرسشی است که از نظر معرفت‌شناختی به معنای چگونگی کسب دانش از آینده با تکنیک‌های مختلف برای یک هدف عملی اشاره می‌کند و از نظر هستی‌شناختی، بیانگر این موضوع است که شناختن آینده به چه معنا ممکن و یا غیرممکن است و به چه معنا دانش آینده را می‌توان به عنوان یک زمینه تحقیقاتی علمی مناسب با سایر زمینه‌های علمی دانش به شمار آورد. در بحث آینده پژوهی باید توجه داشت که قصد این زمینه‌ی علمی، پیش‌بینی آینده نیست بلکه به معرفی آینده‌های جایگزین و اولویت‌دهی آن‌ها اشاره دارد، بنابراین کاوش در آینده نمی‌تواند تلاشی برای اطمینان بخشی کامل به فعالیت‌های مربوط به آینده جهان باشد (سردار، ۲۰۰۹).

دانش آینده، تحلیل، طراحی و برپایی هوشمندانه آینده است، که به ما می‌آموزد در مواجهه با پدیده ناموجودی به نام آینده چگونه برخورد کنیم. آینده پژوهی در حقیقت دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده؛ به گونه‌ای آگاهانه، فعالانه، و

پیش‌دستانه و با مشخصه‌هایی همچون تمرکز روی موضوعات بلندمدت، متعهد به نتایج و سیستماتیک بودن است. (قدیری، ۱۳۸۴). همان‌گونه که پژوهش‌های تاریخی (گذشته‌پژوهی) به دنبال شرح حوادث و اتفاق‌های گذشته و کشف دلایل رخ دادن آنها است، آینده‌پژوهی به دنبال درک نیروهای نهفته و خفته زمان حاضر و امکان رخدادهای آینده است. دانش ارزش‌بنیان آینده‌پژوهی در هر زمینه‌ای که به کار گرفته می‌شود تلاش می‌کند به دو سوال عمده جواب دهد:

ادامه وضعیت جاری و تداوم ساز و کارهای کنونی چه تبعات و عواقبی خواهد داشت؟
آینده مطلوب چیست و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

آینده‌پژوهی سیاست‌ها را تثبیت نمی‌کند، بلکه به تعدیل آن کمک می‌کند تا در مقابل تغییرات شرایط زمانه؛ مناسب‌تر، انعطاف‌پذیرتر و مقاوم‌تر باشند (گد، ۱۹۹۷). آینده‌پژوهی شاخه‌ای از علم و فناوری است که با کشف و طراحی آینده، و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب سروکار دارد. علم است چون مبانی شناختی و روش‌شناسی دارد و در دانشگاه‌ها تدریس می‌گردد؛ و فناوری است چون بر پایه یک مجموعه از فنون استوار است و جهت حل و فصل مسایل و در جهت طراحی و مهندسی آینده به کار می‌رود (ملکی‌فر، ۱۳۸۵).

پژوهشگران روش‌های متعددی را برای تحلیل آینده مورد استفاده قرار می‌دهند که هر یک به فراخور موضوع مورد بررسی و ساختار تحقیق انتخاب می‌شود. در این پژوهش بر مبنای روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها به موضوع آینده‌پژوهی مساجد در گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

تحلیل لایه‌ای علت‌ها

تجزیه و تحلیل لایه‌ای علی و یا به طور خلاصه CLA، خود را درگیر آشکار ساختن مفروضات ضمنی تفکر آینده‌پژوهی می‌سازد. تحلیل لایه‌ای علت‌ها بر پایه این فرض استوار است که تفاوت در شیوه چهارچوب بندی یک مسئله، هم راه حل‌های سیاستی و هم فعالیت مسئولان ایجادگذار را تغییر می‌دهد. تحلیل لایه‌ای علت‌ها^۱، یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است که توسط دکتر سهیل عنایت‌الله، مطرح‌گردیده و تحلیل و بررسی

مسائل آینده را در لایه های چندگانه ای مورد بررسی قرار می دهد. روش تحلیل لایه ای علتها در مقایسه با روشهای دیگر آینده پژوهی دارای مزایایی است که می توان به این موارد اشاره نمود که این روش غنا و وسعت سناریوها را افزایش می دهد، در هنگام استفاده قابلیت دربرگیری انواع مختلف دانشی شرکت کنندگان در روش را دارد، قابلیت استفاده از گستره بیشتری از اشخاص را داشته و شامل حالات غیرمتنی و هنرمندانه در فرآیند آینده پژوهی دارا می باشد، قابلیت همکاری لایه های مختلف (به صورت متعارض یا هماهنگ) را دارا می باشد، از سطوح بحث سطحی و مشخص به سطوح عمیقتر و حاشیه ای تر حرکت می کند، می تواند منجر به اعمال سیاست هایی شود که حاوی تحلیل هایی از لایه های مختلفی است (عنایت الله، ۲۰۰۶). به اعتقاد عنایت الله تحلیل لایه ای علت ها می تواند به عنوان یک تلاش دیده شود که از پسا ساختارگرایی استفاده می کند نه فقط به عنوان یک چهارچوب معرفت شناختی که توسط متفکرینی همچون میشل فوکو توسعه پیدا کرده است، بلکه به عنوان یک روش تحقیق و به عنوان یک راه که برای فهم گذشته، حال و آینده می باشد. (عنایت الله، ۲۰۰۶)

عنایت الله پژوهشهای آینده پژوهی را در سه بعد تجربی^۱، تفسیری^۲ و انتقادی^۳ که با هم همپوشانی دارند تقسیم می کند. (عنایت الله، ۱۹۹۰) هر یک از این ابعاد دارای فرضیات متفاوتی راجع به واقعیت، حقیقت و درباره نقش موضوع، پیرامون ماهیت جهان و درباره ماهیت آینده می باشند. (عنایت الله، ۱۹۹۳)

روش تحلیل لایه ای علتها مبتنی بر فرضیاتی است که مطالعات آینده پژوهی باید در چند لایه مختلف سطحی و عمیق دیده شود. این مدل پیشنهادی، متدی است که از سه رویکرد استفاده می نماید، یعنی هم داده ها را در محتوا قراردادده و دربرگیرنده معانی باشد و هم ساختارهای تاریخی قدرت / دانش، طبقه، جنسیت و معرفت را مورد بررسی قرار دهد (عنایت الله، ۲۰۰۶). در ادامه ساختار کلی لایه بندی این روش را بررسی می کنیم.

1 . empirical,
2 . interpretive
3 . critical

لایه اول : لایه علل سطحی^۱

اولین لایه که لایه اولیه (لیتانی) نامیده می‌شود شامل روندهای کمی، مسائل، معمولاً اغراق آمیز، و معمولاً مورد استفاده اهداف سیاسی قرار می‌گیرد و معمولاً توسط رسانه‌های خبری بیان می‌گردد. این سطح شامل رویدادها، مسائل و روندهایی که با هم متصل نبوده و به نظر از هم جدا می‌آیند و نتیجه معمولاً منجر به احساس درماندگی (تحلیل گر از خود می‌پرسد که چه باید بکنم؟) یا بی علاقه‌گی (کاری نمیشود کرد!) یا یک رفتار مشخص (چرا آنها کاری راجع به آن نمی‌کنند؟) می‌شود. این سطح قابل مشاهده ترین و آشکارترین سطح مسئله بوده که نیازمند قابلیت‌های تحلیل کمی می‌باشد.

لایه دوم : لایه علل سیستمی یا نظام اجتماعی^۲

سطح دوم که به عنوان لایه علل سیستمی یا نظام اجتماعی شناخته می‌شود شامل مولفه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی بوده که به داده‌های کمی یک تفسیر تعلق می‌گیرد. این نوع از تحلیل معمولاً به صورت جدا از هم توسط مراکز سیاستی انجام شده و توسط یک روزنامه یا نشریات به چاپ می‌رسد.

لایه سوم : لایه گفتمان^۳

اصطلاحی که برای توصیف مطالعه آینده‌های جایگزین مورد استفاده قرار می‌گیرد مبتنی بر گفتمان‌هایی است که از محیط خلأ بیرون نمی‌آیند، بلکه دارای سابقه و زمینه فرهنگی هستند و می‌توانند به همان اندازه که آشکار می‌شوند پنهان گردند (سردار، ۲۰۰۹). گفتمان در مفهومی انتزاعی به مثابه‌ی مقوله‌ای است که عناصر گسترده‌ی نشانه‌شناختی زندگی اجتماعی را تعیین می‌کند. گفتمان به عنوان مقوله‌ای برای تخصیص شیوه‌های خاص بازنمایی است. گفتمان از راه ارتباط تعریف می‌شود. ممکن است گفتمان‌ها در قالب شیوه‌های جدید بودن القا شود. مسئله‌ی اصلی گفتمان جدید، درونی شدن توسط افراد است به نحوی که آن را گفتمان خود بدانند و بر حسب مؤلفه‌های آن کنش داشته باشند، فکر کنند و با دیگران ارتباط برقرار نمایند (فرکلاف، ۱۳۹۵: ۶۷-۶۰).

1 . litany

2 . social or systemic causes

3 . discourse/worldview

سطح سوم یعنی لایه‌ی گفتمان، یک سطح عمیقتر است که دربرگیرنده مباحث گفتمانی می‌باشد. وظیفه این بخش این است که ساختارهای عمیقتر اجتماعی، زبان‌شناختی و فرهنگی را که به عنوان یک بعد غیروابسته به بازیگران (فارغ از اینکه بازیگران چه کسانی هستند) را مورد بررسی قرار دهد. شناخت فرضیات عمیقتر ورای مسائل در این بخش حیاتی می‌باشد. در این بخش تحلیل گر می‌تواند، اینکه چطور گفتمان‌های مختلف (اقتصادی، دینی، فرهنگی به عنوان مثال) بیش از علل تاثیرگذار هستند را مورد بررسی قرار دهد. بر اساس گفتمان‌های متنوع، سناریوهای مختلفی می‌تواند بدست آید.

لایه چهارم : لایه استعاره ها و اسطوره ها^۱

لایه چهارم استعاره ها و اسطوره ها را مورد بررسی قرار می دهد. این بخش شامل داستان‌های عمیق، ابعاد ناخودآگاه معمولاً احساسی و ... می باشد. این سطح یک لایه احساسی از تجارب در چشم انداز را مورد تحقیق و بررسی قرار می دهد. این سطح از زبان کمتر به صورت مشخص و بیشتر از فراخوانی تصاویر بصری با برقراری تماس با قلب بجای سر استفاده می کند.

تصویری از مدل تحلیل لایه علت‌ها



گفتمان^۱

زمانی که از گفتمان صحبت به میان می‌آید، در واقع از منظومه‌ی معنایی خاصی یاد می‌شود که استعداد امکان تولید و تبادل معنا و اندیشه و ایجاد یک نیروی متحد تاریخی و رهبری اخلاقی، فرهنگی و فکری را دارد. استوارت هال معتقد است که هیچ ساختار و متنی به خودی خود خاستگاه معنا نیست بلکه جایگاهی است برای ترکیب‌بندی معنا و از این رو معنا همواره عرصه‌ی مذاکره و تعارض است. ضمناً هر فردی در بافت و زمینه‌ی اجتماعی خاصی قرار دارد و از همان زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی خود با موضوع مواجه می‌شود و طیفی از معانی را تولید می‌کند. بنابراین یک گفتمان از معانی موجود در پس زمینه‌ی فرهنگی انسان‌ها شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۷). بی‌گمان یکی از پرکارترین و مناقشه‌انگیزترین واژگان در سالیان اخیر، «گفتمان» است که در شاخه‌های مختلف معرفتی به کار رفته و مشتاقان بسیاری یافته است ولی در علوم سیاسی و در فلسفه بیش از سایر شاخه‌ها، مورد اقبال و توجه واقع شده است. شاید به این دلیل که در روزگار ما این واژه با مفهوم «قدرت» گره خورده است. به ویژه در نزد فیلسوفانی چون میشل فوکو این اصطلاح چنان با قدرت در آمیخته که گاهی با آن مترادف می‌شود. (احمدی، ۱۳۷۳: ۴۴ به نقل از امینی، ۱۳۹۰)

فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل این واژه معانی متعددی ذکر کرده است که برخی از آن‌ها به این قرارند:

- ۱- معنای گفتمان در وجه اسمی: مسیر رو به رشد، جریان روند یا توالی زمان، حوادث، اعمال و ...
- ۲- معنای گفتمان در وجه فعلی: دوبیدن، رفتن، حرکت کردن، پیمودن، طی کردن، گذشتن و از سرگذراندن. (بشیر، ۱۳۸۴)

در علوم انسانی و علوم اجتماعی اصطلاح گفتمان دربرگیرنده مفهوم فرم خاصی از اندیشیدن است که از طریق زبان قابل بیان کردن می‌باشد. برای گفتمان معانی گوناگونی وجود دارد که با توجه به کاربرد آن در حوزه‌های مختلف علمی، می‌توان نقش و کاربرد خاصی برای آن در نظر گرفت. این مفهوم که در تئوری‌های معاصر به یکی از

پیچیده‌ترین و بحث برانگیزترین مسائل تبدیل شده و به گفته تئون ون دایک مفهوم آن مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ، اساساً مبهم است، در علوم مختلف به گونه‌ای طراحی شده که گویی بدون وجود آن امکان درک و راه‌یابی به عمق مسائل علمی امکان‌پذیر نیست و گفتمان حاکم بر هر بحث علمی، خود تعیین‌کننده بخشی از هویت آن است و بدون آن نمی‌توان واقعیت مسائل را به گونه‌ای که باید باشند، درک نمود. (ون دایک، تئون ای، ۱۳۸۲ به نقل از کرباسیان)

گفتنی است که مباحث مربوط به گفتمان به طور کلی در روزگار ما تحت نفوذ و سیطره علمی و معنوی فوکو بوده و رابطه مستحکم خویش را با قدرت و به بیان دیگر با سیاست هرگز سست نکرده است. در نزد کسانی که از دید زبان‌شناسانه به گفتمان نگریسته‌اند، باز در نهایت آن خط و ربط سیاسی در آثار و افکارشان مشاهده می‌شود. (امینی، ۱۳۹۰)

گفتمان در لغت به چند معنی آمده است: مباحثه و مجادله، مسیر و جریان و راه و روش، گفتگو و مکالمه، عمل، قانون، پرده نمایش، نماد، قدرت، توان و استعداد تفکر و... (فرهنگ وبستر، ۱۹۸۱ به نقل از امینی، ۱۳۹۰) اما این واژه همین که وارد متون تخصصی می‌شود و مفهوم اصطلاحی به خود می‌گیرد، پیچیده تر و گسترده تر می‌شود. امیل بن ونیتس از زاویه زبان‌شناسی به این کلمه نظر انداخته است. طبق گفته او، «گفتمان» را باید از زاویه «ارتباطات اجتماعی» در نظر گرفت. از این دیدگاه، گفتمان سبب «عینیت بخشیدن» به واژه‌ها می‌شود، یا به بیان دیگر وجود عینی آنها برای ما درک می‌شود. او و سایر زبان‌شناسان اعم از ساختارگرایان و دیگران از زوایای دیگر نیز به این موضوع پرداخته‌اند. همچنین از دیدگاه فلسفی نیز گفتمان مورد توجه افرادی چون دکارت، نیچه، کانت، هوسرل و هابرماس و امثال آنان قرار گرفته است (دیکشنری فرهنگ و تئوری انتقادی، ۱۹۹۶، به نقل از امینی، ۱۳۹۰).

از آغاز دهه ۷۰ میلادی «گفتمان» از دیدگاه انسان‌شناسانه سخت مورد توجه قرار گرفت. هم در زبان‌شناسی توصیفی و هم در مطالعات فرهنگی، از اقبال گسترده‌ای برخوردار شد. از دیدگاه انسان‌شناسی از حد یک اصطلاح صرفاً ادبی فراتر رفت و همه ابزارهای پیام‌رسانی از جمله نوارهای کاست و به طور کلی رسانه‌های صوتی و تصویری را در بر گرفت. نحوه تأثیرگذاری این رسانه‌ها و نیز تحلیل آنها از دیدگاه گفتمانی در دهه ۷۰ توجه

انسان‌شناسان را به خود معطوف کرد. از دید مطالعات فرهنگی، گفتمان سه مفهوم را می‌رساند: به تنهایی هنر گفتن یا نوشتن است، واژه‌ای است که تجسم دانش و معلومات است و مجموعه‌ای از آداب و رسوم و آیین‌هایی است که به مردم شیوه ارتباطات درست و مکالمات مؤثر و صحیح را با استفاده از ذخایر فرهنگی می‌آموزد. رویکرد دوم (فرهنگی) گفتمان را به زنجیره ارتباطی، دانش و قدرت می‌کشاند و از تداخل آنها با یکدیگر پرده برمی‌دارد (دایره المعارف انسان‌شناسی فرهنگ و اجتماعی، ۱۹۹۶ به نقل از امینی، ۱۳۹۰).

گفتمان‌ها آینده یک پدیده و یا ساختار را می‌سازند و از این رو باید توجه داشت که در گفتمان مسجد آینده انقلاب اسلامی کدامین دال‌های محوری مورد تأکید است و با تحلیل از شرایط و وضعیت موجود، بررسی شود که آینده‌های جایگزین ذیل چه گفتمان‌هایی شکل می‌گیرند و تثبیت می‌شوند. اینکه گفتمان مسجد در گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر اصول و ارزش‌های مورد تأکید شکل می‌گیرد و یا در تضاد و تعارض با آن صورت می‌پذیرد، موضوعی است که به میزان مسئولیت‌پذیری و اراده‌ی همراه با تعقل و تبیین علمی همراهان و دلسوزان رویکرد مسجد محوری و تلاش جدی به منظور پیوند ریشه‌های فکری با مصادیق عینی میدان عمل بستگی دارد. در ادامه به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی که در ارتباط با آینده‌پژوهی مسجد قرار دارد، توجه می‌شود.

آینده‌پژوهی در افق گام دوم انقلاب اسلامی

ساختن آینده‌ی انقلاب اسلامی بر پایه‌ی معنویت، اخلاق و سعادت‌مندی ملت ایران، چیزی است که در پرتوی مسئولیت‌پذیری شکل می‌گیرد. «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند» بیانیه گام دوم و مسجد به عنوان عرصه‌ی نمایش مسئولیت‌پذیری و باور به رشد همه‌جانبه و توحیدی، می‌تواند گفتمان منحصر بفردی داشته باشد که به شعارها و ارزش‌های انقلاب جامه‌ی عمل بپوشاند. «برای همه چیز

میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل زده شوند» (بیانیه گام دوم).

آینده‌پژوهی مساجد ایران در افق چهل ساله‌ی دوم در ارتباط با درک و تحلیل مسائل آینده مسجد است و از این نیازمند توجه به تحلیل لایه‌های علیّی ساختارهای مختلف اجتماعی و تبیین صورت‌بندی دقیقی از مسائل حوزه‌های مربوط به مسجد است. چهارچوب‌های معنایی که مبتنی بر آن می‌توان به صورت‌بندی مسائل پرداخت، پیوندی ناگسستنی با گفتمان مورد نظر دارد.

بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، مسیر پیش روی جوانان این مرز و بوم را به سوی افق و اهداف بلندی نشان می‌دهد که پیمودن این طریق نیاز به توجه فراگیر به ابعاد همه‌جانبه‌ی این حرکت دارد. بیانیه در هفت محور و موضوع کلی، توصیه‌هایی علمی و دقیق داشته و این مهم می‌تواند مبنایی برای آینده‌پژوهی مسجد قرار گیرد.

این بیانیه با تبیین متفاوت، در عین نوآوری و خلاقیت، با بهره‌مندی از رویکردی تاریخی و مستند، و با روایتی زیبا و خوش ساخت از اصل انقلاب اسلامی، چالش‌ها، بحران‌ها، عبرت‌ها، دستاوردها و ظرفیت‌ها، با روند پژوهی سیر به سوی تمدن نوین اسلامی و تکیه بر شناخت مزیت‌های کلیدی و الزامات جهش در چله دوم انقلاب، ضمن تجویز راهبردهای اساسی، با تصریح به الزامات درونی و حفظ ساحت بیرونی، نوید بخش تحولات عمیق و گسترده‌ای است. بیانیه گام دوم، نقشه‌ی راه روشنی مبتنی بر امید واقع‌بینانه و خوش‌بینی مومنانه است که در پی انتقال هوشمندانه میراث عظیم انقلاب به نسل جدید در کنار وظیفه‌سازی برای مسئولان و مدیران و مسئولیت‌آفرینی برای جوانان عزیز، رشید و شایسته تلاش می‌کند تا این حرکت عظیم الهی را به تمدن

نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور دولت کریمه و ولایت عظمای مهدوی (عج)، متصل کند (حاج علی اکبری، ۱۳۹۷). در ادامه تلاش می‌شود تا با طرح مفاهیم اصلی هریک از این محورها، به شاخص‌هایی برای تحلیل گفتمانی مسجد توجه شود. آنچه که بیش از همه‌ی توصیه‌ها می‌تواند به عرصه‌ی مسجد نزدیک‌تر باشد، موضوع معنویت و اخلاق است. معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایمان و توکل در خود و در جامعه. اخلاق نیز به معنی رعایت فضیلت‌هایی مثل خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلیات نیکو است.

حکومت‌ها نمی‌توانند اخلاق و معنویت را با قدرت قاهره ایجاد کنند، بنابراین راه حل چیست و چگونه جامعه اسلامی در چهل سال دوم انقلاب، جامعه‌ای فضیلت‌گرا می‌گردد. این موضوعی است که دال مرکزی گفتمان مسلط مسجدگرایی و محور اصلی آینده‌پژوهی مسجد تعریف می‌شود و سایر مفاهیم را با گفتمان مسلطی که ایجاد، تثبیت و ترویج می‌کند، همراه می‌سازد. اینکه در چه گفتمانی منش و رفتار اخلاقی و معنوی در افراد جامعه ساخته می‌گردد، در لایه‌های مختلف ترویج می‌شود، ساختارهای نهادهای اجتماعی را متناسب آن تغییر می‌دهد و سازمانی پیشرو و مردمی برای مبارزه با قانون‌های ضد معنویت و اخلاق تشکیل می‌دهد، بحثی است که باید از تحلیل مفاهیم ایده‌پردازی و اجرای میدانی آن‌ها به دست آورد. در جدول ۱-۱: مفاهیم فراگیر بیانیه گام دوم در ارتباط با مساجد طراحی شده است؛

جدول ۱-۱: مفاهیم فراگیر بیانیه گام دوم در ارتباط با مساجد

ردیف	موضوع	متن توصیه (کدها)	مفاهیم پایه	مفاهیم سازمان دهنده	مفاهیم فراگیر
۱	تقویت سرمایه معنوی و اخلاقی	- معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است. - اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. - معنویت و اخلاق، جهت دهنده ی همه ی حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. - بودن معنویت و اخلاق محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند. - رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه بی گمان محتاج جهاد و تلاش است. - این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. - اخلاق و معنویت، البتّه با دستور و فرمان به دست نمی آید، پس حکومتها نمی توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اوّلاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند. - حکومت ها باید به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند. - نهادهای اجتماعی باید با کانون های ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوه ی معقول بستیزند.	- فهم و تبیین دقیق معنا و مصادیق معنویت - فهم و تبیین دقیق معنا و مصادیق اخلاق - ضرورت برنامه ریزی و خط مشی گذاری - فعالیت ها مبتنی بر اخلاق و معنویت در جامعه و مسجد - شناسایی دستاوردهای اخلاق و معنویت در فعالیت ها و کلیت زندگی - جهاد اخلاقی و معنوی - رویکرد هنجاری به ترویج اخلاق و معنویت - تأکید بر زمینه سازی دولت برای نقش آفرینی نهادهای اجتماعی در جهاد اخلاقی و معنوی - مسئولیت مسجد (مؤثرترین نهاد معنوی اجتماعی): ترویج اخلاق و معنویت و مبارزه با کانون های ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوه ی معقول	تبیین معنویت و اخلاق برنامه ریزی معنوی و اخلاقی جهاد اخلاقی و معنوی نقش آفرینی مسجد مسئولیت مسجد در جهاد اخلاقی و معنوی	تقویت سرمایه معنوی و اخلاقی

۲	۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰	- دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. - روی دیگر دانایی، توانایی است. - دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود «ثروت و نفوذ و قدرت» دوپست‌ساله فراهم کند. - غرب با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. - ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. - اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش، قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک «مطالبه‌ی عمومی» من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس «مسئولیت» بیشتر و همچون یک «جهاد» در پیش گیرید. - سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. - به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.	- علم عامل اقتدارآفرینی - ترویج فرهنگ - علم‌آموزی در مساجد - ترویج فرهنگ «ما می‌توانیم» با تأکید بر دانش‌افزایی در مساجد - ضرورت افزایش سرعت دانش‌افزایی - مطالبه‌ی عمومی ترویج فرهنگ دانش‌افزایی و جهاد علمی - جهاد علمی و دانش‌افزایی به مثابه‌ی یک مسئولیت فرهنگی - تأکید بر جهاد علمی در مسیر انقلاب علمی	فرهنگ دانش‌افزایی جهاد علمی اقتدار علمی مسئولیت دانش‌افزایی	جهاد علمی و مسئولیت دانش‌افزایی
۳	اقتصاد	- فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. - اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. - راه حل مشکلات اقتصادی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. - اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است»، خطایی نابخشودنی است.	- تأثیر اقتصاد بر امور مادی و معنوی مردم - اصلاح وضع معیشتی، وسیله‌ی دستیابی به اهداف - ترویج فرهنگ اصلاح الگوی مصرف، فرهنگ تولید، فرهنگ کارآفرینی، فرهنگ حمایت از کالای ایرانی - ترویج فرهنگ استکبار ستیزی در اقتصاد - ترویج فرهنگ مقاومت و ایمان به راه حل‌های درون‌زا و داخلی برای افکار عمومی	رابطه اقتصاد و معنویت اقتصاد وسیله‌ی رسیدن به اهداف فرهنگ اقتصاد مقاومتی (عامل اقتدار) فرهنگ کشف راه حل‌های درون‌زا	فرهنگ اقتصاد مقاومتی

۴	عدالت و مبارزه با فساد	- عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند. - فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر است. - خطر بروز این تهدید و سوسه‌ی مال و مقام و ریاست در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست. - ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی - دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد «پیشگیری» و بارشد آن «مبارزه» کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. - برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاء الله.	- توأمانی و همراهی فرهنگ عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد - افزایش مشروعیت نظام با ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد - ضرورت کادرسازی برای برپایی عدالت اجتماعی - ضرورت اقداماتی مردمی در جهت مبارزه با فساد در همه اشکال آن - ضرورت اقداماتی مردمی برای رفع محرومیت‌ها - ترویج فرهنگ پیشگیری از فساد - فرهنگسازی برای مطالبه عمومی در جهت مبارزه با فساد - فرهنگ تربیت و ترغیب جوانان مؤمن و جهادگر برای جهاد با فساد	رابطه‌ی عدالت و مبارزه با فساد فرهنگ عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد کادرسازی محرومیت‌زدایی	فرهنگ مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی محرومیت‌زدایی
---	------------------------	---	---	--	--

۵	استقلال و آزادی	- استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. - آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است. - استقلال و آزادی هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. - حکومت‌ها موظف به تأمین استقلال و آزادی‌اند. - منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است.	- ضرورت تبیین دقیق و درست معنای آزادی معنوی و آزادی اجتماعی - ضرورت تبیین دقیق و درست معنای استقلال - فرهنگ سازی مطالبه‌ی عمومی و همیشگی آزادی و استقلال - برپایی و ترویج کرسی‌های آزاداندیشی	تبیین استقلال و آزادی مطالبه‌ی عمومی استقلال و آزادی	تقویت فرهنگ آزادی خواهی
۶	روابط خارجی، مرزبندی با دشمن	- عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. - اینها جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آمد. - سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. - امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. - دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند.	- ترویج منظومه فکری عزت، حکمت، مصلحت - تقویت فرهنگ و روحیه استکبارستیزی - آموزش و فراگیری زبان‌ها و برقراری ارتباط دوستی با ملت‌های مسلمان - فرار از روزمرگی و تمرین بلندمدت و راهبردی اندیشیدن و برنامه‌ریزی کردن - تقویت ارتباط مؤثر و فن بیان	عزت حکمت مصلحت استکبارستیزی ارتباطات مؤثر میان فرهنگی اندیشه راهبردی	تقویت ارزش‌های انقلابی و ملی

۷	۳.۱.۲	- تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. - مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان ها است.	- مقابله با مظاهر تمدن غرب - شناسایی و ترویج مظاهر تمدن اسلامی ایرانی (سبک زندگی اخلاقی و معنوی) - اقدامات ناظر به رفع نیاز عمومی با رویکرد تمدن دینی	مبارزه تمدنی تمدن سازی نوین اسلامی	ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی
---	-------	--	--	---------------------------------------	-------------------------------

به منظور ترویج هفت محور اساسی توصیه های بیانیه ی گام دوم انقلاب می توان مفاهیم فراگیر را به صورت کاملاً کاربردی در مساجد ایران به منصفی ظهور رسانید و نتایج آن را در قالب طرح ها و برنامه های شهری مصوب و اجرا نمود. اما آنچه می توان به عنوان محورهای اصلی فعالیت های مسجدی مورد توجه قرار بگیرد، عمدتاً ذیل دو محور تقویت معنویت و اخلاق و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی است که البته سایر مفاهیم فراگیر را نیز مرتبط با این دو تعریف می شوند. در ادامه پس از طرح تحلیل لایه ی علل سطحی مرتبط با وضعیت موجود مساجد، به هر یک از محورهای مورد تأکید ذیل لایه علل سیستمی پرداخته می شود.

تحلیل لایه ی علل سطحی مرتبط با وضعیت موجود مساجد

در اولین سطح تحلیل لایه ای بایستی به وضعیت آماری، قوانین و ساختارهای سازمان های مرتبط با مساجد پرداخته شود که هرچند به تفصیل در گزارش وضعیت شناسی مورد بررسی قرار گرفت، لکن در این مجال به طور مختصر به آن توجه می شود. طی دهه های اخیر و توسعه ی زیرساخت های مدرنیته در زندگی شهری، مساجد امروزه با تغییراتی در بعد مخاطبان و برنامه های مستمر خود مواجه هستند که جهت برنامه ریزی دقیق و اجتناب از آسیب های احتمالی در سال های آتی، نیاز به بررسی وضعیت کنونی مساجد وجود دارد. شناخت و آگاهی از وضعیت موجود مساجد کشور، هدفی میانی برای دستیابی به اهداف بلندمدت در حوزه ی سیاست گذاری و برنامه ریزی محسوب می شود که نیازمند ابزارها و روش های متناسبی است تا بتوان آنچه را که پا در واقعیت میدان دارد، احصاء نمود و بر مبنای آن تصویری از وضع کنونی مساجد ترسیم کرد.

طبق آخرین آمار گزارش شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) در سطح کشور تعداد ۵۹۳۲۰ مسجد گزارش شده است. وضعیت ۸۸ درصد از مساجد کشور فعال مستمر گزارش شده است. در بین مساجدی که فعال غیر مستمر اعالم شده است، ۸۹ درصد در ایام محرم، ۸۸ درصد در ایام ماه رمضان، ۵۱ درصد در ماه صفر، ۴۲ درصد در اعیاد و وفات‌ها، ۱۱ درصد در ایام دهه فجر به فعالیت می‌پردازند. در این میان تعداد ۴۸۷۵ مسجد به صورت فعال غیرمستمر و تعداد ۱۹۶۳ مسجد به صورت غیر فعال هستند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲).

باید توجه کرد که وجوه متمایز مساجد ایران، ظرفیت حضور فعال و مؤثر مردم در اقشار و سنین و سلیقه‌های مختلف را دارد. منتها نیازمند برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی وجود دارد. ظرفیت مناسب این امر به دلیل مواردی است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به پراکندگی نسبتاً مطلوب مساجد اشاره کرد به نحوی که اکثر مردم ایران حتی روستانشینان و عشایر از نعمت مسجد بهره‌مند هستند. معمولاً مساجد از جهت استحکام بنا و تجهیزات به نسبت سطح اقتصاد هر منطقه وضع مطلوب‌تری دارند هرچند مساجد کوچک و محلی ممکن است فاقد این ویژگی باشند و از آن جهت که مدیریت، ساخت و تعمیر مساجد، وابسته به دولت یا احزاب نیست، رویکرد مردمی بودن آن حفظ شده است. به واسطه‌ی علاقه مؤمنین متخصص به مسجد، می‌توان به بخش خوبی از طیف نخبگان جامعه در مسجد دسترسی یافت. از دیگر مواردی که به ظرفیت حضور پر شور مردم می‌انجامد، محوریت مسجد در مورد نقطه اشتراک ایرانیان یعنی دین‌داری است که ماه محرم و رمضان اوج حضور مردم را شاهدیم. بنابراین استفاده‌ی از این ظرفیت پویا نیازمند برنامه‌ریزی پویا و مثال‌زدنی است.

در خصوص سرانه متر مربع مسجد به ازای هر نفر، آمار دقیقی وجود ندارد و حتی در خصوص تعداد مساجد ایران براساس جمعیت هم آمار مشخصی وجود ندارد. اما در کلانشهر تهران ۱۹۴۱ مسجد است و با توجه به آمار جمعیت سال ۱۳۹۰ مساجد موجود در شهر تهران، به ازای هر ۴۸۲۲ نفر، یک مسجد وجود دارد. و براساس امکان دسترسی به مسجد، نیاز به ساخت ۱۵۱۶ مسجد دیگر وجود دارد. این موضوع در برخی مناطق تهران نامطلوب‌تر است و به طور مثال در منطقه چهار به ازای هر ۶۴۰۳ نفر یک مسجد وجود دارد.

هرچند نیازسنجی برای بنا نهادن مساجد بایستی بر اساس تعداد نمازگزاران صورت بگیرد و متأسفانه این امر نیز شباهت زیادی به سایر شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی که وضعیت آن‌ها صرفاً در سرانه خلاصه می‌شود، دارد. در سال ۱۳۹۴ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز ملی رصد اجتماعی پیمایشی در زمینه‌ی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به انجام رسید که نتایج آن به صورت زیر منتشر شد. براساس این آمار نزدیک به ۲۵ تا ۳۰ درصد مردم نسبت به حضور در مساجد و ادای نماز جماعت رغبت نشان داده‌اند.

موارد	هرگز	به ندرت	گاهی	اکثر اوقات	همیشه
حضور در مسجد	۱۱٫۲	۲۵	۳۵٫۵	۱۷٫۹	۱۰٫۵
شرکت در نماز جماعت	۱۷٫۳	۲۷٫۲	۲۹٫۲	۱۵٫۲	۱۱

اهداف، وظایف و حیطه‌ی عمل ۶۷ سازمان و ارگان عمومی به طور خاص و یا به طور کلی با مساجد کشور در ارتباط است، اما هیچ یک به طور متمرکز بر مسائل مساجد و پیگیری قوانین متفرقه و متکثر در این حوزه، متمرکز نیست. یکی از مسائل اصلی مساجد مستقیماً به بحث قوانین ساماندهی مربوط است.

عدم وجود قوانین مستقیم در خصوص ثبت درخواست‌های مسجد به عنوان یک فرد حقوقی در ادارات و مراکز رسمی، فقدان قوانین مالی مرتبط با ساختار مسجد در ساختار بانکی کشور و عدم امکان پرداخت وام‌های مورد نیاز با ضمانت‌های لازم متناسب اقتضائات مسجد، وجود قوانین و مصوبات بدون در نظر گرفتن متولیان اجرایی یا فاقد ضمانت اجرایی، فقدان قوانین مبتنی بر تقسیم کار ملی میان دستگاه‌ها؛ متناسب با تامین نیاز مساجد در حوزه نرم افزاری و فقدان قانون جامع مساجد جمهوری اسلامی ایران، همگی از این دست مسائل هستند که به نقش آفرینی آن‌ها در خصوص ارتقای وضعیت فعلی مساجد نمی‌انجامد. ضمناً بستر شناخت و رصد وضعیت مساجد به صورت نوبه‌ای و مستمر نه تنها وجود ندارد بلکه مسئولیت این امر نیز را نیز هیچ کدام از دستگاه‌های اجرایی مستقیماً بر عهده نگرفته‌اند، بنابراین نه تنها آمار و اطلاعات اولیه‌ی دقیق، شفاف و منظمی از واقعیت‌های موجود، گردآوری نشده است بلکه مرجع تحلیل‌گر و سیاست‌گذاری نیز این مهم را پیگیری نمی‌کند.

چنانچه در سال‌های آتی همچنان بر پایه‌ی بی‌اعتنایی به آمار و اطلاعات دقیق برنامه‌ریزی شود، مبنای سرانه نفر بر متر مربع، شاخص مسجدسازی باشد، رصدخانه‌ای برای تعیین برآوردهای دقیق و داده‌های متقن وجود نداشته باشد، قوانین متکثر و غیریکپارچه و مرجع مستقیم پیگیری و اجرای قوانین معرفی نگردد، وضعیت مساجد به شدت به بحران مخاطب در محدوده‌ی استقبال کمتر از ۱۵ درصد گرفتار خواهد شد. شرایط پاندمی کرونا قطعاً به تسریع این وضعیت کمک خواهد کرد. همچنین علاوه بر هشدار فرو رفتن هرم جمعیتی ایران و کاهش مولید و طبعاً کاهش جمعیت جوان مسجدی، سرعت تحولات ارتباطات مجازی و عدم رقابت‌پذیری مساجد، به حضور کم‌رنگ‌تر نسل‌های جوان در مساجد می‌انجامد.

تحلیل لایه علل سیستم و نظام اجتماعی مؤثر بر مساجد ایران

در گام دوم آینده‌پژوهی به لایه علل سیستم و نظامات توجه می‌شود که برحسب آن، چهار حیطه‌ی کلی برای آن در نظر گرفته می‌شود که شامل تحلیل نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام سیاسی و نظام اقتصادی است و هریک را می‌توان مبتنی بر مفاهیم فراگیر مستخرج از بیانیه گام دوم و در تطبیق با روندهای وضعیت فعلی مورد مطالعه قرار داد.

تعامل مسجد و نظام فرهنگی

در زمینه‌ی تعامل مسجد و نظام فرهنگی در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی مستندات فراوانی دال بر تلاش‌هایی برای محور قرار دادن مسجد در امور فرهنگی از سوی برخی از اندیشمندان اسلامی و رهروان خط امام، وجود داشت که به دلایل مختلفی این رویکرد محقق نشد.

از سویی مساجد که پیش از این رویکردی تک‌بعدی و صرفاً نیایشی پیدا کرده بودند، آمادگی تغییر وضعیت را نداشتند و جایگاهی برای ارائه‌ی مباحث فکری و علمی در آن وجود نداشت. اما در همان سال‌های ابتدایی انقلاب با حضور پر شور مردم با همه‌ی سلیقه‌ها در مساجد به خوبی مشاهده می‌شود. همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی جای خود را در مسجد پیدا کردند و به تدریج مصادیق موفق‌ی در زمینه‌ی فعالیت‌های فرهنگی در مساجد کشور شناخته شدند. این رویه تا پایان دوران دفاع مقدس ادامه داشت و پس از

آن عده‌ای از رزمندگان برای تداوم مسیر انقلاب، رسالت‌های جدیدی برای ورود به میدان حفظ حریم فرهنگی و اعتقادی با محوریت مساجد تعریف کردند. این دوران همزمان با حاکمیت جریان کاپیتالیسمی و آغاز تسلط هژمونی جریان سرمایه‌داری بر فعالیت‌های فرهنگی بود و تعارضات متعددی حاصل از عدم شناخت ناکافی از وضعیت جامعه و قرار گرفتن در دوران گذار ایجاد کرد که دامنه‌ی آن تا مساجد ادامه یافت.

مدیریت و برنامه‌ریزی شهری با رویکردی غیربومی موجب شد تا توسعه‌ی فضاهای فرهنگی و هنری در سطح شهر با رقابت ارتقای سرانه و افزایش دسترسی‌ها به فضاها و منابع فرهنگی، با طرح راه‌اندازی فرهنگسراهای شهر و سرای محله اجرایی شود. این ایده در رقابت با مسجدمحوری محلات، پا به عرصه‌ی مدیریت شهری گذاشت. راه‌اندازی ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد نقطه روشن دیگری برای ورود مباحث فرهنگی به فعالیت‌های مسجدی بود که هرچند در تدوین اهداف ستاد، کلیت فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای تقویت مباحث اسلامی و افزایش مشارکت‌های مردمی موردتوجه قرار گرفته اما به مسجدمحور بودن کلیه اقدامات و برنامه‌ها منجر نشد و صرفاً مکان استقرار کانون‌ها در مساجد مدنظر قرار گرفت و ضمناً در رقابت با بسیج و سایر ارکان مسجد بعضاً کارکردهایی را هم به همراه داشت. در واقع بخش جدیدی به ارکان مسجد افزود به نحوی که حیطه‌ی فعالیت‌های آن با سایر بخش‌های فرهنگی مسجد همپوشانی داشت و در نتیجه به تعارضات داخلی مساجد، منجر می‌شد. عده‌ای نیز یکی دیگر از نقاط ضعف مساجد در ورود به عرصه‌های فرهنگی را عدم آشنایی امام جماعت با مباحث فرهنگی و تربیتی و عدم وجود امام جماعت مستقر، متخصص و پیشرو در مباحث فرهنگی می‌دانند که می‌تواند موجب اقدام مؤثر و نقش‌آفرینی فرهنگی در محله گردد.

در دهه‌ی هشتاد راه‌اندازی مرکز توسعه‌ی قرآنی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که با ارائه‌ی تسهیلاتی به دنبال رشد مؤسسات قرآنی متعدد در کشور بود، سبب شد به تدریج مباحث قرآنی نیز از مساجد خارج شود. همچنین مشارکت‌های مردمی به سمت حرکت‌های دموکراتیک سوق داده شد و از طریق ایجاد کانون‌های فرهنگی و تبلیغی مساجد، کانون مداحان و... به تدریج همه‌ی مباحث جاری و ساری فرهنگی در مساجد، در قالب‌های دیگر موردتوجه قرار گرفت و مسجد از کارکردهای فرهنگی خود فارغ شد.

هرچند پس از دوران دفاع مقدس هر روز از کمیت و کیفیت فعالیت‌های فرهنگی مسجد محور کاسته شده است و مسجد حتی جایگاه خود را در تولیدات رسانه‌ای و هنری و به طور خاص در صنعت سینما، به دست نیاورده‌اند، اما تغییرات بنیادین در نحوه‌ی نگرش فرهنگی به مسجد می‌تواند راهکاری برای ورود به آینده باشد. تداوم این وضعیت مساجد ایران را در بعد نیایشی خود فرو می‌برد و کارکرد فرهنگی خود را صرفاً در بعد برنامه‌های سفارشی سازمان‌ها حفظ خواهد کرد. آنچه که کارکرد فرهنگی مساجد را ایجاد می‌کند وابسته‌ی به دو زمینه‌ی «مردمی بودن» و «معناگرایی» آن است. مردمی بودن ناظر به داوطلبانه و خود جوش بودن حرکت‌های فرهنگی و محتوای برخاسته از شیوه‌ی زندگی عموم مردم است.

فرهنگ یعنی روش زیست مادی و فرامادی که به عنوان شیوه‌ی زندگی از آن نام برده می‌شود. شیوه‌ی زندگی یا فرهنگ به اقتضای هر جامعه‌ای متفاوت است و همین فرهنگ امکان تعاملات و مشارکت مردمی را فراهم می‌کند و بنابراین ساختارهایی که قصد دارند نوعی مشارکت حداکثری در امور فرهنگی ایجاد کنند، باید نسبت به فرهنگ جامعه‌ای که امکان این ارتباط را فراهم کرده است، احساس مسئولیت کنند و ضمناً نسبت به ترویج معنویت و اخلاق‌گرایی متمرکز باشد. مسجد بزرگترین و اصیل‌ترین نهادی است که بر پایه‌ی مشارکت مردمی ساخته شده و اداره می‌شود، بنابراین باید به اصلی‌ترین عرصه‌ی نمایش فرهنگ عمومی مبدل گردد. آینده‌ی مطلوب مساجد در حوزه‌ی کارکرد فرهنگی منوط به این تغییر نگرش است. در واقع آنچه که باید برنامه‌های فرهنگی مسجد را از سایر عرصه‌های اجتماعی جدا سازد، فرار از «فرم‌گرایی» و حرکت به سوی «معناگرایی» است. مصادیق برنامه‌ای مبتنی بر فرهنگ محلی تعریف می‌شود و معانی اخلاقی در بستری توحیدی در آن نمایش داده می‌شود. در این نگاه مساجد پایگاه تولید معنا و محتوا می‌شوند و کارکرد فرهنگی خود را نه در تعدد فعالیت‌های فرهنگی بلکه در تولید و نشر پیام‌های زندگی دینی و اخلاقی می‌یابند.

تعامل مسجد و نظام اجتماعی

در خصوص تعامل مسجد و نظام اجتماعی، محوریت مسجد در اداره‌ی عرصه‌ی عمومی و حل مسائل محله مورد تأکید است. آنچنان که مسجد می‌تواند به تولید نظام

معانی فرهنگی و نمایش عینی آن یاری رساند، در عرصه‌ی اجتماعی نیز نمایش حضور و مشارکت مردمی در حل مشکلات و بحران‌های اجتماعی را ترسیم می‌کند. ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی مسجد مهمترین مؤلفه‌ای است که بایستی نتیجه‌ی اقدامات و فعالیت‌های حل مسئله‌ای باشد. مسجد که پیش از دوران پهلوی اول به دلیل تجمع اعتبار و سرمایه‌های اجتماعی در آن، مرجع ثبت اسناد و حوادث مهم آحاد جامعه بود و تأیید روحانی مسجد و معتمدین محله، گواه بر صحت اسناد ثبتی احوال و املاک و اموال مردم و نقل و انتقال آن‌ها بود، نباید با تساهل و ساده‌انگاری در امور مرتبط با آن، اعتبارزدایی گردد. در روزگاری که خطبه‌ی ازدواج جوان‌ها نه تنها در مسجد جاری می‌شد، بلکه در مسجد به ثبت نیز می‌رسید، همچنین ثبت طلاق، ثبت تاریخ تولد نوزادان و وصیت‌نامه‌ی افراد نیز به همین منوال رسمی و ثبت می‌گشت، به واسطه‌ی جایگاه مؤثر مسجد در رخدادهای محلی، حاکمیت غیر دینی به دلیل ظرفیت اعتمادآفرین آن، روندهای جاری مساجد را به رسمیت بخشی می‌شناخت و به تأیید آن می‌پرداخت. در دوران پهلوی اول و دوم به تدریج روند اعتبارزدایی از مساجد با تشکیل سازمان‌های مختلف انجام پذیرفت.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی برخی حرکت‌های انقلابی همچون جهاد سازندگی به ویژه در روستاها، به محوریت مسجد در فراگرد گفتگوهای اجتماعی و محوریت حل مسئله یاری رسانید که تداوم نیافت و با ادغام در وزارت کشاورزی، با بن بست ساختاری مواجه شد. در حوادث طبیعی همواره این مساجد بودند که با تأمین نیازهای آسیب دیدگان به یاری آن‌ها می‌شتافتند، اعزام گروه‌های جهادی از مساجد کشور در حوادثی همچون حادثه‌ی زلزله‌ی کرمانشاه و ثلاث باباجانی، وقوع سیل در سیستان و بلوچستان، لرستان، گلستان و شهرهای جنوب کشور در برهه‌های مختلف، بیانگر روح جهادگری در میان مؤمنین و نمازگزاران بود که علاوه بر کمک‌های مالی، با حضور داوطلبانه‌ی خود در بازسازی این مناطق نیز همیاری داشتند. برخی از مساجد اعلام کردند که نمازگزاران آمادگی دارند تا زمان اتمام عملیات بازسازی منازل مسکونی در کرمانشاه، به صورت داوطلبانه یک خانواده زلزله‌زده یا آسیب‌دیده در سیل را در خانه‌ی خود پذیرایی کنند.

همچنین همزمان با پاندمی ویروس کرونا در کشور، بخش پیشگیری و درمان نیازمند اقدامی ملی و ایجاد بسیج عمومی بود. رهبر معظم انقلاب در این خصوص بر ضرورت

یاری رساندن جوانان انقلابی در این عرصه‌ی خطیر تأکید کردند و از این رو مساجد ایران با بسیج نیروهای جوان متدین جهت ضد عفونی کردن مناطق مختلف و تولید انبوه ماسک، گان، شیلد و سایر وسایل بهداشتی در قالب اقدامات داوطلبانه و جهادی، فعالیت‌های خود را آغاز کردند. در سال‌های اخیر در شهرها و روستاها با محوریت برخی از مساجد مؤثر، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و ارائه‌ی خدمات اجتماعی آغاز شد ولی همچنان درگیر معضل ساماندهی و وحدت رویه در سطح کلان ملی است. در تداوم این مسیر در آینده‌ای نه چندان دور، به تقلیل سرمایه‌ی اجتماعی مساجد بیش از گذشته منجر خواهد شد و دیگر مسجد هیچ جایگاهی برای نظم‌بخشی اجتماعی ایفا نمی‌کند. مهندسی اجتماعی شهرها و روستاها نه تنها باید با رویکرد محله‌محوری به بهبود جایگاه مسجد بیانجامد بلکه لازم است تا حول این بنای توحیدی شکل بگیرد.

ملاحظه‌ای که در مورد ارائه‌ی راهکارهای مربوط به مسائل مطروحه وجود دارد، انتخاب بهترین و کاراترین راهکار است. مسائل متعددی که متولیان، امناء و دغدغه‌مندان مساجد با آن مواجه‌اند، به قدری زیاد، اقتضایی و پیچیده است که برای پاسخ دادن به آن‌ها، نیاز به خرد جمعی و نوآوری است و البته پاسخ‌هایی که در طول زمان بهبود یابند، ارتقاء پیدا کنند و امکان بهره‌گیری از آن‌ها به صورت در لحظه و فراگیر، به سهولت در دسترس قرار بگیرد. طی سال‌های متمادی مسائلی که بعضاً ریشه‌های مشابهی داشته‌اند، اما به دلیل نداشتن تفکر کلان راهبردی، به صورت مجزا به آن پرداخته شده و از آنجهت که مدیریت دانش و تجربه حل مسئله به طور یکپارچه ایجاد نشده و راهکارها بهبود نیافته است. چنانچه در روند آینده مساجد ایده‌هایی که به حل مسئله می‌پردازد، به صورت منظم و حساب‌شده سامان یابد و امکان بهبود، ارتقاء و توسعه و رشد آن فراهم شود و همه‌ی متولیان مساجد به سادگی بتوانند از بهترین تجربیات و نوآورانه‌ترین پیشنهادها و به صورت برخط بهره‌گیری کنند، قطعاً اتفاقی بزرگ در عرصه‌ی اداره‌ی مسجد به شیوه‌های نوین رخ می‌داد و مسائلی که در نگاه اول بسیار پیچیده و پرابهام بده، به سهولت و با سرعت فراوانی مرتفع می‌شود و سرمایه اجتماعی مساجد توسعه می‌یابد. بنابراین ضرورت دارد تا سازوکاری مناسب برای ارائه‌ی پیشنهادهای منطقی در راستای یاری رساندن به مساجد و حل معضلات آن‌ها طراحی شود و براساس صورتبندی دقیق

مسائل و اولویت بندی آن‌ها، به ارائه‌ی راه‌حل‌های متناسب بپردازد و با ایجاد یک محیط رقابتی که قابلیت ارزیابی ایده‌ها را داشته باشد، به جوانان برای اجرای ایده‌ها میدان عمل بدهد و بهترین‌ها ایده‌ها به طور فراگیر اما اقتضایی معرفی کند.

تعامل مسجد و نظام سیاسی

در مورد تعامل مسجد و نظام سیاسی پیوند مباحث اجتماعی و فرهنگی با حوزه‌ی سیاست به وضوح قابل مشاهده است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که تاریخ معاصر ایران، شاهد پنج حرکت بارز اجتماعی و سیاسی بوده است: قیام تنباکو، انقلاب مشروطه، جنبش ملی کردن صنعت نفت، قیام پانزده خرداد و بالاخره انقلاب اسلامی و این نهضت‌ها در دو ویژگی «مردمی و دینی بودن» مشترک هستند. حضور فراگیر مردم و نقش آفرینی مراجع و علما و جهره‌های مذهبی در لوای رهبری جنبش‌ها، مشخصه‌های بارز این حرکت‌ها در تاریخ معاصر ایران است (جلیلی، ۱۳۶۴: ۲۴۳). نقش مساجد در این حرکت‌ها و تحولات اجتماعی و فرهنگی، در روایت‌های تاریخی از رخدادها و حوادث آن ایام، به خوبی قابل ملاحظه است. در این رخدادها به کارکردهای مختلف مسجد در کنار کارکرد عبادی آن تمرکز بوده و به نقش آفرینی حداکثری مساجد توجه شده است. در این راستا مسجد به عنوان یک پایگاه اجتماعی برای ارتباطات، ایجاد هم‌افزایی و حل مسائل عمومی جامعه به شمار آمده و رویکرد حداقلی به مسجد و اینکه خارج از زیست بوم اجتماعی و فرهنگی جامعه فرض شود، به طوری که ساخته‌ی جدا بافته از زمینه و بافت اجتماع تلقی شود، به هیچ وجه مطرح نبوده است و نقطه‌ی کانونی مبارزات، تجمعات و بستر برنامه‌ریزی‌های آتی آحاد جامعه به رهبری علمای دین بوده است. در واقع مسجد بخش مهمی از این زیست بوم به شمار می‌آید که حیات اجتماعی آحاد جامعه وابسته به آن است.

تعامل مسجد و نظام اقتصادی

در زمینه‌ی تعامل مسجد و نظام اقتصادی شاید در نگاه اول ورود مساجد به بحث تولید و یا ایجاد بازار مصرف باشد، اما به نظر این رویکرد موجب تغییر کارکرد اصلی مسجد و قرار دادن آن در رقابت با بازار شود. در طی سال‌های متمادی مسجد نقطه تلاقی دینداری و معیشت مردم و در واقع نماد تعیین یافتگی نهاد دین در یک مختصات جغرافیایی بوده که نمایانگر پیوند ناگسستنی نهاد اقتصاد و نهاد دین جامعه بوده است. در بررسی

تاریخی نقش مسجد در حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی، آن را می‌توان به مثابه‌ی یک عرصه‌ی عمومی تلقی کرد که به تبلور اراده‌های امت در واکنش به هر آنچیزی است که در جامعه رخ می‌داده و بر نحوه‌ی زندگی و تعامل آحاد اجتماع تأثیرگذار بوده است و هر چه از تسلط سازمان‌های بروکراتیک بر امور مساجد فاصله می‌گیریم، متوجه اهمیت کانونی مساجد در بسیج سرمایه‌های اجتماعی و ایجاد حرکت‌های مردمی، خواهیم شد.

در این مطالعات مسجد پایگاهی تلقی می‌شود که استقلال آن توسط اصناف، تجار و کسبه، صیانت می‌شود. مسجد و بازار ساختارهایی هستند که تعامل آن‌ها شیوه‌ی زندگی، باورها و ارزش‌های عمومی را نمایندگی می‌کنند و هرچه این دو حامی و همراه یکدیگر باشند، خدمات متقابل فراوانی ایجاد کرده و تصدی امور اجتماعی را تا حد زیادی به مردم منتقل می‌کنند، مردمی که با ایمان به حیات اخروی، به تلاش‌های دنیوی خود جهت می‌دهند و از خدمات دین در هدایت کسب و کار خود و دستیابی به سعادت واقعی بهره می‌برند و از سویی به منظور تداوم و گسترش این نگاه معنوی، بخشی از منافع حاصله را به توسعه‌ی ساختارهای دینی در جامعه اختصاص می‌دهند. این دورویکرد پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز در زمان حال، طرفدارانی دارد که با رویکرد خاص خود به فعالیت‌های مسجد، شکل می‌دهند. مساجدی که منشأ بسیاری از جریان‌های فکری و حرکت‌های اجتماعی بوده است مبتنی بر رویکرد حداکثری اداره می‌شده‌اند و تعامل سازنده‌ی مسجد و بازار در آن جریانات به خوبی قابل ملاحظه است.

از سویی بازار به دلیل آن که محلی برای تبادل کالاها و معانی نهفته‌ی در آن‌ها است و نیز تولید و مصرف، توأمان در بستر فرهنگی جامعه رخ می‌دهد، ارتباطات تجاری بر اساس زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. زیست بوم کسب و کار به مثابه‌ی سازوکاری فرهنگ‌گرا و بر مبنای شیوه‌ی زندگی ملل عمل می‌کند که بر اساس علاقه و ذائقه‌ی مشتریان ایجاد و گسترش می‌یابد و البته شرکت‌ها نیز در طول زمان به این علایق جهت می‌دهند. فضای فرهنگی و اجتماعی بستر ارائه‌ی اطلاعات و مواجهه‌هایی است که اسباب «انتخاب» و در نتیجه، اقدام متناسب با آن را می‌سازد. همچنین در بحث شکل‌گیری ذائقه مردم به عنوان مصرف کنندگان، نقش کسب و کارها به شدت مورد توجه است. بنابراین بازار و رخداد‌های فرهنگی و اجتماعی به یکدیگر وابسته‌اند.

در مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که کاسبان متدین همواره دین خود را به نهاد مسجد ادا می‌کردند. اتحاد و پیوند فراگیر مسجد و بازار در سال‌های پایانی حکومت قاجار، سبب شد که اعتراضات مردمی در خصوص اوضاع نابسامان مملکت، شکلی منسجم بیابد و ملت در مسیر جستجوی شناخت راه‌هایی برای رهایی از این وضعیت، قرار بگیرند. در این دوران مسجد جایگاه حضور پررنگ مردم و به مثابه‌ی ساختاری عمل می‌کرد که نهاد دین با محوریت روحانیت، نه تنها به حرکت‌های اجتماعی جهت می‌داد بلکه صدای مردم را در برابر استبداد، نمایندگی می‌نمود. بازار به عنوان منبع تأمین نیازهای عمومی، با مسجد و روحانیت تعامل دوسویه داشته و پشتوانه‌ی اقتصادی مسجد محسوب می‌شده است به نحوی که استقلال آن از منابع حکومتی و خارجی حفظ گردد. این ارتباط وثیق میان زیست بوم کسب و کار و دینداری، سبب ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی بسیار متراکمی شده بود که در ۲۱ آذر ۱۲۸۴ و پس از انتشار خبر فلک کردن دو تاجر خوشنام بازار تهران توسط علاءالدوله حاکم تهران به بهانه‌ی افزایش قیمت قند و شکر و رفتار توهین آمیز نوز بلژیکی رئیس گمرکات ایران (کسروی، ۱۳۶۳: ۵۴)، صاحبان کسب و کار، مغازه‌ها و کارگاه‌ها را تعطیل کردند و در مسجد بازار گرد آمدند.

از مهمترین جریان‌ها و کانون‌های تأثیرگذار و هویت‌بخش به نهضت مشروطه، روحانیت و مراجع بودند که از نفوذ و جایگاه سیاسی قابل توجهی برخوردار بودند و مساجد پایگاه شکل‌گیری. همچنین بازاریان، تجار و بازرگانان، گروه دیگری محسوب می‌شوند که در حرکت شتابان نهضت مشروطه، اثرگذار بودند. بازاریان که از اوضاع اقتصادی نارضایتی داشتند و از سویی با داشتن شبکه‌ی ارتباطی عمیقی با علماء، در جریان شکل‌گیری و تداوم جنبش مشروطیت نقش بسیار مهمی داشتند.

رابطه‌ی مسجد و بازار در شکل‌گیری نهضت مشروطه بسیار مهمی تلقی می‌شود. اعتبار روحانیت و حمایت بازاریان، دو بال حرکت به سوی آزادی بود. اما شبکه‌ی ارتباطی این دو که در اثر اعتماد و احترام متقابل شکل گرفته بود، موضوعی است که سبب شد مسجد به عنوان محور مبارزات علیه طاغوت شناخته شود. در این راستا، نقش مساجد بازار در سرعت بخشیدن به این جریان، مهم ارزیابی می‌شود. باهنر بیان می‌کند که یکی از ویژگی‌های مهم بازار این بود که از خلال ارتباطات مذهبی، به عنوان یک کانال واسطه‌ی

ارتباطی با سایر رسانه‌های سنتی دینی همانند مساجد، حوزه‌های علمیه و جمعیت‌های اسلامی عمل می‌کرد. همچنین بازار در انجام فعالیت‌های اجتماعی، از سازمان‌های سیاسی و دینی حمایت مالی می‌نمود (باهنر، ۱۳۸۷: ۵۹) و این ارتباط سبب انقطاع مساجد و نظام دینی از منابع مالی حکومتی می‌شد و در نتیجه‌ی این استقلال و اداره‌ی مردم محور مساجد، این پایگاه مهم دینی، مرکز حضور و پیوند میان مردم و منشأ تحولات جامعه گردید.

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لاقلاً سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خود فروخته‌ی رژیم طاغوت شد. در دوره‌ی مشروطیت هم همین‌طور بوده است؛ در دوره‌ی ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسأله، به حدّ اعلی رسید (۱۳۷۵/۱۰/۱۹، بیانات در دیدار مردم قم)، اما در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، به تدریج تعامل مساجد، نظام اقتصادی و بازار روز به روز کاهش یافت و یکی از مشکلات جدی این روزهای مساجد، عدم تأمین نیازهای ضروری و کاهش حمایت‌های مالی آن‌ها است. یکی از راه‌های تأمین مالی مساجد، مشارکت‌های مردمی است که عمده‌تاً بخش اندکی از نیازهای مالی مساجد را مرتفع می‌سازد. مسیر دیگر مشارکت‌های مالی کسب و کارها و شرکت‌هایی است که می‌خواهند دین خود را به نهاد دین و مسجد ادا کنند. چنانچه مسیر دوم در آینده‌ی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار نگیرد و سازوکاری مطمئن برای آن در نظر گرفته نشود، مسئله اقتصادی به مشکل اول مساجد تبدیل می‌شود و ممکن است تصور غلط از تعامل مسجد و اقتصاد به ایجاد بازارهایی موازی بازار خارج از مسجد بیانجامد و برنامه‌های مسجد در مسیر انحراف از اهداف اصلی مسجد که ترویج اخلاق و معنویت و تمرکز بر اصلاح سبک زندگی، شکل بگیرد.

از آن جهت که پشتوانه‌های اقتصادی و درآمدهای پایدار غیردولتی، عامل استحکام و امنیت فعالیت‌های متعدد مساجد است و متأسفانه با سیاست‌های غلط، این دستاورد مهم به آرزویی برای دغدغه‌مندان فرهنگ دینی تبدیل شده و شکایت از ضعف مالی برای فعالیت‌های فرهنگی مساجد و نبود منابع کافی حتی برای مصارف

جاری، موضوعی است که در اکثر مساجد کشور شاهد آن هستیم. داشتن نظام اقتصادی پایدار مبتنی بر مسئولیت‌پذیری بخش خصوصی و مشارکت‌های مردمی، نیازمند فرهنگ‌سازی در این زمینه با رویکردی جدید و کارآمد است. در این مجال به دنبال یافتن راه‌حلی مطمئن برای دست یافتن به این مهم هستیم که در قالب ایده‌ی «مسئولیت‌پذیری فرهنگی در قبال مساجد» تبیین می‌گردد.

کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی در بستر فرهنگ جامعه و اعتماد عمومی به کسب منفعت می‌پردازند و ضمناً تولیدات، محصولات و خدمات آن‌ها، بعضاً آثار جانبی مخربی نیز بر جنبه‌های فرهنگی به جای می‌گذارد، بنابراین واحدهای اقتصادی نه تنها منافع حاصله و تداوم حیات خود را مدیون فرهنگ هستند، بلکه ضامن نتایج فعالیت‌های خود بر این عرصه نیز هستند و باید مسئولیت‌پذیری فرهنگی در این خصوص داشته باشند. با این فرض دقیق که مساجد دارای کارکردهای فرهنگی و اجتماعی متعددی هستند و باید به عنوان نقطه‌ی کانونی تأثیرگذاری‌های فرهنگی مورد توجه قرار بگیرند، پس لازم است که کلیه‌ی کسب و کارها مسئولیت‌پذیری خود را با تمرکز بر فعالیت‌های فرهنگی مسجد محور تعریف کنند و نسبت به تأمین منابع مالی مساجد در چهارچوبی نظام‌مند اقدام کنند.

تحلیل مسئله‌ی بحران مخاطب در لایه‌ی گفتمانی

کلیه‌ی کارکردهای مسجد براساس حضور مؤمنین و مشارکت آن‌ها شکل می‌گیرد و مسجد بدون نمازگزار، هرچند دارای زیرساخت‌ها و امکانات وسیعی باشد، اما فاقد اثر و کارکرد متعالی در جامعه است. برخی از مفسران در تفسیر آیه کریمه ۱۸ سوره‌ی مبارکه‌ی توبه به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ که معنای (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ)، عمران ظاهری نیست بلکه این واژه بر عمران معنوی نیز دلالت دارد که همان آباد نگاه‌داشتن مساجد و حضور نمازگزاران در مساجد برای ادای نماز و کارهای سودمند است؛ چنان که میبیدی در تفسیرش گفته است: «عمارت مسجد، وارد شدن و نشستن در آن است و به قولی، بالا بردن بنای مسجد و نیکو کردن آن و به قولی عمارت مسجد، عبادت کردن، نماز خواندن و طواف در آن است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۳۳). در تفسیر نمونه نیز ذیل این آیه چنین آمده که آیه مفهوم وسیعی دارد و همه امور را شامل می‌شود (مکارم

شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۳۷۸). زمخشری نیز پس از نقل هر دو نظر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که خدا فرمود: «إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدَ، وَأَنْ زَوَّارِي فِيهَا عُمَّالُهَا؛ مساجد، خانه‌های من در زمین هستند و در میان آبادکنندگان مساجد، همانا ملاقات کنندگان من قرار دارند (رضایی، ۱۳۸۲: ۳۴). امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمودند: «چون خداوند تبارک و تعالی ببیند که اهل یک آبادی (شهر یا روستا) در نافرمانی او زیاده‌روی کرده‌اند، ولی در میان آنان سه تن مسلمان (واقعی) است، خطاب فرماید: «ای گناه‌کاران و کسانی که از فرمان‌های من سر برتافته‌اید! اگر در میان شما مؤمنانی نبودند که با یکدیگر مهربان‌اند و با نمازگزاردنشان، زمین و مساجد مرا آباد می‌گردانند، و در سحرگاهان استغفار می‌کنند، عذابم را بر شما فرود می‌آوردم (بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۰). مرحوم نوری در ذیل حدیث مزبور می‌نویسد: «حدیث در این معنا صراحت دارد که مراد از عمران مساجد، دایر نگاه داشتن آنها به وسیله نماز، دعا، یاد خدا، تلاوت قرآن و جز اینهاست، نه تعمیر و ترمیم سقف و دیوار آن (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۹۲).

عمران و آبادانی مساجد در تصور غالب افراد جامعه بیشتر مربوط به جنبه‌ی کالبدی مسجد است و گفتمان رایج در زمینه‌ی «مسجدسازی» به ظاهر فیزیکی و ساخت بنای مسجد متمرکز است و به موضوع مسجد کمتر با نگاه انسان‌سازی توجه شده است. در تقریر ائمه‌ی اطهار و روایات معصومین به وضوح مشخص است که مسجد را محلی برای رشد و سعادت آحاد بشریت معرفی می‌کند. دال مرکزی گفتمان «مسجد انسان‌ساز»، تأثیر مثبت مسجد بر انگیزه‌ها، اندیشه‌ها و رفتارهای مؤمنین در تداوم عینی زندگی‌شان است. هویت اصیل یک فرد مسجدی، متخلق بودن به اخلاق اسلامی است، آنچه که او را از سایرین متمایز می‌کند و مسئولیت او را فراتر از رعایت احکام فقهی نماز می‌داند. فرد مسجدی در این گفتمان، گمشده‌ی خود را در مسجد می‌یابد و برای شناخت آن فرصت بیشتری می‌خواهد و «بودن خود» را در فضای معناگرا و ارتباطی مسجد تجربه می‌کند و آن را در فرایندهای ارتباطی با خود، دیگر مؤمنان و در ارتباط با ذات مقدس الهی جستجو می‌کند.

این در حالیست که امروزه مساجد به شدت با کاهش جمعیت نمازگزاران و خصوصاً جوانان و نوجوانان مواجه و دچار بحران مخاطب است. مخاطبانی که نه برای ظاهر و سیمای مسجد بلکه در تکاپوی یافتن معنای هستی خود و زندگی به مسجد

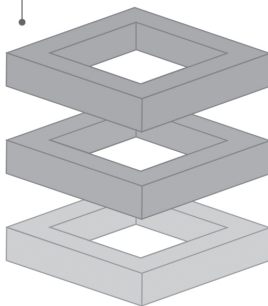
مراجعه می‌کنند و چه بسا ابزارهای تجملی و غیرضروری مساجد و حتی برخی برنامه‌های نامتناسب با ساختار مسجد، عوامل مزاحم در ایجاد چنین ارتباطی محسوب شوند. در گفتمان «مسجد انسان‌ساز»، نمازگزاران فارغ از هرگونه نشانه‌های کالبدی مسجد، هریک هستی و بودن خود را در آئینه‌ی بودن دیگر نمازگزاران حس می‌کند و اقتضای چنین رویکردی ضرورت ارتباطات نمازگزاران با معانی ذهنی یکدیگر است که به نوعی تناسب و شباهت در بنیان‌های انسانی آن‌ها ایجاد می‌گردد. در واقع تلاش می‌شود تا بر نحوه‌ی حضور نمازگزار در عالم امکان با تمرکز بر وجه «بودن خویش» در ارتباط با معنای بودن دیگر مؤمنان و ولی ایشان، تمرکز شود و با این نگاه هر مسجد به صرف داشتن جماعت نمازگزارانی که در این نظام معنایی زیست می‌کنند، مسجد اسلامی و انسان‌ساز است، خواه دارای معماری و نقوش اسلیمی بر دیواره‌هایش باشد و در برگیرنده‌ی همه‌ی لوازم کالبد مسجد باشد و خواه یک محیط ساده و بی‌آلایش، اصل اساسی در این نگاه تلاش برای یافتن معنا و حقیقت هستی در ارتباط با مؤمنین است.

۳. تحلیل گفتمانی

❖ بررسی مسئله پیران مخاطب در مسجد با تمرکز بر حضور قشر جوان و نوجوان؛ ضرورت تغییر گفتمان از «مسجدسازی» به «مسجد انسان‌ساز» و حرکت از کالبد مسجد به ایجاد روح ارتباط معنایی در مسجد به نحوی که هریک هستی و بودن خود را در آئینه‌ی بودن دیگر نمازگزاران ببیند.

۱. وضعیت شناسی

❖ بررسی آمار و داده‌های موجود در زمینه مساجد کشور، میزان فعالیت و سرانه پراساس افراد، بررسی قوانین و مقررات (ناظر به پژوهش وضعیت شناسی) و دستگاه‌های مرتبط با مسجد



۲. نظامات جامعه

❖ تعامل مسجد و نظام فرهنگی، تعامل مسجد و نظام اجتماعی، تعامل مسجد و نظام سیاسی و تعامل مسجد و نظام اقتصادی

منابع

- اریک برنز، میشل فوکو، ترجمه بابک احمدی، تهران، کهکشان، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۴۴.
- امینی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب، تهران: نشر اطلاعات، چاپ دوم
- بشیر، حسن؛ تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴، چاپ چهارم، ص ۱۰-۹.
- پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم، ۱۳۹۴.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- دایان مک، «مقدمه ای بر نظریه های گفتمان» (۱) ترجمه حسینعلی نودری، فصلنامه گفتمان، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۷، ص ۳۰.
- رضایی، علی (۱۳۸۲). جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، تهران: ثقلین.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه بهرام پور و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۷). ایران آینده؛ به سوی الگویی مردم شناختی برای ابر قدرتی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- قدیری، روح‌اله (۱۳۸۴)، شناسایی و دسته بندی متغیرهای مرتبط با آینده نگاری علم و تکنولوژی، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت تکنولوژی، استاد راهنما: سید حبیب الله طباطباییان، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی.
- کرباسیان، قاسم، تحلیل گفتمان، تارنمای پژوهشکده باقرالعلوم، شماره مطلب ۳۵۷۹۲
- ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵)، الفبای آینده پژوهی، اندیشکده آصف، چاپ اول.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۰). فضاهای فرهنگی ایران، آمارنامه محصولات فرهنگی، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ون دایک، تئون ای؛ مطالعاتی در تحلیل گفتمان، تژامیر فخرایی و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۱۵
- Alen Bernard & Jonatan Spencer, Encyclopedia of Social and Cultural (۱۹۹۶, Antropology, First published (London & New York Routledge ۱۶۳-۱۶۲.pp,
- .Adam Jaworski, & Nikolas Coupland, The Discourse Reader. Routledge. ۱۹۹۹. P. ۳.
- Sohail Inayatullah, "Deconstructing and Reconstructing the Future: Predictive, Cultural and Critical Epistemologies," Futures, Vol ۲۲, No. ۲, ۱۹۹۰ March ۱۱۵-۱۴۱.
- Sohail Inayatullah, "From Who am I to When am I?: Framing the Time and Shape of the Future," Futures, Vol ۲۵, No. ۳, April, ۱۹۹۳ ۲۳۵-۲۵۳.
- Sohail Inayatullah, "Causal Layered Analysis poststructuralism as method," Futures, Vol ۳۸, No. ۶, ۲۰۰۶.
- Judith A. LEWIS, "Farewell to motherhood and apple pie: Families in the postmodern era," The family journal ۳۷(۱); ۱۹۹۳.
- Philip L. Klibride, "African polygyny: Family values and contemporary changes," Applying anthropology ۲۹: ۱۹۹۶.
- Dortier Francais, "Paranoma, A Families Histoire, Methamorphose," ۲۰۰۲, Colition: Suerice Humaines.
- Henry Louis. The Norton Anthology of African American Literature. W.W. Norton & Company, Inc ۲۰۰۴.

